

این چند جلد کتاب
علوم غریبه را از آقای
شیخ رجبعلی خیاط ابتیاع گردید
عبدالحسین

جدول اهل تحقیق

کتاب در التنظیم

جدول اهل تحقیق وقسمت بطالع کواکب وطبایع

کواکب	نار	هوا	ماء	تراب
زحل	ا	ب	ج	د
مشتری	ه	و	ز	ح
مریخ	ط	ی	ک	ل
شمس	م	ن	س	ع
زهره	ف	ص	ق	ر
عطارد	ش	ت	ث	خ
قمر	ذ	ض	ظ	غ

جدول اهل تکسیر وقسمت بطالع کواکب وطبایع

کواکب	نار	هوا	ماء	تراب
زحل	ا	ج	ه	ب
مشتری	و	ز	ی	د
مریخ	ی	ک	ش	خ
شمس	ل	س	ث	ظ
زهره	م	ف	ذ	غ
عطارد	ن	ت	ص	ض
قمر	ع	ح	ط	ق

جدول عرب وقسمت بطالع کواکب وطبایع

کواکب	نار	هوا	ماء	تراب
زحل	غ	ش	ن	د
مشتری	ض	ق	ل	ه
مریخ	خ	ف	ی	ج
شمس	ت	س	ح	ا
زهره	ظ	د	م	و
عطارد	ذ	ص	ی	ک
قمر	ث	ع	ط	ب

جدول حکما وعلماء وقسمت بطالع کواکب وطبایع

کواکب	نار	هوا	ماء	تراب
زحل	ا	ق	س	ج
مشتری	ع	ی	ل	م
مریخ	ه	ص	ر	ز
شمس	ط	غ	ث	ب
زهره	ح	ظ	ن	خ
عطارد	ف	ک	ه	ت
قمر	ش	ض	[illegible]	[illegible]

تحقیق

۱

نسخہ سر اللہ

ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی	ک	ل	م	ن
اللہ	باقی	جامع	دیّان	هادی	ولی	زکی	حق	طاهر	یسین	کافی	لطیف	ملک	نور
۶۶	۱۱۳	۱۱۴	۶۵	۲۰	۴۶	۳۷	۱۰۸	۲۱۵	۲۰۰	۱۱۱	۱۲۹	۹۰	۲۵۶

س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
سمیع	علی	فتاح	صمد	قادر	ربّ	شفیع	توّاب	ثابت	خالق	ذاکر	ضارّ	ظاهر	غفور
۱۸۰	۱۱۰	۴۸۹	۱۳۴	۳۰۵	۲۰۲	۴۶۰	۴۰۹	۹۰۳	۷۳۱	۹۲۱	۱۰۰۱	۱۱۰۶	۱۲۸۶

جدول اهل تحقیق وقسمت بطالع کواکب وطبایع

کواکب	نار	هواء	ماء	تراب
زحل	ا	ب	ج	د
مشتری	ه	و	ز	ح
مریخ	ط	ی	ک	ل
شمس	م	ن	س	ع
زهره	ف	ص	ق	ر
عطارد	ش	ت	ث	خ
قمر	ذ	ض	ظ	غ

جدول اهل تکسیر وقسمت بطالع کواکب وطبایع

کواکب	نار	هواء	ماء	تراب
زحل	ا	ج	ه	ب
مشتری	و	ز	ر	د
مریخ	ی	ک	ش	ح
شمس	ل	س	ث	ظ
زهره	م	ف	ذ	غ
عطارد	ن	ت	ص	ض
قمر	ع	خ	ط	ق

جدول عرب وقسمت بطالع کواکب وطبایع

کواکب	نار	هواء	ماء	تراب
زحل	غ	ش	ن	د
مشتری	ض	ق	ل	ه
مریخ	خ	ف	ی	ج
شمس	ت	س	ح	ا
زهره	ظ	ز	م	و
عطارد	ذ	ص	ر	ک
قمر	ث	ع	ط	ب

جدول حکما وعلما وقسمت بطالع کواکب وطبایع

کواکب	نار	هواء	ماء	تراب
زحل	ا	ق	س	ج
مشتری	ع	ی	ل	م
مریخ	ه	ص	ر	ز
شمس	ط	غ	ث	ب
زهره	ح	ظ	ن	خ
عطارد	ف	ک	و	ت
قمر	ش	ض	د	ذ

بسم الله الرحمن الرحیم

فصل در قواعد قرائت سورهٔ یس مبارک است و بعضی از خواص ان که بعد
از استخاره از ارواح ائمه‌های دین که مستخرجان علم جفرند مرقوم رقم بندهٔ ضعیف
سعد الدین محمد المحمود کشته تا سالکان طریق الهی در اقدام این بمنتهای مراد خود
واصل شوند والله الموفق والمعین بدانکه سورهٔ یس را خواص بسیار است
حضرت رسول صلی الله علیه و اله او را قلب القران خوانده است واکثر علمای جفر
بر انند که اسم اعظم در این سوره است و مرویست که بعد از نماز بامداد یس را
بخواند بشرایط کفارهٔ هفتاد سالهٔ گناه صغیرهٔ او گردد و در ان روز نمیرد و اگر بمیرد
توفیق خواندن نیافته باشد و شرط خواندن این سوره انست که با طهارت و روی
بقبله باشد و در جای پاکیزه و لباس پاک و بحضور قلب بخواندن مشغول شود
و بدانکه در این سوره ۳ موضع محل اشاره است بمقاصد که چون در وقت
قرائت بدان محل رسد بصدق تمام و حضور دل مقصود بخواطر گذراند که بیشک
مراد وی حاصل شود و این مواضع را علمای این فن ظاهر ننوشته اند مگر برمز
وایما و اگر این اسرار را فاش کنند و خلایق بر این وقوف یابند کارهای عظیم را
پیش گرفته ماموری هیچ کسب و کار نشوند اشارهٔ اول واقع است در میان
دو کلمه که مجموع حروف هر دو بود ابواب بهشت است و کلمهٔ اول او چهار حرف است

هر یکی بعد

هر یکی بعد از دیگری تکرار یافته است و کلمهٔ دوّیم او غیر مکرّر است اگر چه حرف
اوّل از او در کلمهٔ اوّل تکرار یافته و حرف ثانیٔ او ثانی حرف اوّل از کلمهٔ اُولی است
در اَعداد و حرف ثالث او باز از حرف اوّل از کلمهٔ اولی است و مراتب ثانیه از
اَعداد جمل و حرف رابع مثل مجموع حرف اوّل و ثالث است والله اَعلم

یا بدیع ۴۲۴
اشارهٔ ثانی واقع است در سه کلمه که حروف مجموع این کلمات بود ابواب نیرانست
وحروف اوّل و سابع متماثلند چنانکه ثانی و سادس و ثالث و خامس و حرف رابع
مرکز است و او حرفیست که بازُبر و بیّنات مطابق اسم اعظم است که اسم ذات
عبارت از انست و او حرفیست که در و بته خاتم ولایت دارد و دایرهٔ حروف بدو
منتهی شود و از بیّنات او اخر باوّل پیوندد و علامت دیگر انست که اَعمل که
از وی اید وقت انضمام با کلمات از مغلوب وی همان حاصل اید بغیر دیادو کم

یا هو یا عظیم ۱۴۲
اشارهٔ ثالث واقع است در پنج کلمه که مجموع حروف این کلمات بود تمام ابواب
مذکور است یکی زیاده و حروف کلماتین که موقع اشارهٔ اوّل است بفیها بر ترتیب
کلمهٔ اولی و ثانیه غیر مُرتّب در این کلمات مُندرج است و عدد نقطات که در این کلمات نشست
جمیع جهات را احاطه نموده نصف فوقانی و نصف تحتانی و ظاهر است که اسماء حسنای
الهی در ایشان جلوه مینماید یکی در اوّل و دُو دیگر اخر تسطیر وی دو اسم باتّفاق جمهور
علماء اندراج یافته که اسم اعظم است و اسامیٔ دیگر از ایشان استنباط میتوان نمود که
بعضی از ان مثل البارئ و المؤمن و الحلیم است و باقی علی هذا القیاس
و زیاده از این فن افشای این راز نکرده اند و تجویز نفرموده اند و از این روش ترکیبی

تا غایت بیان نکرده با وجود اینکه هنوز از تصریح دور است وهم بر دل این بیچاره مستولی است

ایفرزند عزیز اگر نه علت قابلیت تو باعث گشته این راز دم بقلم پیوسته باید دل را

بصیقل اخلاص منور نموده تا حال این اسرار بر تو جلوه نماید والله المعین و

بعد از دانستن مواضع مذکوره هر چه خواهی از منافع و مضار بر حصول آن قدرت

یابی انشاء الله و از اکابر این فن مرویست که در این سورة هفت مبین است

دو را در حساب نگیرند و آن عدو مبین است و خصیم مبین است و پنج دیگر را

از خنصر ای خود از دست راست ابتدا کنند و بهر لفظ مبین انگشتی عقد کرده بر ابهام

خم کنند و در گشودن از ابهام عقد بگشاید پس از خنصر اسپس از وسطی پس آن بنصر

و بر مسبحه خم نماید و در گشودن فاتحه و آیة الکرسی بخواند و گفته اند که بعد از

قرائت یٓس مبارك این کلمات را بخواند که سریع الاجابة است سُبحَانَ المُفَرِّجُ

عَن کُلِّ مَحزُونٍ سُبحَانَ المُنَفِّسُ عَن کُلِّ مَدیُونٍ سُبحَانَ مَن جَعَلَ خَزائِنَ عِلمِهِ

وَقُدرَتِهِ بَینَ الکَافِ وَالنُّونَ اِنَّمَا اَمرُهُ اِذا اَرادَ شَیئًا اَن یَقُولَ لَهُ کُن فَیَکُونُ

فَسُبحَانَ الَّذِی بِیَدِهٖ مَلَکُوتُ کُلِّ شَیئٍ وَاِلَیهِ تُرجَعُونَ و سه بار بگوید

یَا مُفَرِّجُ اَللّٰهُمَّ فَرِّج بِرَحمَتِكَ یَا اَرحَمَ الرَّاحِمِینَ فصل طریق دیگر

بدانکه چون کسی بجهت حاجت سورة کریمهٔ یٓس را بدین طریق بخواند البتّه

انجاحت بر آید باید که در اوّل دو رکعت نماز حاجت بگذارد و جبه بقبله نموده

صد مرتبه صلوات بفرستد و یٓس مبارك را بخواند تا آخر و در میان با کسی سخن

نگوید و در این سورة سه وقف لازم است و هفت مبین بهر یکی که برسد انگشتی

عقد کند

ختم آیة الکرسی

۵

عقد کند و عقود عشره را بوقف عشره آیة الکرسی بخواند تا آخر که وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ
باشد و چون بایة سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبٍّ رَحِيمٍ برسد که اسم اعظم در او مندرج است
و این ایة چهارده حرف است توقف کند و حاجت خود را در دل بگذراند و ۱۴ بار
بگوید یَا اللهُ یَا رَبَّ الْعَالَمِينَ یَا حَيُّ یَا قَيُّومُ این چهار کلمه را اسم اعظم گفته اند
و چون سوره را تمام کند اختتام بطریقی که ذکر کرده شد بخواند و این فقیر نامراد را
بدعای خیر یاد کند باب دیگر چون خواهند که دعوت سوره یٰس مبارک را
آرند و نتوانند که بسیار بخوانند در هر روزی یکبار بخوانند اما در هر مُبین
بایستد و سوره فاتحه را تا بـ نستعین بخواند و بایستد و مطلوب را در دل
خود بگذراند و فاتحه را تمام بخواند و در سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبٍّ رَحِيمٍ و بعد از
اختلاف مختار شانزده نوبت است و در هر مبین انگشتی فرو گیرند و چون سوره
شریفه را تمام کند هفت بار سوره فاتحه را بخواند و بهر نوبت انگشتی بگشاید
و در فاتحهٔ آخر بعد از کلمهٔ نستعین سه مرتبه سوره اخلاص را بخواند و
دعا کند و فاتحه را تمام کند البته مستجاب گردد و اهل کشف بر تحقیق این مبالغه نموده
اند البته موثر است والله اعلم بالصواب والیه المرجع والمآب

والسلام تمت

۲۹۰
از جملهٔ ختوم معتبره مجربه ختم آیة الکرسی است اما وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ بعد لفظ کرسی که
است بخوانند و بزرگان و اکابر گفته اند که اگر کسی بعد نماز خود بخواند ابواب فتوحات
بر روی او گشاده میشود و سعادت بار میاورد و فقر و فاقه از وی دور میگردد

واز برای تحبیب شرعی اگر بعد اسم طالب و مطلوب خوانده شود اثر عجیب دارد و
در کتب علماء اثنا عشریه و در بعضی از تفاسیر تشیع وارد شده است که در آیهٔ شریفهٔ
مبارکهٔ آیة الکرسی ده وقف است هرکه در وقت خواندن وقف را بعمل آورد بعد
ازان دعا کند انشاء الله تعالی دعای او مستجاب است و هر مطلبی که از خداوند قادر مختار
بخواهد بسبب حرمت و برکت این آیهٔ شریفه میسر و محصل گردد وقاعدهٔ وقف اینست
که ابتداء از انگشت کوچک دست راست کند که او را خنصر گویند و بهر وقفی انگشتی عقد
کند و ختم بانگشت ابهام دست چپ کند و در میان دو عین یَشْفَعُ عِنْدَهُ هرچه
بخواهد از عمل خیر طلب کند و در میان دو میم یَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ آید انچه دفع شر باشد
طلب نماید وچون ده عقد تمام شود سه بار سورهٔ اَلَمْ نَشْرَحْ و سه بار قُلْ هُوَ
اللهُ اَحَدٌ را و سه بار صلوات بفرستد و بعد ده مرتبه سورهٔ حمد را بخواند و بعد
از اتمام سورهٔ حمد یک انگشتی از انگشتان معقوده را واکند و در باز نمودن انگشتان ابتدا
کند از انگست ابهام دست چپ تا انگشت خنصر دست راست که از او عقد کرده بود
و بعد از فتح همهٔ انگشتان نظر بسوی آسمان کند و بد مد و حاجت خود را بخواهد ودر
بعضی از نسخ چنین وارد شده است که بعد از اتمام عقد ها سورهٔ الم نشرح وقل
هو الله و سه بار صلوات بخواند و نظر بسوی آسمان کند و بد مد و حاجت بخواهد و بعد
ازان ابتداء فتح از ابهام دست چپ نماید و در این متعرض نشده که وقت کشادن
انگشتان فاتحه بخواند واگر عمل بهر دو طریق نماید بهتر خواهد بود و در بعضی از
کتابها طریقهٔ اول را تا چهل روز ذکر کرده اند و گفته اند که مداومت باین طریق تا چهل روز
از جهت قضای

از جهت قضاء حوائج تخلف ندارد وقف باین طریق است وقف اوّل اینست

اللّهُ لا اِلهَ اِلّا هُوَ دویم اَلحَیُّ القَیّومُ سیم لا تَأخُذُهُ سِنَةٌ وَلا نَومٌ

چهارم لَهُ ما فِی السَّمواتِ وَما فِی الارضِ پنجم مَن ذَا الَّذی یَشفَعُ عِندَهُ

اِلّا بِاِذنِهِ ششم یَعلَمُ ما بَینَ اَیدیهِم وَما خَلفَهُم هفتم

وَلا یُحیطُونَ بِشَیءٍ مِن عِلمِهِ اِلّا بِما شاءَ هشتم وَسِعَ کُرسِیُّهُ

السَّمواتِ وَالارضَ نهم وَلا یَؤُدُهُ حِفظُهُما دهم

وَهُوَ العَلِیُّ العَظیمُ

١٤
٤
٥٦
١٤
٢٢٤
٥٦
٧٨٤

١٤
١٤
٥٦
١٤
١٩٦
٧٨٤

٥٩٩٥
٤
٢٣٩٨٠
١٤
٩٥٩٢٠
٢٣٩٨
٣٣٥٧٢٠

٥٩٩٥
٥٦
٣٥٩٧٠
٢٩٩٧٥
٣٣٥٧٢٠

٥٩٩٥
٢
١١٩٩٠
٢٨
٩٥٩٢٠
٢٣٩٨
٣٣٥٧٢٠

١١٩٩
٥
٥٩٩٥

٥٤٥
١١
٥٤٥
٥٤٥
٥٩٩٥

٣٠٥٢٠
١١
٣٠٥٢
٣٠٥٢
٣٣٥٧٢٠

٢٨
١١٩٩٠
٢٨
٩٥٩٢٠
٢٣٩٨
٣٣٥٧٢٠

٣٣٥٧٢٠
٢٨
٥٥
٢٨
٢٧٧
٢٥٢
٢٥٢
٢٥٢
٠٠

١١٠
٣٠٥٢
١١٠
٣٠٥٢
٣٠٥٢
٣٣٥٧٢٠

٣٣٥٧٢٠
٣٣
٥٥
٥٥
٢٢
٢٢٠

٥٩٩٥
٥٩٩٥
٢٩٩٧٥
٥٣٩٥٥
٥٣٩٥٥
٢٩٩٧٥
٣٥٩٣٩٠٢٥

٦٩٣
٢٨
٥٥٤٤
١٣٨٦
١٩٤٠٤

٥٣٠٢
٢٨
٤٢٤١٦
١٠٦٠٤
١٤٨٤٥٦

٥٣٠٢
٢
١٠٦٠٤
٢٨
٨٤٨٣٢
٢١٢٠٨
٢٩٦٩٣٢

٦٩٣
٢
١٣٨٦
٢٨
١١٠٨٨
٢٧٧٢
٣٨٨٠٨

٣٠٥٢٠
١١
٣٠٥٢٠
٣٠٥٢٠
٣٣٥٧٢٠

۸

جست
بدانکه اسماء الله را بحروف ابجدی بسط داده اند واین اسماء در بسیاری از اعمال مندرج
وبهر اعمالی که خوانند وبکار دارند اثرهای عظیم دارد والله اعلم این است

ا	ب	ج	د	هـ	و	ز	ح	ط	ی	ك	ل	م	ن
یا الله	یا رحمن	یا رحیم	یا ملك	یا قدوس	یا سلام	یا مؤمن	یا مهیمن	یا عزیز	یا جبار	یا متکبر	یا خالق	یا باری	یا مصور
۶۶	۲۹۸	۲۵۸	۹۰	۱۷۰	۱۳۱	۱۳۷	۱۴۵	۹۴	۲۰۶	۶۶۲	۷۳۱	۲۱۴	۳۳۶
س	ع	ف	ص	ق	ر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
یا غفار	یا قهار	یا وهاب	یا رزاق	یا فتاح	یا علیم	یا قابض	یا باسط	یا حافظ	یا رافع	یا معز	یا مذل	یا سمیع	یا بصیر
۱۲۸۱	۳۰۶	۱۴	۳۰۸	۴۸۹	۱۵۰	۹۰۳	۷۲	۹۸۹	۳۵۱	۱۱۷	۷۷۰	۱۸۰	۳۰۲

اوّل باید بگیری هر حرفی را که در اسم مطلوب داشته باشی واسماء اعظم او را در تلاوت
در آوری که در سه شب میسّر گردد واین دعوت مجرّب وآزموده است مثال
خواستیم که خضر نبی را مسخّر گردانیم واسماء اعظم حروف اسم او را گرفته تلاوت نمائیم
بدین گونه تکسیر نمودیم تا زمام باز آمد خ ض ر ن ب ی
وملفوظی حروفات این است خا ضاد را نون با یا عدده
۱۷۲۲ واین عدد را بشش ضرب کردیم که حاصل شش سطر تکسیر بدست
آمد این است ۱۰۳۶۲ واسم اعظم را از روی این حروفات مطلوب بر دارند
خ ض ر ن ب ی از جدول مذکور بدین طریق یا رافعُ یا مُذِلُّ یا عَلیمُ یا مُصَوِّرُ
یا رَحمنُ یا جَبّارُ وسه شب متعاقب این اسماء را باین عدد هر شبی بخواند ۱۰۳۶۲
که بلاشك مقصودت حاصل است انشاالله بجهة تسخیر القلوب مثلا اسم شخصی که
ارادهٔ تسخیر او را داری حسین است وعدد حروف اسم حسین در جمل صغیر چنین است
ح س ی ن

خ	ض	ر	ن	ب	ی
ی	خ	ب	ض	ن	ر
ر	ی	ن	خ	ض	ب
ب	ر	ض	ی	خ	ن
ن	ب	خ	ر	ی	ض
ض	ن	ی	ب	ر	خ

۱۷۲۲
۶
۱۰۳۶۲

9

ح س ی ن واسمآء الٰهی بهمین عدد قرار میباید داد و هر حرفی را بدین عدد عنوان کیرد

ح حمید حبیب حلیم حکیم حامد حفیظ حی حافظ س سید سند

سمیع سریع سلام سامع ی یوه ن نور نافع ناعم ناصر نصیر

وکلماتش را بدین طریق باید خواند بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ بِحَاءِ

حِلْمِكَ يَاحَمِيدُ يَاحَبِيبُ يَاحَلِيمُ يَاحَكِيمُ يَاحَامِدُ يَاحَفِيظُ يَاحَيُّ يَاحَافِظُ اَنْ

تُسَخِّرَ لِي حُسَيْنِ ابْنِ فلان بِحَقِّ اَسْمَآئِكَ وَاَسْئَلُكَ بِسِينِ سَلْطَنَتِكَ يَاسَيِّدُ

يَاسَنَدُ يَاسَمِيعُ يَاسَرِيعُ يَاسَلَامُ يَاسَامِعُ اَنْ تُسَخِّرَ لِي قَلْبِ حُسَيْنِ ابن فلان بِحَقِّ

اَسْمَآئِكَ وَاَسْئَلُكَ بِيَاءِ قَيُّومِيَّتِكَ يَايُوهُ اَنْ تُسَخِّرَ لِي قَلْبِ حُسَيْنِ ابن فلان

بِحَقِّ اَسْمَآئِكَ وَاَسْئَلُكَ بِنُورِ نُورِكَ يَانُورُ يَانَافِعُ يَانَاعِمُ يَانَاصِرُ

يَانَصِيرُ اَنْ تُسَخِّرَ لِي قَلْبِ حُسَيْنِ ابن فلان بِحَقِّ اَسْمَآئِكَ يَااَللّٰهُ يَارَحْمٰنُ يَارَحِيمُ

يَااَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ واین کلمات را بعدد اسم آن شخص باید خواند و چهار روز

تکرار عمل کند زیرا که اسم آن شخص چهار حرف است و بعد از هر نماز باید خواند و بخور

لایق باید سوخت و عدد اسمآء را و عدد اسم طالب با مادرش و عدد اسم مطلوب با مادرش

جمع باید کرد و در مربع وفقی باید نهاد که با خود دارد که باندك وقتی مسخر شده است

والسلام

در نسخهٔ دیکر بنظر رسید این بیست و هشت اسم بزرکوار که مقابل ۲۸ حرف ابجد نوشته

شده است چنین نوشته بود که اکر خواهی سلاطین جن و انس را مسخر خود کردانی این

۲۸ اسم را ۲۹ مرتبه بخوان

مناجات فتحیه

۱۰

بجهة مسکن نمودن در شهری نسخه کشکول از بعضی ائمه منقولست که هر گاه اراده نمائی
در بلده یا شهری یا قریهٔ ساکن کردی پس حساب کن اسم مادر خود را و اسم خود را
و اسم آنجا را که میخواهی ساکن شوی و نام مادر شهرها که مکّهٔ معظّمه است بحساب
ابجد کبیر حساب کن و بعد از آن چهار چهار طرح کن اگر یک بماند مدار تو در آنجا بتعب
خواهد گذشت و رفتن از آنجا اولیست و اگر دو بماند مدار تو در آنجا متوسط خواهد گذشت
و اگر سه بماند رزق تو در آنجا فراوان و نفس تو در آن مطمئن و شادمان خواهد بود و
اگر چهار بماند سعادت تو در آنجا و دوست تو در آن انعام خواهد بود عدد م ک ه م ع ظ مه
۱۱۲۰

وَاللهُ أَعلَم والسّلام

مناجات فتحیّه روایت است با سند های صحیح از حضرت امیر المؤمنین و امام المتقین
اسد الله الغالب غالب کل غالب علی ابن ابیطالب علیه السّلام فرمود که روزی با حضرت
رسول صلّی الله علیه و آله نشسته بودم که ناگاه جبرئیل امین علیه السّلام از نزد
حضرت رب العالمین جلّ عزّه رسید با طبقی از نور و عرض کرد یا محمّد صلعم حقّت سلامت
میرساند و بعد از سلام و درود بسیار میفرماید که از برای تو هدیهٔ فرستادم که بهیچ
پیغمبری نفرستادم و این دعائیست که بمناجات فتحیّه موسوم گشته حضرت رسول از روی
ادب و تعظیم دستار از روی طبق برداشت نوری سبز ظاهر شد و شعله زدن گرفت
چنانچه عالم روشن شد جبرئیل ع عرض کرد یا محمّد صلعم اگر کسیرا مهمّ عظیمی پیش آید
که هیچکس نتواند حلّ کند باید که در شب جمعه غسل کند و جامهٔ پاک پوشد دو رکعت
نماز بگذارد و در رکعت اوّل یکبار الحمد را بخواند و قل یا ایّها الکافرون هفت بار بخواند

و در رکعت

ودر رکعت ثانی الحمد یکبار وسورهٔ توحید بیست بار بخواند چون از نماز فارغ شود
بر توکا محمد ص صد بار صلوات بفرستد آنکه سجده کند ودر سجود این دعا را بخواند
ومناجات بحضرت باری تعالی وتقدس عرضه دارد که اگر همهٔ عالم را آب گیرد و
جمیع خلایق با او دشمنی کنند یکسر موئی بصاحب این مناجات الم ورنج وآسیبی نرسد
ونتوانند رسانید   یا محمد ص هر کرا رنجی رسیده باشد یا زحمت ومشقت قوی
داشته باشد چنانکه اطبا از معالجهٔ آن عاجز آمده باشند این مناجات را بر طبقی از
چینی بمشک وزعفران وگلاب بنویسند وبد وبدهند تا بخورد شفا یابد یعنی بعد
از شستن آب آنرا بخورد   واگر هفت بار بخواند بر خاک وبدمد وبطرف دشمن اندازد
واین مناجات را بخواند فتح شود   وهر که این مناجات را بر کاسهٔ چینی بنویسد وبشوید
وبخورد هر چه بشنود یاد گیرد   یا محمد ص هر که این دعا را بنویسد وبا میت در قبر نهد
آن میت هرگز نپوسد وعذاب قبر نبیند وسؤال نکیرین بروی آسان شود   وهر کس
بنویسد باخود دارد از آفات دیو وپری وشر شیطان وجور ظالمان وبلای ناگهان
واز فتنهٔ آخر الزمان در پناه خدا باشد   یا محمد ص اگر همهٔ عالم وعالمیان خواهند که
شرح این دعاء معظم بیان باشد نتوانند اما مختصری از آن بیان شد که خواننده و
ونویسنده را ملال نگیرد ومیباید که اینرا با طهارت نگاهدارند وشک نیاورند این است
بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ   اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِحَقِّ اَلِفِ آلائِكَ وَباءِ بَقائِكَ
وَتاءِ تَوفیقِكَ وَثاءِ ثَوابِكَ وَجیمِ جَمالِكَ وَحاءِ حِلْمِكَ وَخاءِ خَیْرِكَ وَدالِ
دَوائِكَ وَذالِ ذِكْرِكَ وَراءِ رُبُوبِیَّتِكَ وَزاءِ زُلْفَتِكَ وَسینِ سُلْطانِكَ

وَشِينِ شُكْرِكَ وَصَادِ صَمَدَانِيَّتِكَ وَضَادِ ضِيَائِكَ وَطَاءِ طَوْلِكَ وَظَاءِ
ظُهُورِكَ وَعَيْنِ عِزَّتِكَ وَغَيْنِ غُفْرَانِكَ وَفَاءِ فَرْدَانِيَّتِكَ وَقَافِ قَضِيَّتِكَ
وَكَافِ كِبْرِيَائِكَ وَلَامِ لُطْفِكَ وَمِيمِ مُلْكِكَ وَنُونِ نُصْرَتِكَ وَوَاوِ
وَحْيِكَ وَهَاءِ هَيْبَتِكَ وَيَاءِ يُسْرِكَ اقْضِ حَاجَتِي بِحَقِّ هٰذِهِ الْأَسْمَاءِ الْبَرَ
رَةِ وَالْكِرَامِ السَّفَرَةِ وَحِفْظِ صَاحِبِ هٰذِهِ الدَّعَوَاتِ مِنْ جَمِيعِ الْآفَاتِ وَالْعَا
هَاتِ وَالْبَلِيَّاتِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا قَاضِيَ الْحَاجَاتِ يَا رَفِيعَ الدَّرَجَاتِ
يَا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ بِحَقِّ هٰذِهِ الْمُنَاجَاتِ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّا
هِرِينَ الْمَعْصُومِينَ تمت

روایت است از چند راویان معتبر که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند که
آن شب که مرا بمعراج بردند چون بسدرة المنتهی رسیدم فرشتگان را دیدم که این دعا را
میخواندند از حضرت جبرئیل علیه السلام سؤال کردم که یا اخی جبرئیل این چه دعائیست
که جملهٔ فرشتگان میخوانند گفت یا رسول الله بآن خدائی که ترا براستی و درستی بخلق
فرستاده است که این دعائیست که اگر همهٔ فرشتگان نویسنده کردند و همهٔ درختان قلم
کردند و همهٔ دریاها مرکب و هفت طبقهٔ آسمان و زمین کاغذ کردند و جمیع خلق
عالم از زمان حضرت آدم علیه السلام تا نفخ صور نویسنده کردند چنانکه همهٔ آسمانها
و زمینها سیاه کردد و همهٔ فرشتگان مانده شوند و همهٔ دریاها خشک کردد و از آدم
تا خاتم دیو و پری و آدمیان نویسنده کردند شرح و ثواب این دعا را از هزار جزو یک جزو
نتوانند نوشت یا رسول الله بآن خدائی که ترا براستی و درستی بخلق فرستاده است

که این دعائیست که آسمان از برکت این دعا معلق ایستاده است و نباتات در زمین ببرکت این
این دعا پرورده شود و آفتاب ببرکت این دعا می‌تابد و فردوس اعلا از برکت این نامها
آراسته است و اخی عزرائیلؑ ببرکت این دعا جان آفریده کان قبض کند و اخی
اسرافیلؑ ببرکت این نامها صور را در دمد یا رسول الله بدرستی که آدم صفی الله علیه
السلام چون این دعا بخواند شرف توبه یافت و حضرت نوح علیه السلام چون این دعا
بخواند از طوفان نجات یافت و حضرت ابراهیم علیه السلام چون این دعا بخواند
آتش نمرودیان بروی گلستان شد و حضرت موسی علیه السلام چون این
دعا بخواند از بلای فرعون و قبطیان امان یافت و حضرت عیسی علیه السلام
چون این دعا بخواند نجات یافت و اگر کسی در عمر خود یکبار بخواند یا از خواننده بشنود و بنویسد
با خود نگاه دارد یا در میان سجاده بگذارد و یا بر کفن ببندد که برای سفر آخرت ثواب
صابران و شهیدان در نامهٔ اعمال او بنویسند و بی‌حساب آن بنده را از عرصهٔ محشر
در آورند و در کنار حوض کوثر جام شربت از دست ساقی کوثر نوش کند یا رسول الله
بدان خدائی که شما را براستی بخلق فرستاده است که هر که این دعا را بخواند ثواب او چنان
بود که چهل هزار بار ختم قرآن کرده باشد و ثواب چندان بوده باشد که چهل هزار بار
غزا کرده باشد و چهل هزار حج کرده باشد یا رسول الله بدان خدائی که تو را براستی و
درستی بخلق فرستاده است که هر که این دعا را با اخلاص و اعتقاد تمام در ماه مبارک
رمضان بخواند ثوابش چندان بود که چهل هزار شب قدر را دریافته و چهل هزار
مسکین را طعام داده باشد و چهل هزار مسجد بنا کرده باشد و چهل هزار نماز جماعت

و نماز جمعه دریافته باشد وچهل هزار مرده کفن کرده باشد وچهل هزار سال مؤذنی کرده باشد
وچهل هزار سال چهار کتاب الهی را که توراة موسی وانجیل عیسی وزبور داود و
فرقان تو که محمدی صلعم خوانده باشد یا رسول الله هر که بخواند ویا باخود داشته باشد حق
تعالی آن بنده را از شر شیطان واز فتنهٔ آخر الزمان واز قحط وطاعون و زلزله و
بادهای کوناکون واز مرک مفاجات واز شکستکی وبستکی واز صرع ودیوانکی واز کزندهٔ ا
وعقرب واز آفات آب وغرق شدن در آن واز آتش ودزد وحرامی وزخم درندکان و
از بلای ناکهان ایمن باشد وهمهٔ کارها بمراد او شود یا رسول الله هر که این دعا بخواند
یا باخود دارد از فقر وفاقه واز سختیهای دنیا وشر اعادی ورنج وعنا ایمن باشد یا
رسول الله اکر این دعا را بر بالین هر بیماری بخوانند شفا یابد واکر بنیت کار خود بخوانند
ویا باخود دارد فتح ونصرت بدیشان روی نماید وحقتعالی وسعت رزق باو عطا فرماید
یا رسول الله خواننده ودارندهٔ این دعا با عزت وحرمت باشد وجمیع کارها بمراد او شود
وبهر حاجتی که بخواند از برکت این دعا روا کردد واکر کاهل نماز بخواند یا در میان سجاده
بکذارد الله تعالی دلش را بنور معرفت روشن کرداند یا رسول الله بدانکه خدائی که ترا
براستی بخلق فرستاده است که هر که این دعا را بخواند ویا باخود دارد بهیچ کاری فرو
نماند واکر او را قرضی باشد از خزانهٔ غیب کذارده کرداند وبستکی در کار وی نشود
واکر وقت سفر بخواند یا باخود دارد فرشتکان بامر خدای تعالی یار ومددکار او باشند
وبسلامت بمنزل مراد خود باز رسد اکر سفر معصیت نباشد یا رسول الله هر که این دعا را بخواند
ویا بنویسد ودر کفن ببندد برای سفر آخرت آن بنده با ایمان از دنیا برود وسکرات موت بر او
آسان کردد

۴۲

دعای معراج

۱۵

آسان کردد وچون غسل دهند فرشتکان هفت اسمان بر جنازهٔ وی نماز کنند وچون او را
در قبر در اورند هفتاد هزار طبق نور بکور آن بنده فرود اورند وبدرستی که فرشتکان
رحمت در قبر او را مونس باشند تا روز قیامت یا رسول الله ثواب این دعا پایان ندارد
هر که بیشتر بخواند قدر او بیشتر باشد وهر که با عزت وحرمت نکاه دارد حقتعالی ورا
در دنیا واخرت عزیز کرداند وذلیل ومحتاج نکردد وهر که شك اورد باسماء الله تبارك
وتعالی کافر کردد وبمراد نرسد ودر عقوبت وجهل بماند والله اعلم دعای مبارك معراج
اینست بِسْمِ اللّٰهِ ۰ الرَّحْمٰنِ ۰ الرَّحِیمِ یَا سَیِّدُ یَا سَنَدُ یَا صَمَدُ یَا مَنْ لَهُ السَّنَدُ ۰
اِجْعَلْنِی فَرَجًا وَمَخْرَجًا لِمَا اَنَا فِیهِ ۰ وَاکْفِنِی وَاَعُوذُ بِكَ بِسْمِ اللّٰهِ التَّامَّاتِ الْمُطَهَّرَاتِ
الزَّاکِیَاتِ ۰ یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ یَا اَللّٰهُ ۰ یَا رَحْمٰنُ یَا رَحْمٰنُ یَا رَحْمٰنُ ۰ یَا رَحِیمُ یَا رَحِیمُ
یَا رَحِیمُ ۰ یَا خَالِقُ یَا بَارِئُ یَا رَازِقُ ۰ یَا اَوَّلُ یَا اٰخِرُ یَا ظَاهِرُ یَا بَاطِنُ یَا رَبَّاهُ ۰ یَا وَا
حِدُ یَا غَافِرُ یَا صَادِقُ یَا صَابِرُ یَا تَوَّابُ یَا وَهَّابُ یَا قَهَّارُ یَا سَتَّارُ یَا غَفَّارُ ۰ یَا
سَمِیعُ یَا بَصِیرُ یَا حَکِیمُ یَا عَلِیمُ یَا غَفُورُ یَا رَحِیمُ ۰ یَا کَافِی یَا شَافِی یَا شَاکِرُ ۰ یَا شَکُورُ
یَا فَرْدُ یَا وَدُودُ یَا رَءُوفُ یَا صَابِرُ یَا حَاذِقُ یَا صَبُورُ یَا جَلِیلُ ۰ یَا جَمِیلُ یَا وَکِیلُ یَا
دَلِیلُ یَا هَادِی یَا عَلِیُّ یَا وَلِیُّ یَا وَفِیُّ یَا زَکِیُّ یَا غَنِیُّ ۰ یَا مُحْیِی یَا مُعْطِی ۰ یَا مُجِیبُ
یَا مُنِیبُ یَا مُثِیبُ یَا حَسِیبُ یَا حَبِیبُ یَا لَطِیفُ یَا رَقِیبُ یَا قَدِیرُ ۰ یَا حَنَّانُ یَا مَنَّانُ
یَا دَیَّانُ یَا بُرْهَانُ یَا سُبْحَانُ یَا سُلْطَانُ یَا مُسْتَعَانُ یَا اَمِینُ یَا مُؤْمِنُ یَا مُهَیْمِنُ ۰ یَا
عَزِیزُ یَا جَبَّارُ یَا مُتَکَبِّرُ ۰ سُبْحَانَ اللّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ ۰ یَا اَللّٰهُ
خَیْرَ النَّاصِرِینَ ۰ یَا اَللّٰهُ خَیْرَ الْغَافِرِینَ ۰ یَا اَللّٰهُ خَیْرَ الْمُحْسِنِینَ ۰ یَا اَللّٰهُ خَیْرَ الْمُنْزِلِینَ

جامع یوهابص ۱۱۴ ۱۱۴ — اللّٰه رحمن رحیم ۶۶ ۲۹۸ ۲۵۸ = ۶۲۲ — یوحنبد ۶۲۲

۱۷

یا اللّٰه خیر الرّازقین ۞ یا اللّٰه خیر الذّاکرین ۞ یا اللّٰه یا رحمٰن یا رحیم ۞ یا اللّٰه یا مفتّح الابواب
یا مسبّب الاسباب ۞ یا مجیب الدّعوات ۞ یا رفیع الدّرجات ۞ یا ولیّ الحسنات ۞
یا عظیم البرکات ۞ یا قاضی الحاجات ۞ یا کافی المهمّات ۞ یا غافر الخطیئات ۞ یا واهب
العطیّات ۞ یا دافع البلیّات ۞ یا اللّٰه یا رحمٰن یا رحیم ۞ یا مالک یوم الدّین ۞ اغفر لی
ذنوبی یا علّام الغیوب ۞ یا ستّار العیوب ۞ یا غفّار الذّنوب ۞ یا کاشف الکروب ۞
یا صادق الوعید ۞ یا لا اله الّا انت ۞ احفظنی من آفات الدّنیا والآخرة یا عزیز
یا عزیز یا عزیز ۞ یسّر لی امری من امور الدّنیا والآخرة ۞ الٰهی قلبی محجوب ۞ وعقلی
مغلوب ونفسی معیوب ۞ ولسانی مقرّ بالذّنوب یا کریم یا رحیم ۞ الٰهی سلّم فی نفسی
فی العافیة والخیر ۞ والسّلامة بحقّ اللّٰه لا اله الّا هو الحیّ القیّوم ۞ وبحقّ
کٓهٰیٰعٓصٓ ۞ وحٰمٓ عٓسٓقٓ ۞ وطٰهٰ ۞ وطٰسٓ ۞ وطٰسٓمٓ ۞ اللّٰهمّ احفظنا من شرّ
الشّیطان ۞ والغارة والطّاعون والقحط والوباء والقجا وشرّ السّلطان جائر
والخصم وشرّ الاعداء والخوف والعین والنّضر والامراض والعلل علیٰ صاحب
هٰذه الدّعاء واهیئته وامات اللّٰه بحرمة محمّد وآله اجمعین الطّیّبین الطّاهرین
برحمتک یا ارحم الرّاحمین

والسّلام

هو الفتّاح الفتّاح

یا اللّٰه یا اللّٰه	یا رحمٰن	یا رحیم	یا احد
یا صمد	یا فرد	یا وتر	یا حیّ
یا قیّوم	یا فتّاح	یا رزّاق	یا عزیز
یا حفیظ	یا وکیل	یا علیم	یا حکیم

نصرٌ من اللّٰه وفتحٌ قریبٌ وبشّر المؤمنین

یا علی خیر البشر

دعای

دعای صحیفه کامله بسم الله الرحمن الرحیم ایها الخلق المطیع الدائب السریع المتردد
فی منازل التقدیر المتصرف فی فلک التدبیر امنت بمن نور بک الظلم واو
ضح بک البهم وجعلک ایة من ایات ملکه وعلامة من علامات سلطانه
وامتحنک بالزیادة والنقصان والطلوع والافول والانارة والکسوف فی
کل ذلک انت له مطیع والی ارادته سریع سبحانه ما اعجب ما دبر فی امرک
والطف ما صنع فی شانک وجعلک مفتاح شهر حادث لامر حادث فا
سئل الله ربی وربک وخالقی وخالقک ومقدری ومقدرک ومصوری
ومصورک ان یصلی علی محمد وان یجعلک هلال برکة لا یمحقها الایام
وطهارة لا تدنسها الاثام هلال امن من الافات وسلامة من السیئات
هلال سعد لا نحس فیه ویمن لا نکد معه ویسر لا یمازجه عسر وخیر لا یشو
به شر هلال امن وایمان ونعمة واحسان وسلامة واسلام اللهم صل
علی محمد وال محمد واجعلنا من ارضی من طلع علیه وازکی من نظر الیه
واسعد من تعبد لک فیه ووفقنا فیه للتوبة واعصمنا فیه من الحوبة
واحفظنا من مباشرة معصیتک واوزعنا فیه شکر نعمتک والبسنا فیه
جنن العافیة واتمم علینا باستکمال طاعتک فیه المنة انک المنان الحمید
وصلی الله علی محمد واله الطیبین الطاهرین تمت

روایت است که روزی حضرت رسول پیغمبر اخر الزمان صلی الله علیه واله در وقت
چاشتگاه در مسجد نشسته بودند که حضرت جبرئیل از نزد ملک جلیل در امد

وعرض کرد یا محمد صلی الله علیه وآله حق تعالی که تو را براستی بخلق فرستاده است که هر که
این دعا را در همهٔ عمر خویش یکبار بخواند اگر غمگین بود مبدل بسرور گردد واگر قرض دار
بود قرض او گذارده شود واگر بیماری بخواند شفا یابد وخواننده ودارندهٔ این دعا را
هفتصد هزار شهرستان در بهشت حق جل وعلا او را کرامت فرماید ودر هر شهری
هفتصد هزار کوشك ودر هر کوشکی هفتصد هزار تخت ودر هر تختی هفتصد
هزار بستر در بهشت حقتعالی براو عطا فرماید یا محمد ص هر مؤمن ومؤمنه را
که حاجتی باشد بنیت بر آمدن آن حاجت این دعا را بخوانند بر آورده گردد وهر کس
نتواند بخواند بنویسد وبا خود دارد این همهٔ فضیلت ومرتبت ومنزلت را بیابد و
هر که خواهد حضرت رسول ص در خواب ببیند این دعا را نوشته بر بالین خود بگذارد
وبنماز حریص گردد حضرت را در خواب زیارت کند بیشك ودر هر خانه که این دعا باشد
آن خانه محفوظ باشد وهر که خواهد در میان مردم عزیز ومکرم ومحترم باشد این دعا را
هر روزه بخواند ویا با خود دارد وخواننده ودارندهٔ این دعا هرگز ذلیل وخوار
نگردد وفضیلت وشرح این دعا بسیار است بدین قرار اکتفا نمودیم که تا خواننده و
نویسنده را ملال نباشد این است ٥ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ٥ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ ٥
اَبَداً اَبَداً لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ ٥ حَقّاً حَقّاً ٥ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ اِیْمَاناً وَصِدْقاً ٥ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ
تَلَطُّفاً وَرِفْقاً ٥ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ تَعَبُّداً وَرِقّاً ٥ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ اِقْرَاراً بِرُبُوْبِیَّتِهٖ ٥
بِسْمِ اللهِ وَاعْتَصَمْتُ بِاللهِ ٥ وَاَلْجَاْتُ ظَهْرِیْ اِلَی اللهِ ٥ وَمَا النَّصْرُ اِلَّا مِنْ عِنْدِ اللهِ ٥
مَا شَاءَ اللهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ ٥ نِعْمَ الْمَوْلٰی وَنِعْمَ النَّصِیْرُ ٥ اللهُ رَبِّیْ لَا اُشْرِكُ
بِهٖ اَحَداً

19

وَبِّ اَحَدٌ ٥ وَلَا يُؤتِى الْحَسَنَاتِ اِلَّا بِاللّٰهِ ٥ وَلَا يَصْرِفُ السَّيِّئَاتِ اِلَّا بِاللّٰهِ ٥ وَمَا بِكُمْ
مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللّٰهِ ٥ وَاَنَّ الْاَمْرَ كُلَّهُ لِلّٰهِ ٥ وَاسْتَكْفِى بِاللّٰهِ الَّذِى بِلَا صَاحِبَةً وَلَا
وَلَدًا اَلَّذِى لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ ٥ اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَاِيَّاكَ نَسْتَعِينُ ٥
سُبْحَانَ اللّٰهِ لَا يَأْتِى اِلَّا هُوَ ٥ سُبْحَانَ اللّٰهِ لَا يَصْرِفُ السُّوْءَ اِلَّا اللّٰهُ ٥ سُبْحَانَ
اللّٰهِ وَمَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللّٰهِ ٥ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِىِّ الْعَظِيْمِ ٥ سُبْحَانَ
اِلَّا اللّٰهُ ٥ اللّٰهِ لَا رَازِقَ اِلَّا اللّٰهُ ٥ سُبْحَانَ اللّٰهِ لَا نَعْبُدُ اللّٰهَ ٥ وَلَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلَّا اللّٰهُ ٥ ٣
وَلَا يَقْضِى الْحَاجَةَ اِلَّا اللّٰهُ ٥ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَجْمَعِينَ

والسّلام

فایده بدانکه شیخ ابو العبّاس نونی رحمه الله در رسالهٔ خود از خواص اسماء اعظم الهی آورده است که اصل در حرف عربی این پنج حروف میباشد اج رمن مرجع کل حروف است و منشاء اسم اعظم این پنج حروف است این پنج حرف را اگر در شرف آفتاب بر نگین انگشتری از طلا نقش کنند و باخود دارند خواصهای کلی بظهور آید

۸۴۰

۶۶	۸۳	۲۹۸	۱۳۷	۲۵۶
اَللّٰهُ	جَمِيلُ	رَحْمٰنُ	مُؤْمِنُ	نُورُ
۲۵۸	۱۹۷	۲۵۶	۱۲۹	۴۰
۲۷۹	۸۶		۳۱۸	۱۵۷
۶۰	۲۷۸	۲۲۰	۲۳۶	۴۶
۱۷۷	۱۹۶	۱۰۶	۲۰	۳۴۱

و این پنج اسم اعظم از این پنج حروف مستخرج است یَا اَللّٰهُ یَا جَمِیلُ یَا رَحْمٰنُ یَا مُؤْمِنُ یَا نُورُ

والسّلام

رجال الغیب در ماه قمری در هر روز در طرفی باشند اگر خواهند که از ارواح ایشان استمداد طلب نمایند و باید که در هر روزی که بان سمت باشند دست بر سینه بان طرف بایستد

و پنج مرتبه صلوات بر محمد و آل او بفرستد و این دعا را بخواند

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ ۰ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَالصَّلٰوةُ عَلٰی رَسُوْلِ اللّٰهِ ۰ ۱۶۱
صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّمَ ۰ سَلَّمَکُمُ اللّٰهُ یَا رِجَالَ الْغَیْبِ ۰ سَلَّمَکُمُ
اللّٰهُ یَا اَرْوَاحَ الْمُقَدَّسَةِ ۰ اَجِیْبُوْنِیْ وَاَطِیْعُوْنِیْ وَاَعِیْنُوْنِیْ وَاَ
غِیْثُوْنِیْ ۰ بِقُوَّةٍ بِقُوَّتِهٖ وَانْظُرُوْنِیْ بِنَظْرَةٍ ۰ وَارْحَمُوْنِیْ بِرَحْمَةٍ ۰
حَصِّلُوْنِیْ مَقْصُوْدِیْ ۰ وَقَوُّهَا عَلٰی حَوَائِجِیْ ۰ سَلَّمَکُمُ اللّٰهُ فِی الدُّنْیَا وَا
لْاٰخِرَةِ ۰ یَا رُقَبَاءُ وَیَا نُجَبَاءُ ۰ یَا اَبْدَالُ یَا اَوْتَادُ یَا قُطْبُ یَا غَوْثُ ۰
اَغِیْثُوْنِیْ یَا غِیَاثُ ۰ بِحُرْمَةِ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفٰی صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ
پس بگوید اَلسَّلَامُ عَلَیْکُمْ یَا رِجَالَ الْغَیْبِ یَا اَرْوَاحَ الْمُقَدَّ
سَةِ اَغِیْثُوْنِیْ بِقُوَّتِکُمْ بِحُرْمَةِ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفٰی صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ
وَاٰلِهٖ و پشت بجانب ایشان کند و بگوید اَسْلَمْتُ نَفْسِیْ اِلَیْکُمْ
وَفَوَّضْتُ اَمْرِیْ اِلَیْکُمْ وَاَلْجَأْتُ ظَهْرِیْ اِلَیْکُمْ و پای راست
پیش نهد و هر بامداد بعد از فراغ نماز صبح روی کند بآن جهة که ایشان
دران طرف هستند و بگوید اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا رِجَالَ الْغَیْبِ اَلسَّلَامُ
عَلَیْکُمْ یَا اَرْوَاحَ الْمُقَدَّسَةِ اَعِیْنُوْنِیْ بِقُوَّتِهٖ وَانْظُرُوْنِیْ بِنَظْرَةٍ
آنگاه پشت کند و چنان بخواطر آورد که استظهار من بشما است مرا مدد
نمائید و نام خود را ببرد حقتعالی مطلب او را برآورده گرداند و از ایشان ۳۱۵
بهر نوع مدد رسد در محاربات دشمن پشت بارواح مقدسه قتال کند و الا شکست میخورد
و اگر متوسل نشده باشد دران روز جنگ نکند تا خواطرش خوب مطمئن نشود و چون بخدمت سلاطین
یا حکام رود پشت بر ایشان کند که معزز و مکرم بیرون آید والله اعلم

اول و شانزدهم	میان جنوب و مشرق
دوم هفدهم	میان مغرب و جنوب
سیم هجدهم	در جنوب
چهارم نوزدهم	در مغرب
پنجم و بیستم	میان مغرب و شمال
ششم و بیست و یکم	میان مشرق و شمال
هفتم و بیست و دوم	در مشرق
هشتم و بیست و سیم	در شمال
نهم و بیست و چهارم	میان جنوب و مشرق
دهم و بیست و پنجم	میان مغرب و جنوب
یازدهم و بیست و ششم	در جنوب
دوازدهم و بیست و هفتم	در مغرب
سیزدهم و بیست و هشتم	میان مشرق و شمال
چهاردهم و بیست و نهم	در مشرق
پانزدهم و سی ام	در شمال

احکام الرؤیا

احکام الرؤیا بدانکه حکماء بنای تعبیر خواب را بر بیست و هشت حروف ابجدی بترتیب داده شده چنانچه هرکه در خواب بیند که بر اسب سوار است حرف اول او را که الف است ملاحظه کند و احکام مقابل را بخواند باخبر گردد و چنین است

ا	دلیلست بر یافتن مراد	س	دلیل است بر شرف و بلندی
ب	دلیل است بر بلا و رنج	ع	دلیل است بر خوشی و سعادت
ج	دلیل است بر شادی و فرح	ف	دلیل است بر پریشانی و ستم
د	دلیل است بر بزرکی	ص	دلیل است بر نیکی احوال
ه	دلیل است بر خوشنودی	ق	دلیل است بر صدق و امانت
و	دلیل است بر یافتن مطالب	ر	دلیل است بر خورمی و مسرت
ز	دلیل است بر نیکی حال	ش	دلیل است بر راستی و امانت
ح	دلیل است بر دشواری کارها	ت	دلیل است بر تلف شدن مال
ط	دلیل است بر سفر و راه است	ث	دلیل است از کسی دلتنگ شدن
ی	دلیل است بر جمعیت و اتفاق	خ	دلیل است بر خوبی حال
ک	دلیل است بر اخبار اراجیف	ذ	دلیل است بر زیادتی منصب
ل	دلیل است بر بیرون آمدن از غم	ض	دلیل است بر تباهیء احوال
م	دلیل است بر راست آمدن کارها	ظ	دلیل است بر قوت و دولت
ن	دلیل است بر بیرون آمدن از ضعف	ع	دلیل است برخیزو امانت

والسلام

ذکر احکام غالب و مغلوب که حکیم ارسطو وزیر اسکندر سلام الله از برای او وضع کرده است و بعضی از علماء ارسطو را پیغمبر میدانند و باهر کس اسکندر داوری داشته یا سرداری بولایتی میفرستاده ظفر و غلبهٔ او را از این حساب استنباط میکردند چون میان دو قوم

مجادله واقع شده و یا باکسی مناظره و دعوا داشته باشد و خواهند نزد حاکمی روند و یا داعیه

خواهد مقاتله کنند اسم هر یك از خصمان را جمله کانند بجمل ابجد حساب کنند و نه نه طرح

نمایند تا آنچه از اسم طرفین بماند حکم کنند سزاوار از آنهاست و در اسم ابرهیم و اسمعیل

و اسحق هر دو الف را حساب کنند و القاب و کنایات و تعریفات مثل آقا حسین و آقا بیك

و آقا خان و غازی خان و حاجی خان حساب کنند هر چند آقا و خان تعریف است اما

غالب و مغلوبی که از عصر حضرت آدم علیه السلام تا بحال بوده اند درست آمده است و

دلیل بر این جهة دارد که داوود و جالوت بعد از طرح اسم داود ۶ میماند هر گاه یك

واو حساب کنی و او دیگر او باقی میماند و از اسم جالوت ۸ باقی میماند و ۶ بر ۸ غالب است

و از اسم هلاکوخان ۲ باقی میماند و از اسم المعتصم بالله که آخر خلفای بنی عباس است

۴ باقی میماند و ۲ غالب است بر ۴ و اسم رستم زال ۷ و از افراسیاب ۴ میماند

۷ غالب است بر ۴ و واضع این علم در اول فیثاغورث حکیم بوده و علم اسمائیست و

از اسرار است و در نزد ائمهٔ معصومین علیه السلام بوده است و از ابتدای طلوع آفتاب

تا زوال جایز است که حساب کنند و تمام احکام و قاعده در این رباعی مندرج است

در فرد و زوج نصرت از اعداد کمتر است ور مختلف شوند ظفر زان اکثر است

مطلوب غالب است اگر زوج مستوییست ور فرد مستوییست چه طالب مظفر است

الواحد ۱ و ۹ یك غالب است ۱ و ۸ هشت غالب است ۱ و ۷ یك غالب است

۱ و ۶ شش غالب است ۱ و ۵ یك غالب است ۱ و ۴ چهار غالب است ۱ و ۳

یك غالب است ۱ و ۲ دو غالب است ۱ و ۱ طالب غالب است الثانی

۲ و ۹ نه غالب است ۲ و ۸ دو غالب است ۲ و ۷ هفت غالب است ۲ و ۶
دو غالب است ۲ و ۵ پنج غالب است ۲ و ۴ دو غالب است ۲ و ۳ سه غالب است
۲ و ۲ مطلوب غالب است ۲ و ۱ دو غالب است الثالث ۳ و ۹ نه غالب است
۳ و ۸ هشت غالب است ۳ و ۷ سه غالب است ۳ و ۶ شش غالب است ۳ و ۵
سه غالب است ۳ و ۴ چهار غالب است ۳ و ۳ طالب غالب است ۳ و ۲ سه غا لب است
۳ و ۱ یک غالب است الرابع ۴ و ۹ نه غالب است ۴ و ۸ چهار غالب است
۴ و ۷ هفت غالب است ۴ و ۶ چهار غالب است ۴ و ۵ پنج غالب است ۴ و ۴
مطلوب غالب است ۴ و ۳ چهار غالب است ۴ و ۲ دو غالب است ۴ و ۱ چهار غا لب است
الخامس ۵ و ۹ پنج غالب است ۵ و ۸ هشت غالب است ۵ و ۷ پنج غالب است
۵ و ۶ شش غالب است ۵ و ۵ طالب غالب است ۵ و ۴ پنج غالب است ۵ و ۳ سه
غالب است ۵ و ۲ دو غالب است ۵ و ۱ یک غالب است السادس ۶ و ۹ نه غا
لب است ۶ و ۸ شش غالب است ۶ و ۷ هفت غالب است ۶ و ۶ مطلوب غالب است
۶ و ۵ پنج غالب است ۶ و ۴ چهار غالب است ۶ و ۳ شش غالب است ۶ و ۲ دو غا
لب است ۶ و ۱ شش غالب است السابع ۷ و ۹ هفت غالب است ۷ و ۸ هشت
غالب است ۷ و ۷ طالب غالب است ۷ و ۶ شش غالب است ۷ و ۵ پنج غالب است
۷ و ۴ هفت غالب است ۷ و ۳ سه غالب است ۷ و ۲ هفت غالب است ۷ و ۱ یک
غالب است الثامن ۸ و ۹ نه غالب است ۸ و ۸ مطلوب غالب است ۸ و ۷ هشت
غالب است ۸ و ۶ شش غالب است ۸ و ۵ هشت غالب است ۸ و ۴ چهار غالب است

التاسع ۸ و ۱ هشت غالب است ۸ و ۲ دو غالب است ۸ و ۳ هشت غالب است

۹ و ۶ نه غالب است ۹ و ۷ هفت غالب است ۹ و ۸ نه غالب است ۹ و ۹ طالب غالب است

۹ و ۲ نه غالب است ۹ و ۳ سه غالب است ۹ و ۴ نه غالب است ۹ و ۵ پنج غالب است

۹ و ۱ یک غالب است باقی والله اعلم والسلام

شروع والاشتغال الجدول فی ذکر اشیاء متفرّقة قد یحتاج الیها فی کثیر من الاوقات

هر روزی که اراده شروع در شغل و عملی داشته باشی از روز نوروز گذشته تا بان روز را بشمارد و مکرر سی و شش ازو طرح کند تا هرچه بماند پس بهر عدد که منتهی شود آن عدد را در این شکل پیدا کند اگر در دوازده خانه اوّل که جیده است یافت شود البته در آن روز شروع کند آن کار را که خیر و سعادت ببیند و در متوسط مخیر است و در ردیه البته آن کار را نکند که ضرر ببیند و شکل این است

البواقی الجیده		البواقی المتوسطه		البواقی الردیه		
۱	۲	۳	۵	۳	۶	
۷	۱۰	۸	۱۱	۹	۱۲	
۱۳	۱۶	۱۴	۱۸	۱۵	۱۸	
۱۹	۲۲	۲۰	۲۳	۲۱	۲۴	
۲۵	۲۸	۲۶	۲۹	۲۷	۳۰	
۳۱	۳۴	۳۲	۳۵	۳۳	۳۶	تمام

التاریخ تواریخ بمعنی یاد آوردن و نگاه داشتن در خاطر و نشان در هر امری عظیم کردن و نمودن تا اینکه از غایت عظمت بر عالمیان اشتباه نشود از برای ضبط معاملات خود بخاطر گیرند و سال و ماه خود را بآن سنجند و اوّل تاریخی که در روی زمین گذارده شد

هبوط آدم بود

۲۵

هبوط آدم بود از بهشت بدنیا وبعد ازان قتل هابیل بود وبعد ازان فوت آدم بود
زیرا که در روز فوت آدم علیه السّلام هشتاد هزار کس از اولاد او موجود بودند که تعزیهٔ
آنحضرت برایشان ازهمهٔ مصائب عظیم تر بود وان تاریخ تا زمان نوح علیه السّلام مبدء
اوّل بود وبعد ازان واقعهٔ طوفان تاریخ شد تا زمان اسکندر وبعد ازان
رفتن اسکندر بظلمات وآنرا تاریخ اسکندری گویند ونزد بعضی تاریخ اسکندری
جلوس اسکندر است بر تخت سلطنت وبعد ازان غرق فرعون ونجات بنی اسرا
ئیل تاریخ شد وبعد ازان کشته شدن اصحاب فیل بدست ابابیل تاریخ شد که
آنرا تاریخ عام الفیل گویند وان نیز منسوخ شد بهجرت حضرت رسول صلّی الله
علیه وآله وسلّم از مکّه بمدینه وآنرا تاریخ هجرت گویند که الحال متداول است واگر
چه اوّل آن در ماه ربیع الاوّل بود امّا چون که اوّل سال از محرّم است بنای این تاریخ
برآن گذاشته شد وجمعی هم که اول سال را از رمضان دانند وبنای این تاریخ از رمضان
امّا حسابهای این کتاب در حیات وممات ائمّه وغیره براوّل محرّم است چون که محرّم
اصحّ واشهر است تمام

کیفیت احوالات محمّد ابن عبد الله صلّی الله علیه وآله وسلّم از ایّام تولّد الی وفات الی
جناب صاحب الامر صلواة الله علیه اوّل اسم مبارک آنحضرت محمّد ص کنیه ابوالقاسم
لقب مصطفی مکان ولادت شعب ابوطالب ایّام ولادت دوشنبه شهور ولادت
ربیع الاوّل سنهٔ ولادت عام الفیل ملوک وقت ولادت انوشیروان اسم امّهٔ
آمنهٔ بنت وهب عدد الازواج پانزده عدد الاولاد هشت نفر مدت الاعمار شصت وسه

سال ایام وفات دوشنبه شهر وفات بقیتاً من صفر سنهٔ وفات یازدهم

هجرت سبب الوفات مرض وقبض امکنة القبور مسجد الان ملوک وقت الوفات هرقل

امکنة الاوقات مدینه دوم علی ابن ابی طالب صلوات الله

علیه اسم مبارک علی کنیه ابو الحسن لقب مرتضی مکان ولادت خانهٔ کعبه ایام

ولادت روز جمعه شهور ولادت سیزدهم رجب سنهٔ ولادت ششم عام الفیل

ملوک وقت ولادت شهریار اسم امه فاطمه بنت اسد نقش خواتیم اَلْمُلْکُ لِلّٰهِ

وَاحِدِ الْقَهَّارِ عدد ازواج دوازده عدد اولاد بیست وهفت نفر مدة الاعمار شصت و

سه ایام وفات دوشنبه شهور وفات بیست ویکم رمضان سنهٔ وفات چهلم هجرت

سبب وفات معویه امکنهٔ وفات نجف کوفه اسماء لوائهم قنبر، سلمان فارسی

سیم فاطمه سلام الله علیها اسم مبارک فاطمه کنیه امّ ابیها القاب

زهراء مکان ولادت مکه ایام ولادت جمعه شهور ولادت هفتم جمادی الاول

سنهٔ ولادت پنجم بعد از بعثت وقت الاولادت یزدجرد اسم امه خدیجه بنت خویلد

عدد ازواج علی علیه السلام عدد اولاد پنج نفر مدة الاعمار هشده سال ایام وفات

دوشنبه شهور وفات سیم جمادی الاول سنهٔ وفات سیزدهم هجرت سبب وفات

ضربت واسقطت امکنة القبور فی الروضة ملوک وقت وفات ابو بکر امکنة الوفات

المدینه اسماء لوائهم فضه چهارم امام حسن علیه السلام

اسم مبارک حسن کنیه ابو محمد لقب زکی مکان ولادة مدینه ایام ولادت

سه شنبه شهور ولادت پانزدهم رمضان سنهٔ ولادت سیم بعد از هجرت

ملوک الوقت

۲۷ ملوك الوقت الولادت يزدجرد اسم امه فاطمة الزهراء عليها سلام نقش خواتيم العزة
لله تعالى عدد ازواج شصت وچهار عدد اولاد پانزده مدة الاعمار
چهل وهشت ايام وفات پنجشنبه شهور وفات صفر سنه وفات چهل هجرت سبب وفات
جعد سم امكنة القبور في البقيع خلاصه اين نسخه صحيح نبود بنده تمام نكردم همين جا ماند
والسلام

اباء حضرت رسول صلى الله عليه واله عبد الله شيبة الحمد مشهور بعبد المطلب
عمر مشهور بهاشم مغيره مشهور بعبد مناف زيد مشهور بقصى كلاب
سال ولادت ان حضرت ۱۰۲۱ از تاريخ اسكندرى ويقولى در عام الفيل بعد از
امدن اصحاب فيل وكشته شدن جميع بدست ابابيل بدو ماه وشش روز ابرهه
والسلام

بسم الله الرحمن الرحيم از فرموده سلطان المحققين نصير الملة والدين است بدانكه
مشهورترين كواكب سياره كه اوراعوام پروين كويند وقت طلوع او ستاره روشن سرخ
رنك از جانب شمال با او طلوع كند چنانچه ميان هردو تخمينا دو نيزه باشد او را عيوق كويند
چون پروين يك نيزه بالا ايد در عقب ان ستاره سرخ رنكى برايد بطرف جنوب
وچهار ستاره ديكر از اين تاريكتر مثل دال باشد ان روشن را على الثور كويند وانرا
منزل دبران كويند بعد از ان صورت جوزا برايد كه عوام ترازو كويند وان صورت
مردى بود كه شمشير در كمر ودر دست نشسته وبالاى او سه كوكب كه كمر اوست نه ستاره
باشد روشن انكه بر دست راست باشد يد الجوزاء يمينى كويند وانكه در زير كمر وشمشير او

و پای چپ او باشد روشن تر باشد رجل الجوزا علی الیسری خوانند و در میان او از طرف بالای
در دست سه کوکب باشد خرد و بهم پیوسته مانند سه نقطه که بر ظرف ث گذارند این را
راس الجبار خوانند و این را منزل مقعه گویند از منازل ماه و بر عقب جوزاء دو ستارهٔ
روشن و تابناک بود نزدیک به مجرّه میان ایشان دو سه نیزه بود یکی بجنوب مایل و یکی بشمال
جنوبی روشنتر و بزرگ تر بوده باشد و شمالی سرخ تر و کوچک تر دو سه ذرع فاصله و ستارهٔ
خرد را شعرای یمانی گویند و بزرگتر جنوبی را شعرای شامی گویند و یمانی را عبور گویند و
شامی را غمیصا گویند در تابستان آخر شب و در زمستان اول شب نمایانند و در مقابل
شعرای شامی از جانب دو ستاره بر آیند در روشنی نزدیک یکدیگر اند و ستاره منزل
ذراع گویند و عقب آن دو سه نیزه بالا چهار چهار کوکب بر میاید مقوس آنکه بر جنوب است
بزرگتر است قلب الاسد گویند و در جنب آن ستاره ایست تنها که در حوالی آن هیچ
کوکبی نیست آنرا فرد گویند و در عقب آن ستاره ایست روشن آنرا ظهر الاسد گویند
و ستارهٔ دیگر نزدیک باو مایل بجنوب بجانب مشرق او را زبره خوانند و در عقب آن ستاره
ایست میان آنرا صرفه خوانند و در عقب آن مقدار دو نیزه ستاره ایست روشن تنها
بطرف شمال و بزرگ است او را ساکن گویند مقابل نسر طائر و در عقب آن هفت
ستاره بشکل دایرهٔ ناتمام که عوام کاسه شکسته گویند و منجمان فکه گویند و یکی از آنها روشن
تر است نیّر الفکه گویند چون فکه میان آسمان رسد از جانب جنوب ستارگان عقرب نز
دیک رسند بنصف النهار دیگر ستارهٔ روشن و سرخ است با دو ستارهٔ دیگر تاریکتر
آنرا قلب العقرب گویند و ستارهٔ دیگر روشن تر بر میان آسمان گذرد با دو ستارهٔ خورد تر

عوام آنرا

عوام انرا دیك پایه خوانند ودر اخر تابستان باوّل شب بر سمت راس بود انرا نسر واقع کویند
ودر مقابل ان از طرف مشرق وجنوب نزدیك بکنار ستاره ایست روشن عوام انرا شاهین
ترازو کویند شرطین عبارت از اوست ستاره ایست دیکر از جانب مشرق وان در میان
مجره انرا ذنب الدجاجه خوانند وبعد از ان چند کوکب روشن تر نزدیك بر یکدیکر
ضیرت مشتری وعوام انرا اشتر کویند از ان ستاره کان یکی روشن تر است کف الخضیب
نزدیك مجره واز توابع ستاره های ذات الکرسی که سیزده ستاره است ودر طرف شمال
یك نیزه باشد نزدیك بستارهٔ جدی دو ستاره هست که تقریب یکذرع فاصله دارند
طلوع وغروب ندارند مکر در اطراف جدی میکنند انها را فرقدین کویند وپیرامون
جدی هفت ستاره است که سه از بالا وسه از پائین بیك نسبت است وانکه در میان
انها است کوچك تر است که جمله هفت ستاره کویند وهمه را بنات النعش کویند اما
بانکه فلك نهم را فلك الافلاك وفلك اطلس هم کویند وحرکت شبانه روزی از ان است
وستاره کان ثوابت در فلك هشتم اند وهفت کواکب سیّاره هر یك در فلکی هستند
زحل در فلك هفتم ومشتری در فلك ششم ومریخ در فلك پنجم وشمس در فلك چهارم
وزهره در فلك سیم وعطارد در فلك دویم وقمر در فلك اوّل وحرکت هفت فلك
از جانب مغرب است بمشرق الّا فلك نهم که از مشرق است بمغرب وحرکت شبانه از اواست
امّا افتاب دوره یکسال تمام میکند و سیصد وشصت وپنج روز وشش ساعت
ودر سال پنجم ۳۶۶ روز شود که سال کبیسه عبارت از اوست چنانکه
طی کردن برج حمل را در سی روز پانزده ساعت طی کند وتوقف او در ثور سی ویکروز

دوساعت ودر جوزا سی ویك روز ده ساعت ودر سرطان سی ویکروز هشت ساعت
ودر اسد سی ویکروز هفت ساعت ودر سنبله سی روز ونوزده ساعت ودر میزان سی روز
شش ساعت ودر عقرب بیست ونه روز نوزده ساعت ودر قوس بیست ونه روز چهارده
ساعت ودر جدی بیست ونه روز ده ساعت ودر دلو بیست ونه روز شانزده ساعت
ودر حوت سی روز است این جمله سیصد وشصت وپنج روز وشش ساعت است
قمر دوره بیست وهفت روز وهشت ساعت طی میکند واز همه کواکب سریع السیرتر وزحل
دوره سی سال تمام کند ودر هر دوازده نیم راج باشد مریخ دو سال ویکماه ونیم دوره را
تمام کند ودو ماه نیم راج باشد ومشتری دوره بدوازده سال وهر برجی یکماه تمام کند
ودر سیزده ماه چهار چهار ماه راج باشد وزهره دوره یکسال تمام کند وبرجی بیست و
هشت روز ویکماه نیم راج باشد عطارد دوره در یکسال تمام کند وبرجی را شانزده
روز وبیست دو روز راج باشد وکواکب ثابته علی الاختلاف الاقوال دوره را پنج
چهار هزار سال تمام کند بدانکه دو کوکب که در مقارنه علی بعض الاقوال
باعث انخساف شمس وقمر میشوند انها را ذنب وراس میکویند کردش اینها عکس کواکب است دوره
نوزده سال وبرجی نوزده ماه ودرجه نوزده روز طی میکند قاعده هرکاه دو کوکب
دو برج فاصله دارند انفاصله را تسدیس کویند یعنی دو سدس از بروج دوازده کانه فاصله
دارند واکر سه برج فاصله باشد انفاصله را تربیع کویند یعنی سه ربع از بروج دوازده
کانه فاصله دارند واکر چهار برج فاصله باشد تثلیث کویند یعنی چهار ثلث بروج را فاصله
دارند ومقارنه دریك برج ویك درجه باشند ومقابله هفت برج فاصله باشد

ودر زهره عطارد

۳۱

و زهره و عطارد را با آفتاب تربیع و تسدیس و تثلیث نباشد اما احتراق و مقارنه
رأس و ذنب را مجاسلا گویند و زهره بیش از چهل هفت درجه از آفتاب جدا نشود و
عطارد بیش از بیست و هفت درجه چون کواکب متوجه باشند بیکی ازاین نظرها اتصالات
نامند و چون اتصال تمام شود منصرف گویند و تناظر دو کوکب یکی در بیست درجه ثور را
و یکی در ده درجه اسد میان اینها ما سرطان چهل درجه است اگر نه این تناظر متصل بکو
کبی دیگر شده یا استقامت کرده و نظرها طل شده انتکاس گویند دیگر از کواکب کید است
و او نحس است سیر او عکس است مانند کواکب راج و دوری بصد و چهل و چهار سال و برجی
دوازده سال تمام کند و بدانکه هر برجی را سی درجه فرض کرده اند و ساعتی را به
دقیقه و دقیقه را شصت ثانیه و ثانیه را شصت ثالثه و هکذا از بواقی در تقویم منجمین
سایر کواکب سته که با قمر اتصال دارند در صفحه تقویم مینویسند و تناظرات کواکب را
با یکدیگر در حاشیه تقویم مینویسند بدانکه تاثیری با فتاب خدا عطاء فرموده چون شروع
مینماید بغروب جمیع حیوانات رو باستراحت میگذارند و هر چه نزدیک بغروب بیشتر شود مردم
بیشتر میل باستراحتی میکنند و چون شروع بطلوع میکند همه بحرکت در میایند و با مور
خود متوجه میشوند و دیگر اختلاف مردم بسبب الوان و اخلاق و اجساد و سیرت اختلاف
آن در فصول و حرکت مرکز اوست چنانکه آنهاکه در خط استوا هستند مانند زنج
و حبشه باین سبب هیولای سیاه و مویشان بسوزد و آنهاکه نزدیک مدار سرطان باشند مثل
هند و یمن از حبشه سیاهی ایشان کمتر است از آنها و آنهاکه بسمت بنات النعش اکبرند
بواسطه آنکه آفتاب محاذی روی پس ایشان شود بسبب قمر است ایشان بمنطقه

البروج الوان ایشان متوسط باشد مثل اهل چین وترك وخراسان وعراق وفارس وشام وغیره
ودیگر می یابیم که تابستانی از تابستان دیگر گرمتر وزمستانی از زمستان دیگر سردتر است
وچون از سبب آن تفحص میکنیم میکویند که از تاثیر کواکب است اما میبینیم که آفتاب مقارن
کوکب حار است مثل مریخ ومشتری آن تابستان حار است واکر زمستان با زحل
ومشتری و زهره اتصال دارد بی نظیر شود اکر در ضد این بکار رود بد میشود وکر بغیر
ماه بقوات بکار ند بسیار خوب میشود واکر قمر در ثور وسرطان و زهره در حوت
ویا زهره در ثور ویا قمر مقارن زهره وبا ایشان نظیری نباشد نکاح وزفاف بسیار خوب
ومیان زن وشوهر موافقت والفت پیدا شود واکر زهره محترق یا در سنبله یا
حمل یا عقرب ومریخ در مقابله وتربیع با زحل مقارن ومشتری ساقط وصیت کردن
در غایت بدی باشد وهمچنین زهره وقمر مقارن باشند اکر مسهل بحسب عادت
خورده شود بیست مجلس نقل کند دیکر آنکه قمر در جدی یا دلو یا عقرب باشد
دهقان زحل از نظر مشتری اکر زرع کنند یا درختی بکارند فایده چندان نکند
بدانکه در اخبار واقع است که از طلوع صبح تا طلوع آفتاب یکساعت باشد که شبانه
روزی بیست وپنج ساعت حساب کرده اند وصدوق رحمه الله علیه باین قول قایل است
ومرحوم ملا فتح الله رحمه الله علیه منهج الصادقین میفرماید قطر آفتاب شش هزار و
چهار صد فرسخ است وماهرا را چنین کفته اند هفتصد وسی ویك فرسخ است
ونور آفتاب که بر زمین تابید تا هفده فرسخ از او بالا میرود که روشن است بعد از آن
ظلمت است وموافق اخبار زمین کرد است وشبیه است بکاوی که خوابیده باشد ویك
دست او دراز

دشت اودراز باشد ومعظم معموره قطب شمال مرتفع است وجنوبی منخفض چون
سمت شمال از کره تیره حضقه بیرون رفته همه جای او بلند است نسبت بجنوب نمی بینی
که اکثر نهرها مانند دجلهٔ بغداد وفرات از شمال بجنوب میرود واز حضرت امیر المومنین
صلواة الله علیه والدمذکور است که از انجا که افتاب طلوع میکند تا بجائی که غروب میکند این است
۲۲۷۱۵۰ فرسخ است ۵۱۰۰۰ فرسخ جای قولان است وپریان ۴۸۰۰۰
فرسخ ابادانیست ۱۲۰۰۰ فرسخ هندوستان و ۴۰۰۰ فرسخ ماوراء النهر است
مثل ترکستان ودشت قبچان وخطاء وختن وکاشغر وچین وماچین وبروایتی
مجموع ترکستان ۷۰۰۰ فرسخ است وبیابان قبچان ۷۰۰ فرسخ است ومنتهی میشود
بکوه البرز و ۷۰۰۰ فرسخ صحرا است که دران علامت چیزی نیست و ۳۰۰۰ فرسخ
ولایت ارس است و ۸۰۰۰ هشترخان وچرکس و ۹۰۰۰ فرسخ روم است و
۱۰۰۰۰ فرسخ فرنك است و ۱۰۰۰ فرسخ عراق عرب است مثل کوفه وبغداد وبصره
وجزایر وموصل ویونانست که اب اورا معمور کرده ۴۶۰۰۰ فرسخ شهر زنان است
و ۲۰۰۰ فرسخ توابع اوست ودوهزار ۲۰۰۰ فرسخ جزیرهٔ یاقوت است در برابر چین اما
زمین موافق کلام الهی هفت است وفاصله در میان هر یك باشد وخلقی دران
هستند که عبادت الهی میکنند وموافق رای بعضی حکماء طبقه اتش تحت فلك قمر است
وطبقهٔ زمهریر وباد طبقهٔ سیم اب وطبقهٔ چهارم زمین وطبقهٔ گل وطبقهٔ خاك
در کتاب زبده مسطور است که زمین اول را مسکن ادمیان کردانیده است
وزمین دویم را مکان باد کردانیده چنانکه در هنکام هلاك قوم عاد بقدر رخنهٔ با[...]

اکر خلاف تنی زادی کردکی
ازان بر که از ... کردکی

ده عقل ونه فلك وهفت بهشت
هفت اختر هم از آتش جهت این نام نوشت
از پنج حواس وچهار ارکان وسه روح
ابجد وعالم چو ... نوشت

امر شد که با نها وارد شد ودر زمین سیم خلقی آفریده که روهای ایشان روی آدمی مانند
وگوش های ایشان بگوش گاو وپاهای ایشا بپای گوسفند وموی ایشان موی بز ودر دقیقه
عاصی خدا نشده اند وچون مارا روز باشد آنهارا شب باشد وبرعکس زمین سنگ
کبریت است وزمین چهارم مارانند هر یکی بقدر مناره وهر یک گزندمی دردم
اویخته وزمین پنجم جای کژدمان است هر یک مانند شتری ودم آنها بقدر نیزه
ودر دم هر یک ۰۶۳ قله زهر آفریده که اگر از آنها قطره در دریای دنیا افتد همه
تلخ شود واینها از برای منافقان است زمین ششم مسکن شیاطین است وزمین
هفتم خلقی آفریده که بغیر از خدا وائمه هدا کسی بر احوال ایشان مطلع نیست و
بدانکه منجمین گویند بعضی کسوف وخسوف بسبب رسیدن نیرین بستاره ذنب راس
منخسف میشود وبعضی هم گفته اند که کسوف وخسوف موافق احادث وچون خلاق
عالم است پیغمبران سابق را بسبب عصیان ایشان نازل میفرمود وبجهة حرمت وعزت
خاتم انبیاء ص برامت مرحوم او رحم فرموده واینهارا نشان عصیان فرموده تا بنده گان
توبه وبازگشت نمایند از معاصی خود اَللّٰهُمَّ ارْحَمْنَا وَاغْفِرْ لَنَا وَتَجْعَلْنَا بِحُرْمَةِ مُحَمَّدٍ
وَآلِهِ عَلَيْهِ السَّلَامِ وسبب اجتماع نیرین که قمر روی خورشیدرا چون فلک بالاو
مقابل شود مُنْخَسِفْ کند دلیل چنانکه روز ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ منکسف میشوند واین
ضعیف است وماهرا زمین حایل میشود میانه نور آفتاب باو نمیرسد و آفتاب
ازجانب غربی منکسف ومنجلی میشود وماه ازجانب شرقی اسامی
ساعات شبانه روزی چون که هر ساعتی اسم خاصی دارد اول ساعت روزی

اول شرق

اوّل شرق دوّم بلو سیّم غدو چهارم ضح پنجم هاجره ششم ظهر هفتم رواح
هشتم عصر نهم قصر دهم اصل یازدهم عشاء دوازدهم مغرب
اوّل شب دوّم شفق سیّم غسق چهارم عتمه پنجم سرفه ششم جهمة هفتم
ذلة هشتم زلفة ولهم اللّیل عبارت ازاوست نهم بهرة دهم سحر
یازدهم صبح دوازدهم صباح دوازدهم اشتباه دارد که عشا باشد وبعد
کواکب سبعهٔ سیّاره قمر عطارد زهره شمس مرّیخ مشتری زحل
وبعد بروج اسمان حمل بره ثور گاو جوزا کردکان سرطان خرچنگ
اسد شیر سنبله خوشهٔ گندم میزان ترازو عقرب کژدم قوس کمان جدی
بزغاله دلو دلوچاه حوت ماهی علامات بروج اسمان ٤ ١ ٠ ر ٧ ٥
و ز ح ط ب یا وبعد ایام هفته یکشنبه دوشنبه سه شنبه
چهارشنبه پنجشنبه جمعه شنبه اتّصالات مقابله مقارنه تسدیس
تثلیث تربیع تحویل شروف هبوط خروج الشّعاع تحت الشّعاع

سنوات ترکیّه

سیچقان ییل موش اود ییل گاو پارس ییل پلنگ توشقان ییل خرگوش لو ییل نهنگ
ییلان ییل مار یونت ییل اسپ قو ییل گوسفند پیچ ییل میمون تخاقو ییل مرغ ایت ییل سگ
تنکوز ییل خوک وبعد شهور عربیّه محرّم الحرام صفر المظفّر ربیع الاوّل ربیع الثّانی
جمادی الاولی جمادی الثّانی رجب المرجّب شعبان المعظّم رمضان المبارک شوّال المکرّم
ذی قعدة الحرام ذی حجّة الحرام طریقهٔ ستاره سکه یلدوز
ازماه های ترکیه گفته اند که اگر روی بروی مسافر براید در وقت بیرون رفتن ازمنزل البتّه باید

کشته شود و معرفت انزا خواجه

خواجه نصیر الدین علیه الرحمه بدین نحو قرار داده است تا اینکه حرکت آن ستاره معلوم شود این است ۳۶
یکم و یازدهم وبیست ویکم در این روزها با آفتاب براید چیزی بنا نباید گذاشت که زود خراب شود
دوئم ودوازدهم وبیست ودوئم در میان مشرق وجنوب براید با زنان صحبت نباید داشت که اگر
فرزند بهم رسد نابینا شود سیم وسیزدهم وبیست وسیم در این روزها از جنوب براید
در وقت زوال باب نباید رفت که علتها پدید اید و باید در آن بمیرد چهارم وچهاردهم
وبیست وچهارم در این روزها از میان جنوب ومغرب براید جامهٔ نو نپوشند که در آن
جامه محبوس میشود پنجم وپانزدهم وبیست وپنجم در این روزها از مغرب براید مجامعت
نباید کرد ششم وشانزدهم وبیست وششم در این روزها هر چه پنهان کنند اشکار شود
هفتم وهفدهم وبیست وهفتم در این روزها از شمال براید زن شوهر نکند که جدائی میان
ایشان بهم رسد هشتم وهجدهم وبیست هشتم در این روزها در میان مشرق وشمال
بود نزدیک ملوک وسلاطین نروند که مخاطرهٔ عظیم دارد نهم ونوزدهم وبیست ونهم در
این روزها در تحت الارض است بسفر نروند که مرکب ایشان لنگ شود وخود آن گم شود
یا کشته مگر اینکه خدای تعالی کشتن را از او بگرداند دهم وبیستم وسیام در این روزها در
فوق السماء باشد خصومت نباید کرد والله اعلم طریقهٔ قمر در عقرب آفتاب
که در حمل باشد شانزدهم وهفدهم ونصف هجدهم ودر ثور نصف سیزدهم چهاردهم
وپانزدهم ودر جوزاء یازدهم ودوازدهم نصف سیزدهم ودر سرطان نصف هشتم
ونهم ودهم ودر اسد ششم هفتم نصف هشتم ودر سنبله نصف سیم وچهارم
وپنجم ودر میزان اول دوئم ونصف سیم ودر عقرب نصف بست وهشتم و

۶۴

۳۷ وبیست ونهم وسی ام ودر قوس بیست وششم وبیست وهفتم نصف بیست وهشتم
ودر جدی نصف بیست وسیم وبیست وچهارم وبیست وپنجم ودر دلو نصف
بیست وسیم وبیست ودوم وبیست ویکم ودر حوت بیستم ونوزدهم ونصف هجدهم
واللّٰه اعلم طریقهٔ قمر در عقرب در هر ماه هر روزه زماه سیزده تعیین کن
پس بیست وشش واضافه وتخمین کن پس هر برجی زخانهٔ خورسی ده میدان حرکات مه
را تحسین کن طریقهٔ قمر در عقرب هرچه از ماه میرود بشمار پنج دیگر فزای
بر سر آن پس بهر پنج ازان زخانهٔ شمس گیر برجی وجای ماه بدان در بیان
آنکه در هر ماهی چند روز نحواست وعذاب بر امم سابقه مثل طوفان نوح وطوفان
هود وطوفان ابراهیم وخرابی بیت المقدس وغرق فرعون وقتل بنی اسرائیل در ایام
منحوسه وساعت بد بوده لهذا اهل شرع واهل نجوم تصدیق بر نحوست این ایام کرده
اند هفت روز نحس باشد در مهی زان حذر کن تا نیابی هیچ رنج سه وپنج وسیزده
با شانزده بیست ویک بیست وچهار وبیست وپنج وروز نهم محرم که تاسوعا باشد
وروز عاشورا وروز سیزدهم وبیست وهشتم ونهم واخر ماه صفر وچهار شنبه
سوری ونوزدهم وبیست ویکم ماه رمضان وروزهائی که ماه در عقرب باشد یا اسد
یا محاذی راس الغول یا در ذنب وراس ومحاق ومحترقه یا محاذی ستارهٔ قیقاوس
وشلپاق باشد وازایام دوشنبه وچهار شنبه است وازحضرت رسول
صلی اللّٰه علیه واٰله منقول است که در سالی ۲۴ روز نحواست هر ماهی ۲ روز که
اگر بیمار شود امید شفا در او نباشد واگر جنگ رود کشته شود واگر فرزندی متولد شود

شود نماند بدین دستور برای هیچ کاری خوب نیست محرم ۱۵ ۴ صفر ۱ ۲۰
ربیع الاول ۱۰ ۳ ربیع الآخر ۳۰ ۱ رجب ۱۵ ۱۲ شعبان ۱۵ ۱۴ رمضان ۲۰ ۴ شوال ۲۰ ۱۳ ۱۳ ۲۰ ۳۸
ذیقعده ۳ ۱۰ ذیحجه ۸ ۲ جمادی الاول جمادی الثانی وششم وسیزدهم مبالغه بسیار
کرده اند که درین ایام از برای همه کارها بد است والله اعلم — رقم بروج
رقم برجها ببین بشناس — از حساب جمل نهاده اساس — از حمل صفر الف ز ثور
نشان — به ز جوزاء وجیم از سرطان — از اسد دال دان وسنبله ه — واو میزان شناس
عقرب زه قوس حه طه نشان جدی بدان — دلوی یا الف بماهی دان
۰ ا ب ج د ه و ز ح ط ی یا

۰ ا ب ج د ه و ز ح ط ی یا

رقم کواکب

چون بدانستی از بروج رقم — رقم اختران بباید هم — آخرین حرف نام هر اختر رقم است
ایام هفته — سین شمس و را زقمر

هست آغاز هفته یکشنبه — بی ترددالف نشانش نر — وز دوشنبه علامت آمد با
همچنین تا رسد بشنبه زا — الف است اول از مه تقویم — با دوم دان وسه نشانش جیم
همچنین تا که مه رسد بتمام — آخرش کاف تا بود بالام

شرف کواکب

شرف آفتاب دان حمل — ثور مه را شرف شناس محل — هر زحل را شرف بود میزان
شرف مشتریست در سرطان — یاد جدی هم شرف میزان — همچو از حوت زهره را بدرام
تیر را سنبله است بیت شرف — راس را سنبله بود ز سلف — چون شرف گشت مر ترا معلوم
دگر برابر بود هبوط نجوم

هبوط کواکب

هبوط کواکب جدی و مریخ چون بود سرطان اند و مر درا هبوطش دان برج
ماهی هبوط تیر امد عقرب وان مه منیر امد چون هبوط زحل بر برج حمل وان
برجیست برج جدی مثل باز میزان هبوط خورشید است هابط برج خوشه نامید است
راس هابط شود چه شیر کمان هم هبوط ذنب بجوزا دان

در احکام بروج نزول قمر در بروج دوازده گانه و احکام انها اول باید دانست که
هر کسی خواهد که کارها را بوقت و ساعت نیك بعمل بیاورد اولاً باید بداند که افتاب
در کدام برج است و عدد ایام دخول ایام را نیز بداند بعد از ان ملاحظه نماید
که چند روز از ماه رفته است هر روز را سیزده بشمارد و بعد از ان عدد را باید
سی وسی طرح کند و ملاحظه نماید که چند سی میشود و هر سی را یك طرح حساب
میشود یك برج حساب نماید بعد از ان افتاب که در هر برج منزل دارد انمنزل را
گذاشته از برجی دیگر برداشته حساب نماید تا اینکه عدد طروح را طی نماید بعد از
ان معلوم نماید که نزول قمر در کدام برج است وقبل از این گفتم که سی سی طرح طرح
نماید و چون طرح نموده چند عدد که از طرح اضافه امده ان اضافه ها را در جز حساب
و عدد هر روزی از شمس را یک درجه بدهد اگر کثر داشته باشد کثر انرا از خانهٔ
قمر بشمس باید داد و بالعکس تا درجه نیز معلوم شود و بروج دوازده گانه را در
ظهر ورق می نمائیم واما بداند که کاف بمعنی نیك است ودال بمعنی بد است
وها بمعنی میانه است باین صورت ك د ه ودیگر طریق قمر در عقرب افتاب که در
در حمل باشد شانزدهم و هفدهم و نصف هجدهم قمر در عقرب است چنانکه پیش ذکر شد

منازل عقرب در دوازده برج شمس

منازل عقرب در ۱۲ برج شمس

عقرب

۱۶ ۱۷ نصف ۱۸

	حمل				
دیدن ملوک ك	فصد کردن د	حجامت کردن ه	نو بریدن و پوشیدن ك	بخانهٔ نو رفتن د	زراعت کردن د
زفاف کردن د	سفر کردن ك	شراکت کردن د	ختنه کردن ه	شروع در کارها ك	بنا نهادن د
مسهل خوردن د	خریدن چیزها د	فروختن چیزها ك	نکاح د	ابتدای تعلیم کتابت ه	علاج بیماری ك
باز داشتن از شیر د	شیر دادن کودک ك	نوره کشیدن د	دخول شهر شدن د	محاسبه کردن ك	اجاره دادن د
رسول فرستادن ك	نقل تحویل د	بنده خریدن د	حاجت خواستن د	سواری کردن ك	زیارت احبا رفتن د
تحفه فرستادن د	ثور				دید ملوک ك

عقرب

نصف ۱۳ ۱۴ ۱۵

فصد کردن ك	حجامت ه	بریدن و پوشیدن ك	بخانهٔ نو شدن د	زراعت کردن د	زفاف د
سفر کردن ك	شراکت کردن د	ختنه کردن د	شروع کارها ه	بنا نهادن ك	مسهل خوردن ه
خریدن چیزها د	فروختن چیزها ه	نکاح ك	ابتدای تعلیم کتابت د	علاج بیماری ه	باز داشتن از شیر ك
دادن شیر بکودک	نوره کشیدن	دخول در شهر	محاسبه نمودن	اجاره دادن	رسول فرستادن د
نقل تحویل ك	بنده خریدن ك	حاجت خواستن ك	سواری کردن ه	زیارت احبا ك	تحفه فرستادن ك

عقرب

۱۱ ۱۲ نصف ۱۳

	جوزا				
دیدن ملوک ه	فصد کردن د	حجامت ك	نو بریدن و پوشیدن ه	بخانهٔ نو شدن ه	زراعت کردن ه
زفاف کردن ه	سفر کردن ك	شراکت کردن ك	ختنه کردن ك	شروع در کارها ك	بنا نهادن ه
مسهل خوردن ه	خریدن چیزها ه	فروختن چیزها ك	نکاح ه	ابتدای تعلیم کتابت ك	علاج بیماری ك
باز داشتن از شیر ه	شیر دادن کودک ك	نوره کشیدن ه	دخول در شهر ه	محاسبه کردن ك	اجاره دادن د
رسول فرستادن ك	نقل و تحویل ك	بنده خریدن ك	حاجت خواستن ك	سواری کردن ه	زیارت احبا ك

تحفه فرستادن

تحفه فرستادن ك	سرطان				دیدن ملوك ه	عقرب
فصد کردن د	حجامت کردن د	بریدن و پوشیدن ك	بخانهٔ نو شدن د	زراعت کردن ك	ذفاف کردن د	نصف ۸ ۹ ۱۰
سفر کردن ه	شراکت کردن د	ختنه کردن ه	شروع در کارها ك	بنا نهادن د	مسهل خوردن ك	
خریدن چیزها د	فروختن چیزها د	نکاح د	ابتدای کتابت تعلیم ه	علاج بیماری ك	بازداشتن از شیر ك	
شیر دادن ك	نوره کشیدن ك	دخول در شهر د	محاسبه کردن ه	اجاره دادن ه	رسول فرستادن ه	
نقل تحویل د	بنده خریدن د	حاجت خواستن ك	سواری کردن ك	زیارت احبا ك	تحفه فرستادن ه	
	اسد				دیدن ملوك ك	عقرب
فصد کردن ك	حجامت کردن ه	نو بریدن پوشیدن د	بخانهٔ نو شدن دك	زراعت کردن د	ذفاف کردن ك	۸ نصف ۷ ۶
سفر کردن د	شراکت کردن د	ختنه کردن د	شروع در کارها ه	بنا نهادن ك	مسهل خوردن د	
خریدن چیزها ك	فروختن چیزها د	نکاح ك	ابتدای تعلیم کتابت د	علاج بیماری د	بازداشتن از شیر د	
دادن شیر کودك ه	نوره کشیدن د	دخول در شهر ك	محاسبه نمودن د	اجاره دادن زمین د	رسول فرستادن د	
نقل تحویل ك	بنده خریدن ك	حاجت خواستن ك	سواری کردن د	زیارت احبا ك	تحفه فرستادن ه	
	سنبله					عقرب
دیدن ملوك ه	فصد کردن د	حجامت د	نو بریدن پوشیدن ه	بخانهٔ نو شدن ك	زراعت کردن ك	نصف ۳ ۴ ۵
زفاف کردن ه	سفر کردن ك	شراکت کردن ك	ختنه کردن ك	شروع در کارها ه	بنا نهادن ك	
مسهل خوردن د	خریدن چیزها ك	فروختن چیزها ه	نکاح ه	ابتدای تعلیم کتابت ك	علاج بیماری ك	
بازداشتن از شیر ك	شیر دادن کودك ك	نوره کشیدن ه	دخول در شهر ك	محاسبه کردن ه	اجاره دادن ك	
رسول فرستادن ه	نقل تحویل ه	بنده خریدن ك	حاجت خواستن د	سواری کردن ه	زیارت احبا د	

عقرب

۱ ۲ نصف ۳

تحفه فرستادن د	میزان				
دیدن ملوك ه	فصد کردن ه	حجامت ك	نو بریدن پوشیدن ك	بخانهٔ نو شدن ه	زراعت کردن ه
زفاف د	سفر کردن ك	شراکت کردن د	ختنه کردن د	شروع در کارها ك	بنا نهادن ه
مسهل خوردن	خریدن چیزها ك	فروختن چیزها ه	نکاح ك	ابتدای تعلیم کتابت ك	علاج بیماری د
بازداشتن از شیر ه	شیر دادن ك	نوره کشیدن ه	دخول در شهر د	محاسبه کردن ك	زمین اجاره دادن د
رسول فرستادن ك	نقل و تحویل د	بنده خریدن ك	حاجت خواستن ك	سواری کردن ك	زیارت احبا ك

عقرب

۳۰ ۲۹ نصف ۲۸

فرستادن تحفه ك	عقرب				دیدن ملوك د
فصد کردن د	شروع در کارها د	نو پوشیدن و بریدن د	بخانهٔ نو شدن د	زراعت کردن د	زفاف کردن
سفر کردن د	شراکت کردن د	ختنه کردن د	حجامت کردن د	بنا نهادن د	مسهل خوردن ك
خریدن چیزها د	فروختن چیزها د	نکاح د	ابتدای تعلیم کتابت د	علاج بیماری د	بازداشتن از شیر ك
شیر دادن طفل د	نوره کشیدن د	دخول در شهر د	محاسبه کردن د	زمین اجاره دادن د	رسول فرستادن د
نقل و تحویل د	بنده خریدن د	حاجت خواستن د	سواری کردن د	زیارت احبا د	فرستادن تحفه د

عقرب

نصف ۲۸ ۲۷ ۲۶

	قوس				
دیدن ملوك ك	فصد کردن ك	حجامت ه	نو بریدن پوشیدن ه	بخانهٔ نو شدن ك	زراعت کردن ه
زفاف ه	سفر کردن ك	شراکت کردن د	ختنه کردن د	شروع در کارها د	بنا نهادن ه
مسهل خوردن د	خریدن چیزها ك	فروختن چیزها ه	نکاح ك	ابتدای تعلیم کتابت ك	علاج بیماری ك
بازداشتن از شیر د	شیر دادن کودك ك	نوره کشیدن د	دخول در شهر ك	محاسبه کردن ك	زمین اجاره دادن د
رسول فرستادن	نقل و تحویل ك	بنده خریدن د	حاجت خواستن ه	سواری کردن ك	زیارت احبا ه

فرستادن تحفه

۷۵

۴۲

عقرب

۲.۵ ۲.۴ نصف ۲.۳

فرستادن تحفه ک			جدی		دیدن ملوک د
فصد کردن د	حجامت د	نو بریدن پوشیدن ه	بخانهٔ نو شدن د	زراعت کردن ک	زفاف کردن د
سفر کردن ک	شراکت کردن ک	ختنه کردن د	شروع در کارها ک	بنا نهادن د	مُسهل خوردن د
خریدن چیزها د	فروختن چیزها ک	نکاح د	ابتدای تعلیم کتابت د	علاج بیماری ه	بازداشتن از شیر ک
شیر دادن کودک ک	نوره کشیدن ه	دُخول در شهر د	محاسبه کردن د	زمین اجاره دادن ک	رسول فرستادن د
نقل تحویل د	بنده خریدن د	حاجت خواستن ه	سواری کردن ک	زیارت احبّا ه	تحفه فرستادن د

عقرب

نصف ۲.۳ ۲.۲ ۲.۱

			دلو		
دیدن ملوک ک	فصد کردن ک	حجامت ک	نو بریدن پوشیدن ه	خانهٔ نو شدن ک	زراعت کردن ه
زفاف د	سفر کردن د	شراکت کردن د	ختنه کردن ک	شروع در کارها ک	بنا نهادن ک
مُسهل خوردن	خریدن چیزها ه	فروختن چیزها ک	نکاح د	تعلیم کتابت ک	علاج بیماری ه
بازداشتن از شیر ه	شیر دادن کودک د	نوره کشیدن د	دُخول در شهر ک	محاسبه کردن د	اجاره دادن د
رسول فرستادن د	نقل تحویل ک	بنده خریدن ک	حاجت خواستن ک	سواری کردن د	زیارت احبّا ک

عقرب

۲۰ ۱.۹ نصف ۱۸

فرستادن تحفه د			حُوت		ملوک دیدن
فصد کردن د	حجامت ک	نو بریدن پوشیدن ک	بخانهٔ نو شدن ک	زراعت کردن ک	زفاف کردن ک
سفر کردن ک	شراکت کردن ک	ختنه کردن ه	شروع در کارها ک	بنا نهادن ه	مُسهل خوردن ک
خریدن چیزها د	فروختن چیزها ه	نکاح ک	تعلیم کتابت ک	علاج بیماری ک	بازداشتن از شیر ک
شیر دادن کودک ک	نوره کشیدن ک	دُخول در شهر ک	محاسبه کردن ک	اجاره دادن ک	رسول فرستادن ک
نقل تحویل ک	بنده خریدن د	حاجت خواستن د	سواری کردن ک	زیارت احبّا د	تحفه فرستادن ک

٧١

٤٤

کواکب سبعہ مطا

کواکب سبعه مطابق بست وهشت حرف ابجد است زحل ا ب ج د مشتری ه و ز ح مریخ ط ی ک ل شمس م ن س ع زهره ف ص ق ر عطارد ش ت ث خ قمر ذ ض ظ غ

فصل در دانستن ساعات نیک و بد ایام هفته باید که بدین لوح نظر نماید و نیک و بد آنرا از لوح مذکور دریابد و اراده بهر شغلی که خواهد انشاء الله تعالی بحسب الخواهش او کار باتمام رسد

احکام									
لیالی	ایام هفته	اول روز	قبل از زوال	زوال	بعد از زوال	هو الصلوة	عصر	آخر روز
شب شنبه مریخ	۷ شنبه	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر
شب یکشنبه عطارد	۱ یکشنبه	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ
شب دوشنبه مشتری	۲ دوشنبه	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد
شب ۳ شنبه زهره	۳ سه شنبه	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری
شب ۴ شنبه زحل	۴ چهارشنبه	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره
شب ۵ شنبه شمس	۵ پنجشنبه	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل
شب جمعه قمر	۶ جمعه	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس

مثل روز میباشد که متعلق است بهر ستاره مثل جدول روز است **وبعد**

چون ساعت بزحل رسد نیک است که خانه و جوی کندن و زراعت و نخال نشاندن و نشاید دیدار دهاقین دیدن و حاجت خواستن و بیع و شراء و کارهای نهانی و طلسمات و دشمنی نشاید و تدویج و مظاهرات و سفر و فصد و حجامت و معالجت و دارو خوردن و دیدار

ملوك واشراف ونو بریدن وپوشیدن وهر فرزند یکه در این ساعت متولد شود عمرش دراز باشد
وازین بهره مند باشد چون ساعت بمشتری رسد نیك باشد تزویج مظاهرات و
طلب حاجات وحرکت وسفر وحجامت ودیدار سلاطین وبیع وشراء وابتدای کارهای بزرگ
ونو بریدن وپوشیدن ونشاید کارهای نهانیرا والت حرب وکار فساد ودیدار مفسدان دیدن
وفرزند یکه در این ساعت متولد شود مصلح باشد چون ساعت بمریخ رسد نیك باشد الت
حرب وسلاح وطلسم ودشمن وخون ریختن در بخار کردن وکار فساد ونشاید دیدار سلاطین
واشراف وطلب حاجات وتجارت کردن وسفر ونو بریدن وپوشیدن وهر فرزندی که درین
ساعت متولد شود حریص بر مال خلق وخون ایشان باشد چون ساعت بشمس رسد نیك
باشد کارهای معظم ودیدار ملوك ونشاید تجارت وحرکت نو بریدن وپوشیدن و
هر فرزندی که متولد شود عمرش دراز باشد واصحاب سلطان باشد بادولت ونعمت باشد
چون ساعت بزهره رسد نیك باشد کلاه وظاهرات ودیدار سلاطین وطلسم الفت
واسباب لهو ولعب وفصد وحجامت ومعالجت ودارو خوردن ونو بریدن وپوشیدن و
آرایش باغ وبستان ونشاید کودك بر برستان وتعلیم وکارهای نهانی وکتابت وطلسم
ودشمنی وفرزندی که متولد شود عشرت وطرب دوست باشد چون ساعت بعطارد
رسد نیك باشد کارهای نهانی وکودك بدبیر فرستادن وابتداء تعلیم کردن ودیدار اصحاب
قلم وخصوص کردن کارهای باریك وطلسم ونشاید فصد وحجامت وکارهای فساد و
تجارت ومعالجت ودارو خوردن وفرزند یکه در این ساعت متولد شود عالم ودانا وبزرگ
شود چون ساعت بقمر رسد نیك باشد پیغام فرستادن وفصد وحجامت ومعالجت

ودارو خوردن

ودار و خوردن واسباب زراعت وباغ بریدن چوب وبنای کاریز وطلسم والفت وخریدن
ستور ونشاید کارهای نهانی وخویش وتزویج وهر فرزند یکه متولد شود بسیار مال
بدست آورد اما جاسوس وراهزن باشد

زحل ستارهٔ دهاقین وارباب املاکست ونسبت بروز وبرنگ سیاهی وپرورش دهند
اقلیم اول واز فلزات سرب ابوی ربط است وطبعش سرد وخشک ونحس ونزدوستی باشد
ومدت مکث آن در هر برجی دوسال ونیم ومجموع دورش سی سالست   مشتری ستارهٔ
ارباب صنعت واهل اقلیم دوم وسعد اکبر وطبعش گرم وتر وآواز وزاست نسبت آن از
رنگها بکبودی واز فلزات بقلع وهر برجیرا سیزده ماه طی میکند مجموع دورش سیزده
سالست   مریخ ستارهٔ سپاهیان وخونخوار آن طبعش گرم وخشک ونحس وبروشنی
ونسبتش از فلزا براهن دارد واز رنگها بسرخی وتیرگی وباقلیم سیم وسیرش در هر
برجی پنجاه روز وتمام دورش هجده ماه   شمس ستارهٔ پادشاهان وارباب حکم طبعش
گرم وخشک وروزی ونر ونحس در اجتماع وسعد در نظرات نسبتش از رنگها بزردی
وشفافی واز فلزات بطلا وباقالیم چهارم ومدت سیرش هر برجی یکماه وتمام دورش یکسال
زهره ستارهٔ زنان واکردان وسازنده کان واهل طرب نسبتش باقلیم پنجم واز رنگها
بسرخی واز فلزات بمس وطبعش سرد وماده وسعد مدت سیرش در هر برجی بیست وپنج روز
تمام دورش ده ماه   عطارد ستارهٔ وزراء واهل قلم وعلماء بهمه رنگها مایل وسبز
ونسبتش باقلیم ششم واز فلزا بزیبق ومدت سیرش در هر برجی پانزده روز وتمام دورش
ششماه   قمر ستارهٔ سیاحان وقاصدان وشاطران وگرم وتر وماده وسعد مدت سیرش

دوروز و نیم و دورش یك ماه است و از اقلیم هفتم است و از رنکها بسبزی ۴۸

والسلام

ساعات معوجه و متساویه اما معوجه آنست که هر یك از شب و روز را ۱۲ ساعت دائم در فصلی
از فصول اتم از ساعات قصیره یا طویله یا متساویه آنست که در قطر و طول باهم تفاوت نکنند بلکه
قطر و طول شب و روز بزیاده شدن عدد ساعت و کم شدن آن و هر ساعتی از ساعات
شب و روز هفته نسبت بیکی از سبعهٔ سیاره دارد بدین نهج که ساعت اول از روز یا شب مختص بآن
کوکبی است که نسبت بآن شب یا روز دارد و ساعت دوم آن کوکبی که بعد از آنست در ترتیب
شماره همچنین و سیم بعد از آن تا هفتم و باز بهمین نهج و تقسیم دیگر آنکه در روز یکشنبه
از صبح تا نزدیك چاشت از شمس است و چاشت از زهره و نزدیك زوال از عطارد و وقت
نماز پیشین از قمر و ما بین الصلوتین از زحل و عصر از مشتری و آخر روز از مریخ دوشنبه
اول روز از قمر و نیم چاشت زحل و نزدیك زوال مشتری و پیشین مریخ و بین الصلوتین
شمس و عصر زهره و آخر روز عطارد سه شنبه بهمین ترتیب از مریخ و شمس و زهره
و عطارد و قمر و زحل و مشتری و چهارشنبه از عطارد و قمر و شمس و مریخ و زحل
و زهره پنجشنبه از مشتری و مریخ و شمس و زهره و عطارد و قمر و زحل جمعه
از زهره و عطارد و قمر و زحل و مشتری و مریخ و شمس شنبه زحل و مشتری
و مریخ و شمس و زهره و عطارد و قمر است و ثوابت سوای
سبعهٔ سیاره اند در فلك ثامن و حرکت خاصه ندارند و عدد شان خدا داند لیکن یکهزار و بیست و
در رصد در آورده اند که بزرك ترین آنها دویست و سه برابر جرم زمین است و کوچك ترین آنها

بیست و سه برابر

پیست وسه برابر وهرچند ستاره راکه اجتماع آنها بشکل حیوانی بنظر می آید برج بنام آن
حیوان خوانند وهریك از ستاره را مادام در محاذات یکی از برجها باشد کویند در برج جست
حمل واسد وقوس مشرقیست وجوزاء ودلو ومیزان مغربیست سرطان وعقرب
وحوت شمالیست ثور وسنبله وجدی جنوبیست وبرجهای ثابت ثور واسد
وعقرب ودلو منقلب حمل وسرطان ومیزان وجدی ذوجسدین جوزا وسنبله
وقوس وحوت است حمل خانهٔ شرف آفتاب است وثور خانهٔ شرف ماه است و
میزان خانهٔ شرف زحل وسرطان خانهٔ شرف مشتری وجدی خانهٔ شرف مریخ وحوت خانهٔ
شرف زهره وجوزا بیت الشرف راس وسنبله بیت الشرف عطارد وقوس بیت الشرف ذنب
واز حمل بحوت یك دیگر میان ماده وحمل واسد وقوس آتشی است جوزا ومیزان ودلو
بادیست سرطان وعقرب وحوت آبی است ثور وسنبله وجدی خاکی است حمل وعقرب
خانهٔ مریخ قوس وحوت خانهٔ برجیس ثور ومیزان خانهٔ زهره اسد خانهٔ آفتاب
سرطان خانهٔ قمر جوزاء وسنبله خانهٔ عطارد وجدی دلو وزحل از حالات و
طبایع این برجها استنباط سعادت ونحوست اشغال واعمال کنند وکف الخضیب چند
کوکب ونحوست بشکل آدمی برصندلی دست دراز کرده مثل دست خضاب کرده
بوسط آسمانند دعا مستجاب است

١	٢	٣	٤	٥	٦	٧	٨	٩	١٠	١١	١٢
حمل	ثور	جوزا	سرطان	اسد	سنبله	میزان	عقرب	قوس	جدی	دلو	حوت
نار	هواء	ماء	تراب	نار	هواء	ماء	تراب	نار	هوا	ماء	تراب
ا م ذ	ب ن ض	ج س ظ	د ع غ	ه ف	و ص	ز ق	ح ر	ط ش	ی ت	ك ث	ل خ

فصل در تحقیق رؤیت هلال شهر رمضان المبارک یعنی هر روز از روزهای هفته
سال سابق اوّل ماه رمضان بوده باشد روز پنجم ان اوّل ماه رمضان امسال خواهد بود
اکر مثلاً ماه رمضان سال سابق اوّلش یکشنبه باشد باید ماه رمضان اینده اوّلش
روز پنجشنبه باشد واین در غیر سال کبیسه است وسال کبیسه را باید شش روز
بشمارند در روز ششم اوّل ماه رمضان اینسال خواهد بود ودر غالب اوقات این حساب
با رویت هلال موافق می افتد چنانکه در سنهٔ هزار وصد وهشت بود که پنجم ان روز
یکشنبه بود اوّل ماه رمضان بود واین سال که سنه هزار وصد ونه است چون سال
کبیسه است ششم یکشنبه که روز جمعه است اوّل غرّهٔ رمضان وکاه بود که بحسب رویت
تخلّف وموافق نمی افتد وسرّش انست که اکرچه بحسب تجربه یافته اند که سه ماه متوالی
ناقص میتواند شد وزیاده از سه نمیتواند شد وچهار ماه متوالی تمام میتواند شد وزیاده
نمیتواند شد امّا ماههای سال را که برسر هم حساب میکنند در غیر سال کبیسه شش ماه
بیست ونه میباشد ودر سال کبیسه پنجماه ناقص وهفت ماه تمام میباشد واز غرایب
حکمت حقیقی انکه در سنه ۱۰۴۴ همهٔ منجّمین اتفاق نموده در تقاویم خود دوازده ماه را از سی
که یک نوشتند وتمام ان سال ماه های تمام بود پس در غیر سال کبیسه اکر اوّل ماه
رمضان شنبه باشد چون بحسابی که مذکور شد از ماهای تمام است باید دوشنبه اوّل
ماه شوّال باشد وچون ان ناقص باشد باید که سه شنبه اوّل ماه ذی قعده باشد و
چون ان تمام است باید که پنجشنبه اوّل ذی حجّه باشد وچون ان ناقص باشد باید که جمعه
اوّل ماه محرّم باشد وچون ان تمام است باید که یکشنبه اوّل ماه صفر باشد چون ناقص است

باید دوشنبه

۸۱

باید دوشنبه اوّل ماه ربیع الاوّل باشد وچون تمام باید چهارشنبه اوّل ماه ربیع الثّانی باشد
وچون ناقص است باید پنجشنبه اوّل ماه جمادی الاوّل باشد وچون تمام است باید شنبه اوّل
ماه جمادی الثّانی باشد وچون ناقص است باید یکشنبه اوّل ماه رجب باشد وچون آن
تمام است باید سه شنبه اوّل ماه شعبان باشد وچون ناقص است باید چهارشنبه
اوّل ماه مبارک رمضان باشد وآن پنجشنبه است که اوّل ماه رمضان سابق بود و
ودر سال کبیسه چون ماه ذی قعده وذی حجّه را تمام هر دو را میگیرند اوّل رمضان آن سال
باید موافق ششم ماه رمضان سبقی باشد مثلاً فرض کنیم که اوّل کردیم اگر در اوّل کبیسه باشد
وذالحجه را تمام میگیریم شنبه اوّل ماه محرّم خواهد شد وبهمان نحو ماههای بعد را یکی را تمام
ویکی را ناقص میگیریم اوماه رمضان پنجشنبه خواهد بود وآن نسبت بشنبه که اوّل ماه
رمضان سابق است که ششم خواهد بود واحادیث بدین دستور بسیار است من جمله چنانچه
کلینی رحمه الله از حضرت صادق علیه السّلام روایت کرده است که ایام سال ۳۶۰ روز بود
حقتعالی دنیا را در شش روز خلق کرد وشش روز از سال بیرون کرد ۳۵۴ روز ماند
وذیقعده سی روز است زیرا که خدا فرموده است وعده دادیم موسی را سی شب وتمام کردیم
آن را بده شب دیگر پس تمام شد میقات پروردگار چهل شب وآن ذی قعده بود وده
روز ذالحجه پس ذی قعده را تمام گرفت خدا وذی حجّه را بیست ونه روز ومحرّم سی روز است
پس همچنین بعد از آن یکماه تمام ویکماه ناقص وابن بابویه علیه الرّحمه باین حدیث عمل
کرده وسایر علماء موافق حدیث دیگر بنا را براین ماه کذاشته اند محمد ابن نوح بخدمت
امام علی النّقی علیه السّلام عریضه نوشت که از پدران شما روایت کرده اند در حساب روزه

روزه که پنج روز از اول ماه رمضان کذشته بشمارند حضرت دیگر جواب نوشتند که صحیح است ولیکن در هر چهار سال پنج پنج بشمارد و در سال پنجم شش روز بشمارد پس حضرت فرمودند که این تفاوت از خمسهٔ کبیسه است و اصحاب ما حساب کرده اند و کفته اند که بحساب کبیسه درست است

خاتمه در احکام بست این بست دیگر نزد هرمس وحکماء هند بغایت مذموم است و این ساعات را احد اختیارات و ساعات بست خوانند و حکماء عرب این ساعت را محترقه خوانند و ابتداء این ساعت را از اجتماع نیرین کیرند و چهل و دوازده ساعت تا هشتاد و چهار ساعت بکنرد و انکاه ابتداء در دوم باشد بر این ترتیب تا اجتماع دیگر و این دور را هفت قسمت کنند بعدد افلاک و هر کوکبی را دوازده ساعت دهند و حصهٔ هر کوکبی را بست ان کویند و بدترین بست افتاب است پس هر کاه در این بست کاری کنند در ثلث اول زیانش بجان برسد و در ثلث دوم بجاه و ثلث سیم بمال و در ثلث اخر مریخ است هیچ کاری را نشاید والله اعلم دیگر قمر نیکست فرستادن رسولان و ایلچیان و صحبت با عوام الناس دیگر عطارد بدیدن اصحاب دیوان و بیع وشراء و تعلیم و تربیت و دیگر زهره نیکست دیدن خواتین و مردان و شرکت و تزویج و زفاف و در شمس مطلق هیچ کاری را نشاید مگر بخلوت نشستن و از خانه بیرون نیامدن زراعت را اولیست و دیگر مریخ در ثلث اول سواری را نشاید و ثلث دوم خون کم کردن را خوب است و ثلث سیم هیچ کاری را نشاید و دیگر مشتری نیک است طالب وزارت و امارت و صحبت و دیدن علماء و اشراف و دیگر زحل نیک است دیدن مشایخ و زهاد

بست یا ساعات محترقه ابتداء از اجتماع نیرین است

خاتمه در احکام مشایخ و دهاقین و رفتن بمزارات و قبور متبرک و عمارات و بس

ذوالذوابة و قوس القزح این ستاره نحوست هر وقت که پیداء شود در عالم فتنه و شور ش پیداء شود و خون ریزش پدید اید و اکثر پادشاهان را زیان باشد بلکه بعضی تاج و تخت را وداع کنند پیش از نیم شب از مشرق است و بعد از نیم شب مغربی است این است

ایام	ذوالذوابة			قوس القزح
٠	فی الطرف المشرق	٠		فی الطرف المغرب ٠
۴	قتل در همه عالم بدید اید		۴	نعمت فراخ گردد
ا	اشوب در همه جا ظاهر شود		ا	بدی حال زنان باشد
ب	تنگی بدید اید		ب	ضعف عمال باشد
ج	قحطی بدید اید		۸	فراخی بدید اید
۳	غلبهٔ دزدان بود		۲	ایمنی پیدا شود
۵	بدی عوام الناس بود		۵	جیفه دزدان بود
و	کثرت دزدان بود		۶	خلاف زهاد بود
ز	بلای رعیت بود		د	فیض کارها بود
ح	خونها ریخته شود		ج	امن و سکون باشد
ط	افت مردم بود		ط	خلاف عوام الناس بود
ب	قتل بدید اید		ب	افت عظیم باشد
۱۰	کشتی غرق شود		۱۰	نکبت زهاد و عباد بود
٠	فی الطرف المغرب	٠		فی الطرف المغرب ٠
۴	بابل خراب شود		۴	در طرف مغرب قحط شود
ا	بدی عوام الناس بود		ا	نعمت فراوان شود
ب	فساد بدید اید		ب	وباء بدید اید
۸	ملخ غله را تباه کند		۸	بدحالی ملوک بود
۲	بدی چهارپایان بود		۲	فراخی نعمت بود
و	زنا اشکارا گردد		۵	وباء حادث گردد
و	بدی رعیت بود		د	حکمت ارزان شود
و	عزت ملوک بود		د	فراوانی غله باشد
ح	اراجیف پیداء شود		ح	نعمت فراوان شود
ط	فتنه بدید اید		ط	فراخی نعمت بود
ب	غوغا بدید اید		ب	قحط بدید اید
۱۰	قتل بدید اید		۱۰	بیماری زنان باشد

قاعدهٔ مخمس خالی الوسط طریقه شیخ محی الدین اعرابی وچنین ذکر کرده است که این لوح را
عزیز ومکرم بدارید واز نااهل مخفی وپوشیده در پرده نکهدارید ودر خواص این
شرح بسیار است همین قدر در تعریف این لوح شریف بس است که در تحبیب ویا
در تبغیض شمشیر برنده وسم کشنده است واحتیاج بساعت ندارد هر وقت که
میخواهی عدد اسم طالب وعدد اسم مطلوب را باعدد آیة مناسب مطلب جمع کن وعدد
اسماء الهی که مناسب آن مطلب باشد بیاور همهٔ این عددها را جمع کن ملاحظه کن که چه قدر
میشود پس آنعدد را بر ۶۵ قسمت کن وببین چند ۶۵ میشود آنوقت هر ۶۵ را
یک حساب کن وآنکه از ۶۵ کمتر است باقی میماند آنرا کسر میکویند این کسر را با آنعددی
که هر ۶۵ را یک عدد کرفتی جمع کن ودر خانهٔ که انشاالله نموده میشود بکذار وبقرار
نظم طبیعی مخمس را تمام کن مثلاً طالب محمد ۹۲ مطلوب حسن ۱۱۸ آیه وانه لحب الخیر لشدید ۱۲۹۱
ان تمیلوا میلاً عظیماً ۱۶۴۰ وعدد بدوح ۲۰ وعدد ودود ۲۰ وجمع همهٔ عددها این است ۳۱۸۱ این عدد را بر ۶۵
قسمت کردیم حاصل طرح این شد ۴۸ وکسر این شد ۶۱ بعد این دوعدد طرح وکسر را در خانه اول کذا نشتیم

درجات فلک

۱۲
۳۰
۳۶۰
۴
۱۴۴۰

۳۰

عناصر ۴

۶۵
۴۸
۶۵
۲۴۰
۲۸۸
۳۱۲۰
۶۱
۳۱۸۱

۳۱۸۱
۲۶
۵۸
۵۲
۶۱

۳۱۸۱

۷۶۸	۴۸۰	۱۰۹	۵۷۶	۱۲۴۸
۴۳۲	۱۰۰۸	۹۱۲	۶۲۴	۲۰۵
۷۲۰	۵۸۹		۶۷۲	۱۲۰۰
۲۴۰	۲۸۸	۱۱۰۴	۱۲۱۳	۳۳۶
۱۰۲۱	۸۱۶	۱۰۵۶	۹۶	۱۹۲

۲۶

۱۶	۱۰	ک ۱	۱۲	
ت ۹	۲۱	ت ۱۹	۱۳	ک ۳
۱۵	ک ۱۱		۱۴	۲۵
۵	۶	۲۳	ک ۲۴	۷
ک ۲۰	۱۷	۲۲	۲	۴

بچینین شد

۸۲

۵۸

عناصر اربعه	نار	ا	ه	ط	م	ف	ش	ذ
یعنی دایرهٔ	هواء	ب	و	ی	ن	ص	ت	ض
اهطمی	ماء	ج	ز	ك	س	ق	ث	ظ
باشد	تراب	د	ح	ل	ع	ر	خ	غ

۱۰۹ / ۱۴۴۰ / ۱۵۴۹ / ۵۱ / ۱۴۹۸

چنین شد وبعد عدد مفتاح که خانهٔ اول است واین است ۱۰۹ جمع کردیم با عدد ۱۲۴۸ / ۱۴۴۰ / ۲۶۸۸ / ۵۱ / ۲۶۳۷

ادوار الفلك که این باشد ۱۴۴۰ وعدد لفظ ئیل که این باشد ۵۱ از این

عدد منها کردیم الباقی ماند ۱۴۹۸ باسم او کردیم شد حَصَتَغائیل وبعد

عدد مغلاق را که این باشد ۱۲۴۸ جمع کردیم با عدد ادوار الفلك وعدد لفظ ئیل را ۳۲۲۹ / ۱۴۴۰ / ۴۶۶۹ / ۵۱ / ۴۶۱۸

منها کردیم شد ۲۶۳۷ باسم او کردیم شد زَنْخُبْغائیل وبعد عدد ارکان را

چهار گوشه باشد واین است ۳۲۲۹ ایضاً با عدد ادوار الفلك جمع کردیم ۳۱۸۱ / ۱۴۴۰ / ۴۶۲۱ / ۵۱ / ۴۵۷۰

واین عدد را ۵۱ منها کردیم الباقی ۴۶۱۸ باسم او کردیم شد حَیُخَکْ غائیل

وبعد عدد مساحت که عدد یك سطر باشد این است ۳۱۸۱ با عدد ادوار الفلك

جمع کردیم وایضاً عدد لفظ ئیل را منها کردیم الباقی ماند ۴۵۷۰ باسم او کردیم شد ۳۱۸۱ / ۱۴۴۰ / ۲۴۷ / ۴۸۶۸ / ۵۱ / ۴۸۱۷

عَثْذَغائیل وبعد ایضاً عدد مساحت که همین است ۳۱۸۱ با عدد ادوار

الفلك وعدد اسم جبرائیل که این است ۲۴۷ این سه عدد را جمع کردیم و قطب ۳

وعدد لفظ ئیل را منها کردیم الباقی ماند ۴۸۱۷ باسم او کردیم شد زیَضکَ غائیل

چنانچه در حاشیه مرقوم شده است وبعد اصل حروفات را باید بدایرهٔ اهطمی

برده وملاحظه کند که کدام عناصر غلبه دارد باید بان عنصر رفتار نماید مثال

مح م د ح س ن و ان ه ل ح ب ال خ ی ر ل ش د ی د ان ت م ی ل و ا م

ی ل ا ع ظ ی م ا ب د و ح و د و د این شد اول ناری م م ا ه ش ا م ا م
۵۱۱

ا م ا دویم هواء ن و ن ب ی ی ن ت ی د ی ی ب و و و سیم مائی
۶۳۴

س ظ چهارم خاکی ح د ح ل ح ل خ ر ل د د ل ل ع د ح د د ملاحظه کردیم
۱۰۷۶ ۹۶۰

۵۶

دیدیم که عنصر خاك غلبه دارد عمل بخاك باید بشود و بخورات خاك و ملائکه خاك باید
بشود و بعمل اید تا موافق دلخواه باشد و عدد خاك ۱۰۷۶ است پس باین عدد باید
بخواند و استمداد از موکلین بخواهد واکر عمل تبغیض و عداوت باشد خلاف بخواند
بعوض عدد ذیل عدد لفظ طیش بکذارند این است ۳۱۹ و بخورات شر و عداوت هم
که معلوم است انشاء الله در نسخهٔ بعد مسطور میشود واکر عمل حب باشد عدد جبرائیل
داخل کند این است ۲۴۷ واکر عمل رزق باشد عدد میکائیل ۱۱۲ واکر دفع
شر باشد عدد اسرافیل ۳۸۲ واکر مرض و موت باشد عدد عزرائیل ۳۱۹ اضافه
کند و بعد از ان اسمائی که از لوح بیرون اورده انها را بدین قرار عزائم میبندی
و قرائت میکنی باین عدد ۱۰۷۶ عنصر که مذکور شد مثال اَقْسَمْتُ عَلَیْکُمْ
اَیُّهَا الاَرْوَاحِ الرُّوحَانِیُّونَ الطَّیِّبُونَ الطَّاهِرُونَ المُوَکَّلُونَ النُّورَانِیَّةِ الاِنْسَانِیَّةِ
وَاَقْسَمْتُ عَلَیْكَ یَا حَصَتغَائِیل بِحَقِّ الحَاکِمِ عَلَیْکُمْ یَا زَنخبغَائِیل وَاَقْسَمُ عَلَیْکُمْ
بِحَقِّ الحَاکِمِ عَلَیْکُمْ یَا حَیَخکَغَائِیل وَاَقْسَمُ عَلَیْکُمْ بِحَقِّ الحَاکِمِ عَلَیْکُمْ یَا عَثدَغَائِیل
وَاَقْسَمُ عَلَیْکُمْ اَیُّهَا المَلَائِکَةُ الرُّوحَانِیُّونَ بِحَقِّ سَیِّدِکُمْ وَالحَاکِمِ عَلَیْکُمْ زَیضَدغَائِیل
اَجِیبُوا طَائِعِینَ مُسْرِعِینَ وَتَوَکَّلُوا بِجَلْبِ فلان وَجَلْبِ فلان وَاَقْسَمُ عَلَیْكَ اَیُّهَا
القُطْب بِاَسْمَاءِ اللهِ وَالاٰیَاتِهِ وَالنَّبِیِّ صَلَّی اللهُ فِی عَطْفِ وَجَلْبِ سَرِیعًا مُطِیعًا وَ
اَنَّهُ لَقَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ عَظِیمٌ وعزایم شرهم از این قرار است که ذکر شد و ملائکه
قطب مال خانه وسط مخمس است وان چهار ملك دیکر چنانکه بترتیب نوشته شده است اول
در وسط فوق مخمس و ثانی را در یسار و ثالث را در تحت و رابع را در یمین والسلام

بدانکه علم

۸۲

۵۷

بدانکه علم تکسیر علم انبیا است وعلم اولیاء است واز سفرا د م علیه السلام یافته اند وبدان کارهای بزرگ کرده اند وبمقاصد دینی ودنیاوی رسیده اند وسرچشمهٔ همهٔ علوم چون بنیک نظر کنی همین است واز او توان بهمهٔ مطلوب رسیدن خصوص در پیدا کردن اصطلاحات که در عبارت آن بکار آید وبباید دانست که بسیار جاها حروف را درجه خوانند هرکجا که اشاره بحروف است وسطر را جائی اسم خوانند وجائی زمام وجائی برج وجائی حصّه پس از این قبیل هرکجا یابی که بخوانی بدانکه غرض ازوی سطر است باب را جائی بیت خوانند وجائی سهم خوانند چون از این در جائی بینی بدانکه مقصود ازوی باب است ودیگر علم تکسیر جائی گویند تکسیر کن وجائی گویند منصوب وجائی گویند مقلوب وجائی گویند صدر موخر وجائی گویند حفض ورفع پس از این صفت هرجای کتاب بینی بدانکه ازوی حروف حرفی خوانند واندر تکسیر وزمام باب آن سطر باشد که باب ازوی تکسیر کنند چون کرده باشی پس هرکجا زمام باب یا مخرج باب یابی بدانکه کتاب از روی آن سطر باشد که گفته اند وعبارت از سهم مقام آفتاب است که دیگر برجی بروی وآن دوازده سهم است اندر برابر دوازده برج این جمله نیکو فهم کن

والسلام

دیگر تقسیم دوازده برج برکواکب سبعهٔ سیاره حمل عقرب مریخ ثور میزان زهره

قوس حوت مشتری جدی دلو زحل جوزا سنبله عطارد اسد شمس

سرطان قمر

قاعده از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام وبیست که فرمودند نظر کنید

روز اوّل محرّم را اکر یکشنبه باشد یك بکیر ۱ واکر دوشنبه باشد ۲ واکر سه شنبه
باشد ۳ واکر چهارشنبه باشد ۴ واکر پنجشنبه باشد ۵ واکر جمعه باشد ۶
واکر شنبه باشد ۷ بکیرد پس آنعدد را حفظ کند وعدد امامان خود کر ۱۲ هست
بران بیفزاید مجموع را بکیرد وازان ۷ و ۷ بیندازد اکر ۷ بماند شنبه اوّل رمضان است
واکر ۶ بماند جمعه است واکر ۵ بماند پنجشنبه است واکر ۴ بماند چهارشنبه است
واکر ۳ بماند سه شنبه است واکر ۲ بماند دوشنبه است واکر ۱ بماند یکشنبه است
یعنی حساب خود را بران قاعده بکذارد که حق را خواهی یافت انشاء الله تعالی
والسلام

شرح تسبیح بزرکوار است روایتست از سلمان فارسی واز معاذ جبل رحمة الله علیه که کفت حضرت
رسول صلی الله علیه وآله وسلم در قبرستان بقیع بود ودست راست بر دوش من نهاد وفرمود
ایمعاذ تورا خبری دهم که در ان نفع حاصل شود تورا وجملهٔ مؤمنان را بدانکه حق سبحانه و
تعالی از قدرت خود در اسمان هفتم فرشتهٔ افریده است که اورا هزار سر است وبرهر سری
هزار دهان وبرهر دهانی هزار زبان وبرهر زبانی هزار کانه تسبیح وتهلیل کوید
خدایتعالی را واین فرشته را در خواطر کذشته که ایا حقتعالی را هیچ مخلوقی باشد که از
من زیادتر یاد نماید اورا ندا امد که ایفرشته مرا در روی زمین بندهٔ هست در فلان موضع
ازتو عابدتر فرشته کفت الیها معبودا توئی قاضی الحاجات دستوری ده مرا تا بروکه بروی
زمین وان بنده را زیارت کنم وطاعت اورا بدانم فرمان یافت وان فرشته بفرمان حقتعالی
بصورت انسان برامد وبنزد ان بنده شد مرد یرا دید که در باغ کشت میکرد بروی سلام کرد
جواب شنید

در تاریخ هجری ۱۲۰۶ در سنهٔ ۱۲۰۶ در یوم چهارشنبهٔ هفدهم
شهر رجب المرجب ۲۴ دقیقه از ظهر کذشته تحویل
حمل شد یعنی شمس داخل
برج حمل شد که عید نوروز است
والسلام

جواب شنید وانروز تا شب پیش او بود طاعتی زیاده ندید چون شب دیگر امد فرشته کفت
ایعزیز امشب مهمان توام ان عزیز کفت ازین بهتر چه خواهد بود پس فرشته را باخود بخانه
اورد ومهمان کرد وبزبانی چند همزبانی کرد وبعد او را بخوابانید این فرشته همچنین سه شبانه
روز پیش ان عزیز ماند وازاو طاعتی زیاده ندید پس فرشته او را سوکند داد که تو در پنهان
خدایتعالی را چه طاعت کنی که حقسبحانه وتعالی ترا بر من فضیلت داده ان عزیز ساعتی را
بهیچ نشنید وبعد کفت بنده کان را چه طاعت باشد که پسندیدهٔ حقتعالی باشد اما چون
سوکند دادی ترا بکویم بشرطیکه بکوئی چه کسی واز کجا امدهٔ فرشته کفت ایعزیز بنیکو خصال
من یکی از فرشتکان اسمان هفتم وحقسبحانه وتعالی مرا هزار سر داده است وبر هر سری
هزار رو داده است وبر هر روئی هزار دهان وبر هر دهانی هزار زبان وهزار کانه
تسبیح وتهلیل میکویم با این همه ایزد تعالی ترا درجات از من بهتر وبزرکتر داده است
پس ان عزیز کفت که ای فرشته مرا در نهان تسبیحیست که هر شبانه روزی بعد از نماز
میخوانم فرشته کفت بخوان تا بدانم ان عزیز خواند فرشته بسجده افتاد وسر از سجده برداشت
وکفت بخداوندی که جز او معبودی نیست که ازین بزرکتر تسبیحی نیست این کفت ورفت
یامعاذ هربار که حملهٔ عرش این تسبیحرا بکویند فرشتکان هفت اسمان در سجود ایند از
برکت وبزرکواری این تسبیح یامعاذ بدان واکاه باش بان خدائی که مرا براستی بخلق فرستاده
که هر مؤمن ومؤمنه این تسبیحرا روزی یکبار یا هفتهٔ یکبار یا ماهی یکبار یا در سالی یکبار
یا در عمر خود یکبار بخواند واکر نتواند بخواند از خواننده کان بشنود عرش بلرزه در اید واز
حقتعالی ندا اید که ای عرش ساکن باش عرش کوید چکونه ساکن باشم که هنوز خوانندهٔ این

۶۰

تسبیحرا نیامرزیده بی نماز شد که ای عرش تو چه میدانی که او را نیامرزیدم بدرستی که او را و از قبیلهٔ
او هفتاد کس را بخشیدم و در قیامت از برکت این تسبیح هزار کس را از گنهکاران امت محمد صلعم
می بخشم و در بهشت هفتاد هزار شهرستان بوی ارزانی نمایم یا معاذ خواننده و دارندهٔ
این تسبیح با ایمان از دنیا میرود و عزرائیل از برکت این تسبیح بزرگوار بفرمان رب العالمین
سکرات مرگ را بروی آسان گرداند وچون او را غسل دهند حقتعالی جل جلاله فرمان دهد
که هزار فرشته از فرشتگان آسمان هفتم بر جنازهٔ او نماز کنند وچون در لحد بخوابانند حوران
با طبقهای نور و حلّههای بهشت بگور وی در آیند البشارت البشارت ایگویندهٔ تسبیح
عظیم وای پسندیدهٔ خدا ما تا روز قیامت تو را در لحد فراموش نخواهیم کرد و مونس تو خواهیم بود
تا روز قیامت یا معاذ شرح این تسبیح بسیار است اگر تمام عالم نویسنده شوند و درختان
قلم شود و دریاها مداد گردد نتوانند نوشت پس مختصر گردید والله اعلم بالصواب این است
هذا الدعا بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ سُبْحَانَ اللّٰهِ تَسْبِيحاً يَتَفَاضَلُ عَلَى كُلِّ تَسْبِيحٍ سَبَّحَ بِهِ
الْمُسَبِّحُونَ كَفَضْلِ اللّٰهِ عَلَى خَلْقِهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ حَمْداً يَتَفَاضَلُ عَلَى كُلِّ حَمْدٍ حَمَدَ بِهِ الْحَامِدُونَ
كَفَضْلِ اللّٰهِ عَلَى خَلْقِهِ وَلَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ تَهْلِيلاً يَتَفَاضَلُ عَلَى كُلِّ تَهْلِيلٍ هَلَّلَ بِهِ
الْمُهَلِّلُونَ كَفَضْلِ اللّٰهِ عَلَى خَلْقِهِ وَاللّٰهُ أَكْبَرُ تَكْبِيراً يَتَفَاضَلُ عَلَى كُلِّ تَكْبِيرٍ كَبَّرَ بِهِ
الْمُكَبِّرُونَ كَفَضْلِ اللّٰهِ عَلَى خَلْقِهِ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ تَعْظِيماً
يَتَفَاضَلُ عَلَى كُلِّ تَعْظِيمٍ عَظَّمَ بِهِ الْمُعَظِّمُونَ كَفَضْلِ اللّٰهِ عَلَى خَلْقِهِ أَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ اسْتِغْفَاراً
يَتَفَاضَلُ عَلَى كُلِّ اسْتِغْفَارٍ يَسْتَغْفِرُ بِهِ الْمُسْتَغْفِرِينَ كَفَضْلِ اللّٰهِ عَلَى خَلْقِهِ صَلَوَاتُ
اللّٰهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَأَنْبِيَائِهِ وَرُسُلِهِ وَحَمَلَةِ عَرْشِهِ وَجَمِيعِ خَلْقِهِ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ
وآل محمد

عجیب

١٩

وَآلِ مُحَمَّدٍ صلى الله عليه وسلم يَتَفَاضَلُ عَلَى كُلِّ صَلَوَاتٍ صَلَّى بِهِ الْمُصَلُّونَ كَفَضْلِ اللّٰهِ عَلَى خَلْقِهِ وَزِنَةَ الْعَرْشِ وَالْكُرْسِي وَعَدَدَ كَلِمَاتِ رَبِّي صِدْقاً وَعَدْلاً بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ اَللّٰهُمَّ بَارِكْ لِي فِي الْمَوْتِ اَللّٰهُمَّ اَعِنِّي عَلَى سَكَرَاتِ الْمَوْتِ اَللّٰهُمَّ اَعِنِّي عَلَى غَمِّ الْقَبْرِ اَللّٰهُمَّ اَعِنِّي عَلَى ظُلْمَةِ الْقَبْرِ اَللّٰهُمَّ اَعِنِّي عَلَى اَهْوَالِ يَوْمِ الْقِيٰمَةِ اَللّٰهُمَّ زَوِّجْنِي بِحُورٍ عِينٍ بِحُرْمَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَجْمَعِينَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ تمت

دعا بجهة بردن در قبر بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِحَقِّ اَسْمَائِكَ الْمَكْنُونَةِ عَلَى جَبِينِ عِبَادِكَ وَبِحَقِّ اَسْمَائِكَ الْمَكْنُونَةِ عَلَى جَبِينِ جَبْرَئِيلَ علیه السلام وَبِحَقِّ اَسْمَائِكَ الْمَكْنُونَةِ عَلَى بَابِ جَنَّتِكَ وَبِحَقِّ اَسْمَائِكَ الْمَكْنُونَةِ الْمَكْنُونَةِ عَلَى بَابِ رَحْمَتِكَ اَنْ تُسَهِّلَ عَلَيَّ جَوَابَ مُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ وَتَرْزُقَنِي جَنَّتَكَ بِرَحْمَتِكَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ تمت

دعاء عظيم القدر بجهة خواندن عيد غدير وهمه اوقات است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تَعْلَمُ سِرِّي وَعَلَانِيَتِي فَاقْبَلْ مَعْذِرَتِي وَتَعْلَمُ حَاجَتِي فَاَعْطِنِي سُؤْلِي وَتَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي ذُنُوبِي اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ اِيمَاناً تُبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي وَيَقِيناً صَادِقاً حَتَّى اَعْلَمَ اَنَّهُ لَنْ يُصِيبَنِي اِلَّا مَا كَتَبْتَ لِي وَرَضِّنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که هر گاه کسی خواهد که او را از هر بیمی

امان بخشد باید که تسبیحی از تربت امام حسین علیه السّلام ساخته باشند در دست بگیرد
و سه مرتبه این دعا را بخواند اگر در صبح چنین کند در امان خدا باشد تا شام و اگر در
شام چنین کند در امان خدا باشد تا صبح و در شب بجای اَصْبَحْتُ اَمْسَیْتُ بگوید
و در روایت دیگر منقول است که هر که از پادشاهی یا غیر او بترسد چون از خانه بیرون
آید چنین کند تا محرزی باشد او را از شر ایشان اینست بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
اَصْبَحْتُ اَللّٰهُمَّ مُعْتَصِمًا بِذِمَامِكَ وَجِوَارِكَ الْمَنِيعِ الَّذِي لَا يُطَاوَلُ وَلَا
يُحَاوَلُ مِنْ شَرِّ كُلِّ طَارِقٍ وَغَاشِمٍ مِنْ سَائِرِ مَنْ خَلَقْتَ وَمَا خَلَقْتَ مِنْ
خَلْقِكَ الصَّامِتِ وَالنَّاطِقِ فِي جُنَّةٍ مِنْ كُلِّ مَخُوفٍ بِلِبَاسٍ سَابِغَةٍ حَصِينَةٍ
وَهِيَ وِلَاءُ اَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ مُحْتَجِزًا مِنْ كُلِّ قَاصِدٍ
لِي اِلَى اَذِيَّةٍ بِجِدَارٍ حَصِينِ الْاِخْلَاصِ فِي الْاِعْتِرَافِ بِحَقِّهِمْ وَالتَّمَسُّكِ
بِحَبْلِهِمْ جَمِيعًا مُوقِنًا بِاَنَّ الْحَقَّ لَهُمْ وَمَعَهُمْ وَمِنْهُمْ وَفِيهِمْ وَبِهِمْ
اُوَالِي مَنْ وَالَوْا وَاُعَادِي مَنْ عَادَوْا وَاُجَانِبُ مَنْ جَانَبُوا فَاَعِذْنِي اَللّٰهُمَّ
بِهِمْ مِنْ شَرِّ كُلِّ مَا اَتَّقِيهِ اِنَّا جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ اَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ
سَدًّا فَاَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ پس تسبیح را ببوسد و بر هر دو چشم
بمالد و بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِحَقِّ هٰذِهِ التُّرْبَةِ الْمُبَارَكَةِ وَبِحَقِّ صَاحِبِهَا
وَبِحَقِّ جَدِّهِ وَاَبِيهِ وَبِحَقِّ اُمِّهِ وَاَخِيهِ وَبِحَقِّ وُلْدِهِ الطَّاهِرِينَ اِجْعَلْهَا شِفَاءً
مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَاَمَانًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ سُوءٍ بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ
الرَّاحِمِينَ

بسم الله الرحمن الرحیم

63 بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین اقسمت علیکم یا معشر
الارواح الروحانیة والموکلین بهذه السورة الشریفة بحق جبرائیل
الرحمن الرحیم مالک یوم الدین اقسمت علیکم یا ملک الموکلین بهذه
الآیات اجیبوا داعی الله وبحق میکائیل ایاک نعبد وایاک نستعین
اقسمت علیکم یا ملک الموکلین بهذه الاسماء العظام بحق اسرافیل وحملة
العرش العظیم اهدنا الصراط المستقیم انه لقسم لو تعلمون عظیم
بحق عزرائیل صراط الذین انعمت علیهم یا شمسائیل بحق الله الباسط غیر
المغضوب علیهم ولا الضالین اجیبونی واطیعونی یا ملک الموکلون
بالاسماء العظام والاولین والاخرین هذه السورة الشریفة والآیات المبارکات
بحق قل قل قل قل هو الله احد وبحق نور الطیبین الطاهرین المصطفی
محمد صلی الله علیه واله وسلم اجمعین اقض حوائجی برحمتک یا ار
حم الراحمین

در شب نیمهٔ شعبان که شب پانزدهم باشد که مشهور بشب برات است بعد از نماز
مغرب بدون حرکت وتکلم بیست ویکمرتبه این دعا را بخوانند این است اللهم
انک حلیم ذو اناة ولا طاقة لنا بحکمک یا الله یا الله یا الله الامان الامان
الامان من الطعن والطاعون والوباء وموت الفجاءة وسوء القضاء و
شماتة الاعداء ربنا اکشف عنا العذاب انا مؤمنون برحمتک یا ارحم
الراحمین در شب سه شنبهٔ ۱۵ شعبان که شب برات باشد تحریر شد سنه ۱۳۰۶

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ نَادِ عَلِيًّا مَظْهَرَ الْعَجَائِبِ تَجِدْهُ عَوْناً لَكَ فِي النَّوَائِبِ
لِي اِلَى اللهِ حَاجَتِي وَعَلَيْهِ مُعَوَّلِي كُلَّمَا اَمَرْتَهُ وَلِكُلِّ هَمٍّ وَغَمٍّ سَيَنْجَلِي
بِعَظَمَتِكَ يَا اللهُ يَا اللهُ يَا اللهُ بِنُبُوَّتِكَ يَا مُحَمَّدُ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِوِلَايَتِكَ
يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ يَا عَلِيُّ اَدْرِكْنِي بِلُطْفِكَ الْخَفِيِّ اَنَا مِنْ اَعْدَائِكَ بَرِيءٌ بَرِيءٌ
بَرِيءٌ اَللهُ الصَّمَدُ مِنْ عِنْدِكَ مَدَدِي وَعَلَيْكَ مُعْتَمَدِي بِحَقِّ حُرْمَةِ
اِيَّاكَ نَعْبُدُ وَاِيَّاكَ نَسْتَعِينُ يَا اَبَا الْغَيْثِ اَغِثْنِي يَا عَلِيُّ اَدْرِكْنِي يَا قَهَّارُ
تَقَهَّرْتَ بِالْقَهْرِ فِي قَهْرِ قَهْرِكَ يَا قَهَّارُ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ اَغِثْنِي
يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَصَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

اسم ٤٢ مشهور باسماء ادریسیست دخلی بدعای فوق نداردا این است
يَا حَمِيدَ الْفَعَّالِ ذِي الْمَنِّ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ بِلُطْفِهِ عَدَدُهُ ٢٢١٠

يا حميد الفعال ٢٨٥	ذى المن ٨٣١	على جميع ٢٣٣	خلقه ٧٣٥	بلطفه ١٢٤
١٨٤	٧٦٩	١٠١	١١٠٧	٤٩
٩٢٣	٣٢٥		٢١٨	٧٤٤
٣٤	١٩٣	١٥٦٤	١٤١	٢٧٤
٧٨٤	٩٢	٣١٠	٩	١٠١٥

تمت

يَا اَللهُ يَا وَاحِدُ يَا اَحَدُ يَا صَمَدُ
يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ
يَكُنْ لَهُ كُفُواً اَحَدٌ نَجِّنِي
مِنَ الْهَمِّ وَالْغَمِّ بِرَحْمَتِكَ
يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
يَا سَيِّدَتِي وَيَا مَوْلَاتِي وَيَا
فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ اَغِيثِينِي

طريقه اسمی

طریقهٔ استخارهٔ ذات الرّقاع شش رقعهٔ کاغذ را در یکرویش بنویسید
بِسمِ اللهِ الرَّحمنِ الرَّحیم خیرَةً مِنَ اللهِ العَزیزِ الحَکیم ودر یک رویش
اسم خود واسم مادر خود را بنویسید ودر سه رقعه اِفعَل وسه رقعهٔ
دیکر لاتفعَل بنویسید ورقعه ها را زیر سجّاده کذاشته ودو رکعت نماز کذا[رید]
وبعد بسجده رفته بکوید اَللّهُمَّ خِر لی وَاخِر لی فی جَمیعِ اُموری
فی یُسرٍ مِنکَ وَعافِیَةٍ وبعد سر از سجده برداشته ویک یک از آن
رقعها بیرون اورد هرکاه سه افعل امد خوبست واکر سه لاتفعل
امد بد است واکر دو افعل ویک لاتفعل امد میانه خوبست واکر دو
لاتفعل ویک افعل امد میانه بد است والسّلام

صاحب دُرّ مکنون فرموده است که این حروف چهار کانه را که نوشته شود
چهار اسم است مرکّب باین ترکیب اَحدَر سَصِط عَکَل مَوهِلا
هرکس این اسماء را کتابت کند در روز ۲۹ ماه یا در وقت خسوف وکسوف
بر صفحهٔ سرب سیاه وآنرا در زیر نکین وضع کند وباخود نکاهدارد عقد
اللسان باشد وهمهٔ غمّازان وحاسدان ومفسدان وبدکویان از غیبت وبهتان
نسبت بحامل آن زبان را کوتاه کنند وهیچکس را قوّة آن نباشد که در حضور
وغیبتش بااو برابری کنند ویا تهمتی برو کویند یا اهانتی رسانند وتا آن
خاتم بااوست حال چنین ومقبول القول است والسّلام در نسخهٔ دیکر دیدم
اسماء را باین طریق نوشته بود اَحدُ رسَصُ طعکَلِمو هـلا

66

یا ثابت ۹۰۳			
۴	۴۵۰	۴۴۴	۵
۴۴۳	۶	۳	۴۵۱
۷	۴۴۶	۴۴۸	۲
۴۴۹	۱	۸	۴۴۵
۳۴			
۴	۱۵	۱۰	۵
۹	۶	۳	۱۶
۷	۱۲	۱۳	۲
۱۴	۱	۸	۱۱

بچہ دفع گریۂ اطفال
یا ثابت

یا مغنی ۱۱۰۰			
۴	۴۴۴	۵۴۷	۵
۵۴۶	۶	۳	۵۴۵
۷	۵۴۹	۵۴۲	۲
۵۴۳	۱	۸	۵۴۸

یا غیاث ۱۵۱۱			
۴	۷۴۹	۷۵۳	۵
۷۵۲	۶	۳	۷۵۰
۷	۷۵۵	۷۴۷	۲
۷۴۸	۱	۸	۷۵۴
۱۹۱۲			۱۶۲۴
۶۴۸	۳۴۰	۳۳۲	۳۰۴
۳۲۴	۳۱۲	۶۴۰	۳۴۸
۳۳۶	۶۵۲	۳۰۸	۳۲۸
۳۱۶	۳۲۰	۳۴۴	۶۴۴

طرح ۱۹۱۲

۱۶۲۴
۲
۳۲۴۸
۱۹۱۲
۱۳۳۶
۱۲۰
۱۲۱۶

۴
۳۰۴
۴
۱۲۱۶

۱۹۱۲
۱۶۲۴
۰۲۸۸
۳۴۸
۴
۶۴۰

۲۶۰							
۱۶	۳۵	۶۲	۱۷	۳۲	۵۱	۴۶	۱
۴۵	۲	۳۱	۵۲	۶۱	۱۸	۱۵	۳۶
۱۹	۶۴	۳۳	۱۴	۳	۴۸	۴۹	۳۰
۵۰	۲۹	۴	۴۷	۳۴	۱۳	۲۰	۶۳
۵	۴۲	۵۵	۲۸	۲۱	۵۸	۳۹	۱۲
۴۰	۱۱	۲۲	۵۷	۵۶	۲۷	۶	۴۱
۲۶	۵۳	۴۴	۷	۱۰	۳۷	۶۰	۲۳
۵۹	۲۴	۹	۳۸	۴۳	۸	۲۵	۵۴

ه	ن	ن	ب	و	ا	ب	ی	ح	ل	ی	ع
ل	و	ا	ك	ب	م	ح	ی	ك	ر	م	م
ذ	ب	ل	ج	ا	ا	و	ت	ه	ر	ل	ه
و	خ	ن	ا	م	م	ا	ه	ن	ت	ی	ن
ل	ل	ا	ب	ح	د	ش	م	ا	ن	ا	ا
د	و	د	و	ف	و	ط	ع	ب	ل	ج	ه
[illegible]	ل	ی	ء	ا	ر	ب	ج	ن	ا	ن	ح

ناری ام م ا ه م اا م ه م ا ه ا ذ ا م اا ش ا ه ط ف اا ع ۱۳۶۷

بادی ی ب ن ی و ت ب ن ت ن ی ب و ن ب و ی ن ن و ب و و و ن ن ب ی ۱۳۰۶

آبی ك ج ك ج ج ۴۹

خاکی ع ل ر ر خ ح ح ل ل د ح ل ل ل ع د ح ر ل ۱۶۲۴

۱۳۴۶

یَا اللّٰہُ یَا عَطُوفُ یَا وَدُودُ یَا حَنَّانُ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِین

قاعدۂ طالب و

٩۵

٢١٧٣٠
٢۴٧
١۴۴
٢٣۴١٧
۵١
٢٣٣۶۶

۶٧

١٢٢ / ١۴۴٠ / ١۵۶٢ / ۵١ / ١۵١١

١٧١۶ / ١۴۴٠ / ٣١۵۶ / ۵١ / ٣١٠۵

۴۴١٢ / ١۴۴٠ / ۵٨۵٢ / ۵١ / ۵٨٠١

۴٣۴۶ / ١۴۴٠ / ۵٧٨۶ / ۵١ / ۵٧٣۵

قاعدهٔ طالب و مطلوب در مخمّس خالی الجوف بدین قرار است مثلاً طالب فلان ابن فلان و
مطلوب فلان بنت فلان خانم عدد طالب با مادرش ۴۵٣ و عدد مطلوب با مادرش
١٨٢۴ ایهٔ محبت یُحِبُّونَهُمْ کَحُبِّ اللهِ وَالَّذِینَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلّٰهِ عدد ایه ١۴٩٣
و عدد جبرائیل ٢۴٧ و عدد لفظ جلب ٣۵ و اسماء الله عَطُوفُ وَدُودُ حَنَّانُ
١۶۵ ٢٠ ١٠٩
جمع همهٔ این هشت مرتبهٔ عدد ۴٣۴۶ بعد این عدد را بطریق شیخ محی الدین در مخمّس
خالی الوسط موفق ساختیم چنین شد و

یا ایـــــــــــشـــــــــــغائیل

١٧١۶	٧٩٢	١٢٢	۶٠۶	١٠۵۶
٢۵۴	٨۵٨	١٢۵۴	١٣٨۶	۵٩۴
١۶۵٠	٩٢۴	٢٢۴١٧	٧٨٢	٩٩٠
۴۶٢	١۶۴٠	١۵١٨	٣٩۶	٣٣٠
٢۶۴	١٣٢	١۴۵٢	١١٢٢	١٣٧۶

بعد عدد مفتاح را ١٢٢ با عدد ادوار فلک ١۴۴٠ جمع
کردیم و عدد مقلاق را ١٧١۶ مع ادوار فلک و
عدد ادوار کائنات ۴٣۴۶ مع ادوار فلک و عدد سطر را ۴۴١٢
ایضاً مع ادوار فلک و عدد مساحت را ٢١٧٣٠ مع
عدد جبرائیل ٢۴٧ و عدد ادوار فلک ١۴۴٠ جمع کردیم
این شد ٢٢۴١٧ و بعد عزایم بنتیم

باین طریق

اَقْسَمْتُ عَلَیْکُمْ اَیُّهَا الْمَلَائِکَةُ الرُّوحَانِیُّونَ الطَّیِّبُونَ الطَّاهِرُونَ الْمُوَکَّلُونَ بِالْاَجْسَادِ الْاِنْسَانِیَّةِ وَاَقْسَمْتُ
عَلَیْکَ یَا ایشغائیل بِحَقِّ الْحَاکِمِ عَلَیْکَ هقفغجائیل وَاَقْسَمْ عَلَیْکُمْ بِحَقِّ الْحَاکِمِ عَلَیْکُمْ اضعغهائیل وَاَقْسَمْ عَلَیْکُمْ
بِحَقِّ الْحَاکِمِ عَلَیْکُمْ هلذغهائیل وَاَقْسَمْ عَلَیْکُمْ اَیُّهَا الْمَلَائِکَةُ الرُّوحَانِیُّونَ بِحَقِّ سَیِّدِکُمْ وَالْحَاکِمِ عَلَیْکُمْ وَالاَحَدِ
وَسشغجکائیل اَجِیبُوا طَائِعِینَ مُسْرِعِینَ وَتَوَکَّلُوا بِجَلْبِ فُلَانٍ وَجَلْبِ فُلَانٍ وَاَقْسَمْ عَلَیْکَ اَیُّهَا الْقُطْبِ
بِاَسْمَاءِ اللهِ وَالْآیَاتِهِ وَالنَّبِیِّ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ فِی ع ط ف سَرِیعًا مُطِیعًا وَاِنَّهُ لَقَسَمٌ لَوْ تَعْلَمُونَ عَظِیم
تمت

این طریقه از روی نسخه نوشتم ... ۱۵ ... والسلام

ب	س	م	ا	ل	ل	ه	ا	ل	ر	ح	م
ن	ا	ل	ر	ح	ى	م		ا	ل	ح	م
د	ل	ل	ه	ر	ب	ا	ل	ع	ا	ل	م
ى	ن	ا	ل	ر	ح	م	ن	ا	ل	ر	ح
ى	م	م	ا	ل	ك	ى	و	م	ا	ل	د
ى	ن	ا	ى	ا	ك	ن	ع	ب	د	و	ا
ى	ا	ك	ن	س	ت	ع	ى	ن	ا	ه	د
ن	ا	ا	ل	ص	ر	ا	ط	ا	ل	م	س
ت	ق	ى	م	ص	ر	ا	ط	ا	ل	ذ	ى
ن	ا	ن	ع	م	ت	ع	ل	ى	ه	م	غ
ى	ر	ا	ل	م	غ	ض	و	ب	ع	ل	ى
ه	م	و	ل	ا	ا	ل	ض	ا	ل	ى	ن

ب	س	م	ا	ل	ه	ر	ح	ن	ى	
ا	ل	ح	م	د	ه	ر	ب	ع	ى	ن
ك	و	س	ت	ص	ط	ق	ذ	غ	ض	

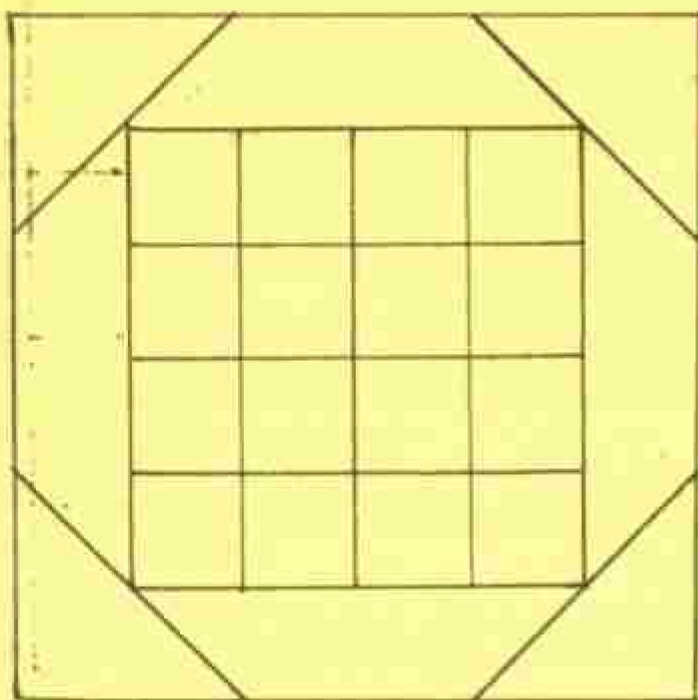
ص	ر	ا	ط	ع	ل	ى	ح	ق	ن	م	س	ك	ه	
د	ب	و	ت	ذ	غ	ض		ج	ز	ف	ش	ث	خ	ظ

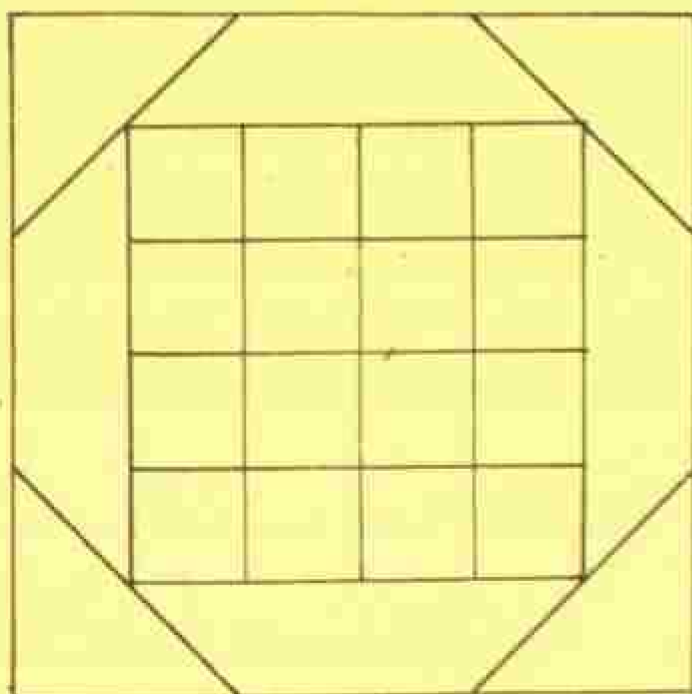
تاریخ تولد فرزند

روز جمعه ۲۷ ماه مبارک

رمضان ساعت ۴ بعد از

ظهر ۱۳۳۶ شمسی و ۱۳۷۶ قمری





كَمَاءٍ اَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْاَرْضِ فَاَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ

الرِّيَاحُ ٥١٣٩ هُوَاللّٰهُ الَّذِى لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ

هُوَالرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ ٣٤٨٨ يَوْمَ الْاٰزِفَةِ اِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَا

ظِمِينَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ ٤٧١٠ عَلِمَتْ نَفْسٌ

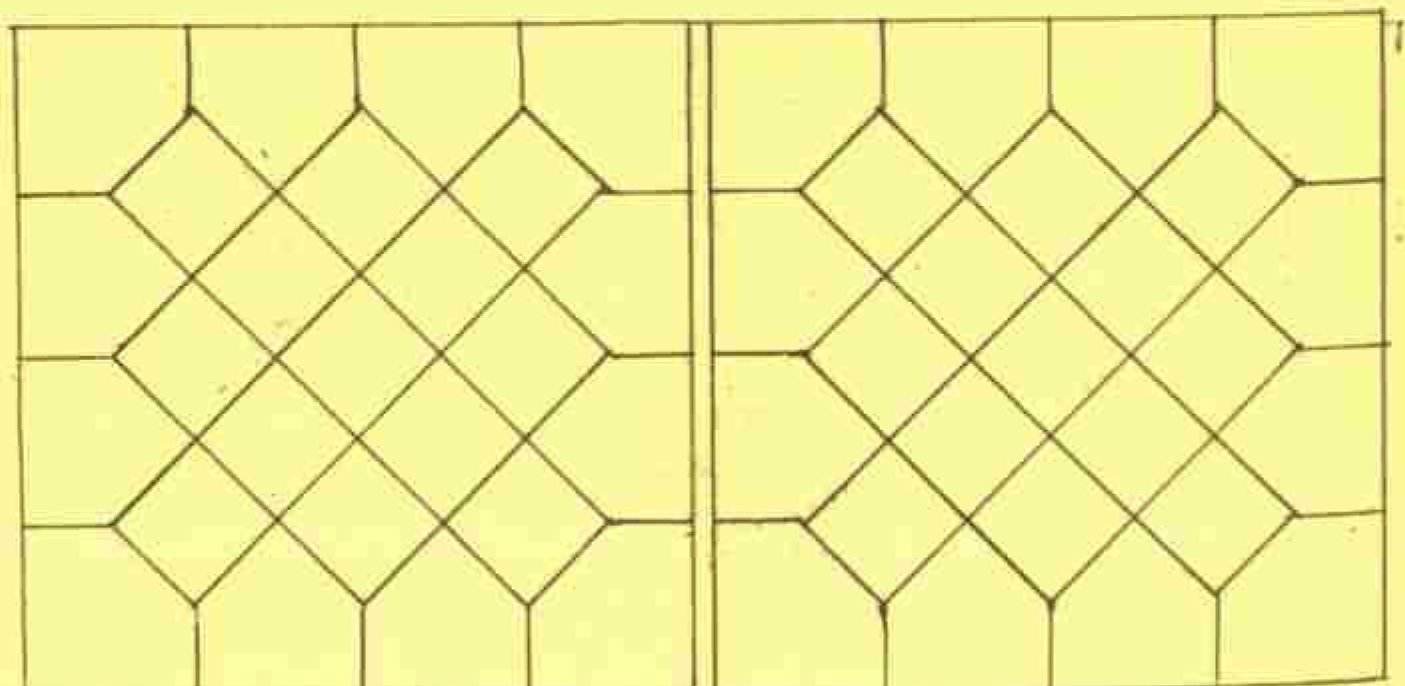
مَا اَحْضَرَتْ فَلَا اُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ الْجَوَارِ الْكُنَّسِ ٣٣٣٧ صٓ

وَالْقُرْاٰنِ ذِى الذِّكْرِ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِى عِزَّةٍ وَشِقَاقٍ ٤٣٤٣

٥	١	٣	٩
٣	٤	٨	٨
٤	٧	١	٠
٣	٣	٣	٧
٤	٣	٤	٣
٢١	٠	١	٧

این پنج آیه اوّل در سورهٔ کهف و ثانی در سورهٔ حشر و ثالث در سورهٔ مؤمن

و رابع در سورهٔ تکوین و خامس در اوّل سورة صٓ



در تجبیب اوّل عدد اسم طالب را در وَدُودُ ضرب نماید وحاصل انرا کرفته و بعد

عدد اسم مطلوب را کرفته در عدد لفظ مطیع ضرب نماید حاصل انرا هم کرفته و بعد عدد ایهٔ

وَهُوَ الَّذِی اَنْشَاَکُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ وَمُسْتَوْدَعٌ قَدْ فَصَّلْنَا الْاٰیَاتِ

لِقَوْمٍ یَفْقَهُوْنَ عددش اینست ۴۵۶۰ ایه در سورهٔ انعام است عدد این

ایه را بر سر عددان بیفراید و بعد از جمیع عدد ۸۴۴۰ کم کند باین معنی که عدد بَرِ اجْتَبِیرا ۲۲۰

در ۱۹ ضرب کند و عدد بر فلِ ۲۸۴ را در ۱۵ ضرب کند حاصل این دو ضرب میشود ۸۴۴۰ بهمه

باری این عدد را از جمیع عدد نقصان کند و بعد بقیهٔ انرا ربع کرده در مربع درج کند

روز پنجشنبه هنکام طلوع افتاب بساعت مشتری بکاغذ زرد ارایش دوّم ابتداء

کند و بر فاد میر باقر داماد علیه الرحمه دو خانه باضافهٔ رك و دو خانه باضافهٔ رفل

و همچنین تا خانهٔ شانزدهم تمام شود انکاه از اضلاع مربع مذکور عدد ثبت که

قبل از طرح بود باید بدون کسر و نقصان بیرون اید و اگر عدد قابل قسمت نباشد

و کسر باشد در خانهٔ ۱۳ اضافه نمایند و اگر عدد نام طالب را در عدد لفظ مطاع

و عدد نام مطلوب را در عدد لفظ مطیع ضرب کند و این لوح مزبور را علیحدّه بنویسد

و با خود دارد خواص بسیار دارد مثلاً طالب عددش ۲۶۰

این عدد را در عدد ودود که ۲۰ است ضرب کردیم شد

۵۲۰۰ و عدد مطلوب ۶۳۵

این را در عدد مطیع که ۱۲۹ است ضرب

کردیم شد ۸۱۹۱۵ بعد این دو عدد را

۹۱۶۷۵

۲۱۸۱۶	۲۳۵۴۸	۲۴۲۷۵	۲۲۰۳۶
۲۴۰۵۵	۲۲۲۵۶	۲۱۵۳۲	۲۳۸۳۲
۲۲۵۴۰	۲۴۸۴۳	۲۳۰۴۴	۲۱۲۴۸
۲۳۲۶۴	۲۱۰۲۸	۲۲۸۲۴	۲۴۵۵۹

۳۴

۴	۱۱	۱۴	۵
۱۳	۶	۳	۱۲
۷	۱۶	۹	۲
۱۰	۱	۸	۱۵

۲
۵
۴
۸۱۹۱
۹۱۶۷۵

۶۳۵
۱۲۹
۵۷۱۵
۱۲۷۰
۶۳۵
۸۱۹۱۵

۹۱۶۷۵
۸۴۴۰
۸۳۲۳۵
۲۰۸۰۸ ۴
۲۰۸۰۸
۴
۸۳۲۳۲
کسر ۳
۳
۸۳۲۳۵

با عدد ایه

باعدد دایرہ کہ این است ۴۵۶۰ جمع کردیم شد ۹۱۶۷۵ بعد این ۸۴۴۰ عدد را
ازان جمع کل نقصان کردیم الباقی ماند ۸۳۲۳۵ بعد این عدد را بچہار قسمت کردیم
بھر قسمتی رسید این ۲۰۸۰۸ و سہ کسر ماند کہ در خانہ ۱۳ افزودیم بعد
عدد رك کہ این است ۲۲۰ برا این عدد ۲۰۸۰۸ افزودیم در خانہ اول و دوم
ایضاً باضافۂ عدد رك کذاردیم و خانہ سیم و چہارم را باضافۂ عدد رفد کہ این است ۲۸۴
کذاردیم بھمین طریق دو خانہ باضافۂ رك و دو خانہ باضافۂ رفد لوح را موفق ساختیم جمع
عدد کل کہ این است بدون نقصان بیرون آمد ۹۱۶۷۵ لوح در صفحۂ یمین است والسلام
و بعد ایضاً عدد همین طالب را کہ این است ۲۶۰ در عدد مطاع کہ این است ۱۲۰
ضرب کردیم حاصلش این شد ۳۱۲۰۰ و عدد همان مطلوب بطریق سابق کہ ضرب شده است
این است ۸۱۹۱۵ با عدد طالب و عدد دایرہ جمع کردیم این شد ۱۱۷۶۷۵ و بعد ایضاً
این عدد را ازو منها کردیم الباقی ماند ۱۰۹۲۳۵
بعد این را بچہار قسمت کردیم ہر قسمتی شد ۲۷۳۰۸
و سہ کسر ماند کہ در خانۂ ۱۳ افزودیم و ایضاً این
عدد را ۲۷۳۰۸ مثل اول باضافۂ عدد رك
در بیت اول و دوم کذاردیم و بیت سیم و چہارم را
باضافۂ عدد رفد بھمین طریق تا لوح را تمام کردیم

۱۱۷۶۷۵

۲۸۳۱۷	۳۰۰۴۸	۳۰۷۷۵	۲۸۵۳۶
۳۰۵۵۵	۲۸۷۵۶	۲۸۰۳۳	۳۰۳۳۲
۲۹۰۴۰	۳۱۳۴۳	۲۹۵۴۴	۲۷۷۴۸
۲۹۷۶۴	۲۷۵۲۸	۲۹۳۲۴	۳۱۰۵۹

کہ از همہ طرف اقطار و اضلاعش درست و راست است و عدد کل کہ اینست ۱۱۷۶۷۵
بدون عیب و نقصان موفق است حقیر سید محمد جبہ دار التماس دعا دارد

۲۶۰
۱۲۰
۵۲
۲۶
۳۱۲۰۰
۴۵۶۰
۸۱۹۱۵
۱۱۷۶۷۵

۱۱۷۶۷۵
۸۴۴۰
۱۰۹۲۳۵

۲۷۳۰۸
۴
۱۰۹۲۳۲
۳
۱۰۹۲۳۵

نوع اسم طالب واسم مطلوب را علی حدّه عدد بگیرد و آیه از آیتهای محبّت عدد بگیرد و هم راجع نماید وملاحظه نماید در عدد جملتان کل با عدد مطلوب در طبیعت مخالفت نداشته باشد در عناصر آنگاه بقاعده دوم مربّع نوشته یکی را نزد خود نگاهدارد و یکی را از باد بیاویزد جلب قلب ومحبّت حاصل شود مثلاً طالب محمّد باقر عددش ۳۹۵ وآیه محبّت اَن تَمیلُوا مَیلاً عَظیماً عددش ۱۶۴۰ ومطلوب علی عددش ۱۱۰ بعد از اتمام مربّع باید که آیه را بعدد اسم مطلوب بخواند چند روزی تا مطلوب حاصل آید واما عدد طالب ومطلوب وآیه مجموع را باید که عناصر مشخص باشد بقسمت بروج قسمت نماید بهر برجی که برسد صفت آن برج را دارد

۳۹۵
۱۶۴۰
۱۱۰
۲۱۴۵

۲۱۴۵

۵۷۶	۵۱۱	۵۲۳	۵۳۵
۵۱۹	۵۳۹	۵۷۲	۵۱۵
۵۴۳	۵۳۱	۵۰۳	۵۶۸
۵۰۷	۵۶۴	۵۴۷	۵۲۷

۲۱۴۵

۵۷۶	۵۱۱	۵۲۳	۵۳۵
۵۱۹	۵۳۹	۵۷۲	۵۱۵
۵۴۳	۵۳۱	۵۰۳	۵۶۸
۵۰۷	۵۶۴	۵۴۷	۵۲۷

۳۴

۱۶	۳	۶	۹
۵	۱۰	۱۵	۴
۱۱	۸	۱	۱۴
۲	۱۳	۱۲	۷

منقول است از شیخ بهاء الدّین علیه الرّحمه روزیکه قمر در برج قوس باشد بنویس مربعی باین روش که در خانهٔ اوّل مدّعا را باسم الشخص ودر خانه چهاردهم عدد آیة الکرسی را ودر خانه یازدهم عدد تمام سورهٔ اِذَا جَآءَ نَصرُ اللّٰهِ وَالفَتحُ رابع تمام بسم الله ودر خانهٔ هشتم این آیه را رَبِّ اِنّی مَغلُوبٌ فَانتَصِر وبطریق ذوالکتابر لوح را موفق باید ساخت

بايد ساخت وبعد از اتمام لوح را در كلاه نكاه دارد كه البته مراد حاصل شود انشاء الله اما بعد

از اتمام هر يك آيات را بعدد صغير تلاوت نمايد كه از جمله اسرار است ومجرب است بجهت

رفع ظلم وغلبه بر خصم تحرير شد و

عدد آية الكرسي تا آخر آيه است كه

فيها خالدون باشد

والسلام

واكر خواهي كه مطلوب را تسخير كني

عدد اسم او را بكير وبعد اسم او بخوان

سورهٔ فاتحة الكتاب را وبعد از آن

هفت بار بكو اللهم سخر لي

١٤١٠	٤٢٥١٦		٢١٦٢
اللهم غالب علي اغلبن	٣٢٠٣٤	٦٩١٠٦	رب اني مغلوب فانتصر
٧٠٧٦	١٩٩٦	١٥٧٦	٣١٨٦٨
١٨٣٠	٦٥٧٨	٣٢٣٦٦	١٧٤٢
٣٢٢٠٠	١٩٠٨	١٦٦٤	٦٧٤٤٦

فلان ابن فلان را وبعد از آن بعدد اسم او بكو يا عزيز عزني في قلب فلان

ابن فلان بيشك مسخر كردد باذن الله تعالى

از مقاتل ابن سليمان مرويست كه هر كه در شب جمعه بعد از نماز خفتن دو ركعت

نماز حاجت بكذارد وبعد از آن هزار ويكمرتبه بكويد آمنت بالله العلي

العظيم وتوكلت على الحي القيوم وبعد از آن هر حاجت كه بخواهد البته

حاجتش روا شود واكر بر نيايد بر مقاتل لعنت كند والسلام

اُقسم بالله عليكم باقسام الجلال فتعززوه فتجيروه والله منكم اعظم

واكبر وباياته يدرك ويقر احضروا

بجهة غالب شدن بر شخص دشمن و مغلوب ساختن او را اوّل عدد اسم خود و عدد اسم
مادر خود را بگیرد بعد عدد لفظ غالب و عدد آیهٔ مناسب مطلب این چهار عدد را
جمع کند بعد عدد اسم کسیرا که میخواهد مغلوب کند با عدد اسم مادرش و عدد لفظ
مغلوب این سه عدد را هم جمع کند بعد این عددین را در یکدیگر ضرب کند و حاصلش را
بگیرد بعد عدد اوّل را که عدد اسمین و غالب و آیه باشد بر ۳۴ که صورت وفق
مربّع است ضرب کند و حاصل این ضرب ثانیرا از حاصل ضرب اوّل نقصان کند و
باقیرا بچهار قسمت نموده یک ربع آنرا با عدد اسمین اوّل و عدد غالب و عدد آیه در
خانهٔ اوّل مربّع گذارد و بقاعدهٔ رفتار لوح را تمام نماید در هر خانه با اضافهٔ همان
عدد که در خانهٔ اوّل اضافه شده است بعد از اتمام مربّع را طالب با خود نگاهدارد
و اگر در عدد کسر باشد و قابل قسمت نباشد در خانه ۵ یا ۹ یا ۱۳ اضافه نماید
مثلاً عدد اسمین طالب ۳۶۳ و عدد لفظ غالب ۱۰۳۳ و آیهٔ مناسب مطلب
رَبِّ اِنِّی مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ عددش ۲۱۶۲ جمع این سه عدد ۳۵۵۸ مثلاً
عدد اسمین مطلوب ۱۸۹ و عدد لفظ مغلوب ۱۰۷۸ جمعش ۱۲۶۷ عددین را
با یکدیگر ضرب کردیم حاصلش این شد ۴۵۰۷۹۸۶ و عددین اوّل را در ۳۴
ضرب کردیم حاصلش این شد ۱۲۰۹۷۲ بعد این حاصلرا از حاصل ضرب اوّل
نقصان کردیم الباقی ماند این ۴۳۸۷۰۱۴ بعد این عدد را بچهار قسمت کردیم
بهر قسمتی رسید این ۱۰۹۶۷۵۳ و ۲ کسر ماند باید در خانهٔ نهم یکی اضافه
شود خلاصه این ربع عدد را با عددین اوّل که اینست ۳۵۵۸ جمع کردیم این شد

۷۳

١١٠٠٣١١ بعد این عدد را در قطر اوّل مربع گذاریم و بقرار نظم طبیعی و باضافهٔ عددین

٤٥٠٢٩٨٦

که این باشد در هر خانه افزودیم

٣٥٥٠٨ و دو عدد کسر را

یک عدد در خانهٔ نهم افزو

و ١٢ لوح را تمام کردیم بدین قرار

والسلام

دیگر عقد اللسان عدد اسم طالب را

بر عدد لفظ ناطق ضرب کند و

عدد اسم مطلوب را بر عدد لفظ

صامت ضرب نماید بعد حاصل

١١٢٥٢١٧	١١٣٥٨٩٢	١١٤٦٥٦٦	١١٠٠٣١١
١١٤٢٠٠٨	١١٠٣٨٦٩	١١٢١٦٥٩	١١٢٩٤٥٠
١١٠٧٤٢٧	١١٥٣٦٨٢	١١٢٨٧٧٦	١١١٨١٠١
١١٢٣٢٣٤	١١١٤٥٤٢	١١١٠٩٨٥	١١٥٠١٢٤

ضربین را با عدد این آیه وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَ
هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ عددش این است ٢٩٠٤ جمع نماید و عدد طالب را با عدد ناطق را
علیحده جمع نموده بر ٣٤ ضرب نماید و حاصل را از ضربین تفریق کرده و باقی را ربع گرفته و عدد
طالب و ناطق را بر سر ربع اضافه کرده در خانه اوّل مربع بگذارد و در هر خانه باضافهٔ عدد
طالب ناطق الی خانه آخر که لوح را تمام کند و طریق کسر که قبل مذکور شد بهمان قرار است و این
لوح را باید دو تا بنویسد یکی را طالب در پیش خود نگاه دارد و یکی را در میان قفل گذارد و
و آیه را بعدد مطلوب بخواند و بقفل دمد قفل کند در جائی گذارد مثلاً عدد اسم
طالب ایضاً ٣٤٣ و عدد لفظ ناطق ١٦٠ و عدد مطلوب ١٨٩ و عدد لفظ صامت
٥٣١

وعدد ایده ۲۹۰۶ اوّل عدد طالب را بر عدد ناطق ضرب کردیم حاصلش این شد ۵۸۰۸۰
بعد عدد مطلوب را بر عدد صامت ضرب نمودیم حاصلش این شد ۱۰۰۳۵۹ جمع عدد طالب
ناطق و مطلوب صامت این شد ۱۵۸۴۳۹ بعد عدد ایده را باین عدد افزودیم این شد
۱۶۱۳۴۵ این جمع کلّ است بعد عدد طالب و ناطق را بر ۳۴ ضرب کردیم حاصلش این شد
۱۷۷۸۲ بعد این حاصل را از جمع کلّ تفریق کردیم الباقی ماند این ۱۴۳۵۶۳ بعد این
عدد را بچهار قسمت کردیم بهر قسمتی رسید این ۳۵۸۹۰ و سه کسر ماند در خانهٔ پنج باید
یکی اضافه شود بعد عدد طالب و ناطق را باین ربع
عدد افزودیم شد این ۳۶۴۱۳ بعد این
عدد را در خانهٔ اوّل مربع گذاشتیم و در هر خانه
باضافهٔ عدد طالب و ناطق که اینست ۵۲۳
لوح او موفق ساختیم که از همه طرف اقطار و اضلاع
عش صحیح است حقیر سیّد محمّد جنید دار طلب
مغفرت دارد و السّلام

۱۶۱۳۴۵

۴۰۰۷۵	۴۱۶۴۴	۴۳۲۱۳	۳۶۴۱۳
۴۲۶۹۰	۳۶۹۳۶	۳۹۵۵۲	۴۲۱۶۷
۳۷۴۵۹	۴۴۲۵۹	۴۰۵۹۸	۳۹۰۲۹
۴۱۱۲۱	۳۸۵۰۶	۳۷۹۸۲	۴۳۷۳۶

فصل بدانکه اسم مبارک الباسط را در شرف قمر باین طریق باید که بنقره نقش کنند و با خود
نگاه دارند و بعد از نمازهای فریضه اسم مبارک باسط را ۷۲ بار بخواند و این عزیمت را
بعد از آن باید خواند که تا آثار خیر بر اوضاع او مرتب شود اینست بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
یا باسِطُ اَنْتَ الَّذِی تَبْسُطُ الْاَرْوَاحَ فِی الْاَجْسَادِ وَاَنْتَ الَّذِی تَرُدُّ اِلٰی دَارِ الْمَعَادِ
وَاَنْتَ الَّذِی تَخْرُجُ مِنْ فُؤَادِ الْقَلْبِ اِنِّیْ اَنَا اللهُ رَبُّ الْعَالَمِیْنَ رَبُّ یَوْمِ الْمَعَادِ
اَسْئَلُكَ

۷۵ أسئلك بنورك الجامع وفضلك اللامع وبحق سمعك السامع ان ترزقني
الاطلاع على مراتب تجلياتك في انتفاعك بالاسرار التي ذخرتها
في المقام الشهود وابسط قلبي بنورك في لو لاية الكبرى وايدني
بفهم حقايق اسمائك الحسنا واجعلني مبسوطة الايادي للانفاق
متصرفا في خزائن الارزاق
يا من بيده حكم الاطلاق عند
انبساط نورك يا خلاق يا ارحم الراحمين اين الواح است كه
بايد بر نقره نقش كند والسلام

۷۲

۲	۱	۶۰	۹
ب	ا	س	ط
۱۲	۴۷	۳	۱۰
۱۶	۱۸	۴	۳۴
۴۲	۶	۵	۱۹

۷۲

۶	۴۸	۱۸
۳۶	۲۴	۱۲
۳۰		۴۲

بجهة تحبيب عدد اسم طالب را در ودود وعدد اسم مطلوب را در مطيع ضرب كند وحاصل
ضربين را با عدد آيه وهو الذي انشأكم من نفس واحدة فمستقر ومستودع قد
فصلنا الايات لقوم يفقهون عددش اينست ۴۵۶۰ جمع نمايد وبعد عدد
بدوح را در ۱۹ ضرب نمايد وعدد اجهزط را در ۱۵ ضرب نمايد وحاصل اين
ضربين را از حاصل ضربين اول نقصان نمايد و باقي عدد را ربع كند ويكربعرا باضافه
عدد بدوح در بيت اول مربع نهاده و در بيت دويم ربعي باضافه عدد بدوح و در بيت
سيم وچهارم باضافه عدد اجهزط تا اينكه تمام لوح بدين قرار تمام شود دو خانه باضافه
بدوح و دو خانه باضافه اجهزط الى اخر كه خانه ۱۶ است وشرط است كه بر پارچه
حرير زرد نقش نمايد وبعد از اتمام لوح ۴۱ عدد فلفل را هر يكرا يكبار بدوح بگويد

پس باضافهٔ قدری مشك مع لوح در میان شیشه گذارد و قدری روغن کنجد بر سرش بریزد و مسدود الرأس نماید و بکومهٔ آتش گذارد که قدری کرم بماند مثلاً عدد طالب ایضاً بطریق اول
۳۶۳ وعدد مطلوب ۱۸۹ اول عدد طالب را در عدد دوده که اینست ۲۰ ضرب کردیم
حاصلش این شد ۷۲۶۰ بعد عدد مطلوب را در عدد لفظ مطیع که اینست ۱۲۹
ضرب کردیم حاصلش این شد ۱۵۲۲۲ این دو حاصل را با عدد دایر جمع کردیم این شد
۲۷۰۴۲ کل عدد است و بعد عدد بدوح را در ۱۹ ضرب کردیم حاصلش اینست
۳۸۰ و عدد اجهزط که اینست ۲۵ در ۱۵ ضرب کردیم حاصلش اینست ۳۷۵
این دو حاصل را جمع کردیم این شد ۷۵۵ پس این حاصل ضربین را از جمع کل نقصان
کردیم الباقی ماند ۲۶۲۸۷ و این عدد را بعشر اکر فتیم شد این ۶۵۷۱ وسه
عدد کسر ماند و عدد بدوح را بر این افزودیم شد ۶۵۹۱
بعد این را در خانهٔ اول مربع گذاشتیم و بطریقی که قبل مذکور شد دو خانه باضافهٔ عدد بدوح و دو خانه باضافهٔ عدد اجهزط الی خانهٔ آخر که خانهٔ ۱۶ است وسه عدد کسر را در خانهٔ ۱۳ افزودیم و لوح را تمام کردیم بدین قرار
والسلام

۲۷۰۴۲

۶۷۵۱	۶۸۱۶	۶۸۸۴	۶۵۹۱
۶۸۶۴	۶۶۱۱	۶۷۲۶	۶۸۴۱
۶۶۳۶	۶۹۳۴	۶۷۷۱	۶۷۰۱
۶۷۹۱	۶۶۸۱	۶۶۶۱	۶۹۰۹

طریق مربع رقار دیکو بجهة مثل ثبت میشود مثلاً رك طالب ورفل مطلوب
عدد رك ۲۲۰ و عدد رقل ۲۸۴ در حاشیه این دو عدد را سنجیدیم و
دیدیم که عدد طالب ۶۴ از عدد مطلوب کسر دارد در تحت ۶۴ عدد آوردیم

۲۸۴ ۲۲۰ ۰۶۴ ۱۵۶ ۱۲۰ ۰۳۶ ۴/۹

۳۴

۱۵	۱۰	۸	۱
۶	۳	۱۳	۱۲
۹	۱۶	۲	۷
۴	۵	۱۱	۱۴

۱۵۶ که با ۴۶ مطابق عدد طالب شد و طرح مربع ۴ و ۴ قرار دادیم زکاتش
میشود ۱۲۰ بعد این ۱۲۰ زکات را از آن ۱۵۶ نقصان کردیم الباقی ماند
۳۶ بعد این را بچهار قسمت کردیم هر قسمتی شد ۹ این را در خانهٔ اول مربع و
در هر خانه باضافه ۴ الی سه دور که تا خانهٔ ۱۲ باشد ملاحظه کردیم عدد
خانهٔ ۱۲ ــ ۵۳ بود پس آن ۴۶ کسر طالب را با این ۵۳ جمع کردیم شد ۱۱۷ کسر ۲
و چون ۱۲۰ زکات که در هر خانه باضافهٔ ۴ است ۴ هم افزودیم شد ۱۲۱ و
این ۱۲۱ را در خانهٔ ۱۳ گذاشتیم و هر خانه را باضافهٔ ۴ الی خانه ۱۶ تمام کردیم
اینست و اضلاع مربع از هر طرف وفق ــ ک طالب را میدهد و از قطر و قطب ــ فد مطلوب را وفق
میدهد والسلام

چنانچه طالب محمد و مطلوب علی است فرد فرد
و طالب محمد و مطلوب حسن زوج زوج و
ایضاً طالب محمد و مطلوب حسن فرد فرد و
طالب فیاض و مطلوب غفور بطرح ۴ و ۴
۱۲۸۶ ۸۹۱

۱۱۰ ۹۲

۴۳	۲۰	۱۸	۱۱
۱۶	۱۳	۴۱	۲۲
۱۹	۴۴	۱۲	۱۷
۱۴	۱۵	۲۱	۴۲

۸۹ ۱۲۰

۱۲۹	۴۵	۳۷	۹
۲۹	۱۷	۱۲۱	۵۳
۴۱	۱۳۳	۱۳	۳۳
۲۱	۲۵	۴۹	۱۲۵

۱۱۸ ۹۲

۴۹	۱۸	۱۶	۹
۱۴	۱۱	۴۷	۲۰
۱۷	۵۰	۱۰	۱۵
۱۲	۱۳	۱۹	۴۸

۱۱۸ ۹۲

۵۶	۲۰	۱۵	۱
۱۱	۵	۵۲	۲۴
۱۸	۵۸	۳	۱۳
۷	۹	۲۲	۵۴

از این کسر دو را در خانهٔ
نهم بجای افزودیم بالا
نقصان است

۱۲۸۶ ۸۹۱

۵۴۵	۱۳۰	۱۲۲	۹۴
۱۱۴	۱۰۲	۵۳۷	۱۳۸
۱۲۶	۵۴۹	۹۸	۱۱۸
۱۰۶	۱۱۰	۱۳۴	۵۴۱

دیگر بیان کسر این قسم مربع کہ مربع طالب ومطلوب اسم دارد وکسر عدد یکیست و دو است وسه ۸۱

کسر یکی را در پت ۱۱ یکی و در پت ۱۵ یکی اضافہ کنند وکسر دو را در پت ۹ یکی اضافہ کنند

وکسر سه را در پت ۹ یک و در پت ۱۱ یک و در پت ۱۵ یک اضافہ کنند کہ از هر طرف

اقطار و اضلاعش درست آید و صحیح است والسلام

ایضاً طریق مربع طالب ومطلوب مثلاً طالب غفور ۱۲۸۶ ومطلوب فیاض ۸۹۱

یا اینکہ طالب فیاض ومطلوب غفور ویا اینکہ علی طالب ومحمد مطلوب یا اینکہ

محمد طالب علی مطلوب ویا اینکہ محمد طالب حسن مطلوب یا اینکہ حسن

طالب ومحمد مطلوب این شش قسم را ما شش مربع مینویسیم بجهت نقصان عدد

طالب از مطلوب ویا نقصان عدد مطلوب از طالب بر مبتدی آسان باشد اول

طالب غفور عددش ۱۲۸۶ ومطلوب فیاض عددش ۸۹۱ عدد مطلوبش را گرفتیم

و ۵۶ از او نقصان کردیم الباقی ماند ۸۳۵ این را بچهار قسمت کردیم هر قسمتی شد

۲۰۸ وسه کسر ماند واین عدد را در خانهٔ اول مربع گذاشتیم و باضافهٔ چهار ذاتی

اول مربع را نوشتیم بعد شروع از خانه ۱۳ کردیم وآن سه عدد کسر را یکی در خانهٔ ۱۳

ویکی در خانه ۱۵ افزودیم این دور را تا خانهٔ ۱۶ تمام کردیم با عدد مطلوب کہ فیاض است

بعد عدد خانهٔ اول کہ اینست ۲۰۸ با عدد خانهٔ ۱۵ کہ این است جمع کردیم این شد ۴۴۲

این عدد را از عدد طالب کہ اینست ۱۲۸۶ نقصان کردیم الباقی ماند ۸۴۴ وبجهت

طرح مربع ۳۲ عدد هم از این نقصان کردیم باقی ماند ۸۱۲ بعد این عدد را نصف

کردیم نصفش شد ۴۰۶ این را در خانهٔ اول دور دوم گذاشتیم باضافهٔ ۴ الی خانهٔ ۸

بعد از خانهٔ نهم

(حاشیه:)
۸۹۱
۵۶
۸۳۵
۴ / ۲۰۸ کسر ۳

۲۰۸
۲۳۴
۴۴۲

۱۲۸۶
۴۴۲
۸۴۴
۳۲
۸۱۲
نصفہ ۴۰۶

بعد از خانهٔ نهم شروع کردیم ایضًا باضافه چهار و یکی از کسر باقی بود یکی را هم در خانهٔ

۸۱ ۱۱ افزودیم و در خانهٔ ۱۲ مربع را تمام کردیم که از همه طرف وفق غفور طالب را میدهد

و از قطر و قطب وفق فیّاض مطلوب را وبهمین طریق است سایر این ۴ مربع یا هر عدد را

که بخواهی ثبت کنی مثلا طالب فیّاض و مطلوب غفور از عدد مطلوب ۵۶ نقصان کردیم

الباقی ۱۲۳۰ واین را بچهار قسمت کردیم هر قسمتی شد ۳۰۷ و ۲ کسر ماند و

این ۳۰۷ را در خانهٔ اوّل گذاشتیم باضافهٔ ۴ تا آخر دور که خانهٔ ۴ باشد پس آن دو عدد

کسر را یکی در خانهٔ ۱۳ که خانهٔ اوّل دور دوّم باشد افزودیم و دور را الی خانهٔ ۱۶

تمام کردیم از عدد مطلوب و بعد عدد خانهٔ اوّل ۳۰۷ و ۱۵ که اینست ۳۳۲ جمع

کردیم این شد ۶۳۹ این را از عدد طالب که اینست ۸۹۱ نقصان کردیم الباقی ماند

۲۵۲ پس ۳۲ هم از این نقصان کردیم شد دویست بیست ۲۲۰ این را نصف

کردیم شد ۱۱۰ و در خانهٔ اوّل دور دوّم که خانهٔ ۵ است گذاشتیم وچون کسر نداشت

تا خانهٔ ۱۲ تمام کردیم که از همه طرف طالب را وفق میدهد قطر و قطب مطلوب را این است

۱۲۸۶			۸۹۱
۳۳۲	۱۳۰	۱۲۲	۳۰۷
۱۱۴	۳۱۵	۳۲۴	۱۳۸
۱۲۶	۳۳۶	۳۱۱	۱۱۸
۳۱۹	۱۱۰	۱۳۴	۳۲۸

۸۹۱			۱۲۸۶
۲۳۴	۴۲۶	۴۱۸	۲۰۸
۴۱۰	۲۱۶	۲۲۵	۴۳۵
۴۲۲	۲۳۸	۲۱۲	۴۱۴
۲۲۰	۴۰۶	۴۳۱	۲۲۹

وسایر الواح که ذکر شد در انوی صفحه ثبت میشود بهمین طریق بدون کم و زیاد است والسلام

۱۲۸۶
۵۶
۱۲۳۰

۴
۳۰۷
کسر ۲

۳۰۷
۳۲
۶۳۹

۸۹۱
۶۳۹
۲۵۲
۳۲
۲۲۰
نصفه
۱۱۰

چنانچه طالب علی ۱۱۰ و مطلوب محمد ۹۲ و عددش را در حاشیه مرقوم کردیم و طالب محمد ۸۲
و مطلوب علی این را هم عددش را در حاشیه مرقوم نمودیم و محمد ۹۲ طالب و مطلوب حسن ۱۱۸
و طالب حسن ۱۱۸ و مطلوب محمد عدد اینها را در حاشیه ذیل یکدیگر آوردیم بهمان
دستور العمل غفور و فیاض است بدون کم و زیاد و عدد دوم مربع تکرار یافت هر
یکیرا دوری تضعیف و دوری نقصان کردیم صحیح شد و طریق کسر هم بنوعی که ذکر
و ثبت شد صحیح است و همچنان مربعات از همه طرف وفق عدد طالب را میدهد

۹۲			۱۱۸	۱۱۰	ص		۹۲	۱۱۰		مر	۹۲	۹۲			۱۱۰
۳۳	۴۲	۳۴	۹	۳۷	۲۴	۱۷	۱۴	۳۸	۲۵	۱۶	۱۳	۳۳	۳۸	۳۰	۹
۲۶	۱۷	۲۵	۵۰	۹	۲۲	۲۹	۳۲	۸	۲۱	۳۰	۳۳	۲۲	۱۷	۲۵	۴۶
۳۸	۳۷	۱۳	۳۰	۲۰	۴۱	۱۸	۱۳	۲۱	۴۲	۱۷	۱۲	۳۴	۳۷	۱۳	۲۶
۲۱	۲۲	۴۶	۲۹	۲۶	۵	۲۸	۳۳	۲۵	۴	۲۹	۳۴	۲۱	۱۸	۴۲	۲۹
۱۱۸			۳۶۳	۱۶۶			۱۱۸	۱۱۸			۱۶۶	۱۱۸			۹۲
۴۰	۱۵۸	۱۵۰	۱۵	۵۲	۲۴	۱۵	۲۷	۴۰	۶۰	۵۱	۱۵	۴۰	۲۱	۱۶	۱۵
۱۴۲	۲۳	۳۲	۱۶۶	۷	۳۵	۴۴	۳۲	۴۳	۲۳	۳۲	۶۸	۸	۲۳	۳۲	۲۹
۱۵۴	۴۴	۱۹	۱۴۶	۲۰	۵۶	۳۱	۱۱	۵۶	۴۴	۱۹	۴۷	۱۷	۴۴	۱۹	۱۲
۲۷	۱۳۸	۱۶۲	۳۶	۳۹	۳	۲۸	۴۸	۲۷	۳۹	۶۴	۳۶	۲۷	۴	۲۵	۳۶

و از قطر و قطب وفق عدد مطلوب را والسلام

طریق مربع نوع دیگر نار و هواء و ماء و تراب در خانهٔ ۱ و ۲ و ۳ و ۴
هر اسمی یا هر مطلبی که میخواهند بنویسند که ۴ خانهٔ دور اول بدلخواه تمام شود پس در روی
تقویم نگاه بخانهٔ اول کند و ببیند که عدد حروف خانهٔ اول چه قدر است ۹ عدد از آن
نقصان کند

نقصان کند تتمه را بگذارد در خانهٔ ٥ وایضا در خانهٔ دوم نظر کند و ببیند که عدد حروف
چه قدر است ٩ عدد از او نقصان کند و باقی را بگذارند در خانهٔ ٦ و در خانهٔ سه نظر کند
که عدد حروف آن چه قدر است ٩ عدد از او نقصان کند و بگذارد در خانهٔ ٧ وایضا
ملاحظهٔ عدد حروف خانهٔ چهارم کند و ٩ عدد از او نقصان کند و بگذارد بخانهٔ ٨
پس این دور که تمام شد دور سیم ایضا از سر بگیرد باز هم نظر بخانهٔ اول کند ٦ عدد
از عدد خانهٔ اول نقصان کرده و تتمه را بگذارد بخانهٔ ٩ وایضا از عدد خانهٔ دوم ٦ عدد
نقصان کند و بگذارد بخانهٔ ١٠ ایضا از عدد خانهٔ سیم ٦ عدد نقصان کرده و بگذارد
بخانهٔ ١١ ایضا از عدد خانهٔ چهارم ٦ عدد نقصان کرده و بگذارد بخانهٔ ١٢ بعد
این دور هم که تمام شد دور چهارم ایضا از سر گیرد باز نظر بخانهٔ اول کند عدد حروف را
که فهمید ١٥ عدد اضافه کند و بگذارد بخانهٔ ١٣ وایضا بعدد خانهٔ دوم ١٥
عدد اضافه کند و بگذارد بخانهٔ ١٤ وایضا بعدد خانهٔ سیم ١٥ عدد اضافه کند
و بگذارد بخانهٔ ١٥ وایضا بعدد خانهٔ چهارم ١٥ عدد اضافه کند و بگذارد بخانهٔ
١٦ چنانچه در این سه مربع باین اسمآء مبارک مثالش را آورده‌ایم والسلام

٤٠٣

١٢٦	١٠٤	١٠٧	الله ٦٦
٨١	محمد ٩٢	١٠١	١٢٩
علی ١١٠	١٥٠	٦٠	٨٣
٨٦	٥٧	فاطمه ١٣٥	١٢٥

٦٤٣

١٦٦	١٠٢	١٢٥	صراط ٣٠٠
٣١٥	علی ١١٠	٩٩	١٦٩
حق ١٠٨	١٩٠	٢٤٤	١٠١
١٠٤	٢٩١	نسکه ١٧٥	١٢٣

٣٢١

١٢٥	١٥٠	٣٣	احد ١٣
٢٨	حی ١٨	١٤٧	١٢٨
قیوم ١٥٦	١٤٩	٧	٩
١٢	٤	صمد ١٣٤	١٧١

ایضاً در بیان مربع طالب و مطلوب که فیاض و غفور باشد نوع دیگر اوّل طالب فیاض عدد ش
۸۹۱ و مطلوب غفور عدد ش ۱۲۸۶ اوّل عدد فیاض را تضعیف کردیم این شد
۱۷۸۲ بعد عدد مطلوب را از او نقصان کردیم الباقی ماند ۴۹۶ و بعد
چون باضافهٔ ۴ و ۴ دیگر هر خانه مینویسیم از این عدد ۱۲۰ زکات ساد کردیم
الباقی ماند ۳۷۶ پس این عدد را بچهار قسمت کردیم بدون کسر و نقصان
بهر قسمتی رسید ۹۴ این را در خانهٔ اوّل مربع گذاشتیم و در هر خانه باضافهٔ
۴ سطر دور مربع را نوشتیم که الی خانهٔ ۱۲ باشد بعد عدد طالب را با عدد مطلوب
سنجیدیم دیدیم که این ۳۹۵ عدد را طالب کسر دارد پس این عدد را با عدد خانهٔ
۱۲ که اینست ۱۳۸ جمع کردیم و بجهة طرح مربع که در هر خانه ۴ است ۴ هم
افزودیم این شد ۵۳۷ و در هر خانه باضافهٔ ۴ دور آخر را هم تمام کردیم یعنی
این ۵۳۷ عدد را در خانهٔ ۱۳ گذاشتیم و باضافهٔ ۴ الی خانه ۱۶ لوح را تمام کردیم

و بعد مثلاً طالب غفور و مطلوب فیاض اوّل عدد طالب را تضعیف کردیم
این شد ۲۵۷۲ بعد عدد مطلوب را از این نقصان کردیم الباقی ۱۶۸۱
بعد ۱۲۰ زکات را هم نقصان کردیم الباقی ۱۵۶۱ بعد این را ربع کردیم شد
۳۹۰ و یکی کسر ماند که باید در خانهٔ ۱۱ یکی اضافه شود و این ۳۹۰ را در خانهٔ
اوّل مربع گذاشتیم و باضافه ۴ الی خانهٔ ۱۲ را تمام کردیم و یکی کسر را در خانهٔ ۱۱ افزودیم
بعد عدد خانهٔ سیزده را که اینست ۳۹۸ با عدد خانهٔ پنجم که این است ۴۰۶ جمع
کردیم شد ۸۰۴ این را از عدد مطلوب که اینست ۸۹۱ نقصان کردیم باقی ۸۷

Marginal calculations:

۸۹۱ / ۲ / ۱۷۸۲ / ۱۲۸۶ / ۰۴۹۶ / ۱۲۰ / ۳۷۶ — ۸۴

۴ / ۹۴ — ۳۷۶ / ۳

۱۲۸۶ / ۸۹۱ / ۳۹۵

۱۲۸۶ / ۲ / ۲۵۷۲ / ۸۹۱ / ۱۶۸۱ / ۱۲۰ / ۱۵۶۱

۴ / ۳۹۰ کسر ۱ — ۱۵۶۱ / ۱۲ / ۳

۳۹۸ / ۴۰۶ / ۸۰۴

۸۹۱ / ۸۰۴ / ۸۷ نصفه ۴۳ کسر ۱

۱۱۵

۸۵

این را تنصیف کردیم شد ۴۳ گذاشتیم در خانهٔ ۱۳ و باضافهٔ ۴ در ۱۴ و کسر را در خانهٔ ۱۵ افزودیم و در ۱۶ تمام کردیم لوح را بقسمی که از همه طرف این الواح طالب را وفق میدهند و از قطر و قطب عدد مطلوب را وفق میدهند بدون نقصان

و دیگر مثلاً عدد طالب ۳۶۳ و عدد مطلوب ۱۸۹ بهمان دستور العمل است اول عدد طالب را تضعیف کردیم این شد ۷۲۶ بعد عدد مطلوب را از این نقصان کردیم باقی ماند این ۵۳۷ ملاحظه کردیم که اگر زکات این را ۱۲۰ نقصان کنیم و باضافهٔ ۴ در هر خانه تا خانهٔ ۱۲ در دور آخر عددی نماند از برای دور مطلوب باین جهت ۶۳ زکات در رفتیم و در هر خانه باضافهٔ ۱۲ نوشتیم و ۳۶۰ را که از این عدد ۵۳۷ نقصان کردیم باقی ماند این ۱۷۷ ایضاً بچهار قسمت کردیم بهر قسمتی رسید ۴۴ و یکی کسر ماند و باقی را بهمان طریق اول لوح را تمام کردیم

۳۶۳
۲
۷۲۶
۱۸۹
۵۳۷
۳۶۰
۱۷۷ ۴۴ ¼
۱۸۹
۱۶۰
۲۹
نصف کسر

وصورت الواح اینست والسلام

۱۸۹			۳۶۳
۳۹	۱۵۲	۱۲۸	۴۴
۱۰۴	۶۸	۱۴	۱۷۲
۱۴۰	۵۱	۵۶	۱۱۶
۸۰	۹۲	۱۶۵	۲۶

۸۹۱			۱۲۸۶
۵۲	۴۲۶	۴۱۸	۳۹۰
۴۱۰	۳۹۸	۴۳	۴۳۵
۴۲۲	۵۶	۳۹۴	۴۱۴
۴۰۲	۴۰۶	۴۳۱	۴۷

۱۲۸۶			۸۹۱
۵۴۵	۱۳۰	۱۲۲	۹۴
۱۱۴	۱۰۲	۵۳۲	۱۳۸
۱۲۶	۵۴۹	۹۸	۱۱۸
۱۰۶	۱۱۰	۱۳۴	۵۴۱

ایضاً طریق مربع طالب و مطلوب مع رَكْ رَفِدْ بدین قرار است اول باید عدد اسم طالب را در عدد لفظ مطاع ۱۲۰ یا عدد وَدُود ۲۰ یا عدد

٢٢٠ × ٢٨٤ = ٥٠٤ ، ٢ ، ١٠٠٨ — ٢٨٤ ، ٢٢٠ ، ٦٤ — ٢٢٠ × ١٩ = ١٩٨٠ ، ٢٢ ، ٤١٨٠ ، ٤٢٦٠ ، ٨٤٤٠ — ٢٨٤ × ١٥ = ١٤٢٠ ، ٢٨٤ ، ٤٢٦٠

لفظ دائمٌ ۶۴ بیکی ازاین اسماء مبارکه ضرب نماید وحاصل آن ضرب را
اخذ کند وتضعیف نماید چنانچه درحاشیه مرقوم است بعد عدد اسم مطلوب را
بر عدد لفظ مُطیع ۱۲۹ ضرب نماید وحاصل این ضرب را از تضعیف طالب ٨٦
نقصان کند وبعد عدد درک را بر ۱۹ وعدد رفد را بر ۱۵ ضرب نماید و
وحاصل ضربش که این است ۸۴۴۰ از تتمهٔ عدد طالب ایضاً نقصان نماید
وبعد اضافهٔ عدد رفد از درک شصت وچهار است این ۶۴ را هم ایضاً از تتمهٔ عدد طالب
نقصان نموده الباقی را بچهار قسمت کند ویک قسمتش را باضافهٔ عدد درک ۲۲۰ در خانهٔ اول
مربع گذارد وعدد رفد را ۲۸۴ اضافهٔ عدد خانهٔ اول نموده در خانهٔ ثانی گذارد وباز
عدد درک را اضافهٔ عدد خانهٔ ثانی نموده در خانهٔ ثالث گذارد وباز عدد رفد را اضافهٔ عدد
خانهٔ ثالث نموده در خانهٔ رابع گذارد وهمچنین یک خانه باضافه درک ویک خانه باضافهٔ
عدد رفد تا خانهٔ ۱۲ تمام شود بعد عدد خانهٔ ستد و عدد خانهٔ ۵ را جمع کند این جمع را از
۲۴۳۸۱ جمع عدد مطلوب نقصان کند وایضاً ۶۴ هم از باقی عدد مطلوب نقصان کند وتتمه را نصف
کند ونصف بگذارد بخانهٔ ۱۳ وایضاً باضافهٔ رفد در ۱۴ وباز درک در ۱۵ وباز رفد در ۱۶ تمام است

٣٦٤ × ٦٤ = ٢١٧٨ ، ١٤٥٢ ، ١٦٦٩٨ ، ٢ ، ٣٣٣٩٦ ، ٢٤٣٨١ ، ٠٩٠١٥ ، ٨٤٤٠ ، ٠٥٧٥

١٨٩ × ١٢٩ = ١٧٠١ ، ٣٧٨ ، ١٨٩ ، ٢٤٣٨١

٥٧٥ ، ٦٤ ، ٥١١ ، ٤ ، ١ ، ٨ ، ٣ ، ٢٨ ، ٣ — ٤ ، ١٢٧ ، ٢٢٠ ، ٣٤٧ — کسر ٣

٢٤٣٨١ ، ٢٢٠٦ ، ٢٢١٧٥ ، ٦٤ ، ٢٢١١١ — ٨٥١ ، ١٣٥٥ ، ٢٢٠٦ — ٢٢١١١ نصفه ١١٠٥٥ کسر ١

٢٤٣٨١			٤٣٥٦٠
٣٠٥٩٠	١٧١٩٧	١٥١٨٠	٨١٢٤
١٣١٦٤	١٠١٤٠	١٠٣٢	١٩٢١٤
١٦١٨٩	٣٠٦٧	٩١٣٢	١٣١٧٢
١١١٣٨	١٢١٥٦	١٨٢٠٦	٢٠٥٠

١٥٢٢٢			١٩٩٢٠
٣٠٧٩	٦٥٤٩	٦٠٤٤	٤٢٤٨
٥٥٤٠	٤٧٥٢	٢٥٧٥	٧٠٥٣
٦٢٦٥	٣٣٦٣	٤٥٣٢	٥٧٦٠
٥٠٣٦	٥٢٥٦	٦٧٦٩	٢٨٥٩

٢٤٣٨١			١٦٦٩٨
١١٥٦٠	٢٦٤٨	٢١٤٣	٣٤٧
١٦٣٩	٨٥١	١١٠٥٥	٣١٥٣
٢٣٦٤	١١٨٤٤	٦٣١	١٨٥٩
١١٣٥	١٣٥٥	٢٨٦٩	١١٣٣٩

برابر رفقا است

۱۱۷

۸۴۴۰
۴
۳۳۷۶۰

۴۷۵۲
۵۲۵۶
۱۰۰۰۸

۲۴۶۱۸
۸۴۴۰
۱۶۱۷۸
۶۴
۱۶۱۱۴
ربعه کسر ۲
۴۰۲۸
۲۲۰
۴۲۴۸

۱۲۹
۱۱۸
۱۰۳۲
۱۲۹
۱۲۹
۱۵۲۲۲
۱۰۰۰۸
۰۵۲۱۴
۶۴
۵۱۵۰

۱۶۶
۱۲۰
۳۳۲
۱۶۶
۱۹۹۲۰
۲
۳۹۸۴۰
۱۵۲۲۲
۲۴۶۱۸

۱۰۱۴۰
۱۲۱۵۶
۲۲۲۹۶

۶۴
۸
۵۱۲

۵۱۵۰
نصفه
۲۵۷۵

جز این رقم است که ۲ مربع اوّل نوشته شده است و مربع ثالث را در هر خانه باضافه ۲ رک و ۲ رقم که ۱۰۰۸ عدد باشد افزودیم واگر طرح اینرا مثل آن ۲ مربع میکردیم از برای مطلوب عددی باقی نمیماند وچون تضعیف همهٔ خانها یکقسمست بعد از کم کردن عدد خانهٔ سه و ۵ را که از عدد مطلوب نقصان کردی تتمه را نصف کن بدون آنکه ۶۴ نقصان کنی که درست آید و از هر طرف وفق عدد طالب را میدهد و از قطر و قطب وفق عدد مطلوب را میدهد و قاعدهٔ کسر همان قسمست که در اوّل مطلب این فقره ثبت شده است والسّلام

۳۶۳
۱۲۰
۷۲۶
۳۶۳
۴۳۵۶۰
۲
۸۷۱۲۰
۲۴۳۸۱
۶۲۷۳۹
۳۳۷۶۰
۲۸۹۷۹
۵۱۲
۲۸۴۶۷
ربعه ۴ کسر ۳
۷۱۱۶
۱۰۰۸
۸۱۲۴

۸۷

ایضًا در این سه لوح عدد طالب این است ۳۶۳ بزرک ضرب کردیم و عدد مطلوب در دو لوح این است ۱۸۹ و در لوح ثالث این است ۴۰۰ عدد مطلوب را برقم ضرب کردیم ولوح اوّل وثالث را یک خانه باضافهٔ رک ویک خانه باضافهٔ رقم الی آخر تمام کردیم ولوح اوسط را در هر خانه باضافهٔ رک رقم که این است ۵۰۴ تمام کردیم وباقی عمل مثل الواحی که قبل ثبت شده است تمام کردیم که از هر طرف عدد طالب را وفق میدهد و از قطر وقطب عدد مطلوب را موفق است در حاشیه جا نبود که عددشرا بنمائیم والسّلام

۲۴۳۸۱
۲۲۲۹۶
۰۲۰۸۵
نصفه کسر ۱
۱۰۴۲

۶۴
۴
۲۵۶

۱۱۳۶۰۰ — ۷۹۸۶۰ — ۵۳۶۷۶ — ۷۹۸۶۰ — ۵۳۶۷۶ — ۷۹۸۶۰

۴۶۸۹۲	۱۱۹۲۴	۱۱۴۲۰	۹۶۲۴	۳۶۰۲	۲۷۲۶۷	۲۶۲۵۹	۲۲۷۲۱	۱۹۴۹	۲۶۹۰۵	۲۶۴۰۱	۲۴۶۰۵
۱۰۹۱۶	۱۰۱۲۸	۴۶۳۸۸	۱۲۴۲۸	۲۵۲۵۱	۲۳۷۳۹	۲۵۹۵	۲۸۲۷۵	۲۵۸۹۷	۲۵۱۰۹	۱۴۴۵	۲۷۴۰۹
۱۱۶۴۰	۴۷۱۷۶	۹۹۰۸	۱۱۱۳۶	۲۶۷۶۳	۴۱۰۷	۲۳۲۳۵	۲۵۷۵۵	۲۶۶۲۱	۲۲۳۲	۲۴۸۸۹	۴۲۱۱۷
۱۰۴۱۲	۱۰۶۳۲	۱۲۱۴۴	۴۶۶۷۲	۲۴۲۴۳	۲۴۷۴۷	۲۷۷۷۱	۳۰۹۹	۲۵۳۹۲	۲۵۶۱۲	۲۷۱۲۵	۱۷۲۹

۶۰

۲۳	۲	۶	۱۰	۱۹
۵	۱۴	۱۸	۲۲	۱
۱۷	۲۱		۹	۱۳
۴	۸	۱۲	۱۶	۲۰
۱۱	۱۵	۲۴	۳	۷

۶۰

۱۶	۴	۱۲	۲۰	۸
۱۰	۲۳	۶	۱۹	۲
۹	۱۷		۱۳	۲۱
۳	۱۱	۲۴	۷	۱۵
۲۲	۵	۱۸	۱	۱۴

۶۰

۸	۲۰	۱۲	۴	۱۶
۲	۱۹	۶	۲۳	۱۰
۲۱	۱۳		۱۷	۹
۱۵	۷	۲۴	۱۱	۳
۱۴	۱	۱۸	۵	۲۲

۶۵

۲۰	۱۷	۲۲	۲	۴
۵	۶	۲۳	۲۴	۷
۱۵	۱۱		۱۴	۲۵
۹	۲۱	۱۹	۱۳	۳
۱۶	۱۰	۱	۱۲	۲۶

۶۵

۱۶	۱۰	۱	۱۲	۲۶
۹	۲۱	۱۹	۱۳	۳
۱۵	۱۱		۱۴	۲۵
۵	۶	۲۳	۲۴	۷
۲۰	۱۷	۲۲	۲	۴

۶۰

۱۱	۱۵	۲۴	۳	۷
۴	۸	۱۲	۱۶	۲۰
۱۷	۲۱		۹	۱۳
۵	۱۴	۱۸	۲۲	۱
۲۳	۲	۶	۱۰	۱۹

۶۰

۷	۳	۲۴	۱۵	۱۱
۲۰	۱۶	۱۲	۸	۴
۱۳	۹		۲۱	۱۷
۱	۲۲	۱۸	۱۴	۵
۱۹	۱۰	۶	۲	۲۳

…

۱۱	۴	۱۷	۵	۲۳
۱۵	۸	۲۱	۱۴	۲
۲۴	۱۲		۱۸	۶
۳	۱۶	۹	۲۲	۱۰
۷	۲۰	۱۳	۱	۱۹

۶۰

۲۳	۵	۱۷	۴	۱۱
۲	۱۴	۲۱	۸	۱۵
۶	۱۸		۱۲	۲۴
۱۰	۲۲	۹	۱۶	۳
۱۹	۱	۱۳	۲۰	۷

بسم الله الرحمن الرحیم طریق علم و عمل و نوشتن مخمس خالی الوسط ازبرای وجدان حرمت
وجاه وغیره از تسخیر قلوب ملوك و امراء و مهابت نزد خلایق باید عدد اسم طالب را
و عدد آنچه منظور است مثل وجدان ۶۴ حرمت ۶۴۸ یا آنچه از آیات یا از اسماء عظام
که مناسبت مدعی را داشته باشد و مناسب مدعی است مثل یا عظیم ذو الثناء
الفاخر و ذو العز و المجد و الکبریاء فلا یذل عزه ۵۳۴۰ عدد گرفته
و بعد هر شصت عدد را یك حساب کرده و در خانهٔ اول نویسد و در خانهٔ دویم با اضافهٔ
عدد خانهٔ اول الی آخر المخمس و اگر چنانچه کمتر از شصت بماند چهار قسمت باید کرد
و یك قسمت آنرا در خانهٔ ۵ باید اضافه نماید و اگر در توزیع کسر باشد در خانهٔ بیستم
اضافه باید کرد که درست و راست آید مثل مخمس علیم که موافق قاعدهٔ اهل مشارقه است عدد
علیم ۱۵۰ به شصت قسمت کردیم دو شصت شد الباقی ۳۰ بچهار قسمت کردیم شد ۷ و
دو کسر ماند که در خانهٔ ۲۰ افزودیم بدین صورت و این ۵۳۴۰ عدد کسر ندارد در دو لوح
نوشتیم یکی بهمین روش مشارقه و دیگری بطریق شیخ محی الدین بدین صورت است
والسلام

۱۵۰

۵۵	۱۷	۴۱	۸	۲۹
۴	۳۵	۵۱	۲۳	۳۷
۱۹	۴۳	علیم	۳۱	۵۷
۲۷	۵۳	۲۵	۳۹	۶
۴۵	۲	۳۳	۴۹	۲۱

۵۳۴۰

۲۰۴۷	۴۴۵	۱۵۱۳	۳۵۶	۹۷۹
۱۷۸	۱۲۴۶	۱۸۶۹	۷۱۲	۱۳۳۵
۵۳۴	۱۶۰۲		۱۰۶۸	۲۱۳۶
۸۹۰	۱۹۵۸	۸۰۱	۱۴۲۴	۲۶۷
۱۶۹۱	۸۹	۱۱۵۷	۱۷۸۰	۶۲۳

۵۳۴۰

۱۳۱۲	۸۲۰	۹۲	۹۸۴	۲۱۳۲
۷۳۸	۱۷۲۲	۱۵۵۸	۱۰۶۶	۲۵۶
۱۲۳۰	۹۱۲		۱۱۴۸	۲۰۵۰
۴۱۰	۴۹۲	۱۸۸۶	۱۹۷۸	۵۷۴
۱۶۵۰	۱۳۹۴	۱۸۰۴	۱۶۴	۳۲۸

ا	ه	ط	م	ف	ش	ذ	۱۱۳۵
ب	و	ی	ن	ص	ت	ض	۱۳۵۸
ج	ز	ک	س	ق	ث	ظ	۱۵۹۰
د	ح	ل	ع	ر	خ	غ	۱۹۱۲
							۵۹۹۵

۸۵

باب طریق مخمس خالی الوسط بجهت مطالب باید اول آیه یا اسمی از اسماء الحسنی که مناسب حاجت
باشد پیدا کند و عدد شرا در مخمس پر کند بعد هامان عدد را با عدد اسم جلاله و عدد اسم ملک
مناسب در مطلب مثلاً جبرائیل برای قضای حاجت و محبت و قبول است و میکائیل
از برای رزق و اسرافیل از برای تخریب و عزرائیل از برای قبض است الحاصل اگر
عمل خیر است باید عدد نام خود را بگیرد و بر سر ان عددها اضافه نماید و اگر خدا نخواسته
عمل در شر باشد نام خود را نمیخواهد باید عدد اسم مطلوب را اضافه نماید و عدد حاجت
و عدد طبع غالب مثلاً در حرف حاجت اگر حروف ناری غالب شد عدد اهطمفشذ
را اضافه عدد کند و اگر بادی غالب شد بوینصتض و اگر آبی غالب شد جزکسقثظ
و اگر خاکی غالب شد دحلعرخغ خلاصه همه اعداد را در خانه وسط گذارد و بخورات لایقه
بسوزاند و بعد از اتمام عمل دو رکعت نماز حاجت گذارد اگر انشاء الله عمل در خیر است بعد
از حمد سوره فتح یا الم نشرح یا نصر را بخواند و اگر عمل در شر است سوره فیل یا اذا
زلزله را بخواند و بعد از اتمام شدن آیه یا اسمی که پر کرده است بعدد وفق بخواند اگر
آیه باشد فبها و اگر از اسماء باشد بلفظ ندا بگوید و اگر اسماء متعدد باشد لفظ جلاله را
مقدم سازد و در حین خواندن بعد از هر صد مرتبه با کمال خضوع حاجتش را مسئلت
نماید و یا آیه را ورد خود سازد و وفق را بعمل غالب برساند و اگر تواند چنان کند که عدد
حروف حاجت ناری نباشد و اگر در شب متوجه عمل باشد بهتر است و عمل را مخفی دارد
عدد اسم جلاله و عدد اسم ملک مناسب و عدد حروف حاجت و عدد طبع غالب بر حاجت و
عدد اسم طالب در خیر یا مطلوب در شر اینها در خانه وسط عددش نوشته شود والسلام

جهت دفع پریشانی

باب دیگر خواص مسبّع خالی الوسط از برای منصب و رفعت و دولت و مکرّم بودن نزد پادشاهان و حکامان وغیره و دفع دشمنان با خود دارد و هرچه بخیال آید از این لوح مبارک میسّر شود و باید که در وقت مباشرت دو رکعت نماز حاجت بگذارد و در رکعت اوّل بعد از حمد سورهٔ والضّحی را بخواند و در رکعت دوّیم بعد از حمد سه بار سورهٔ الم نشرح را بخواند و بعد از فارغ شدن از نماز صد بار یَا حَيُّ یَا قَیُّومُ یَا ذَا الجَلَالِ وَالإِکْرَامِ بگوید و از برای بزرگان بر لوح زر نقش کنند و دایم با خود دارند تا چه قدر که زنده است تغییر و تبدیل ندارد المجرّب بجهة یادگار تحریر شد والسّلام

فصل دیگر حدیث از حضرت امام جعفر صادق علیه السّلام منقول است بجهة دفع پریشانی روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه را روزه بدارد چون چاشت روز جمعه شد زیارت بکن حضرت رسول صلّی الله علیه وآله را در بام بلند یا در بیابانی که نور را نبینند و بعد دو رکعت نماز حاجت بگذار پس بدو زانو دیگرای و زانوهای خود را بخاک برسان روی بقبله و دست راست خود را بر بالای دست چپ بگذار و بگو اَللّٰهُمَّ اَنْتَ اَنْتَ اِنْقَطَعَ الرَّجَاءُ اِلَّا مِنْكَ وَخَابَتِ الآمَالُ اِلَّا فِيكَ يَا ثِقَةَ مَنْ لَا ثِقَةَ لِي غَيْرُكَ اِجْعَلْ لِي مِنْ اَمْرِي فَرَجًا وَمَخْرَجًا وَارْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ اَحْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ لَا اَحْتَسِبُ پس دو روی زمین بسجده برو و بگو یَا مُغِیثُ اِجْعَلْ لِي رِزْقًا مِنْ فَضْلِكَ اگر چنین کنی طالع نمیشود بر تو روز شنبه مگر با روزی تازه والسّلام

بجهة روا شدن حاجت صد بار صلوات بفرستد و بعد از آن ۱۱۹۹ بار این را بخواند

سهلا

سهلاً بفضلك یا عزیز الله مقصودش برآورده شود مجرّب است

ایضاً از برای قضای حاجت از شهر بیرون رفته تا بجائی که از آبادی دور باشد چهار
خطّ بطریق مربّع بکشد ویك خطّ دیگر در میان آن بکشد وآن خطّ را بقبر مبارك
حضرت رسول صلّی الله علیه وآله تصوّر کرده وپشت بقبله متوجّه آن قبر بنشیند
ونظر در آن قبر دارد وچهار هزار بار بگوید صلّی الله علیك یا رسول الله
روز دویم هم بهمین طریق وروز سیم سه هزار بار بخواند وباید از اوّل هر یك هزار
را بجهة یك امام بخواند تا یازده امام وهزار
دیگر را بامام محمّد مهدی صاحب الزمان
عجّل الله فرجه تعلّق دارد نگاه دارد مطلب
گره واشد بعد بخواند وشکّی نیست که در سه روز روا خواهد شد انشاء الله که احتیاج
بگرو نباشد والسّلام

طریق ختم سورهٔ مبارکهٔ اخلاص هر که را مهمّی پیش آید وخواهد که زودتر وبسرعت مهمّش
کفایت شود اوّل هفت مرتبه سورهٔ فاتحة الکتاب را مع بسمله بخواند وصد مرتبه صلوات
بفرستد وهفتاد نوبت سورهٔ الم نشرح لك صدرك را مع بسمله بخواند وبعد یك هزار
ودو نوبت سورهٔ اخلاص را بخواند ودر آخر ختم ایضاً هفت نوبت فاتحة الکتاب را بخواند
وایضاً صد مرتبه صلوات بفرستد خدای عزّ وجلّ مطلب او را روا میکند انشاء الله
والسّلام

از امام جعفر صادق علیه السّلام منقول است که هر که دو ماه پیوسته هر روز این استغفار را

تسخیر مطلوب

چهار صد مرتبه بخواند خدای تعالی روزی کرداند او را کنجی از علم یا کنجی از مال این است
اَسْتَغْفِرُ اللهَ الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیمُ الْحَیُّ الْقَیُّومُ بَدِیعُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ
ذُو الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ مِنْ جَمِیعِ ظُلْمِی وَجُرْمِی وَاِسْرَافِی عَلٰی نَفْسِی وَاَتُوبُ اِلَیْهِ
بعد از چهل و یکروز چندان فتوحات بروی روی نماید که تقریر نتوان کرد و باید که باطهارت ۹۲
باشد و در این مدّت مشغول معاصی نشود که بغایت مجرّب است

بجهة تسخیر مطلوب ۴۰ دانه باقلا تحصیل کن و بنویس بریک روی هر اسم مطلوب را
بعد چهار قسمت کن و بر روی دیکر ده تای اوّل بنویس اسم قارون و برده ثانی بنویس اسم
هارون و برده ثالث اسم هامون و برده رابع بنویس اسم شیطان و بکذار بکنار آتش
و بخواند سورهٔ قل اوحی را بر هر یک و در آتش اندازد والسّلام

فصل در خواص بسم الله الرّحمن الرّحیم و خواص حروف او ۱۹ حرف است و در آن خواص عجیب است
اکر کسی بساعت زهره نوشته با خود دارد اسرار بر او منکشف کردد و سحرها را باطل سازد و در
امان حق باشد واکر بساعت زحل در مربع ۹ در ۹ ثبت کند و با خود دارد در پیش اکابر
باهیبت باشد واکر کسی ۹ حرف نورانی که در بسمله است بنویسد و با خود دارد یا آب
شسته بخورد از رنجها شفا یابد واکر در ساعت مرّیخ در مربّع ۹ در ۹ ثبت کند خصم
هارا زایل دهد واکر کسی یک حرف ظلمانی که در بسم الله باشد بنویسد و در زیر او نام
بنویسد و کرد او ۶ سین نوشته بدیوار قبله کذارد آن کس غایب شود و باید در وقتی باشد
که قمر در برج جدی باشد و ساعت زحل بود و خسوف یا کسوف بود مجرّب است
واکر کسی ۱۹ حرف که در بسمله نیست نوشته در مقام دشمن دفن کند هلاک کردد
واکر بمربع ۸ در

واکر بمربع ۱۸ در ۱۸ وقتی که قمر در عقرب بود ثبت کند و بمقام بلند اویزد دشمن از او بترسید

واکر کسی ده حرف غیر مکرر بسمله را نوشته با خود دارد از شر دشمن ایمن کردد واکر در
مربع ۱۰ در ۱۰ نهاده با خود دارد در روزی بروی کشاده شود و سر افرازی باید اما باید
که در ساعت عطارد نویسد واکر پنج حرف نورانی که در بسمله نیست نوشته
و دختری با خود دارد و بخت بسته او کشاده شود واکر در مربع ۵ در ۵ کذارند همان
خاصیت دارد واکر ۱۳ حرف ظلمانی که در بسمله نیست برای جدائی در ساعتی که قمر
در سرطان بود بساعت عطارد بر پوست حمار نویسد بنام دو کس که خواهد و در
مقام نمناک دفن کند در میان شا جدائی افتد واکر کسی یکحرف ظلمانی بسمله را نوشته
و کرد اکرد او ۹۹ ص نویسد و در پشت او دو اسم ملک ملک نویسد و بصاحب درد چشم
بند د شفا یابد واکر کسی مجموع عدد بسمله که ۷۸۶ است در مربع ۴ در ۴ نهاده
و با خود دارد همه مهمات او روا کردد و سختی باسانی مبدل کردد و از فقر ایمن کردد
باید که بساعت شمس کند واکر کسی ۱۸ حرف نورانی بسمله را نوشته با خود دارد کارهای
صعب بر او آسان شود این است ااا ه ح ح ی ل ل ل م م م ن س ر ر باید که
بساعت مشتری عمل کند واکر در شکل ۱۸ در ۱۸ نهاده با خود دارد نزد خلایق
عزیز و مکرم باشد ایضاً در خواص بسمله نبی صلی الله علیه و آله فرموده که اسم
اسم اعظم در بسمله است و ابن عباس از آن حضرت نقل کرده است که اکر کسی بکوید
لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ بکرداند الله تعالی از او هفتاد نوع از بلا را
و هم نبی ص فرموده که هر که یکبار بصدق بسمله بکوید حق تعالی بهر حرفی چهار هزار

حسنه او را عطا فرماید و چهار هزار سیئه او را محو فرماید و فرموده که هر که بنویسد
بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ را در کتابت او جهد کند که خوش نوشته شود بجهت تعظیم
بیامرزد خدا گناهان او را عن ابن مسعود قال قال رسول الله صلعم من قال بسم الله
الرحمن الرحیم لَمْ یَبْقَ ذُنُوبِهِ ذَرَّةٌ بعضی از اهل معرفت گفته اند که بسمله ۱۹ حرفست
و زبانیه دوزخ نوزده اند هر کس که قرائت کند بسمله را الله تعالی دفع کند از او بهر حرفی
یک زبانیه را وگفته اند که گناه بر چهار قسمست گناه روز و گناه شب و گناه آشکارا
و گناه پنهان و کلمات تسمیه نیز چهار است هر مؤمن که بلفظ تسمیه کند از روی اخلاص
حق تعالی هر چهار قسم از گناهان او را بیامرزد ایضا منقولست که هر که را حاجتی
باشد روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه روزه دارد و اول روز جمعه غسل کند و
بمسجد رود و در راه تصدق کند بر آنچه تواند و بعد از نماز جمعه بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّی
اَسْاَلُکَ بِاِسْمِکَ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَیْبِ وَالشَّهَادَةِ
هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِیْمُ وَاَسْاَلُکَ بِاِسْمِکَ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ
اَلْحَیُّ الْقَیُّوْمُ لَا تَاْخُذُهُ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ وَاَسْاَلُکَ بِاِسْمِکَ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
الَّذِی مَلَأَتْ عَظَمَتُهُ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضَ وَاَسْاَلُکَ بِاِسْمِکَ بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ عَنَتْ لَهُ الْوُجُوْهُ وَخَضَعَتْ لَهُ الرِّقَابُ وَخَشَعَتْ لَهُ الْاَبْصَارُ
وَجَلَتْ مِنْهُ الْقُلُوْبُ وَذَرَفَتْ مِنْهُ الْعُیُوْبُ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ
وَاَصْحَابِهِ وَاَنْ تُعْطِیَنِی حَاجَتِی بعد از آن حاجت خود را عرض نماید البته روا شود و آن
حضرت فرمودند و وصیت نمودند صحابی را که این را بکسی که صالح نباشد نیاموزند مبادا بر مسلمانی

دعای بد کند

دعای بد کند و مستجاب شود   وایضاً   منقولست از امام جعفر صادق علیه السلام
که هر کرا حاجتی باشد بر کاغذی بنویسید بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحیمِ مِنَ العَبدِ الذَّلیلِ
اِلیٰ رَبِّهِ الجَلیلِ رَبِّ اِنّی مَسَّنِیَ الضُّرُّ وَ اَنتَ اَرحَمُ الرّاحِمینَ پس ان کاغذ را در
آب روان اندازد و بگوید اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّیِّبینَ الطّاهِرینَ وَ صَحبَةِ
المُرتَضینَ اِقضِ حَوائِجی یا اَکرَمَ الاَکرَمینَ و ان حاجت را بدل خود گذراند حاجت
او بر آید   وایضاً منقولست که هر کس دوازده هزار بار بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحیمِ
بگوید و بعد از هر هزار بار دو رکعت نماز بگذارد و حاجت خود عرض کند همچنین
تا دوازده بار البته حاجت او روا شود   وایضاً منقولست که هر که بگفتن بسمله
مداومت نماید روزی بروی فراخ گردد و باطنش صافی شود   وایضاً منقولست
که بجهت فنای ظالم اگر کسی هزار مرتبه بسمله و هزار مرتبه حمد له و هزار مرتبه
کلمهٔ لا اِلٰهَ اِلّا اللهُ مُحَمَّدٌ رَسولُ اللهِ وَ عَلِیٌّ وَلِیُّ اللهِ و هزار مرتبه بعد از ان صلوات
بر پیغمبر ص و آل او فرستد ان ظالم فنا شود یا منکوب گردد و شر او مندفع شود
وایضاً اگر کلمات اربعهٔ بسمله را در مربع ۴ در ۴ درج کند بقسمی که ثبت میشود
و ان را در پیش نظر خود گذارد و در ان نظر کند و ۷۸۶ مرتبه بخواند بِسمِ اللهِ
الرَّحمٰنِ الرَّحیمِ و ۱۳۲ بار صلوات فرستد و حاجتی که دارد بخواهد البته روا
شود   وایضاً هر که این مربع را با خود دارد برای باطل شدن سحر مجربست
و در این مربع بجای اعداد اسماء الله که موافق عدد ان خانه باشد ثبت کند اثرش قوی
تر باشد   و از بعضی اکابر صوفیه منقولست که اگر کسی بطریق تکسیر کلمات اربعهٔ بسمله را در مربع

٤ در ٤ درج کند وآنرا باخود نکاهدارد کشاده شود وازمکر غمّازان وشیطان وهمه ٩٦

بلیّات ایمن شود واکراین عمل را در وقت شرف آفتاب کند وآنرا بربخور مناسب مبخور

ومعطّر سازد ودایم باطهارت باخوددارد وتعظیم اوفرونکذارد در خاصیّت اثر

اوابلغ باشد وسه مربع مذکور اینست که بترتیب ثبت شده است ومربع چهارم بضم اَست

که عدد بسمله باشد والسّلام تمت

٧٨٦

١٠٢	٦٦	٣٢٩	٢٨٩
بِسْمِ	اللهِ	الرَّحْمٰنِ	الرَّحِيمِ
٣٣٠	٢٨٨	١٠٣	٦٥
٢٨٧	٣٢٧	٦٨	١٠٤
٦٧	١٠٥	٢٨٦	٣٢٨

٧٨٦

بِسْمِ	اللهِ	الرَّحْمٰنِ	الرَّحِيمِ
مُعید جبّار	سمیع حق	مبدی والی	دیّان
واسع علیم	رزاق واحد	مُحیي	عَدْلِ
مُحیط	عادِلُ	مُنعم بدیع	نور باسط

٧٨٦

بِسْمِ	اللهِ	الرَّحْمٰنِ	الرَّحِيمِ
الرَّحِيمِ	الرَّحْمٰنِ	اللهِ	بِسْمِ
اللهِ	بِسْمِ	الرَّحِيمِ	الرَّحْمٰنِ
الرَّحْمٰنِ	الرَّحِيمِ	بِسْمِ	اللهِ

٧٨٦

١٨٩	٢٠٢	١٩٩	١٩٦
٢٠٠	١٩٥	١٩٠	٢٠١
١٩٤	١٩٧	٢٠٤	١٩١
٢٠٣	١٩٢	١٩٣	١٩٨

در معرفت غالب ومغلوب بقول حکماء

منجمان بدانکه اکثر حکماء این طریق را پسندیده اند وتجربه نموده واخفاداشته اند ووضع این علم ازبرای آنست که پادشاه لشکری بجانبی فرستد یاداعی را بخواندن اسمی ودعائی مشغول سازد وبااهل وفق بشکل ودعائی داعی باشد ویا شخصی باشخصی دعوی وخصومت دارد باید که نام ببیند که در جدول غالب میاید یانه اکر غالب آید بفرستد واکر مغلوب آید کس دیکررا بفرستد که نام او در جدول غالب آید تاظفر ونصرت پادشاه را باشد وباید که در وقت حساب کردن هرچه از نام ولقب

درمیان حرکردم

دکر میان مردم مشهور تر بود از بحساب جمل بکیرد و هیچ حرفی از حروف اصل ساقط نکند وانچه زیاده باشد ساقط کند مثل الف لام الحسن والحسین واز ابراهیم واسمعیل هیچ ساقط نکند و بعده ۹ و ۹ طرح نماید انچه باقی ماند از هر دو نام از الواح ببیند وبدان عمل کند ودلیل بر صحت این انست که از زمان ادم تا حال بنکرود در جدول غالب ومغلوب معلوم کند که از خصمین کدام غالب بوده است نوع دیکر در معرفت غالب ومغلوب این طریق از طریق اول افضل است ومکرر تجربه شده فقیر است اکر عمل کنی بدین طریق بدانی که غالب از مغلوب کدام است وطریقه ان است که اول نام طالب را بعدد در اورده و ۱۲ و ۱۲ طرح کند انچه باقی ماند از برج اول بشمارد و ببیند که انتها بکدام برج میرسد اکر یکی ماند حمل واکر دو ثور وهمچنین تا اخر بعد از ان طبیعت ان برج را ببیند که بکدام عنصر مخصوص است بعد از ان نام مطلوب را بعدد در اورده وبهمان طریق طرح وقسمت نماید وبرج وعنصر او را دریابد بعد از ان موافقت ومخالفت وغالب ومغلوب را از این ۹ الواح معلوم نماید این صورت دو لوح است وهفت لوح دیکر در ظهر صفحه ثبت خواهد شد واکر اسم مطلوب بر اسم طالب غالب اید باید که عدد اسم طالب با مادرش وعدد اسم مادر وعدد

	لوح اول			لوح دوم	
۱ با ۹	۱ با ۸	۱ با ۷	۲ با ۹	۲ با ۸	۲ با ۷
یک غالب	هشت غالب	هفت غالب	نه غالب	هشت غالب	هفت غالب
۱ با ۶	۱ با ۵	۱ با ۴	۲ با ۶	۲ با ۵	۲ با ۴
شش غالب	پنج غالب	چهار غالب	شش غالب	پنج غالب	چهار غالب
۱ با ۳	۱ با ۲	۱ با ۱	۲ با ۳	۲ با ۲	۲ با ۱
سه غالب	دو غالب	طالب غالب	سه غالب	طالب غالب	دو غالب

۹۸

وعدد اسم مطلوب بشکل مثلث یا مربع موافق مقصد پر کنند که طالب غالب آید والسلام

	لوح سیم	
۳ با ۹	۳ با ۸	۳ با ۷
سه غالب	هشت غالب	هفت غالب
۳ با ۶	۳ با ۵	۳ با ۴
شش غالب	پنج غالب	چهار غالب
۳ با ۳	۳ با ۲	۳ با ۱
طالب غالب	سه غالب	یک غالب

	لوح چهارم	
۴ با ۹	۴ با ۸	۴ با ۷
نه غالب	چهار غالب	هفت غالب
۴ با ۶	۴ با ۵	۴ با ۴
چهار غالب	پنج غالب	مطلوب غالب
۴ با ۳	۴ با ۲	۴ با ۱
چهار غالب	دو غالب	چهار غالب

	لوح پنجم	
۵ با ۹	۵ با ۸	۵ با ۷
پنج غالب	هشت غالب	پنج غالب
۵ با ۶	۵ با ۵	۵ با ۴
شش غالب	طالب غالب	پنج غالب
۵ با ۳	۵ با ۲	۵ با ۱
سه غالب	پنج غالب	یک غالب

	لوح ششم	
۶ با ۹	۶ با ۸	۶ با ۷
نه غالب	شش غالب	هفت غالب
۶ با ۶	۶ با ۵	۶ با ۴
مطلوب غالب	شش غالب	چهار غالب
۶ با ۳	۶ با ۲	۶ با ۱
شش غالب	دو غالب	شش غالب

	لوح هفتم	
۷ با ۹	۷ با ۸	۷ با ۷
هفت غالب	هشت غالب	طالب غالب
۷ با ۶	۷ با ۵	۷ با ۴
شش غالب	پنج غالب	هفت غالب
۷ با ۳	۷ با ۲	۷ با ۱
سه غالب	هفت غالب	یک غالب

	لوح هشتم	
۸ با ۹	۸ با ۸	۸ با ۷
نه غالب	مطلوب غالب	هفت غالب
۸ با ۶	۸ با ۵	۸ با ۴
شش غالب	هشت غالب	چهار غالب
۸ با ۳	۸ با ۲	۸ با ۱
هشت غالب	دو غالب	هشت غالب

	لوح نهم	
۹ با ۹	۹ با ۸	۹ با ۷
طالب غالب	نه غالب	هفت غالب
۹ با ۶	۹ با ۵	۹ با ۴
نه غالب	پنج غالب	نه غالب
۹ با ۳	۹ با ۲	۹ با ۱
سه غالب	دو غالب	یک غالب

حمل اسد قوس آتشی

ثور سنبله جدی خاکی

معتدل

موافق

موافق

[illegible]

۱۲۵۹

۱۱

[illegible]

فصل

در قرائت

فصل در قرائت عزایم عناصر و کواکب و دعوت اسماء الهی و شرایط آنها اول در دعوت
۹۹ کواکب سبعه عزیمت کواکب اول را ۴۹ بار بصاحب عزیمت و موکلان او بخواند و تنها صاحب
عزیمت باموکلات ۲۰۴۱ بخواند و چهار اسم تابعین هر یك اسم را ۳۴۳ بار بخواند
عزیمت کوکب دویم را ۴۲ بار بصاحب عزیمت و موکلات او بخواند و تنها صاحب عزیمت
مع موکلات ۴۹ بار بخواند عزیمت کوکب سیم را ۳۵ بار بصاحب عزیمت و موکلات
او بخواند و تنها و صاحب عزیمت را بموکلات او ۳۴۳ بار بخواند و اسماء تابعین مع موکلات
او ۴۹ بار بخواند عزیمت کوکب چهارم را بصاحب عزیمت و موکلات او ۲۸ بار بخواند
و تنها صاحب عزیمت را ۳۴۳ بار بخواند و اسماء تابعین بموکلات ۴۹ بار بخواند
عزیمت کوکب پنجم را ۲۱ بار بصاحب عزیمت و موکلات او بخواند و تنها صاحب عزیمت را ۳۴۳
بار بخواند و اسماء تابعین را مع موکلات ۴۹ بار بخواند عزیمت کوکب ششم را مع صاحب
عزیمت و موکلات ۱۴ بار بخواند و تنها صاحب عزیمت را ۳۴۳ بار بخواند و اسماء تابعین
مع موکلاته ۴۹ بار بخواند عزیمت کوکب هفتم را هفت بار بصاحب عزیمت و موکلات
بخواند و تنها صاحب عزیمترا باموکلاته ۳۴۳ بار بخواند و اسماء تابعین بمتوکلات ۴۹
بار بخواند هر صبح و شام که کوکب طالع شود او را امام دارد و دیگرانرا تابع او کند چنانچه قبل
ازاین در اوایل باب در پت مذکور است یا اینکه پت را در حاشیه رقوم میکنیم و بهنگام دعوت
ایشان حجره را هفت قسمت کند و هر قسمتی را اقلیمی تصور کند و بخورش بکار برد
طریق ورد عزیمت هر هفت کواکب عزیمت اول کوکب روز یا شام را هفت بار بصاحبش
عزیمت و متوکلاته بخواند و تنها صاحب عزیمترا ۳۴۳ بار بخواند و هر چهار تابعین او را

نصرت در موجودات

بمتوکلات او ۴۹ بار بخواند وعزیمت دوّیم کواکب را بصاحب عزیمت ومتوکلاته ۶ بار
بخواند وصاحب وتنها صاحب عزیمترا بموکلاند ۴۹ بار وهرچهار تابعین اورا ۷ بار بخواند
وعزیمت سیم وچهارم وپنجم وششم وهفتم کوکب را یکیك بار رها کند وعدد قرائت صاحب
عزیمت وتابعین بطریق عزیمت دوّیم کوکب مسطور بخواند دوّیم طریق ورد معلوم کند ۱۰۰
عزیمت اوّل کوکب روز یا شام را بصاحب عزیمت ومتوکلاند ۷ بار وتنها صاحب عزیمت مع
موکلاند ۴۹ بار وهرچهار تابعین او ۴۲ بار بخواند وعزیمت دوّیم کوکبرا مع صاحب
عزیمت وموکلاند ۶ بار وتنها صاحب عزیمت بموکلاند ۴۲ بار وهرچهار تابعین اورا
۷ بار بخواند وعزیمت سیم کوکبرا مع صاحب عزیمت وموکلات اورا ۵ بار وصاحب عزیمترا
تنها ۳۵ بار وهرچهار اورا هفت بار بخواند وعزیمت چهارم کوکب را بطرز مذکور ۴ بار
وصاحب عزیمترا ۲۸ بار وتابعین بطریق مذکور بخواند وعزیمت پنجم کوکبرا ۳ بار وصاحب
عزیمترا ۲۱ بار وهرچهار تابعین را بطور مذکور بخواند وعزیمت ششم کوکبرا ۲ بار وصاحب
عزیمترا ۱۴ بار وعدد وعدد تابعین معلوم است وعزیمت هفتم کوکبرا ۱ بار وصاحب
عزیمت را ۷ بار وتابعین را بدستور ۷ بار بخواند ایضاً خواص عزایم اگر کسی عزایم
کوکب را مع بخورات ایشان ورد سازد یا دعوت کند متصرّف در موجودات گردد وعند الله
وعند الجنّ والانس وغیرها محبوب گردد وبوقت قرائت هر کوکب رنك ان بهمه موجودات
محیط سازد وباید اثر توقف وخوارق عادت مخفی دارد ایضاً طریق شرایط عامل در عمل
وان در قرائت ودعوت اسماءِ کواکب وتکسیر ووفق عمل یك نسبت است وچنانچه شیخ
غوث العالمین محمّد بن خطیر الدّین رحمة الله علیه بعامل دعوت فرموده اند بجا باید اورد ان
شرایط اکل حلال

۱۰۱

شرایط اکل حلال وصدق مقال وکم خوردن وکم خفتن ونیت وصدق اسم ومرشد وحضور
باحق وصوم بلا انفصال وخلوت از خلق وعزلت از خود وطهارت تن ولباس ومکان واجازت
وانشراح خاطر نه بتکلف وشدت بر نفس وکذاشتن جانور بغیر طلب وحجرهٔ تاریک ومصفی
وکفتن وکویایدن وخوردن وآشامیدن بدست خادم معین ونکه داشتن چشم وبینی از
دیدن وبوئیدن کوشت ازدل از حسد وکبر وترک حیوانات جلالی وجمالی ومکروهات و
محرمات اجرامی اما جلالی چون کوشت وماهی وبیضه وعسل ومشک وچون صدف و
استعمال آب مشک وکفش دمیده وشاخ وجماع وامثال اینها اما جمالی چون روغن وشیر
وحفرات وسرکه ونمک علی وخرما وعنبر وقبلد اما مکروهات چون سیر وپیاز وکراث و
تنباکو وماننداَن اما محرمات اجرامی چون آراستکی ومزین شدن وخون کرفتن وجامه
دوخته پوشیدن وامثال آن وبرای کسیکه عمل کند باید که فاسق وفاجر وظالم ولوطی و
حرامزاده ومُفسد نباشد و باید که بوقت عمل از افعال شنیعه وافعال قبیحه بازاید و
توبه کند والاعیاذ بالله آن عمل رجعت کند وهلاک سازد وکر شرطی ازاین شرایط مذکور
فوت شود بیم خطر باشد واکر از برای دماغ روغن سرسون بکار برد بهتر باشد که مبادا
دماغرا خلل افزاید وجنون آرد وبجای علی نمک سنک بخورد که از اصحاب دعوت
میخورد از ماکولات ایضًا سند دایره در یابد بند کاغذ وانکشتی را بایکدیکر
پیوند کند ودر آن بند مجموعه ۴۱ اسماءِ عظام از سُبحانَکَ تاغیاثی بنویسد
ویا سورهٔ یٰس بتسخیر خان وغیره از آن بند دایره سازد وخود در آن بنشیند
وهر دو سر آن بسوزن فولاد پیوند کند یا ۴۱ بار مجموعه اسماءِ عظام بر کارد فولاد

۱۰۲

بخواند و بدان کار دہر یک مردہ مجرہ دایرہ بسازد واکر دعوت کوکب بود مصلا برنک
کوکب کردہ در زیر او صورت برج او بنکارد وکرد او حصار دایرہ کردہ خود درو
بنشیند و رنک کواکب اینست مشتری صندلی مریخ سرخ شمس زرد
زهرہ سفید عطارد فیروزہ فام قمر سبز زحل سیاہ واکر خواهد کہ دعوت
اسم اعظم جدا کانہ بخواند باید کہ موکلات ۱۲ برج و ۷ کواکب واسم اعظم مع
اسم سبحانہ ضم کردہ ۱۲ بار قبل از دعوت و ۷ بار بعد از دعوت هر روز
بخواند و مدد طلبد و موکلات بروج اینست ۱ یا سراجیل ۲ یا سراطیل
۳ یا سطائیل ۴ یا سرائیل ۵ یا مهراکیل ۶ یا محکیائیل ۷ یا قمقائیل
۸ یا صرصائیل ۹ یا ئیل ۱۰ یا عزرائیل ۱۱ یا شهکیل ۱۲ یا شمکائیل
۱۲ بار بخواند و موکلات کواکب سبعہ این است ۱ یا رقائیل ۲ یا نجراد
۳ یا بهیائیل ۴ یا کلیمیا ۵ یا اسمون ۶ یا اسکی ۷ یا تقویل ۷ بار بخواند
وموکلات اسماءِ عظام سہ قسمند ۱ سماعی ۲ حرفی ۳ استخراجی
بهر حرف یک موکل موکلات سماعی بر حرف الف اسرافیل و بر حرف
بی جبرئیل و بر حرف تی عزرائیل و بر حرف ثی میکائیل و بر حرف جیم
کلکائیل و بر حرف حی تنکفیل و بر حرف خی مهکائیل و بحرف دال
دردائیل و بحرف ذال امراطیل و بحرف ری اموراکیل و بحرف زی
شرقائیل و بحرف سین هموراکیل و بحرف شین همواکیل و بحرف صاد اهجیا
ئیل و بحرف ضاد عطکائیل و بحرف طی اسمعیل و بحرف ظی لوزائیل
و بحرف عین

وبحرف عین لومائیل وبحرف غین لوخائیل وبحرف فی سرخاکیل وبحرف قاف
عطرائیل وبحرف کاف حردزائیل وبحرف لام طاطائیل وبحرف میم رویائیل
وبحرف نون جولائیل وبحرف واو رقیمائیل وبحرف ها دورائیل وبحرف
یا سرکیطائیل وباید که بحرف ندا بخواند باین طریق مثال اسم الله الموکل
اسرافیل وحرف ندا لفظ یا است باید که لفظ یا در اول در آورد وموکل را قسم با اسم
اعظم دهد بدین طریق که یا اسرافیل بحق یا الله وموکلات حرفی هر
حرفی از حروف با کلمهٔ ایل ترکیب کند تا موکل گردد وچون باسم ضم کرده بخواند
باجابت مقرون شود باین طریق ۰ یا ابئیل ۰ یا بابئیل ۰ یا تابئیل ۰ یا ثابئیل ۰
یا جابئیل ۰ یا حابئیل ۰ یا خابئیل ۰ یا دابئیل ۰ یا ذابئیل ۰ یا رابئیل ۰ یا زابئیل ۰ یا سا
بئیل ۰ یا شابئیل ۰ یا صابئیل ۰ یا ضابئیل ۰ یا طابئیل ۰ یا ظابئیل ۰ یا عابئیل ۰
یا غابئیل ۰ یا فابئیل ۰ یا قابئیل ۰ یا کابئیل ۰ یا لابئیل ۰ یا مابئیل ۰ یا نابئیل ۰
یا وابئیل ۰ یا هابئیل ۰ یا یابئیل ۰ وموکلات استخراجیرا بدین طریق
استخراج کند چنانچه مربی فقیر غوث العالمین فرماید آخر حرف لفظ اول هر اسم را جدا
کانه نویسند وباقی حروف را ارقام کشیده حرفها استخراج کند ومستخرجان حروف
ضم ساخته در آخرش کلمهٔ ائیل آرد واعرابش در ابیات مذکور است بدان عمل نماید
چنانکه اسم سبحانك را کلصائیل ویا را گمطائیل وباقی موکلات
را هم بدین طریق کشیده عمل نماید ایضاً اسند خواندن را در یابد اول
موکل سماعی دوئیم حرفی سیم استخراجی باسم الهی ضم ساخته بخواند بدین

طريق ٭ يا هموا كيل ٭ يا سائيل ٭ يا كلصائيل ٭ بحق ٭ سبحانك لا اله الا انت
يا رب كل شيء و وارثه و رازقه و راحمه سبحانك ٭ اول بايد كه در وقت شروع
دعوت بدين طريق هر سه موكلانرا باسم ضم ساخته اول روز دعوت ۹۹ كرت بخواند ۱۰۴
و هر روز وقت ابتداء دعوت ۱۲ نوبت و بوقت انتها ۷ بار و روزى كه دعوت تمام شود
۷۰ كرت اسم را با هر سه موكل بخواند زود مؤثر كردد و باقى اسماء عظام را بدين قياس عمل
نمايد و ديگر طريقى كه خواهد بود انشاء الله بيشتر دعوت اسماء مسطور خواهد شد
ايضًا قبل از شروع در دعوت سه روز روزه دارد و اگر دعوت جمالى باشد ابتدا از روز
دوشنبه كند و اگر جلالى بود از شنبه و اگر مشترك بود از يكشنبه و ابتداى روزه ازين
روزها كند و چون شب چهارم آيد طعام بخورد و وضو كرده در گوشه بنشيند و قرار گيرد
و چون آخر شب شود برخيزد و وضو كند و تحيت الوضو بكند بدين نيت كه نويت ان اصلى
الله تعالى ركعتين بالصلوة لكشف الارواح متوجها الى جهة الكعبة الله اكبر و بعد از
فاتحه بهر دو ركعت آيه والله غالب على امره ولكن اكثر الناس لا يعلمون بخواند و بعد از
سلام هزار كرت دعاى مليكه بخواند و آن اينست آه و آه و آيه و در عين خواندن بتوجه
باطنى چشم بسته متوجه گردد تا رؤيت ارواح عيان نمايد بعنايت بعده بروز چهارشنبه
وقت طلوع آفتاب غسل كند و تحيت الوضو بخواند و دو ركعت نماز بگذارد و در اول بعد از
فاتحه هفت بار آيه شَهِدَ اللّٰهُ اَنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَالْمَلٰٓئِكَةُ وَاُولُوا الْعِلْمِ قَآئِمًا بِالْقِسْطِ
لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ان الدين عِنْدَ الله الاسلام با كلمهٔ شهادت بخواند و در
دويم بعد از فاتحه آيه قال ربكم ادعونى استجب لكم ان الذين يستكبرون عن عبادتى
سيدخلون

سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ باكلمهٔ تمجيد وان اينست لَاحَوْلَ وَلَاقُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ
الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ بخواند وبعد از سلام ۷۷ بار ايهٔ وَاِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَاِنِّي قَرِيبٌ
اجيب دعوة الداع اذا دعان فليستجيبوا لي وليؤمنوا بي لعلهم يرشدون واز
الله تعالى مطلوب را بخواهد وبعد ازان بارواح حضرت رسالت صلى الله عليه واله و
ساير انبيا وائمة عليها سلام وصلحا وشهدا ومشايخ عظام يكان يكان دوكانه ادا نمايد
وبمشايخ ظاهر وباطن توجه نموده ۴۱ بار سورهٔ فاتحه بخواند وثواب ان بارواح ايشان
بخشد بعد ازان سورهٔ اِذَا زُلْزِلَ ۲ بار واخلاص ۳ بار وفاتحه ۵ بار خوانده شيخ
ثواب بارواح سهروردير بخشد بعده دوكانه بروح شيخ شهاب الدين سهروردي
كذارده وفاتحه خوانده و ۹۹ بار يا ظهور الحق كفته از ايشان هم مدد طلبد بعده دو
كانه بروح سلطان المحققين غوث العالمين شيخ محمد رحمة الله ادا كند ودر هر ركعت
بعد از فاتحه اخلاص ۱۱ نوبت بخواند وثواب بخشد وبعد از سلام ۹۸ بار ابن عبارت
يا غوث اغثني وامددني مدد طلبد وبعده دوكانه بارواح شيخ لشكر محمد عارف و
مربي ام شيخ عيسى رحمها الله دوكانه ادا نمايد ومدد طلبد وبعده دوكانه بر نيت
سلامتي مرشد خود كذارد وبخواند بهر ركعتي بعد از فاتحه اية الكرسي يكبار واخلاص
سه بار وبعد از سلام بفاتحه سلامتي وبرزخه متوجه شود واكر بمقام بقا ثواب
بروحش بخشد وبرزخ ملاحظه اورد وبعد دوكانه محبته الله بكذارد وبخواند
بهر ركعت سورهٔ اخلاص ۲۱ بار وبعد ازان بحضور دل بحضرت حق متوجه
شده بخواند ۷۰ بار ور وسر بسجده نهاده از الله تعالى حاجت خواهد وبعد از سجده

۹۹ بار بطریقی که گفته شد اسم اعظم با موکلات ضم ساختن بخواند باز ۷۰ بار درود
گفته ۷ بار عزیمت کوکب بخواند و بعد موکلات بروج و موکلات کواکب با اسم ضم ساختن
بخواند و ۱۲ بار اسم با موکلات و با نتهاء درود ۷ بار این همه مذکور بخواند بعده دعوت ۱۰۶
روزینه بخواند آن مقدار که ورد اسم بر خود مقرر کرده باشد در شب و روز بخواند و
اگر دعوت ادعیه باشد متوکلات بروج و کواکب هر روز بطریق مسطور بخواند و دعوت آغا
زد و هر روز وقت برخاستن از مصلا و وقت شروع کردن دعای فتح باب بخواند و آن اینست

بسم الله الرحمن الرحیم یا الله یا الله یا الله الرقیب یا الله یا الله یا الله الرحمن الرحیم یا الله یا الله
یا الله الحافظ الحلیم یا الله یا الله یا الله الحی القیوم یا الله یا الله یا الله القایم علی کل نفس
بما کسبت یا ذا الجلال والاکرام اللهم خذ منی وتقبل منی وافتح علی ابواب کل خیر
بما فتحت علی انبیائک واولیائک یا الله یا رحمن یا رحیم یا حی یا قیوم یا واحد یا احد
یا واجد یا جواد انک قلت ادعونی استجب لکم وانک قلت اذا سألک عبادی عنی
فانی قریب اجیب دعوة الداع اذا دعان وانک قلت انا لا نضیع اجر العاملین
وانک لا تخلف المیعاد وانک قلت لا تقنطوا من رحمتی فکیف اقنط منک ومن اجا
بتک یا قریب یا سمیع یا مجیب یا معطی انک علی کل شیء قدیر آمنت بک وتو
کلت علیک یا علی الاعلی یا عظیم الاعظم یا مفتح الابواب یا مسبب الاسباب
یا مربی الارباب یا ارسل الخاطرین یا مقلب القالبین یا عاکس المعکوسین یا دلیل
المتحیرین ویا غیاث المستغیثین یا مفرج المحزونین یا غافر المذنبین یا ساتر المعیوبین
یا رازق المرزوقین یا مزید المنعمین یا شافی المریضین یا مفرج المهمومین یا مجیب المقصودین
یا معطی السائلین

يا معطي السائلين يا سامع المتكلمين يا رؤف المنادين يا رحمن المكونين يا رحيم المقنطين
يا جواد المبخلين يا كثير المقللين يا محيط المقيدين يا وكيل المتوكلين يا ميسر المقاصدين
يا كامل المنقصين يا عزيز المضلين يا محيي الأمواتين يا خالق المخلوقين يا واجد المعدومين
يا حافظ الفاعلين يا فاعل الحافظين يا عابد المعبودين يا معبود العابدين يا راغب المرغوبين
يا مرغوب الراغبين يا قاصد المقصودين يا مقصود القاصدين يا طالب المطلوبين
يا مطلوب الطالبين يا محب المحبوبين يا محبوب المحبين يا عاشق المعشوقين
يا معشوق العاشقين يا تابع المتبوعين يا متبوع التابعين يا مسلط المحبوبين يا محبوب المسلطين
يا لين المشددين يا مشدد الليّنين يا فتاح المضيقين يا مضيق الفتاحين يا مبقض الباسطين
يا باسط المبقضين يا محول المكونين يا مكون المحولين يا حاضر المغيبين يا مغيب الحاضرين
يا باعث المبعوثين يا مبعوث الباعثين يا فاعل المفعولين يا مفعول الفاعلين يا ناظر المنظورين
يا منظور الناظرين يا مزوج المفردين يا مفرد المزوجين يا متحت الفايقين يا فايق المتحتين
يا مركوب الراكبين يا راكب المركوبين يا داعي المدعوين يا مدعو الداعين يا قريب المبعدين
يا مبعد القريبين يا مخذول الناصرين يا ناصر المخذولين يا حليم المقومين يا مقوم الحليمين
يا واصل المفرقين يا مفرق الواصلين يا جامع المستنشرين يا مستنشر الجامعين يا مخرج الداخلين
يا داخل المخرجين يا ناهي المشركين يا مشرك الناهين يا أول الآخرين يا آخر الأولين
يا ظاهر الباطنين يا باطن الظاهرين يا مجلل المجملين يا مجمل المجللين يا جاير المحرومين
يا محروم الجايرين يا سريع المصيرين يا مصير المسرعين يا مقبوح الصابغين يا صابغ المقبوحين
يا مذموم المحمودين يا محمود المذمومين يا كاتب المكتوبين يا مكتوب الكاتبين يا محكوم الحاكمين

يا حاكم المحكومين يا مملوك المالكين يا مالك المملوكين يا معز المذلين يا مذل المعزين
يا خافض الرافعين يا رافع الخافضين يا جبار المكبرين يا مكبر الجبارين يا مغلوب الغالبين
يا غالب المغلوبين يا عاجز القويين يا قوي العاجزين يا مقدور القادرين يا قادر المقدورين
يا مقهور القاهرين يا قاهر المقهورين يا مقبوض القابضين يا قابض المقبوضين يا محتاج الغنيين ١٠٨
يا غني المحتاجين يا اله العالمين يا خير الناصرين اياك نعبد واياك نستعين برحمتك استغيث
يا ارحم الراحمين اغثني اغثني اغثني اجبني اجبني اجبني اعطني اعطني اعطني مرادي
توكلت عليك يا ربي قضيت وفوضت اموري اليك يا رزاق يا فتاح يا باسط بسم الله
افتح على ابواب لحظك وابواب ساعتك وابواب لياليك وابواب نهارك وابواب شهورك
وابواب سنتك وابواب قرنك وابواب حقباتك وابواب عمرك وابواب ولايتك وابواب
حياتك وابواب علمك وابواب افعال قدرتك وابواب ابصارك وابواب سماعك وابواب
كلامك وابواب ارادتك وابواب عشقك وابواب ارواحك وابواب معرفتك وابواب سيرك
وابواب طيرك وابواب كرامتك وابواب خيرك وابواب فتحك وابواب رزقك وابواب نعمتك
وابواب دولتك وابواب سعادتك وابواب سلامتك وابواب عطيتك وابواب عافيتك
وابواب بركاتك وابواب شكرك وابواب طاعتك وابواب عزتك وعظمتك وشرفك و
وابواب سبيلك وابواب عنايتك وابواب غنائك وابواب حيائك وابواب لقائك و
ابواب بقائك اللهم انك قد تكلفت برزقي ورزق كل شيء دابة انت اخذ
بناصيتها ان ربي على صراط مستقيم ان ربي على كل شيء حفيظ ان ربي على كل شيء
قدير يا خير من سئل يا افضل من اعطى وخير البدايع اللهم اسالك لنفسي ولجميع
المؤمنين

المؤمنین والمؤمنات بفضلك الواسع رزقاً حلالاً واسعاً طیّباً مباركاً هنیئاً مریئاً
بلا كدٍّ ولا منّةِ احدٍ من خلقك فانّك قلت واسألوا الله من فضله اسألك من
فضلك ومن عطیّتك ارجو یا حیّ یا قیّوم یا علیّ یا عظیم یا حلیم یا كریم یا حنّان
یا منّان یا دیّان یا سبحان یا سلطان یا وهّاب یا مستعان یا ذا الجلال والاكرام برحمتك
یا ارحم الراحمین ربّ زدنی علماً وفهماً ومحبّةً فی قلوب عبادك واجعلنی عزیزاً فی
عیونهم واجعلنی وجیهاً فی الدنیا والاخرة ومن المقرّبین یا قاضی لا تردّ العباد
قضائك انّك بكلّ شیءٍ محیط بفعلك تفعل ما تشاء وبحكمك تحكم ما ترید بسرعتك
یا سریع الاجابة بسترك یا ستّار العیوب برزقك یا رزّاق العباد بعزّتك یا سمیع
الدعاء یا منك یا امان الخایفین ختمت بك منك والیك یا جمیل یا جامع یا واحد
یا ماجد یا جواد یا جود یا جزاء یا من یمسك السماء ان تقع علی الارض الّا باذنك یا من امره
اذا اردت شیئاً ان تقول له كن فیكون وصلّی الله علی خیر خلقه محمّدٍ واله اجمعین
وبعده ۴۱ بار ویا ۱۲ بار اللّهمّ انت الكلّ ومنك الكلّ وبك الكلّ
والیك الكلّ اعطنی كلّك یا كلّ بخواند   خواص دعای مسطور اگر کسی بعد از هر نماز
مداومت نماید بغناء غنی مستغنی گردد وهر مرادی که داشته باشد بر آید ومتصرف بتصر
فات الهیه گردد   فایده اگر صاحب دعوت را در اثنای شرایط وادمان
مرضی روی نماید که خواندن نتواند باید که هر روز مادام که بحضور باشد سورهٔ فاتحه
وآیة الکرسی یك کرت بخواند واگر خواندن نتواند تصور کند واگر تصور میسر نباشد
کسی را فرماید تا بحضور او سورهٔ مذکور را هفت کرت بخواند واگر چنین کند رشتهٔ

دعوت منقطع نشود و چون شفا یابد خواند ۀ سابق را ثابت دارد تا تمام کرده

ایضاً طریق قرائت هفت عزایم کواکب سبعه بدین سند اول این دورد ۲۸ بار بخواند
و اگر نتواند ۱۲ بار بخواند و اگر نتواند ۷ بار بخواند والا یکبار بخواند بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ
الرَّحِيمِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ كُلِّ مَنَازِلَ اَلْفِ اَلْفِ مَرَّةٍ وَبِعَدَدِ
اٰثَارِهِمْ اَلْفِ اَلْفِ مَرَّةٍ وَعَلٰى اٰلِهِ وَاَصْحَابِهِ وَاَوْلِيَائِهِ وَذُرِّيَاتِهِ اَجْمَعِيْنَ و
بعده استعاذه نه اسماء بهر روز از دیگر اسم آغاز د و هر یک اسم از نه اسما نه نه بار
بخواند وهو الله واحد و حی و علیم و قدیر و بصیر و سمیع و کلیم و مرید و شش اسما
بشش روز کواکب مشتری و مریخ و شمس و زهره و عطارد و قمر و سه اسما بروز
زحل وهو الله واحد و حی بدین سند اگر روز مشتری بود بخواند یَا عَلِیْمُ اَعُوْذُ بِكَ
مِنْ شَيْءٍ فِي عِلْمِكَ يَا عَلِيْمُ ۹ بار يَا قَدِيْرُ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَيْءٍ فِي قُدْرَتِكَ يَا قَدِيْرُ ۹ بار
يَا بَصِيْرُ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَيْءٍ فِي بَصَرِكَ يَا بَصِيْرُ ۹ بار يَا سَمِيْعُ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَيْءٍ فِي
سَمْعِكَ يَا سَمِيْعُ ۹ بار يَا كَلِيْمُ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَيْءٍ فِي كَلَامِكَ يَا كَلِيْمُ ۹ بار يَا مُرِيْدُ اَعُوْذُ بِكَ
مِنْ شَيْءٍ فِي اِرَادَتِكَ يَا مُرِيْدُ ۹ بار يَا اَللّٰهُ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَيْءٍ يَا اَللّٰهُ ۹ بار يَا اَحَدُ اَعُوْذُ
بِكَ مِنْكَ يَا اَحَدُ ۹ بار يَا حَيُّ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَيْءٍ فِي حَيَاتِكَ يَا حَيُّ ۹ بار و بیوم
مریخ از قدیر تا قدیر بطر مذکور بخواند و بیوم شمس از بصیر تا بصیر و بیوم زهره
از سمیع تا سمیع و بیوم عطارد از کلیم تا کلیم و بیوم قمر از مرید تا مرید و بیوم زحل
از الله تا سه اسم ذات هر یک نه نه بار بخواند و بهر دو دست دمیده بتمام اعضا فرود
آورد بعده هفت قفل هر یک قفل هفت هفت بار از روز کوکب آغاز د

بروز زحل

۱۱۱

بروز زحل از لا یرجعون تا همانجا بروز مشتری از لا یعقلون تا همانجا بروز مریخ
از لا یقدرون تا لا یقدرون وبروز شمس از لا یبصرون تا لا یبصرون وبروز زهره
از لا یسمعون تا لا یسمعون وبروز عطارد از لا یتکلمون تا لا یتکلمون وبروز قمر
از لا یریدون تا لا یریدون بدین سند بخواند صُمٌّ بُکْمٌ عُمْیٌ فَهُمْ لَا یَرْجِعُونَ
صُمٌّ بُکْمٌ عُمْیٌ فَهُمْ لَا یَعْقِلُونَ صُمٌّ بُکْمٌ عُمْیٌ فَهُمْ لَا یَقْدِرُونَ صُمٌّ بُکْمٌ عُمْیٌ فَهُمْ لَا یُبْصِرُونَ
صُمٌّ بُکْمٌ عُمْیٌ فَهُمْ لَا یَسْمَعُونَ صُمٌّ بُکْمٌ عُمْیٌ فَهُمْ لَا یَتَکَلَّمُونَ صُمٌّ بُکْمٌ عُمْیٌ فَهُمْ لَا یُرِیدُونَ
بدانده بر جهات شش کاند دمد از جملهٔ مضرات مصون ومحفوظ ومستور ماند و
بعده از برای رد رجعت ومقهوری اعداء ودفع سحر ۱۲ بار بخواند إِنَّا جَعَلْنَا فِي
أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُقْمَحُونَ وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ
سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ ۝ یا حمید الفعال
ذا المن علی جمیع خلقه بلطفه یا حمید وبهر دو کف دست دمیده بتمام اعضا فرود آورد
بعده بطریق مذکور ند اسما را از اسم ساعت کوکب بر ند بطن مواظبت آرد
مثال اگر روز شنبه باشد بخواند الله که احد است الله که حی است الله که علیم است
الله که قدیر است الله که بصیر است الله که سمیع است الله که کلیم است الله که مرید است
الله که الله است بعده احد که حی است احد که علیم است احد که قدیر است احد که
بصیر است احد که سمیع است احد که کلیم است احد که مرید است احد که الله است احد
که احد است بعده حی که علیم است حی که قدیر است حی که بصیر است حی که سمیع است
حی که کلیم است حی که مرید است حی که الله است حی که حی است بعده علیم را تا علیم مذکور بخواند

بعده قدیر را تا قدیر بعده بصیر را تا بصیر بعده سمیع را تا سمیع بعده کلیم را تا کلیم
بعده مرید را تا مرید بدین طریق دور بکرداند بعده ازسر بکیرد الله که محمود است
احد که محمود است حی که محمود است علیم که محمود است قدیر که محمود است بصیر
که محمود است سمیع که محمود است کلیم که محمود است مرید که محمود است محمود که محمود است ۱۱۲
ضابطه وزینه در یابد بروز زحل الله حی احد بروز مشتری علیم بروز مریخ
قدیر بروز شمس بصیر بروز زهره سمیع بروز عطارد کلیم بروز قمر مرید و
ابتداء هر یك اسم از روز کوکب بود چنانچه مسطور است بعده برای دفع شر و دوام
خیر ۱۲ بار بخواند یَا دَافِعَ الشَّرِّ یَا دَائِمَ الْخَیْرِ بِلَا فَنَاءٍ وَلَا زَوَالٍ لِمُلْکِهِ وَبَقَائِهِ یَا
دَافِعَ الشَّرِّ یَا دَائِمَ الْخَیْرِ بعده اسم کوکب بکیرد از برای پناه از خطرات سه ۹۰۸
بخواند بدین طریق مثال روز شنبه یَا اَللهُ اَعُوذُ بِكَ مِنْ خَطَرَاتِ السُّوْءِ ۱۲
یَا اَحَدُ اَعُوذُ بِكَ مِنْ خَطَرَاتِ السُّوْءِ ۱۲ بار یَا حَیُّ اَعُوذُ بِكَ مِنْ خَطَرَاتِ السُّوْءِ ۱۲
بار بدین طریق تا علیم و یا قدیر الی آخره بعده عزیمت رجال الغیب مذکور بخواند
۹ بار و باخر عزیمت ۴۹ بار یَا سَلَامُ تَسَلَّمْتَ بِالسَّلَمِ وَالسَّلَمِ فِي سَلَامِ سَلَامَتِكَ
یَا سَلَامُ بعده عزیمت اربع عناصر بخواند بدین طریق بروز شمس عزیمت ناری
و بروز قمر عزیمت مائی و بروز مریخ مائی و ناری و بروز عطارد ترابی و هوائی
و بروز مشتری ناری و مائی و بروز زهره هوائی و ترابی و بروز زحل ترابی و هوائی
هر یك عزیمت چهار بار بخواند عزیمت ناری بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ اَللّٰهُمَّ
اَنْتَ الْاَوَّلُ الْاٰخِرُ الظَّاهِرُ الْبَاطِنُ الَّذِی لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَجِرْ مِنْ تَمْرِجًا

النار حار

١٢٣

عزائم عناصر اربعه

١١٣

النار جار يا بس بهيبتك اهطمفشن اعهطحفش غضحتظزت وهو في
رتبة الله الملكوت بالعلو ادراك العقول والعقل بين النار والهواء
سخر له اقسم عليك يا قلمائيل يا سراخيل يا مهراكيل يا قفشائيل بحق هيبة
القاهر القهار اسالك سخر لي النار ومظاهره جميع الملكوت والجن والشيا
طين واصحاب الفطنة وخلقته وابطش لجميع المحبوب والمعشوق والمقصود
والنفع والرزق والخير والبركة وادفع عني جميع المضار بحق الاسماء اوله ال وبحق
انه محيط بالكل ليس كمثله شيء العجل العجل العجل الوحا الوحا الوحا الساعة
الساعة الساعة عزيمت هوائي بسم الله الرحمن الرحيم اللهم انت الاخر
الظاهر الباطن اول الذي لا اله الا انت جرمنا امرج الهواء جار رطب من
قدرتك يا اخر الاواخر لا نهاية لاخرتيك اقض حاجتي بحار الرطب بو
ينصتض فيضغظكص جزكسفتخ شقفرصع وهو في رتبة الجبروت العقول
ادراك بالمعرفة والامر بين الهواء والماء سخر له اقسم عليك يا قاقميم يا سطائيل
يا قمقائيل يا شهكتيل بحق القدرة القادر القدير اسالك سخر لي الهواء و
مظاهره جميع الطيور والامور والارواح العلوية والسفلية وخلقته واجذب
لجميع المحبوب والمعشوق والمقصود والنفع والرزق والخير والبركة وادفع عني
جميع المضار بحق الاسماء اخره ال وبحق انه محيط بالكل ليس كمثله شيء
العجل العجل العجل الوحا الوحا الوحا الساعة الساعة الساعة عزيمت مائي
بسم الله الرحمن الرحيم اللهم انت الظاهر الباطن الاول الاخر الذي لا اله

إِلَّا أَنْتَ رُمَنَاجِ جَاتِمِ الْمَاءِ الْبَارِدِ الرَّطْبِ مِنْ عِلْمِكَ يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ يَا حَيُّ
يَا قَيُّومُ بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ وَقَيُّومِ دَمْتَ بِدَوَامِ قَيُّومِيَّتِكَ اِقْضِ حَاجَتِي بِبَارِدِ الرَّطْبِ
جَزْكَسَقَتْظْ سَلَرْشُوذُهَرْ شَتَدْ صَطْ نَلَيَحْمُوطِ هُوَ فِي رُتْبَةِ الْعُلْوِيِّ لِعُقُولِ
النَّاسُوتِ وَالنَّفْسِ بَيْنَ الْمَاءِ وَالطِّينِ بِكَمَالِ الصُّلْحِ وَانْتِفَاءِ الْغَضَبِ سَخِّرْ لَهُ أُقْسِمُ
عَلَيْكَ يَا آيَارِي يَا سَرَائِيلَ يَا صَرْصَائِيلَ يَا شَمْلَكَائِيلَ بِحَقِّ عَالِمِ الْعَلَّامِ الْعُلُومِ أَسْأَ
لُكَ سَخِّرْ لِيَ الْمَاءَ وَمَظَاهِرَهُ جَمِيعَ الْحُوتَانِ وَالدُّرِّ وَالْمَرْجَانِ وَخَلْقَتَهُ وَاجْلِبْ جَمِيعَ
الْمَحْبُوبِ وَالْمَعْشُوقِ وَالْمَقْصُودِ وَالنَّفْعِ وَالرِّزْقِ وَالْخَيْرِ وَالْبَرَكَةِ وَادْفَعْ عَنِّي
جَمِيعَ الْمَضَارِّ بِحَقِّ الْأَسْمَاءِ أَوْسَطُهُ ظَاهِرٌ إِنَّهُ مُحِيطٌ بِالْكُلِّ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ الْعَجَلَ
الْعَجَلَ الْعَجَلَ الْوَحَا الْوَحَا الْوَحَا السَّاعَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ عزيمت ترابي
بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ اللّٰهُمَّ أَنْتَ الْبَاطِنُ الْأَوَّلُ الْآخِرُ الظَّاهِرُ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا
أَنْتَ مُنَاجِيهِ رَجَائِمِ الْأَرْضِ الْبَارِدِ الْيَابِسِ مِنْ حِلْمِكَ يَا مَنْ هُوَ فَوْقَ كُلِّ شَرَفٍ
وَكَمَالٍ اِقْضِ حَاجَتِي بِبَارِدِ الْيَابِسِ دَحْلَعَرْخَغْ جَمْزِ بَجْتَدْ بَدْ خَطْغَصَقْ دَهْجَاوَكَبْ
وَالطَّبْعِ بَيْنَ الطِّينِ وَالنَّارِ مَعَ الرِّضَاءِ وَالْمَحَبَّةِ سَخِّرْ لَهُ فَأَنْتَ الْكَامِلُ بِكَمَالِ جَمَالِكَ
وَكَلِمَتِ عُقُولِ نُفُوسِ الْأَجْسَامِ بِكَمَالِ كَمَالِكَ أُقْسِمُ عَلَيْكَ يَا بَنْيَاتَا يَا سَرَاطِيلَ يَا مَحْكَائِيلَ
يَا عَزْرَائِيلَ بِحَقِّ حُكْمِ الْحَاكِمِ الْحَكِيمِ أَسْأَلُكَ سَخِّرْ لِيَ الطِّينَ وَمَظَاهِرَهُ جَمِيعَ الْجَمَادِ وَالْمَعَادِنِ
وَالنَّبَاتِ وَالْأَثْمَارِ وَالْحَيَوَانِ وَالْإِنْسَانِ وَخَلْقَتَهُ وَاقْبِضْ لِجَمِيعِ الْمَحْبُوبِ وَالْمَعْشُوقِ وَالنَّفْعِ
وَالرِّزْقِ وَالْخَيْرِ وَالْبَرَكَةِ وَادْفَعْ عَنِّي جَمِيعَ الْمَضَارِّ بِحَقِّ الْأَسْمَاءِ وَسَطُهُ بَاطِنٌ وَبِحَقِّ
إِنَّهُ مُحِيطٌ بِالْكُلِّ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ الْعَجَلَ الْعَجَلَ الْعَجَلَ الْوَحَا الْوَحَا السَّاعَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ

وبايدكرد در وقت

عزایم کواکب

و باید کرد در وقت قرائت بخور عنصر بکار دارد بعده عزیمت کوکب بخواند و بخور کوکب بسوزد و باید کرد در قرائت اولین و عزایم طبایع و کواکب اینچنین بسرعت کند کرساعت کوکب نرود عزیمت زحل ایها السید العظیم اسمه الاکبر شانه الرفیع قدرة الغالب درجة الشدیدة انت الزحل البارد الیابس المظلم النحس صادق القول النصب التعب المتعود بالغم والحزن المتجلی من الطرب والفرح المحتال المکار العالم الفهیم الشیخ المجذب المشقی من اشقیته والسعید من اسعدته اقسم علیک یا ارقائیل بحق ابجد ابتج اجهت عشند وانت الشامل بین الطین والریح اسالک سخر لی مظاهره ومظاهرک جمیع اهل المزروع واصحاب السداع والشیوخ والجهود والکفار واهل القبور وتهلکه الاعداء وغیره خلقتک ایها الاب الزکی بحق الائک العظام واخلاقک الکرام ان تفعل بی مرادی ومقصودی عزیمت مشتری ایها السید المبارک الحلیم الدین البارع الزاهد البار العظیم الهیئته المنافع الکبیر السخی المغنی الوافی بالزهد اقسم علیک بانجراد بحق هوزح عیلم وزر دضقله وانت الشامل بین النار والماء اسالک سخر لی مظاهرها ومظاهرک جمیع القضاة والعلماء الظاهر والباطن والسادات واهل الدرس واصحاب الورع والدیانات والشرماء وغیره خلقتک ایها الاب بحق اخلاقک الحمیدة وافعالک النفیسة ان تفعل بی مرادی ومقصودی عزیمت مریخ ایها السید الفاضل الحار الیابس الشجاع القلب المحرق للدم القوی الزکی القلب القاهر الغالب الباطش الحدید

۱۱۸

١٤٦

صاحب الشر والعداوة والضرب والسنجر والكذب والنميمة البطاش قليل المبالات
بالقتال الوحيد الغريب الحامل للسلاح الكثير النكاح اقسم عليك يابهنيابيل بحق
طيكل هضرز يكشخ خيبخ وانت الشامل بين الماء والنار اسالك سخر لي مظاهرها
ومظاهرك جميع الامراء والاتراك والعسس واهل الغزاء والات الة ١١٦
واهل الشوكة والسارق والجلاد واهل الحديد وغيره خلقتك ان تفعل بي مرادي
ومقصودي عزيمت شمس ايها السيدة الحارة اليابسة المنيرة الحكيمة
الرشيدة الكريمة ملكة الكواكب وقبائهم ولك الفضل على جميعها وكل خدامون
لك وهم بك يسعدون اذا انظرت ويحسون اذا جامعت فان تجالط فعرفت
فضلك ان تدرك عنه الشك فهومنك اقسم عليك ياكليمنا بحق ملنسع طغشت لشط
تسحا وانت المطلق في النار الحار اسالك سخر لي مظاهرها ومظاهرك جميع السلاطين
والملوك والامير الكبير والعزة والعظمة والحشمة والوقار والكبرياء وغيره خلقتك
ياخيار السماء ياقوي الاقوياء ويا شديد البطش ان تفعل بي مرادي ومقصودي
عزيمت زهرة ايتها السيدة المباركة الرطبة المعتدلة اللطيفة الفطرة الحسنة
الخلقة الضاحكة صاحب الحلية والزينة والذهب والفضة والنظيف والظريف
واللهو والسماع والطرب الذي يتحرك به العيدان واللعب والمزاح القاهرة البا
طلة المستوجرة الهالكة متردد العباد الة المحبة الخير النكاحة صاحب السري
اقسم عليك يا اسمون بحق فصقر مفذع خطيخ ظرمذ وانت الشامل بين الريح والطين
اسالك سخر لي مظاهرها ومظاهرك جميع الخواتين والنساء واهل الخدمة والجارية
والمطرب

والمطرب واهل النشاط وظهور اركان الدنيا والطاف السلطان وملاقات الامراء
وغيره خلقتك ان تفعل بي مرادي ومقصودي عزيمت عطارد ايها السيد
الفاضل الصادق العاقل الناطق الفهيم ساطر العلم الكاتب الحاسب لعالم باخبار
السموات والارض العليل لفرج المفسد المال بالتجارة صاحب الملك والجيش
القهار والساعد لطوية الصادق اللطف اللبيب فل يعرف لك طبع والقت فلم
توجد بوصفه وانت مع السعود سعد ومع النحوس نحس ومع الذكور ذكر ومع الاناث
اناث ومع النهارية نهار ومع الليلية ليل بمزاجهم وطبايعهم وتشا كلهم
كل لك وانت فيهم اقسم عليك يا اسكي بحق شتنخ فكوت نتصض ذصرك
وانت الشامل بين الريح والطين اسالك سخر لي مظاهرهما ومظاهرك جميع الوزراء
والتجار والمتعلمين والشاعر واهل الحساب والقلم وغيره خلقتك ان تفعل بي
مرادي ومقصودي عزيمت قمر ايها السيد البارد الرطب المعتدل
الحميد الفرج السيد القاضي في لتدبير المحب الدهر واللهو والعزك واللعب
صاحب الرشد والاخبار وكتمان السر السخي الكريم الخليق انت اقربهم الينا فلكاً
واعظمهم ضرا ونفعا وانت الوالق بين الكواكب الناقل بانوارها والمصلح بين
بعضها ببعض بصلاحك يصلح كل شيئ وبفسادك يفسد كل شيئ الله لك الكلام
والشرفية والفضل اقسم عليك يا انقوبئيل بحق ذضطغ شضذ دمحطق
نقطب وانت المطلق في الماء البارد اسالك سخر لي مظاهرها ومظاهرك جميع عوام
الناس والرسول واهل السفر والتجسس والصياد واهل الخير واهل الصلح والمعاملة

والمعاجلة وحسن الملاحة وغالب الملاقات والصلح بين الاعداء وغيره خلقتك
ان تفعل في مرادي ومقصودي ایضاً اسماء الٰهی بدعوت کواکب اول شرایط
اسم بجا آورد بعده دعوت ایشان بسرعت مقصد دست دهد اول دعوت حصاریه
کانرا مقطعات نیز کویند بدانکه این دعوت بجهت رد رجعت اسم تعیین کرده اند
هر طالبی که خواهد که اسرار دعوت اسما وادعیه وآیات مفرده دریابد باید که اول
دعوت حصاریه بجا آورد بعده بهر دعوت وشرایطی که خواهد مشغول شود تا از
رجعت اسم نشود که در دعوت اسماء عظام وغیره همین اشکالست وهر که اکر عامل فرماید
اورا نیز رجعت نشود چه بسیار طالبان بنادانستکی در اسرار دعوت آمدند و
بتحیر جانی دادند بدین صورت دعوت براورد که تمام حروف اسم یا آیه افسون یا
ادعیه برابر آید که در قرائت وکتابت آیند ومدغم باشند رقم آن بکشد ودوازده
کانرا طرح نموده بعد از طرح آنچه باقی عدد ماند از برج اول بشمارد هر جا که عدد تمام
شود آن اسم یا آیه یا افسون یا دعا موافق آن برج باشد تاثیر برج همان تاثیر اسم
ودعوت وغیره باشد اکر یکی ماند حمل واکر دو ماند ثور واکر سه ماند جوزا چنانچه
قبل ازین در غالب ومغلوب مسطور است برین قیاس بکیرد بعده ارقام برج وکوکب
واسم اعظم یا آیه وافسون ودعا وارقام اسم خود جمع نموده با موکل ساعی ضم ساخته
بدایره رنک کوکب کرده وبدان رنک کوکب هیات برج بنکارد وبراو مصلا قرار
کند ومیان دایره بنشیند وعطرش بکار برد وعزیمت عنصر وکوکب خوانده
عدد مجموع بیک مجلس آن اسم وآیه وافسون ودعا تمام کند وآغاز او از ساعت اوست

ایضاً دعوت

برای هر دعوت
اول باید دعوت
حصاریه را بخواند
+
تو که
تا بر رجعت اسم
دچار نشود
بمقصود برسد

دعوت قدسی

دعوت قدسی

۱۱۹ +

ایضاً دعوت قُدسی اعلام کند خاصیت بدانکه این دعوت را دعوت قُدسی نامند هر عاملی
که بعمل این دعوت در آید او را ۹ فایده محصول گردد ۱ عمر طویل یابد ۲ قوت
روحانی مزید شود ۳ بتجلی افعالی و روحی متجلی گردد ۴ بوصف اجسادنا ارواحنا
ارواحنا اجسادنا موصوف گردد ۵ ظهور خوارق عادات روی نماید ۶ متصرف
ظهور و بطون گردد ۷ علم لدنی عیان یابد ۸ بعلم توحید موحّد شود ۹
بر عمل توفیق و استقامت یابد طریق استخراج شرایط دعوت دریابد
حرفها که در اسم اعظم افتاده باشند آنرا ملاحظه کند که چند حرفند من جملهٔ آنحروف
حرفهای غیر مکرر بغیر حرف ندا اگر در میان آید بگیرد و نقاط ترکیب آنرا معلوم کند
و حرکات حروف غیر مکرر زیر بستانند و نقاط آنرا معلوم کند و وصل حروف غیر
مکرر بگیرد و جمله نقاط اصل و وصل نیز بگیرد چنانچه الف هیچ ندارد بی یکنقطه
دارد برین قیاس همهٔ نقاط بشمارد و نقاط حرکات وصل نیز بگیرد و ارقام حروف
اصل و وصل نیز بگیرد عدد نقاط حرکات حروف بقلم هندیست برین
مثال اینست اهطم حروف اصل و عدد نقاط ترکیب و حروف اصل است بدین مثال است

اُ ۵	هُ ۵	طُ ۵	مُ ۵	فُ ۵	شُ ۵	ذُ ۵
بَ ۴	وَ ۴	یَ ۴	نَ ۴	صَ ۴	تَ ۴	ضَ ۴
جِ ۳	زِ ۳	كِ ۳	سِ ۳	قِ ۳	ثِ ۳	ظِ ۳
دْ ۶	حْ ۶	لْ ۶	عْ ۶	رْ ۶	خْ ۶	غْ ۶

ا ۷	ب ۶	ت ۹	ث ۹	ج ۵	ح ۵	خ ۵
د ۶	ذ ۶	ر ۴	ز ۴	س ۶	ش ۶	ص ۸
ض ۸	ط ۱۱	ظ ۱۱	ع ۵	غ ۵	ف ۴	ق ۴
ک هل	ل ۱۰	م ۴	ن ۹	و ۱۲	هـ ۵	ی ۹

ایضاً طریق شرایط عمل اجمالاً دریابد
بدین طریق در دعوت نسخهای
دیگر بهر اسم ۹ شرایطند و آن
نصاب و زکوة و عشر و قفل
و دور مدور و بذل و ختم

وتکرار وتوهم ودر اینجا شش شرایطند فقط یکی بر قاعدهٔ الوفات دوئم بر قاعدهٔ
مات سیم بر قاعدهٔ عشرات چهارم بقاعدهٔ احاد پنجم تکرار ششم توهم قواعد
کثیر بر الوف واقل بر عشرات وقاعدهٔ اوسط بر مات واحاد بضرور یست یکی
ازاین هر چهار بگیرد بتکرار وتوهم بخواند اما اولی انست که زیاده نگیرد والا هر چه
میسر اید کرفته عامل کردد بدین سند بعد حروف اصل ووصل وحرکات الوف
یا مات یا عشرات یا احاد بگیرد بدین قسم که خذ عر فا قل الفا ومایة وعشرة واحد
این جمله عدد جمع کرده بار قام ضم ساخته بخواند وتکرار انست که لفظ اول را باخر ضم کرده
بخواند وتوهم انست که تمام معانی ان اسم ملاحظه کند وباید که بدایره بنشیند
وهر دو سر دایره بسوزن فولاد بدوزد وبوقت دوختن سورهٔ فاتحه با تسمیه بخوانند
ودعای فتح باب مسطور بخواند وبوقت برخواستن نیز این عمل نکاهدارد وروز
اول قبل از قرائت اعداد مذکور این ایه را که ثبت میشود ٣٤٠ بار بخواند بعده
اسم بطریقی که با موکلات سماعی وحرفی واستخراجی در اول واخر مسطور است بخوانند
وایه اینست شَهِدَ اللّٰهُ اَنَّهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ وَالْمَلٰٓئِكَةُ وَاُولُوا الْعِلْمِ قَآئِمًا بِالْقِسْطِ
لَا اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ وعزیمت کوکب وبخور در کار دارد تا شرایط
ساقط شود طریق دعوت اجمالا معلوم کند بعد حروف اصل غیر مکرر الو
فات بگیرد وبعد نقاط اصل مات بگیرد وبعد نقاط ترکیب حروف اصل عشرات
بگیرد بدین طریق خذ حرفها اصلاً قل الفاً وخذ نقط حرف اصل قل مایة و
خذ ترکیب حرف اصل قل عشرا وبعد حرکات عشر الوف بگیرد وبعد نقاط حرکات

١٥١

حرف اصل الوف بکیرد بدین طریق خذ حرکة اصل وقل عشر الوفا وخذ نقط حرکتها
وقل الفًا وبعد د حروف وصل مات بکیرد وبعد د نقاط حرف وصل عشرات بکیرد
وبعد د نقاط ترکیب حرف وصل احاد بکیرد بدین طریق خذ حرف وصل قل مایة
وخذ نقط وصل قل عشرا وخذ نقط ترکیب وصل قل احدًا وبعد د حرکات وصل
الوف بکیرد وبعد د نقاط حرکات وصل مات بکیرد بدین طریق خذ حرکة وصل
قل الفا وخذ نقطه حرکة وصل قل مایة وارقام اصل و وصل بکیرد و
بشناز این دعوت بدانکه نقطه اشارت بعالم غیبست وحرف اصل حکم جسد دارد
و وصل حکم اعضا است وارقام حکم روح وحرکة حکم عقل دارد ونقط حرکات
نیز اشاره بغیبست اکر نقطهٔ غیب نباشد حرف اصل صورت نبندد واکر حرف
اصل نباشد وصل از کجا اید یعنی اکر شخص نباشد ظهوری صورت نبندد و
اکر ارقام پیدا نیاید حرف وجود نیابد یعنی روح با جسد پیوند دارد واکر روح
نباشد جسد متحرک نکردد واکر جسد نباشد روح متصرف نکردد وروح با
جسد پیوند دارند با یکدیکر اما اکر فاعل عقل نباشد قدرت هر دو کس
بامر موافق جاری نشود پس حرف وارقام را حرکت در فعل اورد هر که دعوت
حرکات کند ماهیت علم علوی و سفلی دریابد واکثر مغیبات بروی ظهور یابند
بدان سبب در این دعوت حرکات از همه مزید شده است زیرا که اکر حرکات نباشد
حروف در تعطیل افتد بعده بدعوت هفت کواکب بعد از اداء شرایط هفت
اسماء کواکب در اید ودعوت هر کوکب بدو سند مذکور میشود بهر سندی که خواهد

١٢١

+

ماهیت علم علوی و سفلی

دعوت مشتری

١٢٢

داعی باشد اول دعوت مشتری بقواعد و آداب واحتیاط تمام مذکوره بعد از غسل
و ادای دوگانهای مذکوره بدعوت مشتری قدم گذارد تا ١٢٠ روز هر روز اسم
صاحب عزیمت ٠٠٠ع بار بخواند اول عزیمت هفت بار بعده اسم بغیر موکل
شروع کند هر روز ٠٠٠ع بار وقواعد قرائت ابتدا وانتها بخواند وموکلات بروج
وکواکب مع اسم اعظم هر روز یاد دارد و بخواند ومع البخور دعوت کند دوتیغا
سند دعوت کوکب مسطور است که اول عزیمت ٣ع بار بخواند واسم صاحب عزیمت
١٢٩ع بار بخواند اسم صاحب عزیمت باموکلات اینست اجب یا لُو یا ئیلع
یا غائیل یا یلنائیل بحقِ یا عالی الشامخ فوق کُلِ شیئٍ علواً رتفاعه یا عالی
وبعده چهار تابعین باهر سه موکل ٢١ع بار بخواند تابعین اول اَجِب
یا دورائیل یا هائیل یا بیوائیل بحق یا هادی تهدیت بالهدایة والهدایة
فی هدایة هدایتك یا هادی تابعین دویم اجب یا رفتمائیل یا وائیل
یا دودیائیل بحق یا واحد الباقی اول کل شیئٍ واٰخِرَهُ یا واحد تابعین
سیم اَجِب یا سرفائیل یا ذائیل یا ندبیائیل بحق یا زین تزنیت بالزینة
والزینة فی زینة زینتك یا زین تابعین چهارم اجب یا تنکفیل یا خائیل
یا ذونائیل بحق یا حمید الفعال ذا المن علی جمیع خلقه بلطفه یا حمید
طریق اول واخر وبخور وساعت ملاحظه کند وحاضر وقت خود باشد که بعد
از مدت ایام مسطور ناگاه پیری خوش وخندان وشیرین زبان بلباس سبز پیش
مسبح حاضر اید واگر کسوت را تغییر دهد بتغییر لباس دهت بخور دو چون ان

بیرون آید

پیر در آید سلام کند مسخّر جواب دهد و تواضع بسیار کند آن پیر بنشیند و بگوید که
ای صاحب دعوت بدان و آگاه باش که در این وقت کار عالم نیك خواهد شد و شقاوت
بسعادت مبدّل گردد من بدین عالم نمیایم مگر وقتی که صاحب دعوت دعوت کند
اکنون مخصوص تو آمده ام ای مسخّر تو را چه مقصود است جواب گوید که مقصود من
آنست که دوست من باشی و بمرتبهٔ سعادت ازلی و ابدی رسانی مشتری قبول
کند و گوید من محبّ توام و بدوستی تو آمده ام و مطیع و مسخّر تو باشم اکنون بدانکه
تو را قبول کردم و عهد پذیرفتم باید که همیشه با وضو و طهارت باشی و آداب شریعت
بر خود لازم داری و غذا اندك خوری چون سخن تمام شود برخیزد و دست اخلاص
بر سر صاحب دعوت گذارد و بگوید بهر کاری که مرا بخوانی حاضر آیم این بگوید و از
چشم صاحب دعوت غایب شود ناگاه صاحب دعوت را علوّ درجات روی دهد
و باید که مواعظ مشتری نگاه دارد تا همواره مسعود باشد   دوّیم دعوت مرّیخ
بقواعد و آداب و احتیاط تمام بعد از غسل و ادای دوگانهای مذکوره و شرایط مسطوره
بدعوت مرّیخ در آید تا ۴۰ روز هر روز اسم صاحب عزیمت ۴۰۰۰ بار بخواند
اوّل عزیمت ۷ بار بعده اسم بغیر موکّل شروع کند و قواعد قرائت ابتدا و انتها
بخواندن موکّلات بروج و کواکب اسم اعظم یاد دارد و دعوت کند   دوّیم طریق
دعوت این کوکب آنست که اوّل عزیمت ۲۵ بار و اسم صاحب عزیمت تا ۵۰
روز هر روز ۹۲۵ بار با هر سه موکّل بخواند بعده چهار تابعین با هر سه
موکّل ۱۲۵ بار بخواند و اسم صاحب عزیمت با موکّلات اینست اجب یالویا

یا مضقفطائیل بحق یا عظیم ذو الثناء الفاخر و العز و المجد و الکبریاء فلا
یذل عزه یا عظیم تابعین اول اجب یا اسماعیل یا طائیل یا عطکیائیل ۱۲۴
بحق یا طالع تطلعت بالطلوع و الطلوع فی طلوع طلوعك یا طالع تابعین
دویم اجب یا سراکیطائیل یا یائیل یا بمغریائیل بحق یا یقین الموقنین
فی حقیقة الدین یا یقین تابعین سیم اجب یا حروزائیل یا کائیل یا
رکطیائیل بحق یا کبیر انت الله الذی لا تهتدی العقول لوصف
عظمته یا کبیر تابعین چهارم اجب یا طاطائیل یا لائیل یا نمویائیل
بحق یا لطیف تلطفت باللطف و اللطف فی لطف لطفك یا لطیف

وطریق اول و اخر و بخور ساعت ملاحظه کند و حاضر وقت خود بوده باشد
بعد از مدت ایام مسطور در اخرین دعوت غلغل و اشوب صعب باد هست
پیدا شود و مقدار پنج ساعت همچنان ماند ناگاه مردی با مهابت بر مثال گنبد سرخ و
تند و خون ریز و تیره چشم و لحیه و سبلت بزرگ تیغ برهنه بدو دست گرفته از در
خلوت مسبح در اید و سلام کند و بروایتی سلام نکند و بنشیند و ان تیغ را بر زانوی
خود گذارد و لب بجنباند اما نتوان دانست که چه میگوید باید که مسبح نترسد و
مشغول باسم باشد و درست و بلند بخواند و اگر نه از ترس مریخ اسم فراموش گردد
و باید که قبل از این اسم نوشته نگاهدارد تا بعد از فراموشی نظر کرده بخواند و اگر
معاذ الله از خواندن باز ماند مریخ ان تیغ بر سر داعی زند و هلاك کند و اگر
بتوفیق الهی بخواندن استقامت یافت مریخ یك ساعت پیش مسبح بنشیند

و بگوید ای

وبگوید ای فرزند آدم ترا چه مقصود است عامل گوید مقصود من تسخیر تواست و
میخواهم که موافق من باشی و بسعادت و فتوت که بتو تعلق دارد نصیب من گردانی
مریخ گوید قبول کردم و محمد تو گشتم که تو بقوت این اسم مرا از آسمان پنجم بر زمین آوردی
١٢٤ اکنون کسی که در عالم مخالف تو باشد او را بدین تیغ بزنم و هلاک کنم و ترا ماهیت
اقلیم پنجم یکیک آگاه کنم باید که این سر با کسی نگویی و اگر نه از تصرف این اسم بازمانی و علویان
نظر از تو باز گیرند چون مریخ وصیت تمام کند یک خاتم عقیق جوهری بمسبّح دهد و خطی
بر آن خاتم نوشته باشد و آن عقیق جوهر آسمانی بود ماهیت آن کسی نداند مگر الله تعالی
و اگر آن را بکسی نماید و اسرار آشکارا کند آن خاتم از او برود و تصرف آن اقلیم نماند و چون
مریخ خاتم بمسبّح دهد و خاصیت آن نگوید باید که عامل التماس کند که از وی من
التمست که نقش این خاتم را بمن بیاموزی مریخ بیاموزد و نقش خاتم این است
یا تمخیثاییل تمثیثا و یا شطحی   این اسماء عبرانی یاد کند و از وی اجازت خواهد
تا خاصیت بیابد چون اجازت دهد از چشم غایب شود و هر وقتی خواهد که حاضر آید
انگشتر مذکور پیش نهاده اسم بخواند حاضر آید   سیم دعوت شمس بقواعد و آداب
و اداء دوگانه‌های مذکور بعد از شرایط مزبور بدعوت شمس در آید و دعوت این کوکب تا
۱۵ روز است و قرائت آن از وقت طلوع تا وقت غروب علی التواتر و التوالی بی عدد
بخواند و اول باید که فکر خود از مال و منال و جاه و حشمت دنیا از دل پاک بیرون کند
بعده بخلوت دعوت آید و هر سری که از آفتاب ظاهر شود با محرمی نگوید و بدل داند که
آفتاب را تسخیر میکنم و بزبان آهسته اسم را بتکرار و توهم بخواند و هر بار باواز بلند

۱۲۶

کوبند یا شمس اجب داعی الله تا مدّت مذکور تمام شود دویم طریق دعوت این کوکبا
اینست تا مدّت مذکور اوّل عزیمت ٦١ بار بعده اسم صاحب عزیمت با هر سه موکّل
٢٥٦٠ بار بعده چهار تابعین را با هر سه موکّل ٢٥٦ بار بخواند تا غروب
شمس اسم فرد صاحب عزیمت بخواند و هر بار کوید یا شمس اجب داعی الله و اسم
صاحب عزیمت اینست اجب یا ثرفائیل یا زائیل یا عیطیائیل بحق یا زاکی
الطّاهر من کلّ آفة بقدسه یا زاکی تابعین اوّل اجب یا رویائیل یا مائیل
یا البحیائیل بحقّ یا مُبدیٔ البرایا و مُعیدها بعد فنائها بقدرته یا مبدیٔ
تابعین دویم اجب یا حولائیل یا نائیل یا رمفطائیل بحقّ یا نصیر
النّصر والنّصر فی نصر نصرك یا نصیر تابعین سیم اجب یا هموا کیل یا سائیل
یا کلصائیل بحقّ سُبحانَكَ لا اِلهَ اِلّا اَنتَ یا رَبِّ کُلِّ شَیْءٍ وَوارِثه وَرازِقه
وَراحِمه سُبحانَكَ تابعین چهارم اجب یا لومائیل یا غائیل یا مصائیل بحقّ
یا عَلّامَ الغُیوب فَلا یَفوتُ شَیْءٌ مِن حِفظِه یا علّام طریق اوّل واخر وبخور وساعت
وملاحظه کند وحاضر وقت خود باشد بعد مدّت ایّام مذکور ناکاه ورمی میبیند که
آفتاب از آسمان فرود آید ونزدیك او شود واز صورت خود بزرك تر باشد چون نزدیك
عامل آید مثال کاو پیش سر شی بود بصورتی جمیل وشکلی ملیح نماید وبدیدن او دل عامل
مفرح ومنشرح کردد واز وصول او هیچ بدست نکیرد وقبول نکند تا آفتاب بعامل انس
کیرد وطریق موالده ومحبّت آفتاب اینست با صاحب دعوت بمباحثه پیش آید وبکوید
این عامل چه مقصود داری هر مقصودی که او را باشد بشیرین زبانی ونرمی بکوید واسم را
از سر کیرد

۱۵۷

۱۲۷

از سر کیرد و بروی آفتاب تیز نکرد تا آفتاب او را کیرد و وجوه او را منوّر کرداند و بکوید که
تو را قبول کردم و هر جا باشی حاضر باشم و انچه بکوئی تو را مهیّا کنم و عهد کردم که بهر چه
دعوت کنی بیایم چون شاهد فلك این سخن بکوید صاحب دعوت داند که خورشید از
فلك باز خواهد آمد برخیزد و دو دست بر سینه کذارد و دعا و تواضع بسیار نماید
تا ترك فلك بالا رود و عامل نظر بر آن دارد که بجای خود چنانچه بوده همچنان شود و
بعده صاحب دعوت در مراقبه رفته با منظور خود حاضر وقت باشد هم در آن زمان
غلبهٔ خلق بسیار شود و بصاحب دعوت رجوع کند و باواز بلند کویند برخیز و بر تخت
مملکت بنشین که پادشاه مائی و پادشاه دیکر را از پیش برداشتیم و حکم تو قبول کردیم
و همهٔ خلایق بر آن متفق میشوند باید که صاحب دعوت بسخن ایشان ملتفت نشود و
از دایره در نیاید و بر تخت ننشیند که در آن روا نیست و زود خلل پذیرد بعده یك کس
دیکر را تا مدّت یك اربعین بجای خود بنشاند و خود نیز شاغل ماند دیکر بار بطریق
مذکور بطلب صاحب دعوت آیند باید که عامل برخیزد و بر تخت بنشیند بفرمان
الله تعالی بسا مدت در سلطنت تمتّع یابد و حق تعالی توفیق خیر بخشد تا بهر امری
برضای حق مامور ماند و چون بر دولت سلطنت و شوکت و سعادت دیر ماند
باید که فَتَزَوَّدُوْا فَاِنَّ خَیْرَ الزَّادِ التَّقْوٰی زاد دارین برخویش کوید تا از برکت
صحبت او اتباع او بحرص در صلاح کوشند که النّاس علی دین ملوکهم
چهارم دعوت زهره بقواعد و آداب و احتیاط تمام مذکور بعد از غسل و اداى
دوکانه‌های مرقوم بعد شرایط مسطور در دایره برای دعوت در آید و دعوت

طریق دوم

۱۲۸

این کوکب تا سی روز است وان شهر شعبانست و قرائتش هر روز ۵۰۰ بار
اسم صاحب عزیمت بخواند اوّل عزیمت ۷ بار بخواند بعده اسم بقواعد قرائت ابتدا
وانتها بخواند موکّلات بروج وکواکب واسم اعظم بطریق مکتوب هر روز معمول دارد
واسم خود بغیر موکلات بعد دستور بخواند دوئیم طریق دعوت این کواکب اینست
اوّل عزیمت ۹ بار واسم صاحب عزیمت تا ۷۱ روز ابتدا از تاریخ بیستم جمادی الاخر
تا انتهای شعبان هر روز ۷۱۰ بار بخواند با هر سه موکّل اسم صاحب عزیمت با موکلات
اینست اجب یاحولائیل یانائیل یارلکجیائیل بحق یانور کلّ شیءٍ وهدٰاه
اَنتَ الّذی فَلقَ الظُّلماتِ بِنُورِهِ یانور وهر چهار تابعین را هر یك باسه موکّل
۲۰۷ بار بخواند تابعین اوّل اینست احب یاسرحماکیل یافائیل یاحشعقیائیل
بحق یافتّاح تفتحت بالفتح والفتح فی فتح فتحك یافتّاح تابعین دوئیم احب
یاامجیائیل یاصائیل یادعطائیل بحق یاصمد من غیر شبه فلا شیءٌ کمثله یا صمد
تابعین سیوم احب یاعطرائیل یاقائیل یاسغطکیائیل بحق یاقدّوس الطّاهر من
کلّ شیءٌ فلا شیءٌ یعاده من جمیع خلقه بلطفه یاقدّوس تابعین چهارم احب
یاامواکیل یارزائیل یامحقصکیئل بحق یارحیم کلّ سریع ومکروب وغیاثه و
معاذه یارحیم وطریق اوّل واخر وبخور وساعت ملاحظه کند وحاضر وقت خود
باشد وبعد از شرایط کد بعمل آرد بعد از مدّت ایام مسطوره در اخراین دعوت شخصی
باصورت وجمال وخوش طبع نزد مسبّح حاضر شود وبر دست او الت ساز موسیقی چنگ
یا بربط ومثل آن بوده باشد ونزد مسبّح حاضر شود وسلام کند صاحب دعوت بلقای او
مفرّح شود

دعوت عطارد

مفرح شود وان جوان ساز خود بنوازد باواز خوش تا مسبح را سست کند اما مسبح خود را هشیار
دارد و بخواندن آن اسم مشغول باشد بعده آن شخص رو بصاحب دعوت آرد و بگوید که
ای جوینده راه بی‌نهایت ازین دعوت چه مطلوب داری مسبح گوید مقصود من حضور تو است
که همه وقت همدم من باشی و مرا همیشه باواز خوش خود خوشحال داری زهره قبول
کند که من عهد کرده‌ام که نظر در کارهای تو دارم و بهر مصلحت که خواهی حاضر شوم
این مهره بصاحب دعوت دهد بشکل بیضه و بران خط سبز نوشته باشد و بگوید
بهر کاری که ترا حاجت بمن باشد این مهره پیش خود نهاده اسم مذکور بخوانی زود پیش
تو حاضر شوم این سخن گفته مهره تسلیم کند و برخیزد و از چشم مسبح غایب شود پنجم
دعوت عطارد بقواعد وآداب واحتیاط تمام بطریق مسطور بعد از غسل واداء دوگانه‌هاء
مذکور بدعوت عطارد درآید ودعوت این کوکب تا مدت ۴۰ روز است جمله قراءتش
۴۰۰۰۰ بار بدین روزها قسمت کرده بخواند و دران ایام دعوت دیگر نکند و بحجره
خود کسی را مدخل ندهد و دران حجره سه پایه از چوب انار و بید وانجیر و کنار بسازد
واسم صاحب عزیمت فرد غیر موکل نوشته سه بار بران سه پایه آویزد و بخور زیران بسوزد
و تا مدت دعوت مسبح از آن حجره برون نشود مگر بضرورت وطریق قراءت عزیمت و موکلات
بروج و نجوم واسم اعظم بطریق ماضی هر روز عامل بود و عدد معین را بخواند دویم طریق
دعوت این کوکب آنست که اول عزیمت چهار بار واسم صاحب عزیمت تا ۸۰ روز با هر سه موکل
بار بخواند بعده هر چهار تابعین را با هر سه موکل ۸۰ بار بخواند اسم صاحب عزیمت
با موکلات اینست احب یا رو یا ئیل یا مائیل یا الیثر کبائیل بحق یا مزل کل جبار عنید

١٥٠

١٣٠

بقهر عزیز سلطانه یا مزل تابعین اول احب یا هموائیل یا شائیل یا درقهائیل بحق یا شاهد شهدت بالشهود والشهود فی شهود شهودک یا شاهد تابعین دوم احب یا عزرائیل یا تائیل یا معشکیائیل بحق یا تام فلا تصف الالسن کل کنه جلاله وملکه وعزه یا تام تابعین سیوم احب یا میکائیل یا ثائیل یا ترشیائیل بحق یا ثابت ثبوت ذات فی الصفات معی الاسماء والافعال یا ثابت تابعین چهارم احب یا مهکائیل یا خائیل یا قرتکیائیل بحق یا خالق من فی السموات والارض کل الیه معاذه یا خالق وطریق اول واخر وبخور وساعت ملاحظه کند وحاضر وقت خود بوده باشد بعد از مدت ایام مسطور در اخرین دعوت ناگاه پیری خوب صورت با مهابت کتابی بدست گرفته پیش دایره حاضر اید وکتاب را بخواند مسخر باید که با وهیچ سخن نکند ان پیر مسخر از پرسد که ایصاحب دعوت از این دعوت چه مقصود داری مسخر گوید غرض من تسخیر تواست با من عهد کن که در وقت قهر ولطف ممد من باشی وسلاطین عالم را مسخر من گردانی واقلیمی با قلیمی اگاه گردانی عطارد گوید انچه گفتی قبول کردم وهر جا که بخوانی حاضر شوم وچند متکاران خود را ملازم خدمت تو کردانم بعد از ان مهره بشکل بیضه که بر ان خط سبز نوشته باشد اورا بدهد وان نشان عهد نامه عطارد باشد وهر گاه خواهد که اورا حاضر ارد ان مهره را پیش خود نهاده اسم بخواند وبخور بکار برد عطارد حاضر شود ششم دعوت قمر بقواعد واداب واحتیاط تمام بطریق مذکور بعد از غسل واداء دوگانه وشرایط مزبور بدعوت قمر در اید ودعوت این کوکب تا مدت ١۴ روز است بعروج ماه هر روز ١٠٠٠٠ کرت بخواند وهر بار بگوید یا قمر اجب داعی الله وعطرش را بکار برد وطریق قراءت عزیمت موکلات وبخور واسم بطریق

دعوت قمر

واسم بطریق مذکور هر روز عامل بوده عدد معیّن را بخواند دویم طریقهٔ دعوت این کوکب
انست که بعروج ماه بعد طلوع قمر در مدّت مذکور تا غروب قمر اوّل عزیمت ۸ با
واسم صاحب عزیمت باهر سه موکّل برابر قمر بعد بخوانند هر بار رو بقمر آورده بکوید یا قمر
اَجِبْ دَاعِیَ اللّٰهِ و بآخر ساعت غروب هر چهار یا تابعین را باهر سه موکّل ۴۶ بار بخوانند
اگر قمر غروب شد نی باشد اسم صاحب عزیمت بخواند واسم صاحب عزیمت باموکّلات این است
احب یالومائیل یاعائیل یازوفیائیل بحق یا عزیز المنیع الغالب علی جمیع امره فلا
شیٔ یعادله یا عزیز تابعین اوّل احب یا اهراطیل یا ذائیل یا احبرکیائیل بحق
یا ذا الاسماء والصّفات والافعال والذّرات کلّها تابعین دویم احب یاعطکائیل
یاضائیل یا اذقیائیل بحق یاضیاء الضّمیر فی کلّ معرفته یاضیاء تابعین سیوم
احب یالوزائیل یاظائیل یا ردصنعکیائیل بحق یا ظاهر تظهرت بالظّهور والظّهور
فی ظهور ظهورک یا ظاهر تابعین چهارم احب یالوخائیل یا غائیل یا نجطخیائیل
بحق یا غیاثی عند کلّ کربة و مجیبی عند کلّ دعوة و معاذی عند کلّ شدّة و یا
رجائی حین تنقطع حیلتی یا غیاثی وطریق اوّل و آخر و بخور و ساعت ملاحظه کند
وحاضر وقت خود بوده باشد چون دعوت تمام شود قمر از آسمان بصورت امرد فرود آید
چنانکه مسبّح را در آغوش کیرد و بصاحب دعوت هم کلام شود و بپرسد که ای مسبّح از خواندن من
چه غرض داری مسبّح کوید دیدن عجایب و غرایب عالم آرزو دارم و از تو میخواهم که هر نقش
که در پردهٔ غیبست بمن بنمائی قمر قبول کند و کوید که ای مسبّح اکنون در ذوق باش که من
یار توام هر وقت که مرا خوانی حاضر شوم و ترا در بحر و بر و تمام عالم برم و عجایب بنمایم

دعوت زحل

۱۳۲

پس قمر مسخر او شود و مجموع زر و نقره که در عالمست در خزانهٔ مسبح کذارد و در تصرف او
او در آورد فامّا باید که آن زر و نقره بنظر در نیاورد و هر چه بخاطر عامل بکذرد بظهور
پیوندد هفتم دعوت زحل بقواعد و آداب و احتیاط تمام من کور بعد از غسل و
ادای دوکانهای مسطور بعد از شرایط رقوم بدعوت این کوکب در آید و دعوت این کوکب
تا ۲۵ روز است هر روز ۲۰۰۰۰ بار بخواند و طریق قراءت عزیمت و موکلات بروج
و نجوم و اسم بطریق هر روزه عامل بود و عدد رقوم را بخواند دویم طریق دعوت این
کوکب آنست که اوّل عزیمت ۴۹ بار و اسم صاحب عزیمت ۲۴۳ بار مع موکلات
بخواند تا ۴۹ روز و اسماء تابعین هر یک را با موکلات ۳۴۳ بار بخواند و اسم صاحب
عزیمت با موکلات اینست احب یارو یاییل یا دحصاییل بحق یا محمود فلا تبلغ
الاوهام کل کنه شانه و مجده یا محمود تابعین اوّل احب یا اسرافیل یا اییل
یا هکیاییل بحق یا اِلٰهَ الالِهَةَ الرّفیع جلالُهٗ یا اِلٰه تابعین دویم احب یا جبرئیل
یا تاییل یا براییل بحق یا بارئ النفوس بلا مثال خلا من غیره یا باری تابعین سیوم
احب یا کلکاییل یا جاییل یا علیداییل بحق یا جامع تجمّعت بالجمع والجمع فی جمع
جمعک یا جامِعُ تابعین چهارم احب یا دکرداییل یا داییل یا محواییل بحق یا دایم
بلا فناءٍ و لا زوال لملکه و بقائِه یا دایِمُ وطریق اوّل و آخر و بخور و ساعت و صوم
ملاحظه کند و حاضر وقت خود باشد که بعد از مدّت ایام در آخر دعوت زحل حاضر شود
و هیاتِ او مهیب و سهمناک و تند و سیاه رنک و غیور بود و او را چند دست باشد
و بدستها اشیای مختلف الجنس و نزدیک دایرهٔ مسبح بنشیند و بر تندی و غضب و ترش
روی بمسبح

۱۶۳

روحانی مسبّح نکرد و در کلام آید باید که مسبّح حرمت و عزّت او را نکه دارد و پیش او مودّت

بود و هیچ سخن از خود نکوید و مشغول بوده باشد و هرچه زحل کوید بشنود و چون زحل کوید

که ای فرزند آدم مقصود تو از این دعوت چیست هیچ جواب نکوید که مقصود من حضور تست

که مرا در همهٔ امور یاری دهی و ممد و معاون من باشی و کلید فتح هر اقلیم بمن سپاری زحل

این سخن بشنود و قبول کند و عهد بندد و بلی کوید کار تمام شد بعد از آن از دست خود نرکس

دهد بستاند و ببوسد و بر سر کذارد و تواضع کند و آن کل نرکس را اسرار آسمانی باشد

باید که آنرا عزیز دارد و کسی را از آن سرّ آکاهی ندهد و هر کاه که آن نرکس را ببوید

همهٔ اسرار موجودات و مغیبات بر او منکشف شود و همهٔ مخفیات و کنوز سلاطین ماضیه

که مدفون باشد در نظر عیان نماید و سر مودت و حیلهٔ همهٔ عالم معلوم کردد پس

زحل برخیزد و برابر او نیز مسبّح برخیزد پس مراجعت نماید و از چشم عامل پنهان شود

و هر که غرض حضور او باشد نرکس پیش خود نهاده اسم مذکور را بخواند و زحل حاضر

شود ایضاً عامل دعوت روز بینهٔ کواکب باید که هر روز از اسماء قمری که در

۲۸ اسما بدایرهٔ رجال الغیب و ادراك تواریخ شهر مسطور است هر روز یك اسم از

آن اسما بخواند هر روز ثمرهٔ دیکر یابد هر یك اسم را بعد از نماز ۱۰۰ بار بخواند بعده

۱۲ اسما را ۱۲ بار بخواند و هر یك اسم را در هر ماه بعد از هر نماز ۱۰۰ بار بخواند

بدین طریق محرم الحرام یا اِلٰهَ الالِهَةِ الرّفیع جلاله یا اِلٰه صفر یا دیّان

الدّین کل یقوم خاضعاً لرهبته و رغبته یا دیّان ربیع الاوّل یا رحمن کل

شیءٍ و راحمه یا رحمن ربیع الاخر یا عجیب الصّنایع فلا تنطق الالسن

۱۳۴

بِکُلِّ الآئِهِ وَشَأنِهِ وَنَعْمَائِهِ یَا عَجِیب جمادی الاول یَا قَرِیب المُتَعَالِی فَوقَ کُلِّ شَیٍٔ
عُلُوِّ اِرْتِفَاعِهِ یَا قَرِیب جمادی الاخر یَا کَافِی لموسّع لما خلق من عطا یا فضله یا کافی
رجب یَا کَرِیم العفو والعدل انت الّذی ملأ کل شی عدله یا کریم شعبان
یَا حَیّ حین لا حیّ فی دیمومیّة ملکه وبقائِهِ یا حیّ رمضان یا قیّوم فلا یفوت شیٔ
من علمه ولا یؤده یا قیوم شوّال یا منّانٍ ذُو الاِحْسَانِ قَدْ عَمَّ کُلَّ الْخَلَایِقِ مَنُّهُ یَا مَنَّان
ذی قعده یَا مُبْدِعَ الْبَدَایِعِ لَمْ یَبْغِ فِی اِنْشَآئِهَا عَوْنًا مِنْ خَلْقِهِ یا مُبْدِعَ ذی حجه
یَا غِیَاثِی عِنْدَ کُلِّ کُرْبَةٍ وَمُجِیبِی عِنْدَ کُلِّ دَعْوَةٍ وَمَعَاذِی عِنْدَ کُلِّ شِدَّةٍ وَیَا رَجَا
ئِی حِینَ تَنْقَطِعُ حِیلَتِی یَا غِیَاثِی بعد ۱۵ اسماء ۱۲ بروج بخواند بدین طریق که کوکب
خود را ببیند که در کدام برج هست ودر ان برج چند روز خواهد ماند بعد دان
ایام اسما بخواند حمل یَا حَیُّ یَا قَیُّومُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ سُبْحَانَکَ اِنِّی کُنْتُ
مِنَ الظَّالِمِینَ وَ یَا هَادِی تهدیت بالهدایة والهدایة فی هدایة هدایتک
یا هادی یا طالع تطلعت بالطلعت والطلعت فی طلعت طلعتک یا طالع بطریق
اسماء جبروتی بخواند ثور یا داخل تدخلت بالدخول والدخول فی دخول
دخولک یا داخل یا حاکم تحکمت بالحکم والحکم فی حکم حکمک یا حاکم یا
لطیف تلطفت الخ جوزا یا باذل تبذلت بالبذل الخ یا واجد توجدت الخ
یا یسیر تیسرت الخ سرطان یا جمیل تجملت الخ یا زواج تزوجت الخ یا
کنز تکنزت الخ اسد یا مسخّر السّموات والارض وما بینهما سنبله
یا عالی تعلیت میزان یا نافع تنفعت عقرب یا سلطا تسلطت الخ قوس
یا فتاح

١٣٨

یا فتّاح تفتّحت الخ یا شکور تشکرت الخ یا ذاوق تذوقت الخ جدی یا رافع
ترفعت الخ یا غنی تغنیت الخ دلو یا صمد تصمدت الخ یا توّاب توبیت الخ
یا ضیاء تضییت الخ حوت یا قوی تقویت الخ یا ثابت تثبّت یا ظاهر
تظهرت هر اسم از اسما را تا آخر بطریق اسماء جبروتی بخواند بنوعی که در فصل اول
از باب دویم بعد از حرز محمود بعد ازین مذکور است عمل نماید فایده کسیکه بتسبیحات
مذکوره تمام سال دوازده ماه عمل نماید ۱۲ بروج مسخر طالع او شوند والسّلام
ایضاً طریق تسخیر ارواح انبیا علیهم السّلام بدانکه برای تسخیر ارواح انبیاء وعروج روح
سالک بمقام علیین اسم ۱۵ از اسماء عظام یَا نَقِیًّا مِنْ كُلِّ جَوْرٍ لَمْ يَرْضَهُ وَلَمْ يَخَا
لِطْهُ فَعَالُهُ يَا نَقِيًّا باید خواند فایده حرکات اگر کسی یا نقیا را بتشدید یا و فعاله را
بفتح فا وضم لام بخواند متصرف ومالک همه اشیاء گردد وهر کرا صاحب عمل اجازتی دهد
او را نیز تاثیر وحقیقت هر اسم متمثل شده در نظر آید واگر یا نقی را بقر تشدید و
و فعاله را بکسر فا وفتح لام بخواند هفتاد هفته در خلوت در هر هفته سر دیگر پیدا شود
بعد از ۲۱ هفته عالم سیمیا ظهور یابد وبر او متصرف شود چنانچه سرای دنیا است هم
چنان سرای باطن معمور وآبادان بعجایب وغرایب بیند وهر کرا بخواندن این اسم بخاند برد
وخواهد که عجایب بنماید تواند ودر آنجا نه جمعیت ارواح پیغمبران وشهیدان در نظر آید
طریقه قراءت خُذْ حَرْفاً قُلْ أَلْفاً بعده بدعوت در آید وبدعوت از جمله تصورات
باطل مبرا شود صفت ملکی در خود پذیرد وکم خوردن وکم خفتن وکم گفتن بر خود لازم
گیرد تا کل معلومات در عین عیان او منشرح گردد ومکاشفات ومعاملات باطن نموده گردد

بعده ذکر خواص این اسم ذکر آید و خلوت بی حساب برای دعوت این اسم اختیار کند اینرا
تسبیح اعظم خوانند و در این دعوت عامل شود تا آنکه جمال قدسی در منزل او روی نماید بشرط
آنکه از همهٔ علایق دنیوی دل خود را پاک دارد تا سری بروی کشف کرده که هیچ سالکی را از آن
مقام ظاهر نشده است و چون خلوت اختیار کند باید که بکنارهٔ آب یا لب کوه یا صحرائی
باشد که نزدیک آبادانی نبود چه اگر آبادانی بود همه ویران شود باید که ملاحظه آرد و صاحب
دعوت در خلوت هشیار ماند و در اثنای دعوت شبی از شبها ارواح انبیاء علیهم السلام
باصورت جمیل براو آشکارا شوند چنانکه از پرتو جمال ایشان خانه و محل منور کرده و مقابل او
ایستاده سلام کنند پس بنماز مشغول شوند عامل نیز روی بقبله آورده مشغول باسم باشد
و در قیام و قعود موافقت ایشان نماید امام بعد از فراغ از نماز و بصاحب دعوت آرد و پرسد
که مطلوب تو چیست جواب گوید که بر شما پوشیده نیست و سخن دیگر نگوید و نترسد و بحال خود
مستحکم ماند و خواندن اسم از دست نگذارد باز همان امام ارواح انبیا بپرسد که چه مقصود
داری مسبح گوید که مقصود من دیدار حقست و دانستن حقایق اشیا کما هی امام انبیا جواب گوید
که ما ماموریم بفرمودهٔ تکلم الناس علی قدر عقولهم فامّا چون در سر تو این سودا پیدا شده است
برخیز و همراه ما شو و دل قوی دار و تسبیح اسم اعظم مگذار تا بتو خانقاه نور ابتدیع بگذرانیم
و عجایب و غرایب بنمائیم مسبح با طاعت ایشان مطیع شود بعده ارواح انبیا با مسبح بیشتر قدم
قدم زنند تا بخانقاه اول رسند پیری واحد العین نشسته میباشد و نزد او اسطرلابی
نهاده باشد چون بدانجا رسد سلام کند و عامل از پیر دور و خاموش بقراءت اسم مشغول
بود و جماعت ارواح تا نیز متکلم شود احوال و اعمال و قبولیت مسبح از او بپرسند او بگوید من از علم
قدیم دریافته

قدیم دریافته بودم که این مرد مقبول حضرت است چون جماعت ارواح این سخن را از پیر
بشنوند الحمد لله بگویند و پیشتر شوند تا بخانقاه دوم رسند در آن نیز پیری نشسته باشد
بصورت صاف و صوفی شکل و خوش طبع و دفترها پیش نهاده جماعت ارواح بر او سلام کنند
و حال و مقصود عامل بر پیر اعلام کنند پیر گوید من در کتاب خود خوانده بودم که این مرد از
مقبولان حضرت است جماعت ارواح الحمد لله گفته پیشتر شوند تا بخانقاه سیم رسند در آن
صورتی بینند با حسن و جمال مزامیر طرب پیش خود نهاده باشد جماعت مذکور بر او سلام کنند
او جواب سلام دهد پس حال مسبح بدو بگویند او گوید قبل از این در اسباب ساز معلوم کرده
بودم که این درویش مقبول حضرت است بعده از آن پیشتر قدم زنند تا بخانقاه چهارم رسند
در آن مظهر همهٔ موجودات نمودار شود و خود صاحب دعوت عین نور گردد که نشان آن مرد است
و در آن محل شخصی نورانی موصوف بصفات حمیده پیش او تیغهای بسیار بود و طیور چند
خوش آواز گرد او بگردند و آن جماعت بان روحانی بمکالمه در آیند و احوال مسبح بر آن شخص
اعلام کنند او گوید که من پیش از خلقت آدم ع دانسته بودم که این مرد مسبح مقبول حضرت
است و از آنجا چون بخانقاه پنجم در رسند در آن شخص سرخ رنگ با مهابت نشسته باشد
و تیغ برهنه در دست گرفته ارواح انبیا بر او سلام کنند و حال مسبح اعلام نمایند
آن شخص گوید من پیش از این بچند هزار سال دانسته بودم که این مسبح مقبول حضرت است
و از آنجا چون بخانقاه ششم رسند در آن پیری نورانی که آثار سعادت و خوشخوئی
در او پیدا بود و کسوت علماء و قضات پوشیده نشسته باشد و چشمهٔ آب پیش او روان بود
ارواح انبیاء بر او سلام کنند او جواب گوید و در اثنای کلام حال مسبح از او بپرسند

او گوید که در لوح محفوظ خوانده بودم که این مرد مقبول حضرتست پس از انجا بخانقاه هفتم
روند ودر ان پیری سیاه رنگ با مهابت تمام وصلابت وغیور نشسته وپیش وی بسیار اشیای
مختلف الجنس نهاده باشد چون جماعت ارواح باو رسند سلام کنند وحال سالک معلوم
کنند او گوید من پیش از این بچند هزار سال دانسته بودم که او مقبول حضرتست از انجا
کذشته بخانقاه هشتم رسند همهٔ اشیای عجیب وغریب که در منازلهای کذشته دیده
باشند در این خانقاه مجموع حاضر اید وجماعتهای مختلف الاحوال والاعمال بینند که بعضی
در رکوع وبعضی در سجود وقومی بقیام وکروهی بقعده وطایفهٔ بتسبیح وجماعتی بذکر
لا اله الا الله محمد رسول الله وبرخی بذکر لا اله الا الله علیٌ ولیُّ الله وطایفهٔ بذکر
لا اله الا الله ابرهیم خلیل الله واندکی بذکر ادم صفی الله وقومی بذکر اسمعیل ذبیح الله
وطایفهٔ بذکر عیسی روح الله وجمعی بذکر موسی کلیم الله وکروهی بنماز جماعت وقومی بنماز
منفرده وجماعتی بقراءت الا ان اولیاء الله لا خوفٌ علیهم ولا هم یحزنون
مشغول باشند وهمه باحوال واقوال خود مستغرق ودر ان خانقاه قنادیل کرد وبر کرد او اویخته
باشد ومستجرا بعضی شناسند وبعضی نه وچون جماعت ارواح انبیا بدیشان رسند سلام
کنند وان قوم همچنان که اواز سلام شنوند جواب سلام باز دهند وبنماز مشغول شوند باید
که سالک مراقب حال خود باشد ومتابعت ارواح انبیا وتماشای عالم روحانی کنند ناکاه مهتر
انبیا برخیزد وندا در دهد که یا عباد الله المخلصین العارفین الصالحین اسمعوا اسمعوا
اسمعوا چون سه کرت این سخن بکوید ان غلغله واشوب وغلبهٔ تسبیح وتهلیل ساکن
کردد وجماعت ارواح خاموش شده مستمع کردند مهتر انبیا علیه السلام خطبه بخواند که

وتحمید خدای

وتحمید خدای تعالی بکند ودر اثنای خطبه فرمان شود که ای مقربان حضرت در حال این
مسبح چه میگویند مقربان جواب گویند که مسبح مقبول حضرت خداست چون این بشارت
بشنود از ان منزل درگذرند وچون بخانقاه نهم رسند در ان پیری عالم وبزرگ
نشسته بینند ارواح انبیا براو سلام کنند ان پیر جواب گوید ومهتر انبیا ان پیر را برادر خود
خواند ودر مسایل کتب اولین واخرین بحث کنند وچنان تصور شود که هر موی ان پیر تکلم
امده است وبصورت بشر خود را نماید ومهتر انبیا علیه السلام فرماید که در حق این
مسبح چه فرمان شده پیر گوید من در علم قدیم قبل ازین چند هزار سال دیده بودم که این
مسبح از برکت دعوت این اسم مقبول حضرت حق تعالی است در اثنای دعوت کارهای
دنیای او بسیط شوند واطلاع ناسوت وجبروت وملکوت ولاهوت او را میسر شود
ارواح انبیا صاحب خانقاه را بگویند که حال این مسبح بیشتر چیست پیر گوید ازاین محل
پیشتر لامکانست وفیض بی نشان من از عالم لامکان میرسانم جماعت انبیا گویند
بارک الله بعد از ان پیر وجماعت ارواح انبیا متفق شده رو بسوی عالم غیب کرده
بمناجات در ایند وبگویند ای خالق کل مخلوقات وای صانع کل مصنوعات وای پاک
کنندهٔ دل مؤمنان از مغشوشات این مسبح را قبول کن ناگاه از عالم وحدانیت صدا براید
ودر ان صدا اینمعنی ثبت باشد که ای بهتر عالم وبهتر ادمیان بدان واگاه باش که امروز که
که این صاحب دعوت دعوت میکرد همان وقت او را قبول حضرت خود گردانیدم
وهر فرزند ادم که این اسم را بسیار گوید درجات انبیا واولیا در نامهٔ او ثبت شود بعد
از ان او را بعظمت خیز ذکر ارجعوا ارجعوا ارجعوا سه کرت این صدا بشنوند جماعه ارواح

ی هذا الدعوه کفر وزندقه لا یقال الا الله ولکن قال اولیاء الشیطان

۱۴۰

انبیا ازان مقام باز کردند واو نیز همراه ایشان باز کردد و مصرفات خانقاهها از خانقاهی
تا بخانقاهی با جماعت و لوازم خویش با ارواح انبیا و مشایخ تا نشستگاه مشایخ برسند و دست
صاحب دعوت بوسیده او را کنار کرفته وداع کنند و از نظر غایب شوند صاحب دعوت را
از فراق ایشان کریه وزاری و بیقراری پدید اید چه اکر مسافری هزار سال سیر کند چنین
عجایب و غرایب نه بیند و صاحب این دعوت باید که هشیار باشد و در وقت رحلت
تصرف این اسم بمریدی یا بفرزندی قابل بخشد تا تصرف او بعد از او قایم باشد و باید
که دعوت این اسم در مکانی کند که اصلا اکثر ادمیان در انجا نیفتد و بی اجازت مرشد
کامل متوجه دعوت نشود که بیم اسیب بود والسلام
ایضا طریق دعوت ملک الارواح سلطان جن بدانکه برای تسخیر جن اسم اعظم است
این است یا حنان انت الذی وسعت کل شیء رحمة وعلما یا حنان بخواند
بدین طریق که اول شرایط دعوت قدسی بجای اورد چنانچه قبل ازین مسطور شده بعده
بدعوت در اید و مدت این دعوت تا هفت هفته بود و در هر هفته علامتی ظاهر شود بظاهر
شدن ان دل قوی دارد علامت اول انکه چون سر ور دبکند ر که این اسم را بسیار خوانده
باشد عالم بچشم سبز نماید باید که دل قوی دارد علامت دوم انکه روز هفتم دو تن نزد
صاحب دعوت ایند دیگر ملا یا دیگر خلا و کویند که ای فرزند ادم مقصود تو ازین دعوت چیست
برخیز و بکار دنیا مشغول شو مبادا تو را نقصان رسد باید که جواب نکوید و اسم را بلند بخواند
و نترسد والا بیم هلاک بود علامت سیوم انکه چون روز دهم یا سیزدهم در خلوت
رود و مشغول بدعوت شود و منتظر وقت باشد تا چه حال پیدا شود ناکاه مرغی سبز مانند همای
بر سر او بنشیند

۱۴۱

برسر او بنشیند و بانک کند و از جنس و مرغان کوچك تر از او بسیار جمع شوند و بانکهای عظیم
کنند و بنشینند باید که صاحب عزیمت دل قوی دارد و اسم مذکور را بلند بخواند و وفق
این اسمرا بروی خود بیاویزد بعد از ان مرغان بروند باید که دل قوی دارد و نترسد
علامت چهارم آنکه بروز هفدهم چون اسمرا بطریق اوّل میخوانده باشد بعد از نماز دیکر
در خلوت او شخصی مرقّع پوش بشکل درویشان درآید و سلام کوید باید که صاحب دعوت
بجز علیك چیز دیکر نکوید تا بدعوت خلل نیفزاید آن شخص زمان دراز بنشیند و سخن پیش
آید اکر صاحب دعوت بجز خواندن دعوت بچیزی مشغول شود هلاك کردد علامة پنجم
آنکه روز بیست و هفتم هر که پیش او از جن و انس و دیو و پری و مؤمن و کافر بکذرد بنور
باطن مقصود ایشان دریابد امّا باید که اسرار پنهان دارد تا دعوت تمام کردد علامت ششم
آنکه روز بیست و هشتم تا چهلم در میان مندله مربع بنشیند و دعوت بخواند چون دعوت
تمام شود و شب درآید چراغدان سبز پیدا کند و وفق این اسم در ان بکذارد و روغن
زیت و یاسمین در ان کند و پنج شب یا هفت شب چنین کند ناکاه چهار مرد پیش مندلهٔ
او پیدا شوند و کویند ای فرزند ادم برخیز و از دایره بیرون آی مقصود تو چیست اکر
مال خواهی بدهیم و اکر عاشقی معشوق را بتو رسانیم و اکر علم خواهی بیاموزیم و اکر دشمن داری
هلاك کنیم و سوکند یاد کنند که هرچه مطلوب تو باشد و اکر داینم باید که هیچ نوع سخن نکوید
و از مندله بیرون نیاید و از جای نجنبد که بیم هلاك بود علامة هفتم آنکه در روز چهلم
غلغله پیدا شود و زلزله در خانه افتد و شمعها و مشعلها بیند در روز یا در شب و جمعی
هریکی چراغهای سوزان برمرکبی سوار بصورتهای مختلف پیدا شوند باید که حاضر

۱۷۲

۱۴۲

وقت خود باشد واسم ابتوا تر بخواند و نترسد ناگاه در میان ایشان سلطانی سوار بر شیر بامهابت درویش مثل بدر درخشنده خرامان ماهی بدست گرفته و بر اطراف او غلامان طبقهای نثار بر دست گرفته و او ملك الارواحست و سی هزار پری دیگر خدمتش حاضر چون بیاید سلام کند باید که صاحب دعوت برخیزد و دو دست بر سینه گذارد و جواب سلام باز دهد و قطعًا سخن دیگر نگوید و بخواندن اسم مشغول باشد تا ملك گوید ای فریدهٔ خدای عالم و ای عالم عامل علم ربانی و ایدیدهٔ در باب انسانی و ای فرزند آدم خلیفهٔ حقانی مطلوب تو چیست صاحب دعوت گوید که خدای آسمان و زمین از تو خوشنود باد مراد من آنست که مرا بلشکر خود بنمائی تا بهر حاجتی که مرا باشد مدد باشند و نکبت از کار من دور کنند و هر چه رضای من باشد آن کنند و بهر مکانی که خواهم حاضر شوند و معاونت کنند و نظر محبت و مودت از من باز نگیرند بعده ملك الارواح او را بلشکر خود بنماید و همه فرمان بردار ند و ملك فرمان بردار او گردد و با او آشنائی و رزند آنگاه بسیار عجایبها بیند و همهٔ خلق بوی محتاج گردند و این اسم دعوت سلیمان پیغمبر است ع وقتی که حضرت سلیمان ع دعوت این اسم کرد پنج موکلان حاضر آمدند و مسخر گشتند و معجزهٔ پیغمبری را باستکمال رسانیدند تمام جای آتشی و بادی که در امور موکلات بودند همه در امر حضرت سلیمان ع حاضر گشتند و فرمان بردار شدند واسامی موکلات

اینست شایالٍ دروبالٍ شفیالٍ نضرةٍ یالٍ فویالٍ والسلام

دعوت حرکات

ایضًا اگر کسی خواهد که علم سیمیا و هیمیا و ریمیا و کیمیا حاصل کند باید که در دعوت حرکت الفاظ مشغولی نماید که در تحت هر اسم سر علم غیر از کیمیا مندرجست و علم کیمیا خاصهٔ اسم ۱۷ ت از اسماء اعظام اینست یَا مَنَّانُ ذَا الْاِحْسَانِ قَدْ عَمَّ کُلَّ الْخَلَآئِقِ مَنُّهُ وَفَضْلُهُ یَا مَنَّانُ

بتاثیر اسماء

حرکات موکل حروف گویند هستند

بتاثیر اسماء جلالی عالم جلال وجمال مانند ان پیش عامل ظهور یابد بدانکه هر چیز را موکلیست که اگر موکل نبود ان چیز برهم خورد همچنین موکل حروف وکلمات حرکاتست اگر حرکات نباشد حروف وکلمه بتعطیل اید وهر کو معنی اسمای کونی والهی بصورت نگیرد وامر خلا وسول او جاری نبود یقین دان که حقیقت عالم علوی وسفلی بحرکات مسطور است هر که دعوت حرکات بجا ارد اکثر مغیبات او را ظاهر گردد ودر این دعوت سری از اسرار الهیست که اکثر از این سر اگاهی ندارند وباین دعوت پیش از پیر خود شیخ عیسی وایشان از حضرت شیخ لشکر محمد عارف وایشان از حضرت شیخ محمد غوث رحمة الله علیهم اجمعین رسیده باید که اول شرایط بجا اورد در عروج ماه روز پنجشنبه ترتیب غسل ودو گانه مذکوره عمل نماید بگذرد بر نیت نصاب ۴۴۴۴ بار در موضع واحد بخواند وبر نیت زکات روز جمعه بر ترتیب مذکور شروع کند تا هفت روز هر روز ۷۰۰۰ بار وبر نیت عشر در جمعه ثانی ۷۰۰۰ بار دوگانه واحد وبر نیت قفل روز شنبه اول رود وفاتحه واخر اخلاص ووسط اسم اعظم همچنین ۹۹ بار بخواند وبر نیت دور ومد ور جمله شمار مذکور یکی بدو کیر دو بخواند وبر نیت بذل ۷۰۰۰ وبر نیت ختم ۱۲۰۰ بار بخواند واین شرایط وفق اعداد نیز کفایت کند هر که این شرایط بجای ارد صاحب دعوت حرکات الفاظ و وفق اعداد گردد طریق دعوت دیگر یابد اول موکلات کند بدین سند که تمام حرکات اسم بشمارد وملاحظه کند که اهل فن بچند نقاط هر حرکات را تعیین کرده اند بپیش از پنج زبر از چهار زیر از سه جزم از شش تشدید از هشت نقاطست وحرکات هر کلمه اسم را بحساب نقاط جداجدا رقم زنند واز ان رقم حروف ملاحظه ان

۱۴۳

دعوت حرکات

گوچه

حروف متحرک والف ساکن را با کلمه بسمل ضم ساخته موکل کشد هر نوع که کشیده شود

از آحاد و عشرات و مات و الوف هر وجهی که بربط یابد مقدم یا مؤخر جایز است

چون از هر کلمه اسم موکل را کشیده باشد بعده الفاظ حرکات اسم را جمع کرده بطرز

هند سه بنویسد از آن دو موکل کشد بدین سند اگر الوف باشد از آحاد تا الوف

و اگر نه از آحاد تا مات و اگر نه از آحاد تا عشرات آنچه ازین ارقام باشد یک موکل

کشد دیگر اگر الف باشد از الوف تا آحاد و اگر نه از مات تا آحاد و اگر نه از عشرات تا آحاد

آنچه ازین عدد باشد موکل دو میباشد باز الف را ترک دهد از مات تا آحاد موکل

کشد باز مات را ترک دهد از عشرات تا آحاد و موکل کشد باز عشرات را ترک دهد از

آحاد تا دو عدد و موکل کشد باز عشرات را ترک دهد از آحاد اگر یک بماند بگذارد که

صلاحیت تقسیم ندارد آنچه سند استخراج موکلات بود بیان افتاد الا آن بطریق

دعوت آید بدانکه جمله اسم در شکل طاق آید یا جفت بسفال آب نوشیده ثبت نماید

و بمجره مدفون سازد و بعده حرکات اسم اعظم را معلوم کند و از آن حرکات بترتیب

مذکور نقاط کشیده جمع کند و آن جمع را دیگر ۹۹ ضرب نموده حاصل ضرب را در ۹۹ روز

قسمت کرده عدد مقسوم هر روز بر سر آن شکل نشسته بضم موکلات داعی باشد انشاءالله

سریع الاجابت خواهد شد و هر آن عدد که قابل قسمت نباشد بروز آخر بموکلات مذ

کور ضم ساخته بخواند والسلام

باب دویم مقسوم بر پنج فصل است فصل اول در قدری از دعاء حرز محمود فصل دویم

در دعوت اسماء جبروتی کن فیکون فصل سیم در بیان حروف و صورت و خواص آن

و حروف تهجی

نوص

۱۴۴

وحروف تسمیه وشرایط عامل واصول جملهٔ حروف عربی وجدول قسمت ایشان بکواکب
وطبایع ومنازل وجنیه وموکل برای عمل فصل ۴ در تسخیر حروف وکیفیت عمل و
وتصرفات حروف فصل ۵ در تکسیر حروف وضابطها وتصرفات سلف فصل اول
در دعوت دعاء حرز محمود بدانکه این حرز جامع همهٔ ادعیه وجامع اسماء عظام حق تعالی است
ودر اجابت سرعت دارد واکثر خواص حرز ظرف مشترك راجعست برای امور دینی و
دنیاوی والهی واجابت دعا ودفع دشواری وبرای عزت وعظمت وکبریا وکمالیت وغنا
وقرب وامنیت ومرتبهٔ ولایت اولیا وبرای حصول علم ظاهری وباطنی وعلم مرض حق وتقوی
وتصفیهٔ قلوب وتزکیهٔ روح ودرازی عمر واولاد وسعت رزق وحصول امور دنیا
نظیر ندارد وجهت دفع فقر اضطراری وفتح فتوحات وجلب قلوب وقلب نفوس وفتح ونصرت و
علو درجات وقلب قلوب ورد اعداء وتسخیر خلایق اسمان وزمین وبر وبحر وعناصر اربعه
واطاعت ملك وملکوت وبرای طلب ومحبت واطاعت جملهٔ سلاطین ووزراء وامراء
وحکام وعلما وفقرا وزهاد وعباد وعشاق وعرفا وتجار وعسکر وقضات وخورد و
بزرك ومردان وزنان ازجن وانس وتسخیر کواکب سبعه وطبایع وکشف مخزون
ومستور وقتل اعداء وپناه ازایشان وبشارت خواب نمودن بخلق خدا وتسخیر ارواح ملك
جن وانس وبرای فیض رسانیدن بارواح ابا واجداد وامهات واقرباء خود موثر است
واز عمل بااستقامت معلوم خواهد شد واکر بیك مقصدی ازمقاصد مذکور دعوت
کند باید کریوم مقصود کرفته داعی باشد ودر این دعاء اکثر اسماء اجابة را کداز انبیاء
واولیاء بزرك منقولست اورده شده خصوصاً از ادم صفی ع وابراهیم ع ویوسف ع

و موسی و عیسی و داود و سلیمان و بعضی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و بعضی از
حضرات ائمه معصومین علیهم السلام و از بعضی اولیا مثل حسن بصری و حبیب عجمی و
عبدالواحد زید و بایزید بسطامی و عبدالقادر گیلانی و شیخ الشیوخ سید جلال بخاری
و شیخ محمد غوث از هر یک بزرگ که نقل صحیح از نبی یا ولی که عیان شد جمع کردیم و عامل
شدیم و بسیار مؤثر یافتیم و مجرب کرده فقراست باید که از نا اهلان پوشیده دارد اگر
در چهارده محل این حرز را بر ۱۴ رکعت نماز صلوة القادر که بهر محل دو رکعت بگذارد
و بهر رکعت بعد از فاتحه آیه قل اللهم را تا آخر ۱۴ بار تا ۱۴ روز بطلوع قمر ابتدا
از یوم مقصود کند فی الحال مقصود روی نماید طریق ورد و عمل نیم شب بعد از وضو و تحیة
رو بقبله بر مصلی ایستاده شروع کند و درین حرز ۱۴ اشارات اجابتند و بهر اشاره
بتصور عزم عالم علوی کند و درون اشارتها بر یک یک مقام علوی بتصور آورده بخواند
و دعای اشارت را سه بار بخواند اگر برین استقامت یابد هر مقصدی که درین حرز مسطور است
بنقد دریابد و سیر و طی مقامات علوی دست دهد و آنچه گفتیم از عمل معلوم خواهد شد
و آن مقامات علوی اول بفلک قمر دویم بفلک عطارد سیوم بفلک زهره چهارم
بفلک شمس پنجم بفلک مریخ ششم بفلک مشتری هفتم بفلک زحل هشتم بفلک
کرسی نهم بفلک عرش دهم بعالم مثال یازدهم بعالم ارواح دوازدهم بعالم الوهب
سیزدهم بعالم غیب چهاردهم بعالم سفلی بسجودات متصور باشد بنوعی که در عین حرز
انشاء الله بمحل خود گفته خواهد شد بعمل آرد طریق شرایط ۹ عدد را در ۳۰۰ ضرب
کند و حاصل ضرب را تا مدتی که تواند بخواند و آن عدد را که روز اول میخواند هر روز همان
عدد را بخواند

عدد را بخواند واگر روز بروز زیاده کند جایز است اما ازان کم نکند تا شرایط ساقط نشود
طریق دعوت ۹ عدد را در ۱۲ ضرب کند وحاصل عدد را در ۹ روز قسمت کرده
بخواند هر انعدد که قابل قسمت نباشد بروز آخر بخواند سریع الاجابت گردد دویم طریق دعوت
۹ عدد را در ۴۱ ضرب کرده عدد مستخرج را بر ۲۸ روز قسمت کرده بخواند واگر تاخیر بیند
۲۸ را در ۴۹ ضرب کرده عدد مستخرجه را بر ۴۹ روز قسمت کرده بخواند وهر بار اسم
مقصود کرت تکرار کند وطریق صوم واحتیاط عمل ودعوت ودوگانه بنوعی که قبل ازین مسطور
شده بدان عمل نماید ودر دعوت اول وآخر اعتصام بخواند ودر میان حرز تنها بخواند
واول صلوات وسلام بر پیغمبر بفرستد بدین سنک بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ
اَلصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ عَلَیْکَ یا مُحَمَّدِ الْعَرَبِی اَلصَّلٰوةُ وَالسَّلَامُ عَلَیْکَ یا محمد القرشی الصلوٰة والسلام
علیک یا محمد المکی الصلوٰة والسلام علیک یا محمد نبی الله الصلوٰة والسلام علیک یا محمد رسول
١٤٧ الله الصلوٰة والسلام علیک یا محمد حبیب الله الصلوٰة والسلام علیک یا شفیع الدارین
الصلوٰة والسلام علیک یا قرة العینین الصلوٰة والسلام علیک یا جد الحسن والحسین
الصلوٰة والسلام علیک یا ابا الفاطمة الزهراءِ الصلوٰة والسلام علیک یا صاحبَ
المنبر والمعراج محمد رسول الله اغثنی اغثنی وامددنی فی الدنیا والآخرة اَللّٰهُمَّ
صل علی محمد بعدد من صلی علیه صل علی محمد بعدد من لم یصل علیه وصل علی محمد بعدد
انفاس المخلوقات وصل علی محمد بعدد اللوح والدعوات وصل علی محمد بعدد ما خلق فی
البدایات والنهایات من المعدوم والموجود الی ابد الآباد من اول ازله واوسط حشره
وآخر بقائه وصل علی محمد بعدد اللمحات واللحظات من الایام واللیالی والساعات

١٧٥

١٤٨

الى يوم الدين وصل على محمد كما تحب وترضى ان تصلي عليه وصل على محمد كما امرتنا بالصلوة عليه
وصل على محمد مادامت الصلوات وبارك على محمد مادامت البركات وارحم على محمد مادامت
الرحمة وصل على روح محمد في الارواح وصل على جسد محمد في الاجساد وصل على قبر محمد
في القبور وصل على تربة محمد في التراب صلوات الله وملائكته وانبيائه ورسله وجميع
خلقه وسلامهم ورحمتهم وبركاتهم وتحيتهم وتحنيتهم بعدد ما ظهر من
العدم وبعدد ما بطن من الموجود الى العدم ما في كينونية عوالم علم القدم على سيد المرسلين
محمد خير العالمين وعلى آله واصحابه واوليائه وازواجه وذرياته وجميع اهل طاعته
وعترته الطاهرين وعلى جميع الانبياء والمرسلين والملائكة المقربين وعلى عباد الله
الصالحين الى يوم الدين آمين آمين آمين يا رب العالمين والحمد لله على توفيق الطاعة
واستغفر الله على التقصير والغفلة سبحانك ما عبدناك حق عبادتك برحمتك يا
ارحم الراحمين بعده اين اعتصام را بخواند بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله
اوله بسم الله اوسطه بسم الله آخره بسم الله وبالله والى الله وعلى الله فليتوكل المؤمنون
بسم الله شافي بسم الله كافي بسم الله وافي بسم الله كافي بسم الله معافي بسم الله خير الاسماء
بسم الله رب الارض والسماء بسم الله الذي لا يضر مع اسمه شيء في الارض ولا
في السماء وهو السميع العليم يا علي يا هادي يا قدير يا جليل يا متكبر يا خالق من في السموات
والارض اللهم احفظنا من نحوست الشمس والقمر والمريخ والعطارد والمشتري والزهره
والزحل والراس والذنب بحق يا الله يا احد يا صمد يا من لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا
احد يا حافظ يا عاصم يا عفو يا شفيع واعتصمنا بك منك انك على كل شيء وكيل ربنا

اعوذ بك

اعوذ بك من شر الجن والانس والاهرمن والشياطين والارواح والملك والملكوت
ومن شر كل ما خلق وخلقت بقراءة هذا الدعاء الحرز المحمود يا خفي الالطاف نجنا
مما نخاف ربنا انك قديم واحسانك قديم يا قديم الاحسان احسن الينا باحسا
نك القديم انك على كل شيء وكيل ربنا انك مسئول يا مسئول السائلين انا
نسألك خير المساء وخير الصباح وخير القضاء ما جرى به القلم انك على كل شيء وكيل ١٤٩
ربنا لا تقتلنا بغضبك ولا تهلكنا بعذابك وعافنا من بلائك قبل ذلك
ولا تطردنا من بابك ولا تيئسنا من رحمتك وروحك ولا تبعدنا من كنفك
وجوارك واعذنا من سخطك وغضبك وكن لنا انيسا من كل روعة ووحشة
واعصمنا من كل هلكة ونجنا من كل بلية وآفة وعاهة وغصة ومحنة وشدة
في لدارين انك على كل شيء وكيل ربنا وارحمنا ولا تعذبنا واثرنا ولا تؤثر
علينا وارضنا وارض عنا واعنا ولا تعن علينا وكن لنا ولا تكن علينا واحفظنا
ولا تضيعنا وانصرنا ولا تخذلنا واسترنا ولا تفضحنا وزدنا ولا تنقصنا واعزنا
ولا تذلنا واكرمنا ولا تهنا واعطنا ولا تحرمنا ولا تسلط علينا من لا يرحمنا في
لدنيا والاخرة انك على كل شيء وكيل ربنا ان ذنوبنا قد عظمت وانت اعظم منها
ومن كلها فافعل بنا ما انت اهله ولا تفعل بنا ما نحن اهله انك على كل شيء وكيل
ربنا اصلحنا واصلح فساد قلوبنا واصلح فساد احوالنا واصلح فساد صدورنا واصلح
ولاية امورنا واصلح ولاية امورنا واصلح ذات بيننا واصلحنا بما اصلحت به
عبادك الصالحين يا من اظهر الجميل وستر القبيح ويا ساتر كل معيوب يا ساتر العورات

یا عظیم العفو یا واسع المغفرة انک علی کل شیئ وکیل ربنا انک شافی یا شافی اشف
مرضنا ومرض المسلمین وارحم موتنا وموت المؤمنین واقض حوایجنا وحوایج المحتاجین
انک علی کل شیئ وکیل ربنا انک حفیظ یا حفیظنا یا حبیبنا احفظنا من بین ایدینا
ومن خلفنا وعن ایماننا وعن شمائلنا ومتعنا باسماعنا وابصارنا واجعلهم الوارث
منا وانصرنا ربنا علی من ظلمنا ولا تجعل لنا انت مولانا وامنعنا عن اذی کل مسلم
ومسلمة انک علی کل شیئ وکیل ربنا انک خالق النور اخرجنا من الظلمات الی النور
یا خیر المدخل یا خیر المخرج یا قریب السمع یا سمیع القرب یا مجیب یا معطی انک علی کل
شیئ وکیل ربنا انک صادق الوعد انک قلت ادعونی استجب لکم وقلت فی ام
الکتاب یمحو الله ما یشاء ویثبت انک لا تخلف المیعاد یا ذا الوعد والوعید انک علی
کل شیئ وکیل و ۷ بار یا وکیل گفته بعد از آن بگوید یا وکیل توکلت علیک یا وکیل
المتوکلین وصلی الله علی خیر خلقه محمد وآله اجمعین وبگردد دست دمیده بر اعضا
فرود آرد بعده درود گفته یکبار مع تسمیه استغفار بخواند استغفر الله الذی
لا اله الا هو الحی القیوم واتوب الیه استغفر الله من کل ذنب اذنبته عمداً او خطاءً
او سراً او علانیةً واتوب الیه من الذنب الذی اعلم ومن الذنب الذی لا اعلم وانت علام
الغیوب لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم انت السلام ومنک السلام
والیک یرجع السلام حینا ربنا بالسلام وادخلنا دار السلام تبارکت ربنا وتعالیت
یا ذا الجلال والاکرام اللهم لا مانع لما اعطیت ولا معطی لما منعت ولا راد
لما قضیت ولا ینفع ذا الجد منک الجد الهی انظر بکرمک ورحمتک وعفوک

ولا تنظر الی

وَلا تنظر الی معصیتی وذنوبی وتقصیراتی فاغفرلی وَاَجب سؤالی یاکریم العاصین ویا
رَحیم المذنبین و یاعفو المقصرین بعد ه صلوات کفتد این اعتصام را بخواند و باید که
بدعوت هر بار این اعتصام با تسمیه بخواند تحصّنت بالّذی له الملك والملکوت
واعتصمت بالّذی له العزّة والجبروت وتوکّلت علی الحیّ الّذی لاینام ولایموت
لاحول ولاقوّة الّا باللّهِ العلی العظیم وصلّی اللّه علی خیر خلقه محمّدٍ واله اجمعین
حرز محمود این است بِسمِ اللّهِ الرّحمٰنِ الرّحیم بسم اللّهِ الملك المبین المغفرة
مِن العبد الذّلیل الی المولی الجلیل الغفار یاکافی یا هادی یا عالم یا رزّاق یاحلیم
یاحمید یا صادق اسالك باسمك بِسم اللّه الرّحمٰنِ الرّحیم الّذی لا اِلٰهَ اِلّا هُوالحیّ القیّوم
وَاَسَألُكَ باسمك بِسمِ اللّهِ الرّحمٰنِ الرّحیم الّذی لاتاخذه سِنَةٌ ولا نوم واسالك باسمك
بِسم اللّهِ الرّحمٰنِ الرّحیم الّذی ملات عظمته السّموٰاتُ والارض واسالك باسمك بِسمِ اللّهِ
الرّحمٰنِ الرّحیم الّذی عنت الوجوه وخضعت له الابصار وجلت القُلُوبُ من خشیته
اَن تصلّی علی محمّدٍ وال محمّدٍ وان تعطینی حاجاتی کلها امنابك یا اللّه العلی العظیم وتو
کّلنا علیك یاحیّ یاقیّوم لاحَولَ وَلاقوّةَ اِلّا بِكَ اَللّٰهُمَّ اِنّی توجّهت الیك و
فوّضت اموری الیك یا قایمُ یا دایمُ یا فردُ یاوِترُ یا اَحدُ یامالك الملك ذاالجلال
والاکرام برحمتك استغیث جرمی عظیم وعفوك کبیر فاجمع بین جرمی وعفوك یاعفوّ
یاعطوف یا رؤف یا رافق یاغفور یاشکور یارحیم انت الاوّل الّذی لااوّل قبلك
وانت الاخر الّذی لااخر بعدك وانت الظّاهر الّذی لاظاهر علیك وانت الباطن
الّذی لاباطن معك یامسهّل سهّل کلّ صَعبٍ ویامسبّب سبّب ویامیسّر یسّر کلّ عسیرٍ

١٧٩

١٥٢

فان تيسير العسير عليك يسير يا سميع انك لتسمع كلامي وترى مكاني يا عليم انت تعلم سري وعلانيتي لا سر عليك استر شيء من اموري انا البائس الفقير المستجير المستغيث المعترف بذنبي اسالك سالة المسكين وادعوك دعاء الخايف الضرير من خضعت لك رقبة وقادت لك عيناه وذل جسده ورغم انفه اعتمادي عليك وتضرعي اليك لا تقربني من الشر ولا تباعدني من الخير يا قدير يا بصير يا سريع في اجابتي وعجل في حاجتي يا ولي يا علي يا عظيم يا عزيز يا رشيد يا كبير يا كامل يا كريم يا نور يا غني الذهر يا داخل المدخل اصبحنا في جوارك وامسينا في امانك وتولنا بولايتك وعلونا باعلامك وعظمنا بعظمتك واعزنا بعزتك وارشدنا بارشادك وكبرنا بكبريائك وكملنا بكمالياتك وكرمنا بكراماتك ونورنا بانوارك واغننا بغنائك و ادخلنا في درجة اولياء كبارك واهنفنا والهمنا باخبارات صدقك وتقبل دعاءنا بكل مادعوتك وافتح معايبنا بمفاتيح غيبتك وانت على كل ذلك قدير يا مخرج اخرجنا من ظلمات الوهم واكرمنا بنور الفهم بحقك علينا يا حق يا صادق لم يخطا فراستي في اشيائك ولم يخطا علمي في معلوماتك ولم يخطا عملي في قدرك ولم يخطا نظري في منظوراتك ولم يخطا سمعي في كلامك ولم يخطا كلامي في غيبك ولم يخطا ارادي في ارادتك ولم يخطا وجودي في ظهورك ووفقنا لمرضاتك وثبتنا على دينك وطاعتك وارسل الي واحنا شوارق انوارك وافض على نفوسنا بوارق آثارك العقل قطرة من قطرات بحار ملكوتك والنفس شعلة من شعلات نار جبروتك وانت ذات فياضة تفيض منه جواهر روحانية لا متمكنة ولا متحيرة ولا منفصلة

١٨٥

١٥٢

مُنفصِلةٍ وَلا مُتَّصِلةٍ مُبرّاة عن الاحياز والوصل والبين يا الٰه جميع الموجودات
من المعقولات والمحسوسات يا عالم السّر والخفيّات يا ظاهر الضمير المعلومات يا
كاشف الظلمة والممنوعات لا يخفى شيء منك ولا محجوب غايب عنك ولا مستور
بطن البواطن عن ضياء نورِ ذاتك في صفاتِكَ يا هادي اهدني يا مبين يا بين لي
يا عليم علمني يا خبير اخبرني يا بشير ابشرني انك انت علّام الغيوب يا عالم الغيوب
فلا يفوت شيء من حفظك فاعلمني كما هو كان في علمك واعلمني كما هو كان في قدُ
رتِكَ وابصرني كما هو كان في ظهورك واسمعني كما هو كان في غيبك واكلمني كما
هو كان في لوحك وافعلني بخير صلاحك وامنعني عن العلم والعمل والبصارة والسّماع
والكلام والارادة والحيوة عدمك وارزقني وجود واجدك عن قدرتك
مع الاظهار شهودك وخذ بناصيتي الى الخير مع هدايتك يا رفيق يا شفيق
يا قوي يا متين لا تؤمني مكرك ولا تنسني ذكرك ولا ترفع عني سترك ولا تو
لني غيرك ولا تجعلني من الغافلين الٰهي وارزقني ذكرك في قلبي وفكرك في روحي
وحكمتك في عقلي وحيوتك في جسمي وشهودك في عيني وكلامك في سمعي وعلمك
في لساني وعملك في فعلي وارادتك في مرادي ونورك في نفسي وظفرك في قولي
واثرك في نفخي وفتحك في سيفي وسلاحك في يدي انك قريبٌ مجيب يا مجيب
لا تجعلني بدعائك شقيًا وكن بي رؤفًا رحيمًا ٥ يا سلطاني يا احدي يا صمدي
يا ممدي من عندك مددي اياك نعبُدُ واياك نستعين يا ربّ يا ربّ يا ربّ اجعل
جلوسنا لك خالصًا واجعل قيامنا لك خالصًا واجعل كلامنا لك خالصًا واجعل

١٥٤

سكوننا لك خالصًا واجعل عمالنا لك خالصًا وظهر قلوبنا من الشك والشرك والنفاق
والرياء وصيقل بطوننا بالحق واليقين والاتحاد والضياء وزين السنتنا بالذكر
والحمد والصدق والثناء ياذا العظمة والسلطان ياذا العفو والاحسان ياذا الاسماء كلها ياذا العز والبقاء ياذا الالاء والنعماء ياذا الفضل والبقاء ياذا الجود
والسخاء اسالك تمام نعمتك ودوام عافيتك وقوام شهودك وحضور معرفتك
متصلة ولا منفصلة يا معبود انت الرب وانا العبد انا العواد الى الذنوب وانت
العواد الى المغفرة يا راحم المساكين يا راحم العبرات يا رحيم لمن يشاء يا وهاب
هب لنا قلبًا نقيًا من الشرك بريًا لا كافرًا ولا شقيًا يا حي قبل كل حي يا حي بعد
كل حي يا حي الذى يرزق كل حي يا حي لم ترث الحيوة من حي يا حي الذى يحيي
الموتى يا حي لا يموت ابدًا ابدًا يا حي يا قيوم لا تاخذه سنة ولا نوم يا حي بلغ
عمري الى مائة وعشرين سنة ومدالى الى يوم القيمة مع العافية والقرب والصلاحية في الدنيا والاخرة يا سامع النداء يا مجيب الدعاء يا واهب العطايا وارزقني
رزقًا واسعًا وعلمًا نافعًا وعملًا صالحًا واجعلني في الدنيا والاخرة ومن المقربين يا من
اطعمني واسقاني يا من يرزقني وربانى يا مطعم لكل طعام يا ميسر لكل شيء
يا مغني من استغناه يا مغني البائس والفقير يا معيني عند تفرقتي يا ملجاى
عند اضطراري يا شارح اشرح لي صدري ويسر لي اموري يا شاهدًا غير
غائب يا قريبًا غير بعيد يا غالبًا غير مغلوب يا خالقًا غير مخلوق يا رازقًا غير
مرزوق يا عابدًا غير معبود بك استغيث فاغثني وعليك توكلت فاكفني يا كافي
فاكفني المهمات

فاكفنا المهمات من امور الدنيا والاخرة يا رحمن الدنيا والاخرة ورحيمهما تعطي
منهما من تشاء وتحرم منهما من تشاء انت رحماننا فارحمنا وتغننا بهما عمن
سواك يا رحمن اعطنا يا ذا الجود اجودنا يا نافع انفعنا يا نور انورنا يا فتاح افتح
لنا يا رافع الدرجات ارفع درجاتنا يا رب اربنا يا رزاق ارزقنا يا شافي اشفنا
يا ستار استر عوراتنا ومع اللباس جديدك البسنا وبانواع خلعتك ربنا يا ١٥٤
ضاعف اضعف لنا يا ظاهر اظهرنا يا مزيد زدنا يا ناصر انصرنا يا ناعم انعمنا يا ستار
استر عيوبنا يا غني اغننا من الدنيا والاخرة وما فيهما يا قاضي الحاجات اقض حا
جاتنا يا كافي المهمات اكف مهماتنا يا مجيب الدعوات اجب دعواتنا واعطني رزقاً
طيباً بغير كدٍّ واستجب دعائي بغير ردٍّ الهي اسالك من فضلك الواسع والرزق
والرحمة ما تذهب به عني الفقر والفاقة انك باسط اليدين بالعطاء والرحمة
وترزقني خير الدارين مع القرب والاخلاص والاستقامة وانت على كل شيء قدير ٥
يا مونسي في وحدتي يا صاحبي في شدتي يا عظيم الخطر يا اله البشر يا لطيف ادر
كني بلطفك الخفي يا رب الركن والمقام يا رب النور والظلام يا رب
الصغار والكبار يا رب الحبوب والثمار يا رب الانهار والاشجار يا رب
الاعلان والاسرار يا رب الليل والنهار يا رب الجنة والنار يا رب كل
شيء وصانعه يا رب اغفر لي كل شيء ولا تسالني عن شيء يا نافع كل شيء
اسالك اغننا من الفقر واقض عنا الدين وارزقنا نعم الدنيا والدين وحببني
في قلوب المخلوقين واجعلني في زمرة المتقين والعارفين المحققين يا طالب

المطلوبين ويعلم ضماير الصامتين اعطني في كل مسئلة سمعا حاضرا وجوابا عتيدا
وان ذلك في كل صامت علما حاضرا وناطقا محيطا كثيرا فوق كل ذي علم يا من
هو في علوه دان يامن هو في علمه محيط يامن هو في عزه لطيف يامن هو في
لطفه شريف يامن هو في فعله حميد يامن هو في مجده منير علمني من لدنك
علوما نافعا تحفظك بانواع حكمتك يارب زدني علمك وعملك واخلاصك
ومعرفتك واكرمني بشهود انوار قدسك وايدني بظهور سطوات سلطان
انسك حتى انقلب في سبحات معارف اسمائك مواعدك صادقة واياديك
فاضلة ورحمتك واسعة ونعمتك سابقة وانظر الى بنظر رحمتك واحفظني بحفظك
من الشقاق والنفاق وسوء الاخلاق وضيق الارزاق ياذا الجلال والاكرام
يا حبيب الغرباء يا كنز الفقراء يا معين الضعفاء يا عافي المريض بالشفاء يا رازق
المرزوقين بالوفاء يا منعم النعماء يا واصل الاشياء يا باسط اليدين بالعطاء
ياذا الجود والكرم يا حسن التجاوز يا لطيف الابرار يا رحيم على الدوام يا مبدئ
النعم قبل استحقاقها يا رباه يا رباه يا رباه يا سيداه يا املاه يا غاية رغبتاه
اسالك يا الله يا الله يا الله اعطني كل مفاتيح خزاينك يا خازن يا مخزن يا من بيده
كل مفاتيح يا مفتح الابواب يا فتاح كل فتح افتح على ابواب فتوحاتك يا حاضر يا نا
ظر يا شاهد يا معي ارسل خطرات فتوحي في ضماير خلقك وادخل في قلوبهم صلاح
خيرك واخرج عنهم فساد ظلمتك يا ارسال الخاطرين يا مقلب القالبين قلب قلوبهم
في مرادي يا سلطان اللاهوت يا مالك الجبروت يا قادر الملكوت يا متصرف الناسوت

يا ملك المحمود يا ظل الممدود اجعلني معروف بذات ظل جميلك وموصوف بصفات
ظل جميلك وموسوم باسماء ظل جميلك وفعيل بافعال ظل جميل قدرتك ومتحرك بولاية
ظل امور جميلك ومتجلي بانوار ظل نور جميلك ومنظور بنظر ظل ظهور خيرك ومتصو
على جميع شانك ومظفر على الانس وجانك ومتصرف بتصرف كرامتك على جميع تصرف ١٤٧
كرامة احبائك وبارك لي في كل نقوش اسمائك ٥٥ يا باسط يا بدوح يا برهان يا حنان
يا منان يا ديان زدني شرفا وكرامة وكن لقدري مجللا ولم يكن لقدر مقامي زوالا
ولا فناء الازال ذكري في علو وذكر عدوي اسفلا يا علي يا عالي يا اعلا فعلوني يا على
درجات الصديقين المعليين يا جميل الجلال يا جميع الكمال يا منور الانوار يا خالق
الاطوار يا ظاهر الاسرار يا محير الاخيار يا مدور الادوار يا كاين الدهار يا كثير
الكل يا كل الكثير يا جامع يا جميع نعمتي تنعم لا يعد ولا يحصى بك يا من اليك ير
جع الامر كلك يا من اظهر في كل شيء لطفك يا رافع ارفع عنا حجاب الدنيا واخر
تك وارنا حقايق خلقك وارجع الى بطون ظهورك واغلب حواسي على جميع حوا
س عبادك وافتحني على اشيائك ونور قلبي بنور معرفتك ووصلني حقيقة
حق يقينك وصدقك واطلعني على اسرار ذرات وجودك في معالم شهودك
لاشهد بما اودعته في عوالم الملك وملكوتك واعاين سريان سر قدرتك
في معالم شواهد لاهوتك وناسوتك يا اسمع من كل سميع يا اعلم من كل عليم يا ار
حم من كل رحيم يا اكرم من كل كريم يا افعل من كل فاعل يا اسرع من كل سريع
يا اجود من كل جواد يا واسع العمر يا واسع الرزق يا واسع النعمة يا واسع الدولة

١٨٥ ١٥٨

ياواسع الدرجة ياواسع الملك ياواسع المتصرف ياواسع العطاء لا يخرج من سلطانك

شيء ولا يعجزك شيء رحمتك وسعت كل شيء ياواهب النفوس والعقول و

مخترعات ماهيات الاركان والاصول اسألك ياواجد كل وجود سخر علينا من

لا يرحمنا واجيب لنا من لا احببتنا واعشق لنا من لا اعشقنا واطع لنا من لا اطاعنا

واجعل موافقنا قلوب مخالفنا وازوج لنا مع ازواك خيرك ياذا العرش يافعال لما يريد

يامن ليس بظلام للعبيد ياجاعل الظلمات والنور ياامر الامور ياشافي الصدور

ياعامل النفوس يامزين لكل زين وياجمل لكل شين يامن لدعائي مجيب يامقصود

لكل قاصد اسالك من كان الى ناظرا اجعله لي عاشقا ومن كان الى سامعا اجعله لي

مطيعا ومن كان عني مخالفا او منافقا او حاسدا او عدوا او على غالبا او قابضا كن عنه

مخالفا ومنافقا وحاسدا وعدوا له وكن عليه غالبا وقابضا كن عنه غالبا وقابضا في

طرفة عين ورداه عظيمه جلال قدرتك مني في منامه وسهره حتى يكون في متابعتي

وراغبا في محبتي فمن كان في محبتي كن في محبته ومن كان في متابعتي كن في متابعة

ويسره جميع اموري يامعبود ياموجود يامسؤل انت مني وانا منك ودعائي

عنك وليس لي في الدنيا ولا في الاخرة غيرك واني ضعيف فقوني بغنائك لكل

قوم وسبب وحيلة فان سببي وحيلتي عليك فاسبب واحيل واحمد وانظر

وانصر واعين واغث واجب على ياذا القوة المتين ياذا الفعل الرشيد ياذا العظمة

المنيعة ياذا العزة الدائمة ياذا القدرة الكاملة ياذا الرحمة الواسعة ياكثير النوال

اعطني بغير سؤل يادايم الوصال ياحسن الفعال يامعطي الجواد يامسخر السموات والارض

سخر لنا خلائق

١٥٩

سخر لنا خلايق السموات والارض والبر والبحار والريح والماء والارض والجبال والنار
والنور وما فيهما والجنود كلها وارجع لنا جميع الولايات والبلاد والمواضع واطيعالنا
ملك والملكوت واطلبنا واحبنا واطيعنا جميع السلاطين والوزراء والامراء والحكماء وا
العلماء والفقراء والزهاد والعباد والعشاق والعرفاء والتجار والعسس والقضاة والكبير
والصغير والرجال والنساء من الجن والانس غيرهم يا جامع الجمع انك جامع الخلق
ليوم لا ريب فيه فاجمع بيني وبينهم ويسر عليهم مناديعتي واهدهم بهدايتي
وسلكهم طريقتي واحشرهم في زمرتي يا الله يا ملك يا جميل يا سلطان يا حاكم يا حكيم
يا ظافر يا غالب يا واحد يا احد يا مبدئ يا رفيع يا بديع يا سميع يا قادر يا قدير يا مقتدر
اسالك منك سخر لي الشمس والقمر والمريخ والعطارد والمشتري والزهره والزحل والراس والذنب
والبروج والمنازل والعناصر والمعادن والمواليد والمدفون والمخزون والمستور والمغيوب
ومظاهر كلها وادفع عني نحوساتها ببركتك وحرمتك وحكمتك وعزتك وارادتك وقضا ئك
وشرفك وعلمك وكرامتك وقدرتك وسلطنتك وتصرفاتك والطافك وحسنك ونورك
وحقك وعظمتك وحشمتك وجلالك وجمالك وكبريائك يا دهر يا ديهور يا ديهار يا كان يا
كينون يا كينان يا ازل يا ابد يا مبدئ يا معيد يا فعال لما يريد يا خالق السموات والارض
وما بينهما يا خالق الاشياء انت لما تخلقه جامع يا خالق يا خلاق انت احسن الخالقين
وانت احكم الحاكمين لا خالق للمخلوق غيرك ولا اندير للخلق سواك يا قدير يا قادر سخر لهم
بجذب قدرتك انك على كل شيء قدير ٠ يا محب يا محبوب يا ودُ يا ودود سخر لنا جميع
اعدائنا واصرف شرهم عنا وكن لنا صاحبنا في سفرنا وخليفة في اهلنا واطمس على وجوه

١٨٧

١٦٠

اعدائنا وخذ بايديهم والسنتهم حتى لا يبسطوا الينا صم بكم عمي فهم لا يرجعون

ياحي يا قيوم يا بديع السموات والارض يا لا اله الا انت اسالك بهاء من بهائك ونورا

من نورك وهيبة من هيبتك وعظمة من عظمتك وحقا من حقك وفتحا من فتحك وقوة

من قوتك وقدرتا من قدرتك وحلما من حلمك وصبرا من صبرك وحيوتا من حيوتك

وعلما من علمك ونظرا من نظرك وسميعا من سمعك وكلاما من كلامك ومرادا من ارادتك

يا قدير يا قوي يا خافض يا قهار ادخل هيبتي مع عظمتك في قلوب خلقك واغلب يرزحني

في اسرار ضمائرك واهلك اعدائي بقهر جلالك واقبض لجايري بجلال قدرتك واخفض

لحاسدي بقوة قدرتك وابطش ببطشك ياذا البطش الشديد اقبض روح كل

معاند واخفض قدر كل معارض فكن للظالمين مذللا وكن للحاسدين معطلا من اردنا

بسوء فرده ومن كادنا يكيد فكده ومن دعا علينا بدعاء السوء والشر والقهر والقتل او دعا في

باسم واسماء او لسحر او بغيره وارجع واعد اليه وعليه وفيه واهلكه واهقره باسماء قهرك

وقدرتك وحفظ جلالك والسيف والسهم وسنان غيرك يا قاهر من لا قاهر لك يا

جليل من لا جليل لك يا قابض من لا قابض لك يا خافض من لا خافض لك يا قوي من

لا قوي لك يا قدير من لا قدير لك واستر واعدم لاعدائي وامني واحفظني ولاحبائي

ولاقربائي وازواجي واولادي واهل بلدي واهل ارضي وسمواتي واهل بري وبحري

بحفظك وامنك وصلاحك في حصاري من الافات والفتن والبليات وانفع وبارك و

البشر وانظر وانصر لجميع الخلق مني وامدد واعين واغث واجب وافتح لهم عني بقوة

قربك واطلعني على احوالهم بعلم قديمك يا محيط قد احاط بكل شيء علمك وقدرتك

وجميع صفات

وجميع صفات ذاتك يا حافظ يا حاسب ويا جامع انك تفعل ما تشاء وتحكم ما تريد يا جابر كل
كثير يا مونس كل وحيد يا صاحب كل غريب يا كثير انت الذى لا اله الا انت لا ضد لك
ولا ند لك ولا شبه لك ولا شريك لك ولا مثل لك ولا نظير لك ولا زوال لك ولا و
لد لك ولا والد لك ولا صاحب لك ولا وزير لك ولا غنى لك ولا شئ كمثلك الملائكة
عاجزون عن ادراك جلالك والناس قاصرون عن معرفة كمال ذاتك اسالك في حيوتي امداد
روحك في بدني شفاك وعافيتك يا شافي يا عالي يا وافي يا محيي يا واجد يا مجيد لك المجد
كله ولك الحمد كله ولك الخلق كله ولك الفعل كله ولك القدرة كله واليك يرجع الامر كله و
اسالك من الخير كله واعوذ بك من الشر كله يا خالق الشمس والقمر المنير يا عصمة الخايف المستجير
يا مغني البائس الفقير اغنني من الفقر والدين يا من يداك مبسوطتان ينفق كيف يشاء ابسط
علينا بفضلك الواسع يا من ليس لغناك غاية ارحم من ليس لفقره نهاية يا من يفعل ما يشاء يا من
يخلق ما يشاء يا محبوب المحبين يا معشوق العاشقين يا مالك المملوكين يا جواد المنجلين يا رازق المرزوقين
يا سامع المتكلمين يا مجيب المقصودين يا معطي السائلين اعطاني بغير طلب يا غني المحتاجين يا مبشر
المقاصدين يا فاعل المفعولين افعل قلوب عبادك سامعاً ومطيعاً كما لا يعومنا يا من خير بكل
شيء يا خير الراحمين يا خير الرازقين يا خير المطلوبين يا خير المذكورين يا خير المقصودين يا خير
المسئولين يا خير المعطين يا خير مجيب ومحارب يا خير مونس وانيس يا خير صاحب وجليس
اني ظلمت نفسي ظلماً كثيراً ولا يغفر الذنوب الكثير الا انت فاغفر لي مغفرة من عندك
وارحمني واعذني من كل قاطع يقطعني عنك يا غفور يا رحيم يا جواد يا كريم يا قدوس
يا سبوح انت المنزه عن النقايص والمصايب والمرايب وانت العظيم في المشارق

والمغارب والشمال والجنوب والفوق والتحت سبحانك يا اعظم شانك وانا عبدك الحقير ١٦٣
الضعيف الخاطى الذليل العليل المغموم المرزوق الزايل لسايل الداعى سبحانك ما انقص
وجودى فى جميع خلقك يا جميل يا محسن قد اتاك المسئ وقد امرت المحسن ان يتجاوز
عن قبيح ماعندى بجميل ماعندك ويتجاوز نقص ماعندى بعظمة ماعندك وهب لى ولا
ية وعلما وتصرفا ٥ يا واجب الوجود يا فايض الجود يا فاعل القلوب والارواح ٥ ويا جاعل
الصور والاشباح اسالك اجعل لنا فى سر ارواح عبادك معبودا وفى عقولهم معقولا
وفى نفوسهم مقبولا وفى قلوبهم معشوقا وفى اجسامهم مرغوبا انك على كل شئ قدير
يا قادر لا انتصار يا قوى لا تضعف يا قابض لمن تشاء يا ستار العيوب يا علام الغيوب يا
مقلب القلوب والقوالب قلب قلوب قوالبك الى قلبى وقالبى واوصل الى فتوحاتهم
وادم لى بركاتهم ولين قلوبهم وارزقنى ما فى قلبى ونجنى من هذا الغم يا فالق الحب
قلب قلوبهم فى حب لا اشد والقيت عليك محبة منى فى جميع الخلق اجمعين يا معبود
يا مودود يا محبوب يا معشوق يا مقصود يا فاخر يا صانع يا شارف يا شارق يا طالع يا مسلط
يا عجيب يا مزور يا مذوق يا مبذل يا مبدل يا مجيب يا مؤثر اصورتى فى منام عبادك
بالعظمة والهيبة والقدرة والكبرياء بهيبة الولى الرسول النبى النور المعبود المعشوق
المحبوب المرغوب المقصود ليس كمثله شئ وهو السميع البصير ٥ يا نعم المجيب يا نعم الرقيب
يا نعم المحب يا نعم المولى يا نعم النصير يا نصير انصرنا مع الارواح احبائك واقربائك وانبيا
ئك واوليائك فانصرنا مع الارواح ملكوتك يا باعث الارواح يا سبحان ذى الملك والملكوت
يا سبحان ذى العز والعظمة والهيبة والقدرة والكبرياء والجبروت يا سبحان الحى الذى

لا ينام ولا يموت

لاينام ولايموت يا سبحان الملك القدوس يا رب الملائكة والروح يا باطن كل ظهور يا
متصرف الاجسام والنفوس يا محرك الشيون يا ذا المقال كن فيكون اسالك مددا من ارواح
ملكوتك وجبروتك بسم الله افواه يا الله آه وآه وآيه يا بارئ النفوس بلا مثال خلا من
غيره يا مبين عن كل مبين يا معلن عن كل علان يا ظاهر عن كل ظاهر لقنا وسخر لنا ارواحهم
واجعل لهم سامعا ومطيعا لنا واجعل لارواحهم ولارواح اباءنا وامهاتنا واقربائنا من
العلو والاسفل والاوسط صلوة وسلام وتحية ودرجة منا يا كاشف الهم ويا كاشف الغم
ويا كاشف الكثوف ويا كاشف الكروب ويا كاشف القلوب ويا كاشف القبور ويا كاشف
الالفاظ ويا كاشف المعنى ويا كاشف الدهر ويا كاشف اكشف على حجاب الاجسام والا
مثال والارواح والغيب والشهادة يا عالم الغيب والشهادة عرفني معرفة تامة في حكمة
عامة حتى لايبقى معلوم الا واطلع على دقايقة الرقايق المنبسطة في الموجودات واذهب
بالظلمة المانعة عن ادراك حقايق الايمان ونقرب ما في القلوب والارواح بمهجات المحبة
والوراد والرشد والارشاد يا مقلب القلوب يا كاشف الكروب يا طاهر كل بطون يا ظاهر
كل شيئ يا ظهور الحق يا من احاط بكل شيئ علما يا من احصى بكل شيئ عددا يا كريم
الجواد الكريم يا من لا ترد العباد قضاؤك يا من لا ملك الاملاك ملكك يا من عطاء الا
عطاؤك يا من لا يشرك في حكمك احد يا عظيم من لا عظيم لك يا عليم بكل شيئ يا عليم لانهاية
ولابداية علمك اسالك في كل ايام رأفتك ورحمتك وعصمتك وعافيتك ومغفرتك
وايمانك وحياؤك وحلمك وخلقك وعلمك وعملك وطاعتك وزهدك واخلاصك و
يقينك وصدقك وعشقك وتوحيدك وتحميدك وثنائك وعرفانك ومراقبتك ومشاهدتك

٢٠١ ١٦٤

ومعانيك وسيرك وطيرك واستقامتك وجمعيتك وهمتك وسخاؤك وشجاعتك وفتحك وا
حفظني في كل ايام من آفتك ومرضك ونقمتك وبليتك وخذلانك وتفرقاتك وغضبك
ونغصك وشركك وظن سوءك وكبرئك وحدك وكذبك وبخلك وقبضك
واسدراجك ومحنتك وعقوبتك وسخطك وقذفك ورجفك ومسحك فاصرف
عني وعن جميع المسلمين وانت على ذلك قدير وبالاجابة جدير ياصانع ياصادق
ياصارف اصلح شاني وشان احبائي واخواني واولادي وشان ولاة اموري واصلح
ديني ودنياي واموري وخاتمتي بوجهك الكريم واعطني قدر الرفيعة ودرجة
الشديدة ومنزلة العالية الكاملة الشاملة ياماالك يامبين يامحيط مايكون
يامسبب يامصور يامغني اسالك بذاتك وصفاتك واسمائك وافعالك من فضلك
هذا المقاصد فانهما بيدك ولايملكهما احد سواك وانا اطلب اليك من طلبك
ياوهاب يامعطي يامجيب اجب دعوتي واعط سؤالى وهب لي في هذا اليوم بكل ما
سالته منك وانك باسط اليدين بالعطاء ياجواد غير بخل يامعطي غيرمانع لم ينقص
ما اردت ولاتنفد خزاينك ياناول ياسلام ياسامع ياعباد اسالك بسر المسافرين
وفرج المكروبين وخلص المسجونين واقض ديون المديونين وعاف مرضنا ومرض المسلمين
واقض حوايجنا وحوايج المحتاجين واختم موتتنا وموت المسلمين يامن آنسني وآواني يامن اماتني
واحياتني واسالك بجودك وكرمك اجعل لنا محبوباً واحيينا محبوباً وامتنا محبوباً
واحشرنا محبوباً ياالله يارحمن يارحيم ياقيوم ياقريب ياسميع يامجيب يامعطي
اسالك باسمائك الحسنى وبصفاتك العليا وبنعمتك التي لاتحصى وباكرم اسمائك

عليك واجبها

١٦٥

عَلَيكَ وَاحبّها اِلَيكَ وَاشرفها عِندكَ منزلةً واقربها مِنكَ وَسيلةً وَاخيرتها منكَ ثوابًا
وَاسرعها مِنكَ اجابةً وَبِاسمائِكَ المكنونةِ المخزونةِ الجليلةِ الاجلِّ المعظّمة الاعظمِ الّذي تحبّهُ وترضىٰ عمّن دعاكَ بهِ وتستجيبُ لهُ دعاءهُ وحقا عليكَ ان لا
تحرمْ سائلكَ الاجابةِ وبكلِّ هُوَ لكَ فِي التَّورٰيةِ وَالانجيلِ وَالزّبورِ وَالفرقانِ وَبكلِّ
اِسمٍ علّمته احداً مِن خلقكَ وَبكلِّ اِسمٍ لم تعلّمهُ احداً مِن خلقكَ وَبحقّ السّائلين وَالرّا
غبينَ اليكَ وَالمستغفرينَ اليكَ وَالمتعوّذينَ بكَ وَالمتضرّعينَ اليكَ وَبحقّ كلّ عبدٍ
مُتضرّعٍ ومُتعبّدٍ لكَ في برٍّ اوبحرٍ اوسهلٍ اوجبلٍ اجب دعوتي ياسيّدي وَمولائي وان
تكفيني مهمّاتي وتقضي حاجاتي في ديني ودنيائي وَاخرتي وَخلّصني ممّا انا فيه ٥٥ وَانتَ
حَسبي فِي الاولىٰ وَانتَ حسبي فِي الاخرةِ وَانتَ حسبي فِي الغيبِ وَانتَ حسبي فِي الشّهادةِ
وَانتَ حسبي عَلىٰ كلِّ شيءٍ انتَ حسبي وَنعم الوكيلِ انتَ حسبي حسبي حسبي لا اِلٰهَ
اِلّا انتَ سُبحانكَ اِنّي كنتُ مِنَ الظّالمينَ فارحمني توكّلتُ عليكَ يا ربَّ العرشِ
العظيمِ يامَن قامتِ السّمواتُ وَالارضُ بِامرِكَ يا قدّرَ الخيرَ وَالشّرَّ يا محيطُ بكلِّ شيءٍ
يامطلوبُ لكلِّ طالبٍ يا ناصر كلِّ مغلوبٍ يا ناصر كلِّ مخذولٍ يا فايق من لا فايق لكَ
ياصاحبي عِندَ غربتي يامَن تصرف في خلايق قدرتكَ اِنّكَ عَلىٰ كلِّ شيءٍ قدير يا
مَن لا يحتاج اِلَى البيانِ وَالتفسيرِ حاجاتنا كثيرةٌ وَانتَ بنا بصيرٌ وتعلم حاجتي كلّها
لِهذا الدّعاءِ فحسبي سؤالي علمك مجالي انّما امركَ اذا اردت شيئًا ان يقول له كُن
فيكون فسبحان الّذي بيده ملكوت كلّ شيءٍ واليه ترجعون وصلّى الله عَلىٰ خير خلقه
محمّدٍ وَالِه اجمعين   بعد از اختتام بخواند   كه در ظهر ورق است

اختتام اینست   اللهم خذ منی وتقبل منی وافتح علی ابواب کل خیر کما فتحت

علی انبیائك واولیائك یامنتهی الرجایا یاماحی البلایا یاسامع الدعا یاسامع ١٦٥

لاتشك یاسامع الاصوات یاشفیع کل عاص یامقدر بکل قدرة یامن لاتدرك

الافهام جلالك یامن لاتنال الاوهام کنهك یامن لایحصی العباد نعمك یامن

لاتبلغ الاخلایق شکرك یامن لاسلطان الاسلطانك یامن لامفر الا الیك یا

من لامقصد الا الیك یامن لاحول ولاقوة الابك یاذا العفو والرضا یاذا المن

والعطاء یابرهان السالکین یاغیاث المستغیثین اغثنی اغثنی یاغیاثی عند

فقری یاکثیر الوفاء ویامویر الاسماء یاذا العهد والوفاء یاذا الوعد والوعید یا

وفی العهد یاوفی لاتخلف انك قلت ادعونی استجب لکم وقلت فی ام الکتاب یمحوا

الله مایشاء ویثبت وقولك الحق المبین یاخالق اللوح والقلم یاصادق الوعد

انك لاتخلف المیعاد وصلی الله علی محمد واله الطیبین الطاهرین

بعد هر روز یکی ازین تسبیحات را صد بار بخواند یوم السبت یاالله الحی القیوم

لااله الا انت سبحانك انی کنت من الظالمین برحمتك استغیث فی جمیع اموری

یاارحم الراحمین یوم الاحد یامالك الملك ذا الجلال والاکرام یوم الاثنین

یاغیاثی عند کل کربة ومجیبی عند کل دعوة ومعاذی عند کل شدة ویارجائی

حین تنقطع حیلتی یاغیاثی یوم الثلثا یاکاین المکنون کن فیکون کن لی ولاتکن

علی یوم الاربعا الهی بحرمة کن فیکون فتبارك الله احسن الخالقین یوم

الخمیس یامقدر بکل قدرة تقدرت بالقدرة والقدرة فی قدرة قدرتك یامقدر

انك علی کل

إنَّكَ علىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ   يوم الجمعه   يا كَثِيرَ النَّوالِ عَنْ كُلِّ جَمالٍ إنَّكَ مَعَ جَمِيعِ الكَمالِ

بعد از این صلوات را بخواند   اللّٰهُمَّ صَلِّ علىٰ سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ وَآلِ عَلِيٍّ سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ صَلوٰةً تُنجِينا بِها مِنْ جَمِيعِ الأهوالِ وَالآفاتِ وَتَقضِي لَنا بِها جَمِيعَ الحاجاتِ وَتُطَهِّرُنا بِها مِنْ جَمِيعِ السَّيِّئاتِ وَتَرفَعُنا بِها عِندَكَ أعلى الدرجات وتبلغنا بهما أقصى الغايات من جميع الخيرات في الحيوة وبعد الممات وسلّم تسليماً كثيراً كثيراً بِرَحْمَتِكَ يا أرْحَمَ الرّاحِمِينَ   بعد از آن یکساعت عمل شغل سرّ کنی کند ح ن م

١٦٧

و باید که بهر دم و هر قدم تکرار دارد تا اثر بهر اعمال پیدا آید

بعد از دعای تسخیر بخواند اینست   يا حَيُّ يا قَيُّومُ يا مُسَخِّرَ السَّمٰواتِ والارض وما بينهما سَخِّرْ لِي الشمس والقمر والنجومَ مُسَخَّراتٍ بِأمْرِكَ يا حَيُّ يا قَيُّومُ يا آمِرَ الأُمُورِ مِنَ السَّمٰواتِ وَالأَرْضِ وَما بَيْنَهُما وَسَخِّرْ لِي الشَّمْسَ وَالقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّراتٍ يا حَيُّ يا قَيُّومُ يا مُسَخِّرَ السَّمٰواتِ والارض وما فيهما يا حَيُّ يا قَيُّومُ المسخِّرُ المقلب قلب قلوب الارواح والاجسامِ والنفوس الى قلبي وقالبي بِحَيوٰتِكَ وقوامِكَ بتسخيرِكَ وَتَقْدِيرِكَ وَأمْرِكَ وَقَلْبِكَ وَعِزَّتِكَ وَعَظَمَتِكَ وَعِشْقِكَ وَمَحَبَّتِكَ وَجَذْبِكَ وَحَرَكاتِكَ وَفَعالِيّاتِكَ وَأقْوالِكَ وَجَمالِكَ وَجَلالِكَ وَذاتِكَ وَصِفاتِكَ وَأسْمائِكَ وَأسْماءِ قُدْرَتِكَ يا حَيُّ يا قَيُّومُ المسخِّرُ المنوِّرُ المحبوبُ المعشوقُ الجميلُ الجاذبُ في لقاءِ بِلِقاءِ وَجْهِكَ الكَرِيمِ يا قَيُّومُ يا قَيُّومُ يا مسخِّرُ يا كَرِيمَ الوجهِ بِجَلالِكَ وَكَمالِكَ وَكَرامَتِكَ تَكَرَّمْتَ بِالكَرامَةِ وَالكَرامَةِ فِي كَرامَةِ كَرامَتِكَ يا حَيُّ يا قَيُّومُ المسخِّرُ الجاذِبُ اجذب لهم بِجَذَباتِ قُدْرَتِكَ يا قَيُّومُ المسخِّرُ القَدِيرُ تَقَدَّرْتَ بِالقُدْرَةِ وَالقُدْرَةِ فِي قُدْرَةِ قُدْرَتِكَ يا حَيُّ القَيُّومُ المسخِّرُ القَدِيرُ القَوِيُّ المَتِينُ عَلَى السِّرِّ وَالأرْواحِ وَالأنوارِ والاجسامِ وَالنُّفُوسِ كُلِّها

مِنَ العلوي وَالسِّفلي مُحَرِّك بحر كَانِكَ اِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ يَفعَلُ مَا يَشَاءُ وَيَحكُمُ مَا يُرِيدُ
و ۹ بار يَا حَيُّ القَيُّومُ المسخِّرُ المسخِّرُ المسخِّرُ بهر دو دست دمیده بتمام اعضا فرود آرد
و ۵ بار این اسمارا خوانده بر دست پف زده بر روی مالد اَلمَعبُودِ الوَدُودِ المَحبُوبِ
اَلمَعشُوقِ المَقصُودِ واگر دعای تسخیر مذکور را ۹ بار بخواند آنچه در وی مذکور است
در یابد والسلام

ایضاً دعاء المفتاح برای دفع اخلاق ذمیمه وحصول اخلاق حمیده ودفع شر نفس وشیطان
وبرای حصول ولایة اولیا وکرامت اوآنچه در هیچ دعا نیابد در این دعا بیابد بشرطیکه دعای
باشد واگر نتواند ورد ۹ بار بعد الفجر نکه دارد واگر نتواند ۶ بار ویا ۳ بار ویا
آ بار بخواند مبتدی ومنتهی را ورد این دعا تا آخر وقت لابدّ است تا نفس وشیطان
بر عامل دست نیابد وعامل مدام بمحبان مولی ولی هر روز بترقی افزاید وکشف معرفت
الهی میسر کردد وآنچه بیان کردیم از عمل معلوم خواهد شد ودعا اینست بِسمِ اللّٰهِ الرَّحمٰنِ الرَّحِيمِ
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى [۲] مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ كُلِّ اَعمَالٍ وَاَحوَالٍ بِاَلفِ اَلفِ مَرَّةٍ وَعَلى آلِهِ وَاَصحَابِهِ سَيِّدِنَا
وَاَولِيَائِهِ وَاَزوَاجِهِ وَذُرِّيَاتِهِ اَجمَعِينَ اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ قُلتَ اِذَا سَاَلَكَ عِبَادِي
عَنِّي فَاِنِّي قَرِيبٌ اُجِيبُ دَعوَةَ الدَّاعِ اِذَا دَعَانِ فَليَستَجِيبُوا لِي وَليُؤمِنُوا بِي لَعَلَّهُم
يَرشُدُونَ يَا مُفَتِّحَ الاَبوَابِ وَيَا مُسَبِّبَ الاَسبَابِ وَيَا مُقَلِّبَ القُلُوبِ وَالاَبصَارِ
وَيَا دَلِيلَ المُتَحَيِّرِينَ وَيَا غِيَاثَ المُستَغِيثِينَ وَيَا مُفَرِّجَ المَحزُونِينَ اَغِثنِي اَغِثنِي اَغِثنِي تَوَ
كَّلتُ عَلَيكَ يَا رَبِّي قَضَيتُ وَفَوَّضتُ اَمرِي اِلَيكَ يَا رَزَّاقُ يَا فَتَّاحُ يَا بَاسِطُ ۳۰
بار بخواند اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ مِن كُلِّ عِلمٍ لَا يَنفَعُ بِهِ ۳۰ بار اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ
مِن شَرِّ النَّفسِ

مِنْ شَرِّ النَّفْسِ وَخَصَایِلِهِ و٣ بار اَللّٰهُمَّ وَفِّقْنِی لِمُخَالِفَةِ النَّفْسِ وَالشَّیْطَانِ و١
بار یَا کَافِی الْمُوَسِّعُ لِمَا خَلَقَ مِنْ عَطَایَا فَضْلِهِ یَا کَافِی اَللّٰهُمَّ طَهِّرْ قُلُوبَنَا مِنَ الْغَیْرِ اسم ١۴
وَالْوَسْوَاسِ وَالْبَطَالَةِ وَالشَّکِّ وَالشِّرْکِ وَالْغَفْلَةِ وَالْحِرْصِ وَالْحِقْدِ وَالْحَسَدِ وَالْاَمَلِ وَا
لْبُخْلِ وَالْکِبْرِ وَالْکُفْرِ وَالْاَفْکَارِ وَالْعِصْیَانِ وَالْعُجْبِ وَالزَّعْمِ وَالْخَطَرَاتِ الْاَمَّارَةِ بِالسُّوْءِ
بِالْعِلْمِ وَالنِّسْیَانِ ١٨ بار یَا زَاکِی الطَّاهِرُ مِنْ کُلِّ آفَةٍ بِقُدْسِهِ یَا زَاکِی وَطَهِّرْ اسم ١٣
اَعْمَالَنَا مِنَ الْغَیْرِ وَالْکَسَلِ وَالنَّفْسِ وَالشَّیْطَانِ العالم والعارف وفعل الالحاد والزَّ
نْدَقَةِ وَالرِّیَاءِ وَالْجَزَاءِ والمکر والاستدراج وَالظُّلْمِ وَالذَّمِیمَةِ و١۴٠ بار یَا اَللّٰهُ اسم ٣
الْمَحْمُودُ فِی کُلِّ فِعَالِهِ یَا اَللّٰهُ وَطَهِّرْ اَلْسِنَتَنَا مِنَ الْغَیْرِ وَالْغِیبَةِ والغضب والکفر والکذب
واللهو والبهتان والنفاق والفحش و٩ بار یَا حَلِیمُ ذَا الْاَنَاةِ فَلَا یُعَادِلُهُ شَیْءٌ مِنْ اسم ٢۴
خَلْقِهِ یَا حَلِیمُ و٤ طهر بطوننا من الغیر واکل الشک والشبهة والشبع والحرام و٤ با
یا قدوس وطهر فروجنا من الغیر واللواطة والزنا و٣ بار یَا صَمَدُ مِنْ غَیْرِ شِبْهٍ اسم ٩
وَلَا شَیْءَ کَمِثْلِهِ یَا صَمَدُ وطهر ایدینا من الغیر والسرقة والجنابة والبخل والایذاء
وبطش الغیر و٤ بار یَا نَقِیُّ مِنْ کُلِّ جَوْرٍ لَمْ یَرْضَهُ وَلَمْ یُخَالِطْهُ فِعَالُهُ یَا نَقِیُّ یا نقیّاً صح اسم ١۵
وطهر اسماعنا من سماع الغیر والغیبت والغضب والکذب واللغو والفحش والبهتان
والنفاق و٨ بار یَا تَامُّ فَلَا تَصِفُ الْاَلْسُنُ کُلَّ کُنْهِ جَلَالِ مُلْکِهِ وَعِزِّهِ یَا تَامُّ اسم ٢١
وطهر ابصارنا من رؤیة الغیر والنفس والشیطان والجاهل ونوم الغفلة ورؤ
یته و٤ بار یَا حَمِیدَ الْفِعَالِ ذَا الْمَنِّ عَلَی جَمِیعِ خَلْقِهِ بِلُطْفِهِ یَا حَمِیدُ ٩و اسم ٢٦
طهر ارجلنا من الغیر وطاعته والسفر وغناء السفر وصراط الضالین و٥

اسم ٧ بار يا واحد الباقي أول كل شيء وآخره يا واحد و٥٤ بار يا خير الناصرين اعوذ
بك من كل قاطع يقطعني عنك و١ بار وزين قلوبنا بالحق والتوبة والعصمة وا
لانابة والخشوع والخوف والحياء والاجابة واليقين والهداية والهمة والصبر
والجمعة والعظمة والاستقامة وتوحيد الحال والعقل والكمال والوحي الخفي ودرك
الكشوف والقلب السائر والروح الطائر وكشف الغيب والالهام الصادق وعلم الموهبة
والفيض والارشاد والارادة والعناية وحضور الوحدة ووحدة الجمع وجمع الوحدة و
خلوة الجلوة وجلوة الخلوة وانس الوحشة ووحشة الانس وصحو السكر وسكر الصحوة
وظهور البطون وبطون الظهور وجسد الروح وروح الجسد وحقيقة المعرفة واركان
التصوف وحقيقة اليقين وشهود المشاهدة وذكر المراقبة ورؤية المعاينة بالت
لتفويض والسلامة وتوجه الولاية وفيض النبوة وقرب النوافل ومحبة العشق و
اسم ٣٩ عشق الوصال بالامن والايمان و٥٢ بار يا قريب المجيب المداني دون كل شيء
قربه يا قريب وزين اعمالنا بالحق وحركة الخدمة وزهد المجاهدة وسلوك الطر
يقة وترك العلائق والتوكل والقناعة والرضا والتسليم وحسن الظن والعجز
والتواضع والورع وستر العيوب وفناء النفس وترك اللذات وعمل الاجابة وحقيقة
الروح ومداومة الاشغال واحكام الالهية والربوبية والخلافة المقيدة والمطلقة
والبيعة الصادقة وخرق العادات وعروج الروح وافعال الحميد و٤٢ با
اسم ٢٩ يا قريب المتعالي فوق كل شيء علو ارتفاعه يا قريب و١ بار وزين السنتنا
بالحق والسكوت والذكر والفكر والشكر والحمد والصدق والشفقة والرحمة والحكمة والحقيقة
والمعرفة

١٧٠

۱۷۱

وَالمعرفةِ وَالشَّريعةِ وَالخُلقِ والحلم والصّبر وَالايثار وَالثّناءِ و ۱۵ بار یا عجیبَ اسم ۴۰
الصّنایعِ فلا تنطقُ الالسنُ بکلّ الائهِ ونعمائهِ وثنائهِ یا عجیب و ۱ بار
وزین بطوننا بالحق وشبع الجوع وجوع الشبع واکل الحلال و ۱۴ بار سبحانکَ لا اسم ۱
اِلهَ اِلا انتَ یا ربَّ کُلِّ شیءٍ ووارثهُ وراحمهُ ورازقهُ سبحانکَ و ۱ بار
وزین فروجنا بالحق والقوة والنور والعزة ونکاح الجمال وحسن الکمال وکثیر النوال
۲۲۲ ال ۸ لا ۳۰ ۸ و ۴ بار یا منّانُ ذا الاحسانِ قد عمّ کلَّ الخلائقِ منّهُ وفضلهُ اسم ۱۲
یا منّانُ و ۱ بار وزین ایدینا بالحق والامانةِ والسخاوةِ والخدمةِ والطاعةِ والمعونةِ
وقسمةِ العدالةِ و ۴ بار یا رحمنَ کلِّ شیءٍ وراحمهُ یا رحمن و ۱ بار وزین اسم ۴
سماعنا بالحق والحمد والذکر والکلام الصّدق واخبار الغیب والهاتف و ۴ بار یا
علّامَ الغیوبِ فلا یفوتهُ شیءٌ من علمهِ ولا یؤدهُ من حفظهِ یا علّام و ۱ با اسم ۲۳
وزین ابصارنا بالحق والارواح العلویةِ ونظر العبرةِ ویوم الیقظه ویقظة النوم ومطلع الا
نوار وکشف اسرار الغیب ودرک البصارة ورؤیةِ اللّقاءِ ومشاهدة البقاء ومعاینه
الذات ومعاملة الافعال و ۱۲ بار یا نورَ کلِّ شیءٍ وهداهُ انتَ الذی فلقَ الظّلماتِ نسخه بدل اسم ۳۱
بنورهِ یا نور و ۱ بار وزین ارجلنا بالحق والقیام والطاعةِ والسیر والطیر والصّراط یا دائم فلا فناءَ
المستقیم و ۴ بار یا عالی الشامخ فوقَ کلِّ شیءٍ علوّ ارتفاعهِ یا عالی و ۱۸ بار و یا ولا زوالَ لملکهِ یا دائم اسم ۳۲
۱۲۲ بار یا دائم بلا فناءٍ ولا زوالٍ لملکهِ وبقائهِ یا دائم بخواند و ۷۲ بار یا ربّ بدل این سطراست اسم ۸
العالمینَ ایّاکَ نعبدُ وایّاکَ نستعین و ۱ بار لا احصی ثناءً علیک انت کما اثنیت
علی نفسک جل عن ثنائی جناب قدسک وکیف کلّ ثناءٍ یعود الیک یا الله یا حیّ یا قیّوم

٣٠٩

يا لا اله الا انت برحمتك استغيث يا ارحم الراحمين و ٧٢ بار الهی ١٧٢
خلصنا عن الاشتغال بالملاهی و ارنا حقایق الاشیاء کما هی و ٣ بار اللهم
انی استغفرک من کل لذة بغیر ذکرک و من راحة بغیر خدمتک و من فرح
بغیر مجالستک و من کل شغل بغیر معاملتک و ١ بار اللهم اجعل فراغی شغلا
ونسیانی ذکراً وسکوتی ونطقی حکمةً وحرکتی خدمةٍ ووحشتی انسا ووحدتی جمعاً وجمعی
وحدةً وخلوتی جلوة وجلوتی خلوة وانسی وحشة ووحشتی انساً وصحوی سکراً وسکری
صحواً ونومی یقظه ویقظتی نوماً وشبعی جوعاً وجوعی شبعاً وقلبی سلیماً والی ربی منیبا
الهی الدنیا حجابی الهی العقبی حجابی الهی وارفع حجابی فی ذاتک یا صاحب الحجاب و ٢ بار
اللهم انی اعوذ بک من الضلالة بعد الهدایة ومن الجور بعد الکور ومن الزوال بعد
الکمال و ٣ بار اللهم انک قلت ادعونی استجب لکم وانک لا تخلف المیعاد و
١٧٢ بار یا رقیب یا سمیع یا مجیب یا معطی بخواند وصلی الله علی خیر خلقه محمد
وآله اجمعین والسلام

ایضاً عزیمت وقسم ٢٨ حرف تهجی برای جمیع امور دینی ودنیاوی بخواند جمل حروف
٥٩٩٥ ازین عدد ٢٨ اسماء عظام برآمدند وبرین اسم ١١٧ موکلات ظاهر شدند باید
که قراءت صحیح کند واعراف ونقاط وحروف اسامی مشار الیها نقص واضافه نکند ودر وقت
قراءت بخور بکار برد هر که بدین طریق مداومت نماید متصرف کاینات گردد عدد قراءت دعوت
بجمل حروف هر روز اعداد اسامی مع اسماء الهی بعدد موکلات بخواند وبرای مقصود با ٢٨
روز هر روزی هفت بار یا هفت روز یا هر روز ٢٨ بار بخواند یا چهار روز هر روز
چهار بار بخواند

۲۱۰

۱۷۳

چهار بار بخواند و آن اینست که مرقوم میشود یا الله یا حیّ یا قیوم یا علیم یا قدیر یا بصیر

یا سمیع یا کریم یا مرید یا باسط یا باعث یا جواد یا دایم یا هادی یا ودود یا مالك یا مبین

یا منعم یا محمود یا منیر یا فتاح یا قریب یا رحمن یا رحیم یا رزاق یا رشید یا خا

لق بحق اسمائك العظام وحروفها و بیّناتها و برکاتها و خاصیّاتها و اسرارها و آثارها

و توابعها ان تسخّر لی ارواح الملائکة والجنّ والانس وغیرهم عزمت علیکم یا معشر الروحا

نیین التابعین لهذه الاسماء المذکورین والخدام لهذه الحروف الکواکب ابجد

هوزح طیکل منسع فصقر شتثخ ذضظغ اجب یا کخائیل یا عطاییل یا لقا

ییل یا قفاییل یا رلبابیل یا رفجائیل یا شلدائیل یا شهقائیل یا تلوائیل یا فقرائیل

یا نلحائیل یا نقطائیل یا حمیائیل یا حضائیل یا دمبائیل یا دصحائیل یا ضمدائیل

یا صضهائیل یا طموائیل یا ظفرائیل یا عنجائیل یا عضظائیل یا عقنائیل یا عزرائیل

یا عذیتاییل یا عنشحائیل یا غشندائیل یا غتهائیل یا غتنوائیل یا غشزائیل

یا عنشائیل یا غحطائیل یا غخسائیل یا غذنائیل یا غذسائیل یا عضحائیل یا عضسذا

ئیل یا عظیهائیل یا عظسوائیل یا بغرائیل یا بغسحائیل یا بغتیطائیل یا بغفعائیل

یا بغرکائیل یا بغرعبائیل یا بغشکجائیل یا بغشعدائیل یا بعنکهائیل یا بغتعوائیل یا

بغشکرائیل یا بغثجائیل یا بغخکطائیل یا بغحضائیل یا بغذلآئیل یا بغذفیائیل

یا بغضلجائیل یا بغضفدائیل یا بغطلهائیل یا بغظفوائیل یا جغلزائیل یا جغفحائیل

یا حققلطائیل یا جغفصائیل یا جغرءآئیل یا جغرضبائیل یا جغثجائیل یا جغستصدائیل

یا جغتمهائیل یا جغتصوائیل یا جغثمزائیل یا جغشضحائیل یا جغحطائیل یا جعذائیل

٢١١
١٧٤

يا جغدن ءآئيل يا جغضبائيل يا جفضجائيل يا جعظدائيل يا جغظهائيل يا دغوائيل
يا دغنزائيل يا دعقمائيل يا دعقنطائيل يا دغزيائيل يا دغرس ءآئيل يا دغشبائيل يا دغشجائيل
يا دغشدائيل يا دغشهائيل يا دغشوائيل يا دغشزائيل يا دغشحائيل يا غشطائيل يا دغدكائيل
يا رغدغائيل يا دغضكيائيل يا دغضنجائيل يا دغضكدائيل يا دغظنجائيل يا هغكوائيل
يا هغوائيل يا هغقكجائيل يا هغقغطائيل يا هغرلائيل يا هغرفائيل يا هغشليائيل
يا هغشفجائيل يا هغتلدائيل يا هغتفهائيل يا هغتلوائيل يا هغتفزائيل يا هغخلحائيل
يا هعذمائيل يا هعذص آئيل يا هغضمائيل يا هغضصحائيل يا هغظمائيل بحق هذه
الطبايع الحروف اهظمفشد بوينصتض جزكسقتظ دحلعرخغ اسالدسخروالی خلایق
الارض والسموات و ما فیهما وان تجعوا بینی وبینهما واحضروالکلما اِنَّهُ مِن سُلَیمانَ
وَاِنَّهُ بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحیمِ اَلّا تَعلُوا عَلَیَّ وَأتُونِی مُسلِمِینَ یا ارواح الطیبین
الطاهرین المسخرین لهذا لحروف واسماء الحروف وهجو المظاهر الجن والانس
وغیرهم وامر والی مکانی وتعینونی وتنصرونی فی تحصیل مرادتی واجلبوا
جمیع المطلوب والنفع والرزق والخیر والبرکة وادفعوا عنی جمیع المضار وبعزة
وقسم هذه الاسماء العظام الله حی قیوم علیم قدیر بصیر سمیع کلیم
مرید باسط باعث جواد دایم هادی ودود مالک مبین منعم محمود
منیر فتاح قریب رحمن رحیم رزاق رشید خالق العجل العجل العجل
الوحا الوحا الساعة الساعة الساعة اعداد حروف ملفوظی
ازین اعداد مسطور اسما استخراج نموده اکر کسی بخواند
برضا رخدا

بر ضمایر خلایق واقف شود و حقیقت اشیا درک یابد و دلش دوست دارد و این
مجرب است طریق دعوت درک یابد عدد مسطور را بر روز قسمت
کرده بخواند و هر آن عدد که قابل قسمت نباشد بروز آخر بخواند و بعد از تمام دعوت
هر روز بعد از فجر مرتبه یا مرتبه و لا زم دارد و معمول بدست آید
دعوت این است یا اَللهُ یا بارُ یا تامُ یا ثابِتُ یا جَمِیلُ یا حَنَّانُ یا خالِقُ یا دَیّانُ
یا ذاکِرُ یا رَبُّ یا ذاکِی یا سَلامُ یا شافِی یا صانِعُ یا ضِیاءُ یا طاهِرُ یا ظاهِرُ
یا عَلّامُ یا غفّارُ یا فَرْدُ یا قُدّوسُ یا کافِی یا لَطِیفُ یا کَرِیمُ یا مَنّانُ یا نُورُ
یا وَدُودُ یا هادِیُ یا ارِنی حقایقَ القُلُوبِ و اسرارَ الاشیاءِ و اجْعَلْ
لی وُدّاً فی صُدُورِ الاعداءِ

فصل دویم در دعوت اسماء جبروتی

بدانکه این اسمائیست متضمن بفایده‌ها و مؤثر بخاصیتها برای جمیع
مرادات دینی و دنیاوی اگر کسی مداومت باسماءِ جبروتی کند موصوف بهمهٔ صفا
گردد باید که طریق شرایط درک یابد چه اگر کسی هزار بار بطریق شرایط دعوت تا
مدتی که تواند بخواند شرایط جملهٔ اسما ساقط شود ایضاً بر نیّت دعوت تا
چهل روز هر روز چهل و یکبار بخواند و ایام مقصود و طریق عروج و نزول
شهر و احتیاط و قواعد دعوت قبل ازین مسطور است دیده عمل نماید ایضاً
اگر کسی خواهد که هر اسم را جدا گانه شرایط مع دعوت بخواند باید که بر نیّت شرایط
هر اسمی که خواهد او را شش هزار بار مع اقامش تا که تواند بخواند شرایط
ساقط شود بعده بر نیّت دعوت تا هفت روز هر روز شش هزار با[ر]

۱۷۵

دعوت اسماء جبروتی

۲۱۳

بخواند اجابت شود اسماء جبروتی این است   اللهم یا نور تنورت بالنور والنور
فی نور نورک یا نور ۰ یا ناظر تنظرت بالنظر والنظر فی نظر نظرک یا ناظر ۰
یا ناطق تنطقت بالنطق والنطق فی نطق نطقک یا ناطق ۰ یا نصیر تنصرت
بالنصر والنصر فی نصر نصرک یا نصیر ۰ یا نافخ تنفخت بالنفخ والنفخ فی ۱۷
نفخ نفخک یا نافخ ۰ یا نافع تنفعت بالنفع والنفع فی نفع نفعک یا نافع ۰ یا ناعم
تنعمت بالنعم والنعم فی نعم نعمک یا ناعم ۰ یا ناجی تنجیت بالنجاة
والنجاة فی نجاة نجاتک یا ناجی ۰ یا سالم تسلمت بالسلم والسلام فی سلام
سلامک یا سالم ۰ یا ستار تسترت بالستر والستر فی ستر سترک یا ستار
۰ یا سابق تسبقت بالسباقة والسباقة فی سیاقة سباقک یا سابق ۰ یا سامع
تسمعت بالسمع والسمع فی سمع سمعک یا سامع ۰ یا سریع تسرعت بالسرعة
والسرعة فی سرعة سرعتک یا سریع ۰ یا علیم تعلمت بالعلم والعلم فی علم علمک
یا علیم ۰ یا عالی تعلیت بالعلو والعلو فی علو علوک یا عالی ۰ یا عظیم تعظمت
بالعظمة والعظمة فی عظمة عظمتک یا عظیم ۰ یا عزیز تعززت بالعزة
والعزة فی عزة عزتک یا عزیز ۰ یا عجیب تعجبت بالعجایب والعجایب فی عجا
عجایبک یا عجیب ۰ یا عاجل تعجلت بالعجل والعجل فی عجل عجلک یا عاجل ۰
یا عادل تعدلت بالعدل والعدل فی عدل عدلک یا عادل ۰ یا عاطف تعطفت
بالعطوفة والعطوفة فی عطوفة عطوفتک یا عاطف ۰ یا عاصم تعصمت با
لعصمة والعصمة فی عصمة عصمتک یا عاصم ۰ یا عارف تعرفت بالمعرفة والمعرفة
فی معرفة معرفتک

٢١٤

١٧٧

فِي مَعْرِفَةِ مَعْرِفَتِكَ يَا عَارِفُ ٥ يَا عَاشِقُ تَعَشَّقْتَ بِالعشق والعشق في عشق عشقك
يَا عَاشِقُ ٥ يَا فَاعِلُ تفعلت بالفعل والفعل في فعل فعلك يَا فَاعِلُ ٥ يَا فَالِقُ تفلقت
بالفلق والفلق في فلق فلقك يَا فَالِقُ ٥ يَا فَارِضُ تفرضت بالفرض والفرض في فرض
فرضك يَا فَارِضُ ٥ يَا فَاضِلُ تفضلت بالفضل والفضل في فضل فضلك يَا فَاضِلُ
٥ يَا فَايِضُ تفيضت بالفيض والفيض في فيض فيضك يَا فَايِضُ ٥ يَا فَارِجُ تفرجت
بالفرج والفرج في فرج فرجك يَا فَارِجُ ٥ يَا فَاخِرُ تفخرت بالفخر والفخر في فخر
فخرك يَا فَاخِرُ ٥ يَا فَتَّاحُ تفتحت بالفتح والفتح في فتح فتحك يَا فَتَّاحُ ٥ يَا صَابِرُ
تصبرت بالصبر والصبر في صبر صبرك يَا صَابِرُ ٥ يَا صَادِقُ تصدقت بالصدق
والصدق في صدق صدقك يَا صَادِقُ ٥ يَا صَانِعُ تصنعت بالصنع والصنع في صنع
صُنعِكَ يَا صَانِعُ ٥ يَا قَرِيبُ تقربت بالقرب والقرب في قرب قربك يَا قَرِيبُ ٥
يَا قَابِلُ تقبلت بالقبولية والقبولية في قبولية قبوليتك يَا قَابِلُ ٥ يَا قَدِيرُ تقدرت
بالقدرة والقدرة في قدرة قدرتك يَا قَدِيرُ ٥ يَا قَاهِرُ تقهرت بالقهر والقهر
في قهر قهرك يَا قَاهِرُ ٥ يَا قَابِضُ تقبضت بالقبض والقبض في قبض قبضك
يَا قَابِضُ ٥ يَا قَوِيُّ تقويت بالقوة والقوة في قوة قوتك يَا قَوِيُّ ٥ يَا قُدُّوسُ
تقدست بالقدس والقدس في قدس قدسك يَا قُدُّوسُ ٥ يَا قَاصِدُ تقصدت
بالقصد والقصد في قصد قصدك يَا قَاصِدُ ٥ يَا قَاسِمُ تقسمت بالقسمة والقسمة
في قسمت قسمتك يَا قَاسِمُ ٥ يَا قَدِيمُ تقدمت بالقدم والقدم في قدم قدمك
يَا قَدِيمُ ٥ يَا رَحِيمُ ترحمت بالرحمة والرحمة في رحمت رحمتك يَا رَحِيمُ ٥

٢١٥

١٧٨

يا رزّاق ترزقت بالرزق والرزق في رزق رزقك يا رزّاق ٥ يا راكب تركبت بالركب والركب في ركب ركبك يا راكب ٥ يا راغب ترغبت بالرغبة والرغبة في رغبة رغبتك يا راغب ٥ يا رافق ترفقت بالرفق والرفق في رفق رفقك يا رافق ٥ يا رافع ترفعت بالرفع والرفع في رفع رفعك يا رافع ٥ يا راشد ترشدت بالرشد والرشد في رشد رشدك يا راشد ٥ يا راعي ترعيت بالرعاية والرعاية في رعاية رعايتك يا راعي ٥ يا ربّ تربيت بالربوبية والربوبية في ربوبية ربوبيتك يا ربّ ٥ يا شارق تشرقت بالشوق والشوق في شوق شوقك يا شارق ٥ يا شافع تشفعت بالشفاعة والشفاعة في شفاعة شفاعتك يا شافع ٥ يا شكور تشكرت بالشكر والشكر في شكر شكرك يا شكور ٥ يا شافي تشفيت بالشفاء والشفاء في شفاء شفائك يا شافي ٥ يا شاهد تشهدت بالشهود والشهود في شهود شهودك يا شاهد ٥ يا توّاب تبوبت بالتوبة والتوبة في توبة توبتك يا توّاب ٥ يا ثابت تثبّتت بالثبوت والثبوت في ثبوت ثبوتك يا ثابت ٥ يا خير تخيّرت بالخير والخير في خير خيرك يا خير ٥ يا خازن تخزنت بالخزاين والخزاين في خزاين خزاينك يا خازن ٥ يا جارح تجرّحت بالجرح والجرح في جرح جرحك يا جارح ٥ يا خالق تخلّقت بالخلق والخلق في خلق خلقك يا خالق ٥ يا خافض تخفّضت بالخفض والخفض في خفض خفضك يا خافض ٥ يا خبير تخبّرت بالخبر والخبر في خبر خبيرك يا خبير ٥ يا ذاكر تذكّرت بالذكر والذكر في ذكر ذكرك يا ذاكر ٥ يا ذوّاق تذوقت بالذوق والذوق في ذوق ذوقك يا ذائق ٥

يا ذاخر تذخرت

يا ذاخر تذخرت بالذخر والذخر في ذخر ذخرك يا ذاخر ه يا ضياء تضيئت
بالضياء والضياء في ضياء ضيائك يا ضياء ه يا ضاعف تضعفت بالاضعاف
والاضعاف في اضعاف اضعافك يا ضاعف ه يا ظاهر تظهرت بالظهور والظهور
في ظهور ظهورك يا ظاهر ه يا ظافر تظفرت بالظفر والظفر في ظفر ظفرك
يا ظافر ه يا غالب تغلبت بالغلبة والغلبة في غلبت غلبتك يا غالب ه يا
غايب تغيبت بالغيبة والغيبة في غيبة غيبتك يا غايب ه يا غياث تغيثت
بالغيوث والغيوث في غيوث غيوثك يا غياث ه يا غيور تغيرت بالغيرة والغيرة
في غيرة غيرتك يا غيور ه يا غفار تغفرت بالغفران والغفران في غفران غفرا
نك يا غفار ه يا غفور تغفرت بالمغفرة والمغفرة في مغفرة مغفرتك يا غفور
ه يا غني تغنيت بالغناء والغناء في غناء غنائك يا غني ه يا امر تامرت بالامور
والامور في امور امورك يا امر ه يا اول تاولت بالاولية والاولية في اولية
اوليتك يا اول ه يا باصر تبصرت بالبصارة والبصارة في بصارة بصارتك
يا باصر ه يا بصير تبصرت بالبصيرة والبصيرة في بصيرة بصيرتك يا بصير
ه يا باسط تبسطت بالبسط والبسط في بسط بسطك يا باسط ه يا باعث تبعثت
بالبعث والبعث في بعث بعثك يا باعث ه يا بالغ تبلغت بالبلاغة والبلاغة
في بلاغة بلاغتك يا بالغ ه يا بديع تبدعت بالبدع والبدع في بدع بدعك يا
بديع ه يا بشر تبشرت بالبشارة والبشارة في بشارة بشارتك يا بشر ه
يا جاعل تجعلت بالعجل والعجل في عجل عجلك يا جاعل ه يا جامع تجمعت

بالجمع والجمع في جمع جمعك يا جامع ٥ يا جابر تجبرت بالجبر والجبر في جبر جبرك
يا جابر ٥ يا جواد تجودت بالجود والجود في جود جودك يا جواد ٥ يا جليل تجللت
بالجلال والجلال في جلال جلالك يا جليل ٥ يا جميل تجملت بالجمال والجمال في
جمال جمالك يا جميل ٥ يا جمال تجملت بالجميل والجميل في جميل جميلك يا جمال ٥ ١٨٠
يا داخل تدخلت بالدخول والدخول في دخول دخولك يا داخل ٥ يا دافع
تدفعت بالدفع والدفع في دفع دفعك يا دافع ٥ يا ديهور تدهرت بالدهر
والدهر في دهر دهرك يا ديهور ٥ يا هادي تهديت بالهداية والهدا
ية في هداية هدايتك يا هادي ٥ يا واحد توحدت بالوحدة والوحدة
في وحدة وحدتك يا واحد ٥ يا وهاب توهبت بالوهب والوهب في وهب
وهبك يا وهاب ٥ يا واسع توسعت بالوسع والوسع في وسع وسعك يا واسع
٥ يا وافي توفيت بالوفاء والوفاء في وفاء وفائك يا وافي ٥ يا واجب توجبت
بالوجوب والوجوب في وجوب وجوبك يا واجب ٥ يا واصل توصلت بالوصل
والوصل في وصل وصلك يا واصل ٥ يا واصف توصفت بالوصف والوصف
في وصف وصفك يا واصف ٥ يا واجد توجدت بالوجد والوجد في وجد
وجدك يا واجد ٥ يا ولي توليت بالولاية والولاية في ولاية ولايتك يا ولي
٥ يا وكيل توكلت بالوكالة والوكالة في وكالة وكالتك يا وكيل ٥ يا وعيد توعدت
بالوعد والوعد في وعد وعدك يا وعيد ٥ يا زين تزينت بالزينة والزينة في زينة
زينتك يا زين ٥ يا حي تحييت بالحيوة والحيوة في حيوة حيوتك يا حي ٥ يا حاكم
تحكمت بالحكم

٢١٨

تحكمت بالحكم والحكم في حكم حكمك يا حاكم ه يا حكيم تحكمت بالحكمة والحكمة
في حكمة حكمتك يا حكيم ه يا حليم تحلمت بالحلم والحلم في حلم حلمك يا حليم ه
يا حسيب تحسبت بالحساب والحساب في حساب حسابك يا حسيب ه يا حفيظ
تحفظت بالحفظ والحفظ في حفظ حفظك يا حفيظ ه يا حافظ تحفظت
بالحفاظ والحفاظ في حفاظ حفاظك يا حافظ ه يا حبيب تحببت بالحب والحب ١٨١
في حب حبك يا حبيب ه يا حميد تحمدت بالحمد والحمد في حمد حمدك يا حميد ه
يا حاضر تحضرت بالحضور والحضور في حضور حضورك يا حاضر ه يا طالب
تطلبت بالطلب والطلب في طلب طلبك يا طالب ه يا طاهر تطهرت بالطهارة
والطهارة في طهارة طهارتك يا طاهر ه يا طالع تطلعت بالطلوع والطلوع
في طلوع طلوعك يا طالع ه يا طارب تطربت بالطرب والطرب في طرب طربك
يا طارب ه يا كريم تكرمت بالكرامة والكرامة في كرامة كرامتك يا كريم ه
يا كبير تكبرت بالكبرياء والكبرياء في كبرياء كبريائك يا كبير ه يا كاشف تكشفت
بالكشف والكشف في كشف كشفك يا كاشف ه يا كاتب تكتبت بالكتب والكتب
في كتب كتبك يا كاتب ه يا كافي تكفيت بالكفاية والكفاية في كفاية كفايتك
يا كافي ه يا كامل تكملت بالكمالية والكمالية في كمالية كماليتك يا كامل ه يا
كاين تكينت بالكون والكون في كون كونك يا كاين ه يا كليم تكلمت بالكلام وا
لكلام في كلام كلامك يا كليم ه يا لامس تلمست باللمس واللمس في لمس لمسك
يا لامس ه يا لين تلينت باللون واللون في لون لونك يا لين ه يا لطيف

تلطفت باللطف واللطف في لطف لطفك يالطيف ٥ ياماجد تمجدت بالمجد والمجد في مجد مجدك ياماجد ٥ يامالك تملكت بالملك والملك في ملك ملكك يامالك ٥ يامبدل تبدلت بالبدل والبدل في بدل بدلك يامبدل ٥ يامبذل تبذلت بالبذل والبذل في بذل بذلك يامبذل ٥ يامبين تبينت بالبيان والبيان في بيان بيانك يامبين ٥ يامؤثر تاثرت بالاثر والاثر في اثر اثرك يامؤثر ٥ يامزور تزورت بالزيارة والزيارة في زيارة زيارتك يامزور ٥ يامزيد تزيدت بالازدياد والازدياد في ازدياد ازديادك يامزيد ٥ يامزوج تزوجت بالزوج والزوج في زوج زوجك يامزوج ٥ يامطعم تطعمت بالطعام والطعام في طعام طعامك يامطعم ٥ يامكار تمكرت بالمكر والمكر في مكر مكرك يامكار ٥ ياملقن تلقنت باللقن واللقن في لقن لقنك ياملقن ٥ يامنور تنورت بالانوار والانوار في انوار انوارك يامنور ٥ يامنفس تنفست بالنفس والنفس في نفس نفسك يامنفس ٥ يامسحر تسحرت بالسحر والسحر في سحر سحرك يامسحر ٥ يامسخر تسخرت بالتسخير والتسخير في تسخير تسخيرك يامسخر ٥ يامسبب تسببت بالاسباب والاسباب في اسباب اسبابك يامسبب ٥ يامسهل تسهلت بالسهولة والسهولة في سهولة سهولتك يامسهل ٥ يامسلط تسلطت بالسلط والسلط في سلط سلطك يامسلط ٥ يامسعد تسعدت بالسعادة والسعادة في سعادة سعادتك يامسعد ٥ يامعلن تعلنت بالعلان والعلان في علان علانك يامعلن ٥ يامعطي تعطيت بالعطاء والعطاء في عطاء عطائك يامعطي ٥ يامعقب

تعقبت بالعقب

٢٣٠

تعقبت بالعقب والعقب في عقب عقبك يا معقب ○ يا معشوق تعشقت بالعشق
والعشق في عشق عشقك يا معشوق ○ يا مصور تصورت بالصور والصور في
صور صورك يا مصور ○ يا مقلب تقلبت بالقلب والقلب في قلب قلبك يا
مقلب ○ يا مريد تاردت بالمراد والمراد في مراد مرادك يا مريد ○ اسألك
ان تصلي على محمد وآل محمد وان تغفر لي وترحمني وتتوب علي وان تقضي
حاجتي وتكفي مهماتي وتستجيب دعواتي وتقبل عباداتي برحمتك يا ارحم
الراحمين وصلى الله على خير خلقه محمد وآله اجمعين

١٨٣

ايضاً دعوت اسماء علوی بدانکه این اسماء علوی از همه اسماء اعلی اند و اثر آن
از همه زیاده است اگر کسی مداومت نماید بمرتبهٔ اعلی علیین برسد باید که تعظیم
اسماء الهی بسیار کند و عقیده و اجازهٔ مربی لازمست و بوقت قراءت بر چپ
و راست نه بیند و با کس تکلم نکند و حضور مع الله دارد و وقت قراءت یکی در نیم
شب است و دوم در نیم روز و اگر نتواند قبل از طلوع و بعد از غروب ۲۸ مرتبه
و اگر نتواند ۱۲ مرتبه و اگر نتواند ۷ مرتبه و الا ۴ مرتبه و اگر آن نیز میسر
نشود ۱ مرتبه بخواند و اگر اسمی موافق اسم خود برآورده دعوت کند باید که
بطریق دعوت قدسیه که قبل ازین در دعوت کواکب مسطور است عمل نماید اسماء
علوی این است بسم الله الرحمن الرحیم ○ یا اکرم من کل کریم ○ یا اکفل من
کل کفیل ○ یا اکثر من کل کثیر ○ یا اکبر من کل کبیر ○ یا اکشف من کل کاشف ○ یا اکتب
من کل کاتب ○ یا اکفی من کل کافی ○ یا اکمل من کل کامل ○ یا اکین من کل کاین ○

دعوت اسماء علوی

يا اكلم من كل كليم ٥ يا اكنز من كل كنوز ٥ يا املس من كل لامس ٥ يا الطف من كل لطيف
٥ يا امجد من كل مجيد ٥ يا املك من كل مالك ٥ يا احب من كل حبيب ٥ يا اطعم من كل مطعم ٥
يا اطرب من كل مطرب ٥ يا ادرك من كل مدرك ٥ يا امحى من كل محى ٥ يا اجب من كل مجيب ٥
يا اطلع من كل مطلع ٥ يا امكر من كل ماكر ٥ يا امكن من كل مكين ٥ يا املذ من كل ملاذ ٥ ١٨٤
يا انعم من كل منعم ٥ يا انشى من كل منشى ٥ يا اسحر من كل ساحر ٥ يا اسعد من كل سعيد ٥
يا ارشد من كل رشيد ٥ يا ارسل من كل رسول ٥ يا امتن من كل متين ٥ يا اخبر من كل خبير ٥
يا اخرج من كل مخرج ٥ يا اظهر من كل مظهر ٥ يا اغيث من كل مغيث ٥ يا انور من كل نور ٥
يا انول من كل نوال ٥ يا انظر من كل ناظر ٥ يا انظم من كل نظام ٥ يا انطق من كل ناطق ٥
يا انصر من كل نصير ٥ يا انهى من كل ناهى ٥ يا انفع من كل نافع ٥ يا انعم من كل ناعم ٥
يا انجى من كل ناجى ٥ يا انفى من كل نافى ٥ يا انذر من كل نذير ٥ يا اسلم من كل سلام ٥
يا استر من كل ساتر ٥ يا اسبق من كل سابق ٥ يا اسمع من كل سامع ٥ يا اسرع من كل سريع ٥
يا اعلم من كل عليم ٥ يا اعلى من كل عالى ٥ يا اعيذ من كل عياذ ٥ يا اعظم من كل عظيم ٥
يا اعجب من كل عجيب ٥ يا اعجل من كل عاجل ٥ يا اعدل من كل عادل ٥ يا اعف من كل عفو ٥
يا اعطف من كل عاطف ٥ يا اعصم من كل عاصم ٥ يا اعمد من كل عامد ٥ يا اعرف من كل عارف ٥
يا اعشق من كل عاشق ٥ يا افعل من كل فاعل ٥ يا افلق من كل فالق ٥ يا افطر من كل فاطر ٥
يا افضل من كل فاضل ٥ يا اقبض من كل قابض ٥ يا افرج من كل فارج ٥ يا افتح من كل فاتح ٥
يا افخر من كل فاخر ٥ يا اصحب من كل صاحب ٥ يا اصبر من كل صابر ٥ يا اصدق من كل صادق
يا اصنع من كل صانع ٥ يا اصرخ من كل صريخ ٥ يا اصرف من كل صارف ٥ يا اقرب من كل قريب ٥

يا اقوم من كل قوام

يا اقوم من كل قوامٍ ٥ يا اقبل من كل قبولٍ ٥ يا اقدر من كل قديرٍ ٥ يا اَقْهَرَ مِنْ كُلِّ قَاهِرٍ ٥
يا اقبض من كل قابضٍ ٥ يا اقوى من كل قوى ٥ يا اقدس من كل قادسٍ ٥ يا اقضى من كل قاضى ٥
يا اقصد من كل قاصدٍ ٥ يا اقسم من كل قاسمٍ ٥ يا اقسط من كل قاسطٍ ٥ يا اقدم من كل قديمٍ ٥
يا ارحم من كل راحمٍ ٥ يا ارزق من كل رازقٍ ٥ يا اركب من كل راكبٍ ٥ يا ارغب من كل راغبٍ ٥
١٨٥ يا ارفق من كل رافقٍ ٥ يا ارتق من كل راتقٍ ٥ يا ارمق من كل رامقٍ ٥ يا ارفع من كل رافعٍ ٥
يا ارشد من كل راشدٍ ٥ يا ارعى من كل راعى ٥ يا ارأى من كل رائىٍ ٥ يا ارءف من كل رءُوفٍ ٥
يا اربب من كل ربوبٍ ٥ يا ارقب من كل رقيبٍ ٥ يا اشوق من كل شاوقٍ ٥ يا اشفق من كل شافقٍ ٥
يا اشفع من كل شفيعٍ ٥ يا اشرف من كل شريفٍ ٥ يا اشكر من كل شاكرٍ ٥ يا اشفى من كل شافى ٥
يا اشهد من كل شاهدٍ ٥ يا اشرق من كل شارقٍ ٥ يا اتم من كل تامٍ ٥ يا اتوب من كل تايبٍ ٥
يا اثبت من كل ثابتٍ ٥ يا اثنى من كل ثناءٍ ٥ يا اتوب من كل توابٍ ٥ يا اخلق من كل خالقٍ ٥
يا اخفض من كل خافضٍ ٥ يا اخفى من كل خفىٍ ٥ يا اذكر من كل ذاكرٍ ٥ يا اذوق من كل ذاوقٍ ٥
يا اضعف من كل ضاعفٍ ٥ يا اضوء من كل ضياءٍ ٥ يا اظهر من كل ظاهرٍ ٥ يا اظفر من كل ظافرٍ ٥
يا اغلب من كل غالبٍ ٥ يا اغيث من كل غياثٍ ٥ يا اَغْيَرَ مِنْ كُلِّ غَيُورٍ ٥ يا اغيب من كل غيوبٍ ٥
يا اغفر من كل غافرٍ ٥ يا اغنى من كل غناءٍ ٥ يا ازل من كل ازالٍ ٥ يا ابد من كل اٰبادٍ ٥
يا ابطن من كل باطنٍ ٥ يا ابقى من كل باقٍ ٥ يا ابصر من كل باصرٍ ٥ يا اَبْسَطَ مِنْ كل باسطٍ ٥
يا ابعث من كل باعثٍ ٥ يا ابلغ من كل بالغٍ ٥ يا ابدع من كل بديعٍ ٥ يا ابشر من كل بشيرٍ ٥
يا اجعل من كل جاعلٍ ٥ يا اجمع من كل جامعٍ ٥ يا اجدر من كل جادرٍ ٥ يا اجبر من كل جابرٍ ٥
يا اجيز من كل جايزٍ ٥ يا اجود من كل جوادٍ ٥ يا اجمل من كل جمالٍ ٥ يا اجل من كل جلالٍ ٥

يا اجمع من كل جميع ○ يا اديم من كل دايمٍ ○ يا ادعى من كل داعٍ ○ يا ادخل من كل داخلٍ ○
يا ادفع من كل دافعٍ ○ يا ادوا من كلِّ دواءٍ ○ يا ادل من كل دليلٍ ○ يا ادهر من كل ديهارٍ ○
يا اهدى من كل هادى ○ يا اهلم من كل هالمٍ ○ يا اهدم من كل هادمٍ ○ يا اهطف من كل هاطفٍ ○
يا اولى من كل والى ○ يا اورث من كل وارثٍ ○ يا اوهب من كل وهّابٍ ○ يا اوسع من كل واسعٍ ○
يا اوفى من كل وافى ○ يا اوقى من كل واقى ○ يا اوجب من كل واجبٍ ○ يا اوصل من كل واصلٍ ○
يا اوصف من كل واصفٍ ○ يا اوجد من كل واجدٍ ○ يا اوكل من كل وكيلٍ ○ يا اوعد من كل وعيدٍ ○
يا ازكى مِن كلِّ زكيٍّ ○ يا ازوج من كل زاوجٍ ○ يا احيا من كل حيوةٍ ○ يا احكم من كل حاكمٍ ○
يا احكم مِن كلِّ حكيمٍ ○ يا احلم من كل حليمٍ ○ يا احسب من كل حاسبٍ ○ يا احمد من كل حامدٍ ○
يا احفظ من كل حفيظٍ ○ يا احب من كل حبيبٍ ○ يا احضر من كل حاضرٍ ○ يا اطلب من كلِّ طالبٍ ○
يا اظهر من كل ظاهرٍ ○ يا اطيب من كل طيبٍ ○ يا اطلع من كل طالعٍ ○ يا اطرب من كل طاربٍ ○
يا ايسر مِن كلِّ يسيرٍ ○ يا ايمن من كل يمانٍ ○ يا ايد من كل يدانٍ ○ اقض حاجاتى واكف مهماتى
واستجب دعواتى انك على كلِّ شئٍ قديرٌ يا ارحم الراحمين وصلى الله على خير خلقه
محمدٍ و آله اجمعين بعده

دوازده بار بخواند اللهم طهر قلوبنا عن الشرك والشك والغفلة والنفاق
والريا وصقل فوادنا من الكبر والبغض والحسد والاستدراج وزين ضميرنا بالصدق
واليقين والاتحاد والعرفان واحفظ السنتنا من الكذب والغيبة والفواحش والبهتان
وخرج بطوننا من الحرام واحفظ فروجنا من الزنا وايدينا من السرقة والخيانة
واسماعنا من سماع اللغو والغيبة وابصارنا من بصيرة الغير وارجلنا من غير الطاعة

يا حفيظ تحفظت

یا حفیظ تحفظت بالحفظ والحفظ فی حفظ حفظك یا حفیظ یا ربّ العالمین
و یا خیر الناصرین واعوذ بك من شرّ النفس وخصا یله برحمتك یا ارحم
الراحمین

۱۸۷

ایضاً دعوت مسیح در اسماء الهیّه هر اسمی را که خواهد از اسماء کن فیکون و اسماء علوی
دعوت کند باید که ازین اسم حروف ۲ و نه بطول و حروف ۲۸ بطن اسم ذات و صفات اصل ۲
جدا گونه بنویسید بعده بدین طریق شماره کند بعد حروف اصل پس هر حرف عشر
الوف بگیرد و بعد نقاط حروف اصل اگر باشد پس هر نقطه مائه بگیرد و بعد نقاط
ترکیب حروف اصل در پس عشرات بگیرد و بعد حرکات حروف اصل پس حرکت الف
بگیرد و بعد نقاط حرکات اصل پس هر نقطه مائه بگیرد و غلط نکند

ا ۷	ب ۹	ت ۹	ث ۹	ج ۵	ح ۵	خ ۵
د ۶	ذ ۶	ر ۴	ز ۴	س ۶	ش ۶	ص ۸
ض ۸	ط ۱۱	ظ ۱۱	ع ۵	غ ۵	ف ۴	ق ۴
ك ۱۵	ل ۱۰	م ۴	ن ۹	و ۱۲	ه ۵	ی ۹

اُ ۵	هُ ۵	طُ ۵	مُ ۵	فُ ۵	شُ ۵	ذُ ۵
بَ ۴	وَ ۴	یَ ۴	نَ ۴	صَ ۴	تَ ۴	ضَ ۴
جِ ۳	زِ ۳	كِ ۳	سِ ۳	قِ ۳	ثِ ۳	ظِ ۳
دْ ۶	حْ ۶	لْ ۶	عْ ۶	رْ ۶	خْ ۶	غْ ۶

بعد حروف نه بطن پس حرف الوف بگیرد
و بعد نقاط حروف نه بطن پس هر نقطه مایه
بگیرد و بعد نقاط ترکیب حرف نه بطن پس هر
نقطه عشرات بگیرد و بعد حرکات حروف نه
بطن پس هر حرکات مایه بگیرد و بعد نقاط
حرکات نه بطن پس هر نقطه عشرات بگیرد و
حرف را نه بطن که کشیده شد اینست
الف لام فی ل جمله ۳۰۲ باشد بی
یی یی یی ی جمله ۸۲ باشد تی

يي يي ي جمله ۴۸۰ شد ثي يي يي ي جمله ۵۸۰ شد جيم يي ميم ي جمله ۱۷۳ شد
حي يي يي ي جمله ۸۸ شد خي يي يي ي جمله ۶۸۰ شد دال الف لام جمله ۲۱۷ شد
ذال الف لام جمله ۹۱۳ شد راي يي يي ي جمله ۲۸۰ شد زي يي يي ي جمله ۸۷ شد
سين يي نون ي جمله ۲۵۶ شد شين يي نون ي جمله ۴۹۶ شد صاد الف دال جمله ۲۴۱ شد
ضاد الف دال جمله ۹۵۱ شد طي يي يي ي جمله ۸۹ شد ظي يي يي ي ۹۸۰ شد
عين يي نون ي جمله ۲۶۶ شد غين يي نون ي جمله ۱۱۹۶ شد في يي يي ي جمله ۱۶۰ شد
قاف الف في ي جمله ۳۹۲ شد كاف الف في ي جمله ۳۱۲ شد لام الف ميم جمله ۲۷۲ شد
ميم يي ميم جمله ۲۰۰ شد نون واو نون جمله ۲۲۵ شد واو الف واو جمله ۱۳۷ شد
هي يي يي ي جمله ۸۵ شد يي يي يي ي جمله ۹۰ شد وبالله التوفيق

ارقام در بطن جمع کرده حروف بسته لفظ نموده شد تا کسی بغلط نیفتد که در لوح مندرج است

اشا	۳۰۲	بدعو	۸۲	تدعو	۴۸۰	ثدعو	۵۸۰
جيقس	۱۷۳	حكس	۸۸	خكس	۶۸۰	ديجر	۲۱۷
ذيجر	۹۱۳	ركس	۲۸۰	زكس	۸۷	سفيقو	۲۵۶
شفيقو	۴۹۶	صاقن	۲۴۱	ضاقن	۹۵۱	طكس	۸۹
ظكس	۹۸۰	عصقو	۲۶۶	غصقو	۱۱۹۶	فيكن	۱۶۰
قصبر	۳۹۲	كصبر	۳۱۲	لبرم	۲۷۲	ميقن	۲۰۰
نفهص	۲۲۵	والق	۱۳۷	هسك	۸۵	يسك	۹۰

عدد نقاط جمله حروف در بطن بسته شد وآن این است

ا ۹۵	ب ۱۸	ت ۸۱	ث ۸۱	ج ۶۲	ح ۷۷	خ ۷۷
د ۵۶	ذ ۶۵	ر ۶۷	ز ۷۶	س ۸۱	ش ۸۱	ص ۶۵
ض ۶۵	ط ۸۳	ظ ۸۳	ع ۸۰	غ ۸۰	ف ۷۶	ق ۵۶
ك ۷۶	ل ۵۹	م ۱۶	ن ۹۱	و ۸۳	ه ۷۷	ي ۸۱

بعد حروف ۲۸ بطن پس هر حرف مایه
بگیرد و بعد نقاط حروف ۲۸ بطن پس
هر نقطهٔ عشرات بگیرد و بعد نقاط
ترکیب حروف ۲۸ بطن پس هر نقطه احاد
بگیرد و بعد حرکات حروف ۲۸ بطن
پس هر حرکات عشرات بگیرد و بعد نقاط
حرکات ۲۸ بطن پس هر نقطه احاد
بگیرد

بیست و هشت حروف

بیست وهشت حروف تهجی بهر حرف ۲۸ بطن کشیده شُد اینست الف لام
فی لام الف میم فی یی لام الف جمله ۸۳۶ شُد بی یی بی یی بی یی بی یی بی
بی بی بی جمله ۲۷۲ تی بی بی بی بی بی بی بی بی بی بی جمله ۶۷۰ شُد
ثی بی بی بی بی بی بی بی بی بی بی بی جمله ۷۷۰ شُد جیم بی میم بی بی میم بی میم
بی میم بی ی جمله ۵۴۳ شُد حی بی بی بی بی بی بی بی بی بی بی بی جمله ۲۷۸ شُد
خی بی بی بی بی بی بی بی بی بی بی جمله ۸۷۰ شُد دال الف لام الف لام فی لام الف
میم فی جمله ۸۵۱ شُد ذال الف لام الف لام فی لام الف میم فی جمله ۱۵۴۷ شُد
ری بی بی بی بی بی بی بی بی بی
بی بی جمله ۴۷۰ شُد زی بی بی بی بی بی بی بی
بی بی بی بی جمله ۲۷۷ شُد سین بی نون بی
بی نون واو نون بی بی بی ی جمله ۵۸۱ شُد
شین بی نون بی بی نون واو نون بی بی بی ی جمله
۸۲۱ شُد صاد الف دال الف لام فی دال الف لام
ال جمله ۷۶۱ شُد ضاد الف دال الف لام فی دال

عدد حرکات حروف نزبطن بهر یکحرف چند حد کانند اینست						
ا ۹	ب ۹	ت ۹	ث ۹	ج ۹	ح ۹	خ ۹
د ۹	ذ ۹	ر ۹	ز ۹	س ۹	ش ۹	ص ۹
ض ۹	ط ۹	ظ ۹	ع ۹	غ ۹	ف ۹	ق ۹
ک ۹	ل ۹	م ۹	ن ۹	و ۹	ه ۹	ی ۹

عدد نقاط ترکیب نزبطن بهر یک چنین عدد است						
ا ۴۷	ب ۳۶	ت ۳۶	ث ۳۶	ج ۲۸	ح ۲۸	خ ۲۸
د ۴۹	ذ ۴۸	ر ۴۸	ز ۳۵	س ۳۵	ش ۳۶	ص ۴۷
ض ۴۸	ط ۴۷	ظ ۳۵	ع ۳۸	غ ۳۸	ف ۳۷	ق ۳۳
ک ۳۳	ل ۴۶	م ۴	ن ۳۷	و ۴۲	ه ۳۷	ی ۳۶

الف لام ال جمله ۱۴۷۱ شُد طی بی بی بی بی بی بی بی بی بی بی جمله ۲۷۹ شُد
ظی بی بی بی بی بی بی بی بی بی بی بی جمله ۱۱۷۰ شُد عین بی نون بی بی نون واو نون بی
بی بی ی جمله ۵۹۱ شُد غین بی نون بی بی نون واو نون بی بی بی ی جمله ۱۵۲۱ شُد
فی بی بی بی بی بی بی بی بی بی بی بی جمله ۳۵۰ شُد قاف الف فی الف لام فی فی بی الف

لام فی جمل ۱۰۳۶ شد کاف الف فی الف لام فی فی یی الف لام فی جمل ۹۵۶ شد

لام الف میم الف لام فی میم یی میم الف جمل ۸۵۵ شد میم یی میم یی یی میم یی میم یی یی

یی یی جمل ۵۲۰ شد نون واو نون واو الف واو نون واو نون و ۵۹۳ شد

واو الف واو الف لام فی واو الف واو ال جمل ۵۷۷ شد هی یی یی یی یی یی یی یی یی

یی یی یی یی جمل ۲۷۵ شد یی یی یی یی یی یی یی یی یی یی یی جمل ۲۸۰ شد

اکنون تمام ۲۸ بطن حروف استخراج نموده لفظ بسته شد تا واضح باشد این است

اضله ۸۳۶	بعر ۲۷۲	تعر ۶۷۰	ثعر ۷۷۰	جثم ۵۴۳	حعر ۲۷۸	خرع ۸۷۰
دزمض ۸۵۱	ذضمر ۱۵۴۷	ریسر ۴۷۰	زیسر ۲۷۷	سکثا ۵۸۱	شکثا ۸۲۱	صعخا ۷۶۱
ضخعا ۱۴۷۱	طعر ۲۷۹	ظعر ۱۱۷۰	عشکا ۵۹۱	غشکا ۱۵۲۱	فرع ۳۵۰	قظلو ۱۰۳۶
کظلو ۹۵۶	لضکه ۸۵۵	مفت ۵۲۰	نمثج ۵۹۳	وعثا ۵۷۷	هرع ۲۷۵	یرع ۲۸۰

عدد حروف ۲۸ بطن این است

ا ۲۸	ب ۲۸	ت ۲۸	ث ۲۸	ج ۲۸	ح ۲۸	خ ۲۸
د ۲۸	ذ ۲۸	ر ۲۸	ز ۲۸	س ۲۸	ش ۲۸	ص ۲۸
ض ۲۸	ط ۲۸	ظ ۲۸	ع ۲۸	غ ۲۸	ف ۲۸	ق ۲۸
ک ۲۸	ل ۲۸	م ۲۸	ن ۲۸	و ۲۸	ه ۲۸	ی ۲۸

عدد نقاط حروف ۲۸ بطن این است

ا ۱۵	ب ۵۵	ت ۵۶	ث ۵۷	ج ۳۶	ح ۵۴	خ ۵۵
د ۱۱	ذ ۱۲	ر ۵۴	ز ۵۵	س ۳۵	ش ۳۸	ص ۶
ض ۷	ط ۵۴	ظ ۵۵	ع ۳۵	غ ۳۶	ف ۵۵	ق ۴۲
ک ۲۰	ل ۱۶	م ۴۰	ن ۹	و ۶	ه ۵۴	ی ۵۶

عدد نقاط حرکات حروف ۲۸ بطن این است

ا ۱۲۷	ب ۱۱۲	ت ۱۱۲	ث ۱۱۱	ج ۱۲۱	ح ۱۱۴	خ ۱۱۴
د ۱۳۶	ذ ۱۳۵	ر ۱۱۴	ز ۱۱۱	س ۱۱۲	ش ۱۱۴	ص ۱۴۹
ض ۱۴۹	ط ۱۱۳	ظ ۱۱۱	ع ۱۲۰	غ ۱۴۰	ف ۱۱۳	ق ۱۳۷
ک ۱۳۷	ل ۱۲۹	م ۱۲۴	ن ۱۲۰	و ۱۲۳	ه ۱۱۳	ی ۱۱۲

عدد حرکات ۲۸ بطن این است

ا ۲۸	ب ۲۸	ت ۲۸	ث ۲۸	ج ۲۸	ح ۲۸	خ ۲۸
د ۲۸	ذ ۲۸	ر ۲۸	ز ۲۸	س ۲۸	ش ۲۸	ص ۲۸
ض ۲۸	ط ۲۸	ظ ۲۸	ع ۲۸	غ ۲۸	ف ۲۸	ق ۲۸
ک ۲۸	ل ۲۸	م ۲۸	ن ۲۸	و ۲۸	ه ۲۸	ی ۲۸

فایده هر عاملی که این دعوت کند تمام تصرف آن اسم که عامل بود بدست آید واثرش زاده
چندان یابد در این دعوت شرایط عاملست فقط وشرایط عامل قبل ازین مسطور است واین
دعوت تا چهل روز است وطریق طالع کواکب وبروج وخواص طبایع موافق اسم خود دیده
عمل نماید وقراءت باموکل سماوی ضم ساخته بخواند ایضاً اگر عاملی خواهد که
بتصرف اسمی از اسماءِ الهیه مطلوب را جذب کند باید که اسم الهیه موافق مقصود برا
ورد بعده اسم مطلوب را با اسم اعظم الهیه تکسیر یکسطر کند چنانچه هر یکحرف حرفی از
اسم الهی ویکحرف از اسم مطلوب بعد از آن یک سطر را زمام تا مخرج باب کشد وبر یک
کوکب اسم اعظم جدول وحروف مسطور سازد ونزد خود دارد و اسم اعظم بعدد اسم
مطلوب هر روز بخواند بوقت نوشتن واگر تواند پنج وقت بخواند تا که مطلوب بدست رسد
وبدو دیگر طرف مربع عدد جمله مسطور زمام ثبت کند مثال اگر خواهد که کسی را
مطیع وفرمان بردار گرداند باید که اسم اعظم را تکسیر گرداند بدین سند که الهادی واسم
مطلوب که السلطان است بدین طریق امتزاج دهد واین سطور را بدین سند زمام کند
باید که کم وبیش دیگر حرف نکند یازده سطور شدند مربع واز دهم سطر اول باز سطر
اول آید این سطور را در شکل ۱۱ در ۱۱ پر کند بیوم اسم اعظم ویوم اسمی هادی
پنجشنبه است در اول ساعت برنگ زعفران ومشک وگلاب چنانچه ۱۱ خانه چهار
طرف باشد وبهر خانه یک حرف مسطور سازد وشکل نزد خود دارد وهر روز عدد
اسم مطلوب که سلطان است جمل او ۱۵۰ بوقت سطور نقش هر روز بعد الفجر
بخواند ودر وقت کتابت بخور مشتری بکار برد وبعده هر صد که عدد اسم مطلوب

اید یکبار بخواند یا هادی من استهدا به اهدنی به واجعله طوعا لی وطوع یدی
ومکنی ناصیة وقلبه ودر شمس المعارف گوید بدین طریق بخواند که هر صد مرتبه
یکبار یا هادی من استهدا به اهد یا هادی فلان بن فلان واجعله طوعا لی وطوع
یدی ومکن لی ناصیة وقلبه چنانکه گذشت بخواند وعلی هذا القیاس قرائت
یك مرتبه که بعد از صد است بدین سند هر اسم اکه خواهد بسته بخواند متصرف گردد

صورت شکل ادکر اا این است غیر از سطر اول و آخر										
ا	س	ل	ل	ه	ط	ا	ا	د	ن	ی
ی	ا	ن	س	د	ل	ا	ل	ا	ه	ط
ط	ی	ه	ا	ا	ن	ل	س	ا	د	ل
ل	ط	د	ی	ا	ه	س	ا	ل	ا	ن
ن	ل	ا	ط	ل	د	ا	ی	س	ا	ه
ه	ن	ا	ل	س	ا	ی	ط	ا	ل	د
د	ه	ل	ن	ا	ا	ط	ل	ی	س	ا
ا	د	س	ه	ی	ل	ل	ن	ط	ا	ا
ا	ا	ا	د	ط	س	ن	ه	ل	ی	ل
ل	ا	ی	ا	ل	ا	ه	د	ن	ط	س
س	ل	ط	ا	ن	ی	د	ا	ه	ل	ا
ا	س	ل	ل	ه	ط	ا	ا	د	ن	ی

والسلام

فصل سیم در بیان حروف و صور آن
وخواص واعمال حروف و درجات
طبایع وخواص حروف و حروف
تسمیه وشرایط عمل وحلیه حروف
وعمل شرف وقسمت حروف با اهل
عرب وعمله بدانکه اسرار الهی
وظهور نامتناهی پوشیده بعلم
حروف است وخوارق عادات
اولیا وکرامات اصفیا ومعجزات انبیاء بتصرف حروف وتسخیر ایشان است وبیان حروف
بچند قسم مقسوم است حروف ملفوظی ومسروری ومکتوبی وملبوبی ونورانی
وظلمانی وحروف ادنی واد ناء ادنا وحروف منطوقه وحروف غیر منطوقه ومتشابه
وحروفی که الف در ایشان مندرج است وحروف سبع منفصله وقسم ناری وهوائی
ومائی وترابی

علم حروف

وَمائِيِ وَتَوابِي وَأمّا حروف ملفوظی انست که از ترکیب ۳ حرف بود چون الف
جیم دال کاف لام سین عین صاد قاف شین ذال ضاد غین
۱۹۳ و لین سیزده اند که حرف آخر از جنس اول نبود و دو قسمند یك قسم زاید الحرکتست و قسم
دویم زاید السکون حروف زاید الحرکة مثل الف و زاید السکون مثل جیم و دال و
تمیزه وحروف مسروری انست که از ترکیب ۳ حرف بتلفظ آید ولی حرف
آخر از جنس حرف اول بود و آن سه حرفند واو میم نون وحروف مکتوبی
انست که از دو حرف بتلفظ آید و آن دوازده اند باصطلاح عرب با ها را
حا ظا یا فا را تا ثا خا ظا و بلسان عجم بجای الف یا را داخل کنند
وحروف ملبوبی ۲۸ اند که ایشان را دو قسم کرده اند یك قسم نورانی و یك
قسم ظلمانی وحروف نورانی ۱۴ اند که انرا حروف مقطعات نیز خوانند که در اوایل
بعضی از سور قرانی واقع اند و آن بعد از حذف مکرر این عبارتست صراط علی حق
نمسکه وحروف ظلمانی نیز ۱۴ اند و آن اینست بثتجخد ذ زشضظغفو
بر سم ابتث فرد افرد اینست ب ت ث ج خ د ذ ز ش ض ظ غ ف و وبعضی
نورانیرا حروف اعلی خوانند وظلمانیرا حروف ادنی ونورانیرا حروف حق گویند و
ظلمانیرا حروف خلق وظلمانیرا دو قسم کرده اند هفت حرف را حروف ادنی خوانند
وهفت دیگر را حروف ادناء ادنا حروف ادنی ب ت د ذ ض غ و وحروف ادناء ادنی
ث ج خ ز ظ ف ش وحروف منطوقه ۱۵ اند ب ت ث ج خ ذ ز ش ض ظ غ ف
ق ن ي وحروف غیر منقوطه ۱۳ حرفاست ا ح د ر س ص ط ع ك ل م و ه وحروف

حروف اعلی
حروف ادنی
حروف ادنای ادنی

۲۳۱

۱۹۴

متشابه سه اند میم نون واو وحروفیکه الف در ان مندرج است ۲۱ حرفند الف با تا ثا حا خا دال ذال را زا صاد ضاد طا ظا فا قاف کاف لام واو ها یا. وحروف سبعهٔ منفصله ۷ اند ج م س ش ع غ ن واما طبایع حروف طبایع عناصر اربعه است چنانکه قبل ازین بچهار دایره مسطور گشت اکنون عمل وخواص هریك از حروف دیگر یابد خواص حروف ملفوظی ازبرای گویا شدن اطفال تکسیر کرده بگردنش بندند وبرای وقوف براسرار قلوب خلایق وحقیقت اشیای حروف مسطوره نوشته واسماء الهی استخراج کرده در ساعت میمون ورد سازد و باستقامت هر روزه مداومت نماید اثر در یابد ودشمن دوست گردد خواص حروف مسروری ازبرای محبت اثر عظیم دارد وبنام محبوب امتزاج کرده وزمام داده منقش نموده نگاهدارد وازهر دو حرف هر دو نام استخراج نموده ورد سازد ونقش نگه دارد اسرار مطلوب بدست اید خواص حروف مکتوبی اگر کسی از دوست خود جدا شده باشد این حروف را تکسیر کرده بنام او نگهدارد بمطلوب برسد خواص حروف ملبوبی برای همهٔ مهمات دینی ودنیاوی موثر یافته اند از جفر جامع وخافیه معلوم کند خواص حروف نورانی برای ظاهر شدن حق وباطل شدن باطل وهدایت یافتن وحصول علم ظاهری وباطنی ومعرفت الهی وتنویر قلب اثر عظیم دارد اما حروف ظلمانی برای گمراه کردن شخصی از راه موثر است وحروف ادنا ازبرای ظالمین از مرتبهٔ اعلی فرود اوردن مجربست وادناء ادنا باسفل السافلین اندازد وتاثیر این حروف را بمرتبهٔ یافته اند که بهر اسمیکه حروفی از ان واقع اید قلت خیر وکثرت شر ظهور یابد خواص حروف منقوطه را بفتوحات واشراق قلوب عظیم یافته اند چنانکه سود یکشنبه

حروف بر صحار

عداده

۱۹۸

چنانکه روز یکشنبه وقت طلوع آفتاب بمشک و زعفران بر ورق آهو نوشته در زیر
نایه کذارد واین کلمات بخواند یا مُکَلِّمُ کَلِّمْ یا الحا یا مُستَعجلاً یا مُستَجیراه یا ان
یا الِدْ یا یا الابَهْ وَحابه وَمابه وَیاهابه وَهابه نایه بدانچه در ضمیر اوست ناطق
کردد خواص حروف غیر منقوطه برای عقد اللسان وبیهوشی دل در وقت خسوف
یا کسوف یا صفحهٔ سرب در قطب شکل ۳ در ۳ نهد وابتداء از خانهٔ هشتم کرده
بوضع طبیعی تمام کنند وباقی شرایط این شکل بعمل آورند چنانچه بعد ازین مذکور
خواهد شد واسم هر کرا خواهند در عقب قطب شکل نقش کنند در عقد اللسان
نظیر ندارد خواص حروف متشابه برای جلب قلوب وتسخیر مطلوب بمشک وزعفران
وشیر زنی که اول زاییده باشد نوشته بر سر نکه دارد اما حروفی که الف کذران درج است
وان ۲۱ حرفست برای شفاء مریض حروف اول عضو ماوفرا با هر یک ازین حروف
نوشته بقدر امکان ترکیب کند وبر ان عضو بندد صحت یابد انشاء الله تعالی مثال
شاشبشتشثشجشحشخشدشذشرشزشسشصشضشطشظشفشقشکشلشوشهشی
این مثال که ثبت شد بجهت دفع درد شکم است حرف اول شکم که ش است با ۲۱ حرف
ترکیب کردیم بقسمی که ثبت شد واعراب از دایرهٔ اهل تکسیر دهد وبعضی تمام حروف
عضو مریض را بعد از آه نویسند بدین سند اه ش اه ک اه م وبعضی ان حروف را
در میان اه مینویسند بدین صورت اش ه اک ه ام ه باید که هر یک طریق را بمثال
او بقدر امکان حروف را ترکیب داده بعضو بندد شفا یابد خواص حروف سبع
منفصله که بخواتیم موسوم‌اند بجهت حفظ مال وخانه وانعام بتاریخ ۱۴ ماه نوشته

برجدار یا در خانه یا در صندوق نقش کنند که تعویذ است و در هر اسم که این حروف بیشتر بود اثر مضرت و بیوفائی از مسمی مشاهده نماید خواص حروف ناری برای محبت و جلب قلوب مؤثر است خواص حروف هوائی در تسلیط عشق و جلب قوت نطق و راندن و غیره متصرف دانسته اند خواص حروف مائی بعداوت و فتوحات و اصلاح آفات زراعت و غیره مجرب است خواص حروف ترابی در عقد نوم و عقد لسان و تمریض اعداء و تخریب آبادی و امثال آن مقوی دیده اند ایضاً در اصطلاح اهل جفر ب ت ث ن ك ل ط ظ لا جمله را الف نامند پس این حروف فرع الفند ط و ظ را الف مستوره گویند و لا را الفین معطوفین و باقیرا الف مسطوحه گویند ج ح خ ر ذ ع غ را جیم گویند ج را معروف گویند ح را عمیا گویند خ را نکار گویند و ذ را مخذوفه گویند ع و غ را شاخص گویند ر و ز را را زا گویند معروفه زاء مستنکره ن س ش ص ض ق را نون گویند م و ه ه را میم گویند م را معروفه و ه را مستنکره

ایضاً در اصلاح حروف در علم تکسیر و جفر و تصرفات

بدانکه حروف هر عنصر را بچهار قسمت کرده اند و در جه نام نهاده اند دو دو بسه درجه داده اند و یك حرف آخر بدرجهٔ رابع نهاده اند تا باعتدال حروف اسم طالب و مطلوب راست آید و بهر درجه خاصیت دیگر ظهور یابد و آن بدین نوعست که در این جدول در صفحهٔ مقابل نموده میشود

وهو هذا

کرم خشك
سوزنده و
برنده

خواص طبایع حروف

اسامی حروف

در علم جفر

خواص الحروف

گرم خشک سوزنده و برنده	نار	درجهٔ اول المشتغل بالموقدة	درجهٔ دوم	درجهٔ سیوم لا یاکل ولا یشرب	درجهٔ چهارم المقیمة البارده	قسمت درجات نار
گرم تر پراکنده و گشننده و افراشته	هوا	ما لا ینفع فی البر و لا فی البحر	سعایا العنق والجبهة	الذی فی الطیور	المقید الهالک البارد	قسمت درجات هوا
سرد و تر ارنده و دارنده	ماء	العذب الحلو	النیر الصافی	ماء زمان الربیع	الراکد السوس	قسمت درجات ماء
سرد و خشک ارنده و دارنده	تراب	تراب النبع		الرمال	السمم وتراب القبع	قسمت درجات خاک
	آتش	اه	طم	فش	ذ	قسمت درجات ناری
	باد	بو	ین	صت	ض	قسمت درجات بادی
	آب	جز	کس	قث	ظ	قسمت درجات آبی
	خاک	دح	لع	رخ	غ	قسمت حروف خاکی

ایضاً تصرفات حروف بطالع بروج که اهل فن یافته اند در باید حرف الف برای
تالیف دل و گرمی محبت در وقت طلوع درجهٔ اول از برج حمل بر تختهٔ سرب هفت
الف بنویسید و بخور عود کند و در زیر آتش دفن کند مؤثر یابد و نیز گفته اند که اگر

هزار الف در وقت مذکور یاد در وقت طلوع عطارد در ساعت مسعود بنویسید و بگردن
آویزد حفظ را زیاد کند   حرف با برای ضد اعمال الف در وقت طلوع ۱۰ دقیقه
از دویم درجهٔ برج دلو بر پوست حمار نویسید و بخور کند مؤثر باشد   حرف جیم
برای عقد اللسان در وقت طلوع سیوم درجه برج سنبله بر کاغذ دایره بکشد و ۱۲
جیم بر محیط آن بکشد یکی بر دیگر نویسید و بکمونی بخور کند و کمونی در خشت برابر
فلفل گرد پنج شش دانه یک جا باشد بر درخت و چون خام بود سبز رنگ باشد و چون
پخته شود سرخ گردد بعده آن دایره را بموم گیرد و در زیر خاک دفن کند خاصیت یابد
حرف دال هم ضد الفست در وقت طلوع چهارم درجهٔ جوزا دال بر آبگینهٔ
سفید نویسید و بر ممر باد بیاویزد و بخور پاشنکند   حرف ها محبت راست در وقت
طلوع پنجم درجهٔ ثور شش ها بر پوست آهو نویسید و بر هفت دانه فلفل و قدری
شکر در پیچد و در موم گرفته در آستانهٔ خانهٔ مطلوب دفن کند و بخور عنبر کند
حرف واو آن نیز محبت راست در وقت طلوع ششم درجهٔ اسد ۱۲ واو بر تختهٔ
مس نویسید و در آتش دفن کند و بخور میده کند   حرف زا عقد الرجال راست
و آنچه بدان ماند در وقت طلوع هفتم درجهٔ جدی ۱۴ زا را بر کرباس نویسید
و بر پیچد و بر برگ کافور سفید در گل گرفته در لب چاه دفن کند و بپوست نارنج
بخور کند   حرف حا عقد النوم راست در طلوع هشتم درجهٔ جوزا ۱۰
حا بر خشت خام نویسید و شب بر بالای آتش گذارد و بر پوست بادام بخور کند
حرف طا عمل او ضد الفست در طلوع نهم درجهٔ عقرب ۱۹ طا بر برگ

اسفیدار نویسید

اسفیدار بنویسید و در آب چاه اندازد و بخور البلسان بخور کند حرف یا محبت راست
وقت طلوع درجهٔ دهم قوس ۲۱ یا بر پارهٔ حریر نویسید و فتیله کرده بروغن
زیت بیفروزد و سپند روس بخور کند حرف کاف عقد اللسان راست در
وقت طلوع بیستم درجهٔ جوزا ۲۰ کاف بر کاغذ نویسد و بپیچیده در زیر زبان گیرد
یا در زمین دفن کند و بقسط بخور کند حرف لام محبت راست در وقت
طلوع قوس بیبی درجه ۸ لام بر سفال آب نارسیده نویسد و در زیر آتش دفن
کند و بصندل بخور کند حرف میم محبت راست در وقت طلوع درجهٔ ۱۴
جوزا ۱۲ میم بشکر نویسد و با سپند بخور کند حرف نون آن نیز محبت راست
در وقت طلوع درجهٔ اول اسد بر پنجاه دقیقه هشت نون بر کاغذ نویسد و بروغن زیت
و فلفل و عسل در شیشه کند و در زیر آتش گذارد یا دفن کند و بشکر بخور کند
حرف سین عقد اللسانراست در وقت طلوع درجهٔ اول جوزا ۹ سین بر تخم مرغ
نویسد و در خاک دفن کند و بلومان بخور کند حرف عین محبت راست در وقت
طلوع اسد بیک درجه و ده دقیقه ۴ عین بر تختهٔ نحاس نویسد و در آتش دفن
کند و بصندل بخور کند حرف فا عقد الرجال راست در وقت طلوع سنبله
بیک درجه و هفت دقیقه ۹ فا بشانهٔ گوسفند نویسد و در گور کهنه دفن کند و فلفل
بخور کند حرف صاد عداوت را شاید وقت طلوع عقرب بیک درجه و سی ثانیه
بر پوست حمار ۹۰ صاد بنویسید و در آب اندازد و بر پوست جوز بخور کند ایضا
برای هلاک عدو در وقت بنوست شیر دایره بکشد و بیرون دایره ۷۰ صاد

لشنکرف بنویسید ودرون دایره ۱۲ صاد ودر وسط دایره صورت عدو را قفا افتاده
نقش کند وصورت دیگر بر سینهٔ او نشسته کارد بدست چنانچه گویا او را میکشد ونام
او ونام مادر او بر صورت عدو بنویسید وبر صورت نشسته نام عزرائیل بنویسید
ودر بازار قصابان در مذبح دفن کند در اندک روزی خصم فنا شود
حرف قاف دلسردی را شاید در وقتی که درجهٔ اول دلو طلوع کند بچهل دقیقه ۳۰
قاف بر کاغذ کبود بنویسید ودر ممر باد اویزد و بیضه بخور کند   حرف را عداوت
را مناسب بود در وقت طلوع عقرب بسه درجه وهشت دقیقه ۹ را بر شانهٔ کهنه بنویسد
وبظرف اب اندازد وبعود بخور کند   حرف شین همعداوت راست در وقت طلوع عقرب
بر پنجم درجه وده دقیقه ۹ شین بر کاغذ نویسید ودر اب اندازد وافیون بخور کند
حرف ثا عقد اللسان را شاید در وقت طلوع جوزا بشش درجه وپنجاه دقیقه سی ثا
بر سفال اب نادیده نویسید ودر زیر خاک دفن کند وبزعفران بخور کند   حرف ثا
ضد اعمال الف بود در وقت طلوع عقرب بهشتم درجه ۹ ثا بر کاغذ نویسید وبموم کرده
در اب چاه اندازد وبکافور بخور کند   حرف خا مدا ومترا شاید در وقت طلوع دلو بنه
درجه وچهل دقیقه بر حریر نویسید ودر مهبت باد بیاویزد وبخور کند   حرف ذال دل
سردی را شاید در وقت طلوع عقرب بر سفال اب نارسیده ۵۰ ذال بنویسید ودر اب چاه
اندازد وباسفند بخور کند   حرف ضاد ان نیز سردی را شاید در وقت طلوع عقرب بر ۱۱
درجه ۹ ضاد بر سفال بنویسید ودر اب اندازد وبخور کافور کند   حرف ظا عداوت را
مناسب بود در وقت طلوع نهم درجهٔ دلو ۲۰ ظا بر کاسه نوشته باب بشوید وبابشه بخور کند
حرف عین

حرف غین هم عداوت را شاید بعمل مذکور

ایضاً تصرفات و اعمال حروف مسطور بکتابت و قراءت در یابد حرف الف هرکه
بامداد پیش از تکلم ۱۰۰۰ بار بگوید یا نوشته باخود دارد از اهل جاه شود واگر ۵۲ عدد
نوشته نگاه دارد عزیز گردد واگر ۲۵۰ عدد نوشته بر کاسهٔ چینی با زعفران بعد از آن
شسته بمریض دهند شفا یابد ودر حین کتابت بذکر یا رحمن و یا رحیم مشغول شود
حرف با بنیت خلاصی محبوس ۵۰۰ بار بگوید خلاصی یابد واگر ۴۱۰
نوبت در روز چهارشنبه در وقت غروب شمس نوشته بکودک خوراند ذکر حفظ
افزاید واگر چیزی فوت شده باشد نوشته باخود دارد وبجهت ایمنی از شر اعدا نوشته
باخود دارد ودر وقت کتابت یا قیوم یا واحد بگوید حرف جیم اگر هفت روز هر
روزی ۹۰۰۰ بار بگوید حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وآله را در خواب زیارت
کند واگر ۹۰۰ بار بر قدح نوشته بر نجوری دهد که بخورد شفا یابد واگر در شب پنجشنبه
در وقت افزونی ماه ۱۸ جیم نوشته باخود دارد سحر وچشم زخم بروی کار نکند واگر
بمشک وزعفران بر حریر سفید نوشته و پیچیده در موم گیرد وبزیر دندان گذارد اگر او را
در معاینه ببینند باید که نترسد ودر وقت نوشتن یا باری و یا زاکی گوید
حرف دال اگر خواهد که دشمن را آواره کند باید که بوقت صبح پیش از تکلم یا لام
بامقابلهٔ کواکب ۷۰۰ بار بگوید واگر هر روز ۱۰۰۰ بار بگوید بدولت رسد
واگر به نیت امانت مال در روز شنبه وقت طلوع شمس ۷۳۱ بار نوشته در مسجد
جامع دفن کند در امان حق باشد باید که در وقت کتابت یا دیان یا خالق گوید

حرف ها اگر ۹۰۰ عدد نوشته باخود دارد خلق فرمان بردار او گردند حرف
واو اگر ۴۰۰ بار بگوید زبان خلق از بد گفتن او بسته گردد حرف زا اگر ۵۰۰
بار بگوید از ترس ایمن بود واگر ۱۰۰۰ بار نوشته باخود دارد در نظرها مهیب
گردد واگر در روز جمعه ۱۲۰ بار نوشته باخود دارد زبان خلق بر او بسته گردد ودر
حین کتابت یا رحیم یا مقید بخواند حرف حا ۲۰۰ بار خوانده بر مشت خاک
پاک دمیده بر دشمن افشاند دوست گردد حرف طا از جهت ترس ظالمی هر صباح
۷۰۰ بار بگوید ایمن گردد واگر در شب پنجشنبه ۷۰۰ بار نوشته باخود دارد به هیچ کار
درنماند وبوقت نوشتن یا حیّ یا قیوم بخواند حرف یا اگر ۷۰۰ بار بگوید از
خلق بی نیاز گردد حرف کاف اگر ۹۹ بار در روز جمعه وقت طلوع شمس نوشته
باخود دارد حاجات او برآید واگر نوشته در باغ یا کشت آویزد از موش و ملخ ضرر نیابد
ودر وقت کتابت یا خالق یا محیط گوید حرف لام اگر بکسی طمع داشته ۷۰۰
بار بگوید واگر در شب سه شنبه ۱۴۰ بار نوشته باخود دارد از جملهٔ مهمات ایمن
گردد ودر وقت کتابت یا احیا و یا اعلا گوید حرف میم اگر ۷۰۰ بار در شب جمعه
گوید حضرت رسالت را صلی الله علیه وآله وسلم در خواب بیند واگر در روز شنبه
۱۳ بار نوشته در میان قرآن گذارد حاجتش روا گردد ودر وقت نوشتن یا شکور
یا کلیم خواند حرف نون اگر ۱۸ مرتبه نوشته باخود دارد راز پنهان آشکا
را شود ودر وقت نوشتن یا عزیز یا جبار گوید حرف سین اگر هر روز
وقت پیشین ۷۰۰ بار ورد سازد خلق فرمان بردار وی گردند واگر نوشته بگردن

طفل بند در سخن آید واکر بروز عطارد ۳۰۰ بار در طاس میان حمام نوشته وشسته بر سر ریزد در نعمت بروی کشاده کردد ودر وقت نوشتن یا حمید یا عزیز کوید

حرف عین اکر ۲۰ روز هر روزی ۷۰۰ بار بخواند دشمن وی هلاك شود واکر بر برك خیار تلخ ۳۰۰ مرتبه نوشته در خانه دشمن اندازد آواره کردد واکر در روز جمعه ۱۰۰۰ بار نوشته باخود دارد هرکز محتاج کسی نکردد ودر وقت کتابت یا عظیم یا عجیب کوید حرف فا بجهت برامدن حاجات هر روز ۴۰ بار بکوید واکر ۱۰۱ بار نوشته باخود دارد از زحمت ایمن کردد ودر وقت نوشتن یا کلیم یا کریم کوید حرف صاد اکر ۷۰۵ مرتبه نوشته در مصحف کذارد عزیز کردد ودر وقت نوشتن یا بدل یا نور کوید حرف قاف اکر هر روز ۲۰ بار بکوید اسرار باطنی منکشف کردد واکر ۲۰۰ بار بر کاغذ یا بر پوست آهو نویسد وباخود دارد عزیز کردد واکر در شب چهارشنبه نیم شب نوشته باخود دارد از مکروهات خلایق ایمن کردد ومقبول القول کردد وهنکام نوشتن یا شکور یا عزیز کوید حرف را اکر دفینه معلوم کند ونباشد ۷۰۰ بار در کوش خروس سفید کوید هرجا که دفینه باشد آنجا قرار کیرد حرف شین اکر خواهد بداند که حامله پسر یا دختر آورد ۲۰۰ بار بخواند در خواب ببیند که چه خواهد زاید واکر بر نان نوشته بحامله خوراند آسان بزاید واز برای فتح الرجال در روز جمعه ۹۵ بار بمشك وزعفران بر کاسه چینی نوشته بشوید وبخورد مطلب بفعل آید واکر زن بسته باشد بر سر اندازد وبرای هر نیتی که باشد نوشته در قران کذارد ودر وقت کتابت یا قهار یا قریب کوید

حرف ثا اگر هر روز ۱۰۰۰ بار بگوید صاحب دولت شود و اگر ۱۰۰۰ بار نوشته با خود و بدارد
عزیز گردد و اگر ۵۱۰ بار در روز سه شنبه در وقت زوال نوشته و بدیوار خانه نزد بنا
ثابت قدم ماند و اگر نوشته و شسته زن و شوهر بخورند در محبت افزاید و در حین
کتابت یا دایم یا صمد گوید حرف ثا اگر هر روز ۳۰۰۰ بار بر نیت محبوب بخواند
محبت پیدا آید و بهمین عدد نوشته زیر سر طفل گذارد نترسد و اگر روز سه شنبه وقت
طلوع شمس ۵۳ بار نوشته با خود دارد معاندان مطیع گردند و اگر از مرتبه خود افتاده
باشد باز بدان مرتبه رسد و در حین نوشتن یا بار یا کبیر گوید حرف خا اگر خواهد
که از غایب خبر یابد بعد از نماز جمعه یا لام ۷۰۰ بار بخواند و بطرف غایب دمد و اگر طرف مشخص
نباشد نوشته را در زیر سر گذارد در خواب ببیند و اگر نیم شب چهار شنبه بمشک و زعفران ۳۵
بار نوشته با خود دارد عزیز و محترم گردد و اگر مدیون باشد از دین خلاص شود باید که در وقت
نوشتن یا حنان یا منان بگوید حرف ذال اگر دایم گوید با اهل خویش در امان
باشد و اگر ۷۰۰ بار نوشته با خود دارد با شیرینی خواند و بخورد نزد مردم عزیز گردد و
اگر در شب دوشنبه ۲۰۰ بار بنویسد و در بلغار تعویذ کرده با خود دارد میان خلق
عزیز و محترم بماند و در وقت کتابت یا رحیم یا کریم گوید حرف ضاد
برای دفع جنون ۹۰ بار خوانده بدمد و نوشته بر مریض بندد بهوش و عقل باز آید و
اگر بجهت محبت ۷۰۰ بار بگوید محبوب مطیع گردد و اگر ۱۱۹ عدد در شب جمعه بمشک
و زعفران نوشته در زیر سر گذارد حضرت رسالت صلی الله علیه و آله وسلم را در خواب
بیند و اگر شسته و بخورد دل او منور گردد و در حین نوشتن یا علی یا قدوس گوید

حرف ظا برای محبت

حرف ظا برای محبت ۷۰۰ بار بمشک و زعفران نوشته با خود دارد و اگر در روز پنجشنبه ۱۳۰ بار نوشته با خود دارد مشهور جهان گردد و در وقت کتابت یا محمود یا کریم گوید حرف غین اگر هر روز ۱۰۰۰ بار بخواند و بجانب دشمن دمد مقهور گردد و اگر از برای محبت ۹۰۰۰ بار بر پارهٔ کرباس نوشته نام خود و مادر خود و نام مطلوب و مادر او بنویسد محبت پیدا گردد و اگر در روز چهارشنبه ۹۰ بار نوشته با خود دارد از حبس خلاصی یابد و در وقت نوشتن یا مَلِکُ یا مُهَیمِنُ گوید و باید که وقت و ساعت حروف اولین نگه دارد و حروف بروج و کواکب و اهل طالع را با حروف طالع خود را ملفوظی کرده اسماء الهی بسته بخواند یا تکسیر و وفق کرده نزد خود نگاه دارد تا ثمره بسیار یابد

۲۰۸

ایضاً در خواص حروف بسمله نقل است که مجموع حروف بسم الله الرحمن الرحیم که ۱۹ حرف است و در آن خواص عجیبست اگر کسی بساعت زهره نوشته با خود دارد که اسرار بر او منکشف شود و سحرها باطل سازد و در امان حق باشد و اگر در ساعت زحل در مربع ۱۹ در ۱۹ ثبت کند و با خود دارد پیش اکابر باهیبت باشد و اگر کسی ۹ حرف نورانی که در بسمله است و این است س ال ه ر ح م ن ی بنویسد و با خود دارد یا با آب شسته بخورد از رنجها شفا یابد و اگر در ساعت مریخ در مربع ۹ در ۹ ثبت کند و با خود دارد همان فایده دهد و اگر کسی یک حرف ظلمانی که در بسم الله باشد بنویسد و در زیر او نام خصم بنویسد و گرد او ٠ع سین نوشته بدیوار قبله گذارد آنکس غایب شود و مجرب است اما باید در وقتی باشد که قمر در برج جدی باشد و

ساعت زحل بود وخسوف یاکسوف بود واکرکسی ۸ احرف که در بسمله نیست نوشته در مقام دشمن دفن کند هلاك کردد واکر بمربع ۱۸ در ۱۸ وقتی که قمر در عقرب بود ثبت کند و بمقام بلند اویزد دشمن از او بترسد واکرکسی ۱۰ حرف غیر مکرر بسمله را نوشته با خود دارد از شر دشمن ایمن کردد واکر در مربع ۱۰ در ۱۰ نهاده باخود دارد روزی بروی کشاده شود وسرافرازی یابد امّا باید که در ساعت عطارد نویسد واکر ۵ حرف نورانی که در بسمله نیست نوشته ودختری باخود بدارد بخت بسته بکشاید واکر در مربع ۵ هر در ۵ کذارد همان خاصیّت دهد واکر ۱۳ حرف ظلمانی که در بسمله نیست برای جدائی در ساعتی که قمر در سرطان بود بساعت عطارد بر پوست حمار نویسد بنام دو کس که خواهد ودر مقام نمناك دفن کند در میان ایشان جدائی افتد واکرکسی یکحرف ظلمانی بسمله را نوشته کرد او ۹۹ ص بنویسد ودر پشت اودو اسم ملك ملك نویسد وبصاحب درد چشم بند شفا یابد واکرکسی مجموع عدد بسمله ۷۸۶ در مربع ۴ در ۴ نهاده باخود دارد همه مهمات او رواکردد وسختی او باسانی مبدّل کردد وازفقر ایمن کردد باید که بساعت شمس کند و اکرکسی ۱۸ حرف نورانی بسمله را نوشته باخود دارد کارهای صعب بر او اسان شود باید که بساعت مشتری عمل کند واکر در شکل ۱۸ در ۱۸ نهاده باخود دارد نزد خلایق عزیز ومکرم باشد

ایضا در خواص بسمله نبی صلّی الله علیه واله فرموده که اسم اسم اعظم در بسمله است وابن عبّاس از ان حضرت نقل میکند که اکرکسی بکوید لاحول ولاقوّة الّا بالله العلیّ العظیم بکرداند الله تعالی از او هفتاد نوع از بلا وهم نبی ص فرموده که هر که یکبار بصدق بسمله بکوید حق تعالی

بهر حرفی ۴۰۰۰

خواص بسم الله

بهر حرفی ۴۰۰۰ حسنه اورا بدهد و ۴۰۰۰ سیئة ازاو محو نماید و فرموده که
هر که بنویسد بسمله را و در کتابت او جهد کند که خوش نوشته شود بجهت تعظیم بیامرزد
خدا گناهان اورا عن ابن مسعود قال قال رسول الله صلعم من قال بسم الله الرحمن
الرحيم لم يبق ذنوبه ذرة بعضی از اهل معرفت گفته اند که بسمله ۱۹ حرفست
و زبانیه دوزخ ۱۹ اند هر کس که قراءت کند بسمله را الله تعالی دفع کند ازاو
بهر حرفی یک زبانیه را و گفته اند که گناه بر چهار قسمست گناه روز و گناه شب
و گناه آشکار و گناه پنهان و کلمات تسمیه نیز چهار است هر مؤمن که بلفظ تسمیه
کند از روی اخلاص حق تعالی هر چهار قسم از گناهان اورا بیامرزد ایضاً
منقول است که هر کرا حاجتی باشد روز ۴ شنبه و ۵ شنبه و جمعه روزه دارد و
اوایل روز جمعه غسل کند و بمسجد رود و در راه تصدق کند بانچه تواند و بعد

از نماز جمعه بگوید اللهم انی اسألك باسمك بسم الله الرحمن الرحيم الذی
لا اله الا هو عالم الغیب والشهادة هو الرحمن الرحيم واسألك باسمك بسم الله
الرحمن الرحيم الذی لا اله الا هو الحی القیوم لا تأخذه سنة ولا نوم واسأ
لك باسمك بسم الله الرحمن الرحيم الذی ملأت عظمته السموات والارض
واسألك باسمك بسم الله الرحمن الرحيم الذی لا اله الا هو عنت الوجوه
وخضعت له الرقاب وخشعت له الابصار ووجلت منه القلوب وذ
رفت منه العیوب ان تصلی علی سیدنا محمد واله واصحابه وان تعطینی
حاجتی بعد از ان حاجت خود را عرض نماید البته روا شود و انحضرت فرمودند

و وصیت نمودند صحابی را که اینرا بکسی که صالح نباشد میاموز مبادا بر مسلمانی دعای بد کند
و مستجاب شود   و ایضاً منقولست از امام جعفر صادق علیه السلام که هر کرا
حاجتی باشد بر کاغذی بنویسد بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحیمِ مِنَ العَبدِ الذَّلیلِ اِلیٰ رَبِّهِ
الجَلیلِ رَبِّ اَنّی مَسَّنِیَ الضُّرُّ وَاَنتَ اَرحَمُ الرّاحِمینَ پس آن کاغذ را در آب روان
اندازد و بگوید اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّیِّبینَ الطّاهِرینَ وَصَحبِهِ المُرتَضینَ
اِقضِ حَوائِجی یا اَکرَمَ الاَکرَمینَ و آن حاجت بدل خود کند که آن حاجت او بر آید
و ایضاً منقولست که هر کس ۱۲۰۰۰ بار بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحیمِ
بگوید و بعد از هر ۱۰۰۰ بار دو رکعت نماز بگذارد و حاجت خود عرض کند هم
چنین تا ۱۲ بار البته حاجت او روا شود   و ایضاً منقولست که هر که
بگفتن بسمله مداومت نماید روزی بروی فراخ گردد و باطنش صافی شود
و ایضاً منقولست که بجهت فنای ظالم اگر کسی ۱۰۰۰ مرتبه بسمله و ۱۰۰۰ مرتبه
حمدله و ۱۰۰۰ مرتبه کلمهٔ لا اِلٰهَ اِلّا اللهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللهِ وَعَلِیٌّ وَلِیُّ اللهِ و
۱۰۰۰ مرتبه بعد از آن صلوات بر پیغمبر و آل او فرستد آن ظالم فنا شود یا
منکوب گردد و شر او مندفع شود   و ایضاً اگر کلمات اربعه بسمله را
در مربع ۴ در ۴ درج کند بصورتی که نموده میشود و آن را در پیش نظر خود
بگذارد و در آن نظر کند و ۷۸۶ مرتبه بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحیمِ بخواند
و ۱۳۲ بار صلوات فرستد و حاجتی که دارد بخواهد البته روا شود   و ایضاً
هر که این مربع را با خود دارد برای باطل شدن سحر مجرب است و در این مربع بجای

اعداد اسماء الله

اعداد اسماء الله که موافق عدد آن خانه باشد ثبت کند بصورتی که مربع ٢ نوشته میشود
اثرش قوی تر باشد از بعضی اکابر صوفیه منقولست که اگر کسی بطریق تکسیر و مظهر
نیز گویند کلمات اربعهٔ لبسمله را در مربع ٤ در ٤ درج کند و آن را باخود نگاهدارد
کشاده شود و از مکر غمازان و شیطان و همهٔ بلیات ایمن شود و اگر این عمل را در وقت شرف
آفتاب کند و آنرا بخور مناسب بسوزاند و معطر سازد و دایم باطهارت باخود دارد و
تعظیم او فرو نگذارد در دیگر خاصیت اثر او ابلغ باشد بصورتی که مربع ٣ نوشته میشود و

١
٧٨٦

١٠٢	٦٦	٣٢٩	٢٨٩
بسم	الله	الرحمن	الرحیم
٣٣	٢٨٨	١٠٣	٥٦
٢٨٧	٣٢٧	٦٨	١٠٤
٧٦	١٠٥	٢٨٦	٣٢٨

٢
٧٨٦

١٠٢	٦٦	٣٢٩	٢٨٩
بسم	الله	الرحمن	الرحیم
معید جبار	سمیع حق	مبدی والی	دیان
واسع علیم	رزاق واحد	محیی	عدل
محیط	عادل	سبحان عطوف	نور باسط

مربع ٤ که عددی و مضمر است بهمین خواص است وایضا بجهت دفع حمی مکرر آ تجربه شده است که هرگاه لبسمله را بطریق مربعی بنویسد و دیگر داخل آن مربع بنوعی که دیگر مثال نموده

٣
٧٨٦

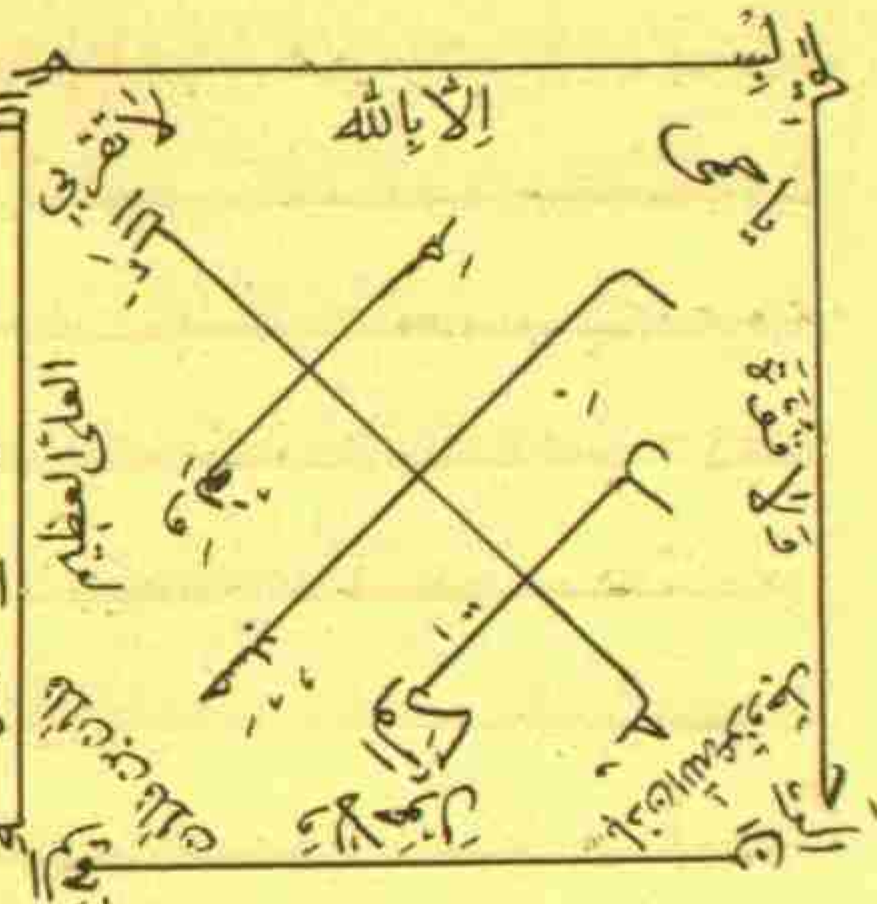
١٠٢	٦٦	٣٢٩	٢٨٩
بسم	الله	الرحمن	الرحیم
الرحیم	الرحمن	الله	بسم
الله	بسم	الرحیم	الرحمن
الرحمن	الرحیم	بسم	الله

٤
٧٨٦

٢	٣٣٨	٢٦٢	١٨٤
٢٨٨	١٥٨	٢٨	٣١٢
١٣٢	٢١٠	٣٩٠	٥٤
٣٦٤	٨٠	١٠٦	٢٣٦

٢٠٩

میشود بنویسد حَسْبُنَا اللهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ
یا حی لا تقربی فلان بن فلان باذنِ اللهِ عزّ وجلّ وانرا در زیر سر محموم گذارد
شفا یابد وصورت مربع اینست ودر نسخهٔ دیگر بجای یا حی لا تقربی انتهی الحاست
والسلام



در بیان حلیه حروف وعمل شرف وتصرفات حروف وشرایط عمل بدانکه وقتی که جسم از عالم غیب بعالم شهادت روی نهد اولا بروح واسم بود وبهر حرف اسم او چند موکلات مسخر وحافظ او باشند بامر الله تعالی وشرایط عمل حروف لا دمست کسی که در این علم حروف وتصرف او در آید اولا باید که احتراز اکل گوشت وسیر وپیاز وامثال اینها که ارواح طاقت شنیدن بویهای کریه ندارند پس باید که بمضمضه ومسواک مداومت نماید ودایم با طهارت باشد وبنماز وتسبیح واذکار واوراد وصلوات واستغفار مداومت نماید وزبان ودست از غیبت وایذای مردم وسخن چینی نگه دارد ونصیحت وشفقت برخلق دریغ ندارد ودر وقت عمل ابتداء دو رکعت نماز استجاره بحضور دل ادا کند اگر اجازه یابد شروع کند والا ترک کند زیرا که حروف خزانهٔ علم وامر وسر ومراد وقدرت واسما وصفات وافعال وذات الله تعالی است که یکشئ بی حرف صورت نه بندد واصل جمله حروف بحروف عربیه

تبع الله در لوح

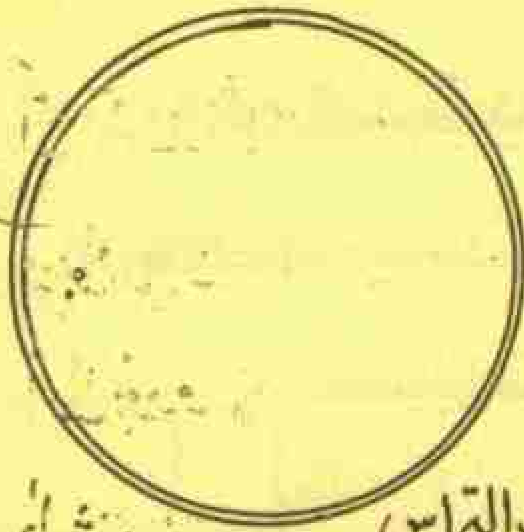
پنج اند در لوح محفوظ بدین صورت مقدور و معلوم باراده خالق عز وجل و تمام
اسما متولد از این حروفند و از این حروف ۵ اسم تولد یافته
الله جمیل رحمن مؤمن نور و از این ۵ دیگر اسماء
الهیه در خارج صورت بستند و این اسما را استوار گردانید
بر دفع بلا و سحر بر تختهٔ نقره نقش کند در شرف آفتاب این

ج		ا
	ر	
ن		م

حروف را و از شرف او استعانت جوید و حروف این است ده الف ایستاده و ۸ الف مسطوحه و دو الف مبسوطه و یک الف معطوفه والف مسطوحه ب ت ث ف ک ل ی والف مبسوطه ط ظ والف معطوفه و ه لا وجیم هفتند اولا جیم متفرقه و آن جیم اولست وجیم عمیا و آن ح است وجیم بصرا و آن خ است و دو جیم محذوفه و آن د ذ است و دو جیم شاخصه و آن ع غ است و را سه اند یکی راء متفرقه و آن راء اولست دویم راء مستنکره و آن ز است ونون شش اند یکی نون متفرقه و آن اولست و ۵ نون مستنکره و آن س ش ص ض ق است و میم دو اند یکی میم متفرقه و آن اولست دویم میم مستنکره و آن ه است و همه ۱۴ الفست و ۷ جیم و سه را و ۲ میم و ۶ نون و این جمله ۳۲ حرفند بدین صورت

ج	ج	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا	ا
ن	ن	ن	ن	ن	ن	م	م	ر	ر	ر	ج	ج	ج	ج	ج

این حروف را بمشک و زعفران و گلاب و شنگرف در روز یکشنبه وقت طلوع شمس مدور بر این صورت شمسیه که در ظهر ورقه نموده میشود بر تختهٔ زرین نوشته



و نگاهدارد از برای دفع غضب و حلّت رزق و دفع
مضرّت مُجرّب است و نظیر ندارد اینست ۳
والسّلام

این مخمّسات در کتاب بنود حقیر سیّد جنید را بجهت یادگار نوشت التماس
دُعا دارد

۸۴۰				
۶۶				۸۳
الله	۲۵۷	۱۳۸	۲۹۶	جمیل
۲۹۷	۸۴	۶۷	۲۵۳	۱۳۹
۲۵۴	۱۳۵	رحمن	۸۵	۶۸
۸۶	۶۹	۲۵۵	۱۳۶	۲۹۴
مؤمن	۲۹۵	۸۲	۷۰	نور

۸۴۰				
۶۶	۸۳	۲۹۸	۱۳۷	۲۵۶
الله	جمیل	رحمن	مؤمن	نور
۲۵۸	۱۹۷	۲۱۶	۱۲۹	۴۰
۲۷۹	۸۶		۳۱۸	۱۵۷
۶۰	۲۷۸	۲۲۰	۲۳۶	۴۶
۱۷۲	۱۹۶	۱۰۶	۲۰	۳۴۱

اتمام شرایط کتابت

اما شرایط کتابت آنست که طهارت کامل یعنی ظاهری و باطنی حاصل کند بقلب و لسان وجوارح که اتصاف بصفات الله نتیجهٔ این طهارتست و اگر کاتب که از اهل بیت تغیر بود اولی بود و الا قرشی بود که دخل عظیم دارد و با شخص متقی عالم عامل باشد بلکه اجازه از مرشد داشته باشد تا ملائکه اسما و حروف نزول کنند و کاتب نیت کند که ۱۰۰۰ روز در خلوت باشد باید که جمله صفات جامع در هزار و یک روز تمام کند و باید که در مقام مرتفع بنشیند که سفید و پاکیزه بود و سر کشوده و بر لب آب و سبزه باشد که این طریقه اولی بود و اکل حلال وطیب دارد و کم خفتن و کم خوردن و کثرت ذکر و بوقت کتابت جمعیت خاطر ملاحظه نماید تا حروف از بعد که اهل بینند بهم متصل نشود خصوصا سه حرف اول با اضلاع خانه نرسد و چشمهای حروف کشوده باشد و حک و اصلاح و غلط واقع نشود و نقاط غیر موصول و کاغذ بی سوراخ و بی قصور بود و ساعت کتابت نیک بود و نظرات نحس نبود و قمر در حضیض و وبال نباشد و در منازل منحوس نباشد و طریقه و تحت الشعاع نباشد و بخورات لطیفه اعلا و نورانی باید سوخت و از اشغال دنیا و تفرقهٔ خاطر اجتناب باید نمود و بوقت کتابت هر صفحه ۲۸ عزیمت آن باید خواند و عزیمت این است عزمت علیکم یا ارواح الموکلون بحرف الالف المکتوب فی اللوح المحفوظ و انتم مطلعون بسرها المودع فیهما اسمعوا قولی واجیبوا دعوتی و اطیعوا امری بحق جمیع الکتب و الاسفار المنزل علی جمیع الانبیاء علیهم السلام این عزیمت صفحات الف است و در هر صفحه اسم آن حروف بگوید مثلا در صفحهٔ میم الموکلان بحرف المیم گوید و قس علی هذا و در روز جمعه و در روز سه شنبه و خسوف و کسوف کتابت نکند و در روز ۲ شنبه و ۵ شنبه صایم باشد و لباس

٢٥١
٢١٤

سفید یا سبز پوشد و هر روز بخور کوکب بسوزد و این کتابت از برای نفس خود کند و از برای پادشاه سلیم
النفس نیز روا بود و بعضی کسان از برای خود نوشته اند و بکسی نداده اند و در قبر خود دفن
ساخته اند و کاتب را باید که یقین کامل دارد و نیت خالص و رحیم بر خلق و امین و عادل و با
طاعت بود و هر روز طعام پخته بدرویشان رساند و اگر تواند هر روز جانور بحل رها کند
تا اثرش بزودی پدید اید و فیض این کتابت بمردم خاند و شهر و اقلیم برسد غزل
جفر جامع گوید انی مخزن اسما بوده ۞ شرح این گنجینهٔ گوهر بز ما بوده ۞ جمله اسما در صحایف
از لغات مختلف ۞ با حکایتهای غیبی سر بسر جوانا بوده ۞ نسخهٔ او در نظر گنجینهٔ سر الله ۞
دانش او سر بسر مفتاح مشکلها بوده ۞ لفظ اسم اعظم حق با همه تفسیر ان ۞ اندرو یابی که گنج
علم الاسما بوده ۞ چون همه اشیا ز اسما الهی قایمند ۞ دانش اسرار او حل همه اشیا بوده ۞ که بصدق
دل طلب دارد بیابد عاقبت ۞ هر که میخواهد بیابد بایدش جویا بوده ۞ چون برعایت شرایط
مذکور کتابت و عمل کرده شود تسخیر این نسخه بمقتضای اعمال مذکور میسر شود هر اینه هیچ
مطلبی بخاطر نگذرد که بران قدرت نیفتد ٢ خط امده است
و کفایت امور و عقد اللسان حساد و متمردین و کشف غیوب و حصول مراتب علوی و سفلی
و همه موجودات روحانی و تصرف در سیر کواکب اسمانی و غلبهٔ بر اعدای دین مسلمانی و خلاصی
از عقوبت جاودانی و وصول بسعادت دو جهانی و طی مراتب درجات و افزانی مال و ملك و
لشکر و غالب شدن او بر دیگر سلاطین و غیره که در این مختصر نگنجد و حصول همه مدعیات
از این کتاب بشرایط مقرره میسر گردد و بعضی اکابران بر این نوع عمل کرده اند که از بینات
مربع بینات هر صفحه استخراج اسما نموده عدد بینات مذکور جمع کرده در مربع بوده اند
واسامی مستخرج

گر برانی
+
جفر جامع

۲۱۵

انواع بسط

واسامی مستخرجه برجول آن نوشته اند وبعضی از بینات مذکور بقانون تکسیر استخراج کرده اند
وبعضی از چهار خانهٔ وسط سطر اوّل وسطر آخر وچهار خانهٔ وسط ضلع ایمن وضلع ایسر بینات
گرفته بتکسیر وغیره استخراج بچهار صفحه نوشته اند وعدد حروف استخراجیه مرتبی ثبت
نموده هم بدان صفحه بیک حرفی رقم کرده اند وبعضی دیگر هر صفحه که اسم خود بینند اسم
اوّل بیوت شمرده مرتبی بدان موضع داده اند وحروف مستحصله که دو حرف آخر هر خانه است
جمله را نظیر گیرند وتکسیر کنند وبر مغیبات مطّلع گردند وخلاصهٔ اصطلاح معلمان جفر
چنانست خصوصًا لفظ مواجه که از ابسط ترفّع گویند یعنی بجای صفر الف نویسند و
بجای الف با نویسند وبجای با جیم نویسند وبجای جیم دال الی آخر ابجد بنویسند و
غین را موقوف دارند وبسط ترفّع بر سه نوعست اوّل بسط عددی دوّم
بسط حرفی سیّم بسط طبیعی امّا بسط ترفّعی عددی آنست که ازارتفاع حروف مطلوب
بجهت اعدادی که قایم است بر ایشان از اعداد ابجدی چنانکه عدد هر یک از آن حروف اگر
در درجهٔ آحاد باشد بعشرات برند واگر در درجهٔ عشرات باشد اورا بدرجهٔ مات برند واگر در
درجهٔ مات باشد اورا بدرجهٔ الوف برند مثال خواستیم که اسم محمّد را بسط ترفّع عددی
بکنیم واز عدد آن تحصیل حروف نمائیم نظر کردیم در میم محمّد ۴۰ بود بمات بردیم ۴۰۰ شد
حرف ساختیم ت حاصل شد باز ح محمّد که آحاد بود بعشرات بردیم ۸۰ شد واز او ف
حاصل آمد باز از میم ثانی محمّد ت حاصل شد باز دال محمّد را ترفّع کردیم ۴۰ شد واز او
میم بحصول پیوست ومجموع حروف مستحصله از بسط ترفّع محمّد این است ت ف ت م
امّا بسط ترفّع حرفی عبارتست از برآمدن ازارتفاع هر یک از حروف ابجدی بحرف

مابعد بی فاصله   مثال خواستیم که اسم محمّد را بسط ترفع حرفی کنیم اوّلا از برای میم محمّد
ن آورده ایم و همچنین برای حا طا و برای میم ثانی نون و برای دال ها آورده ایم پس حروف
بسط ترفع حرفی اسم محمّد این شد ن ط ن ه   امّا بسط ترفع طبیعی عبارت است
از ارتفاع حروف بحسب طبیعت چنانکه حروف خاکی را تبدیل کنند بحرف آبی و ٢١٥
آبی را بهوائی و هوائی را بناری و از ناری بالاتر ترفع ممکن نیست پس حرف ناری را
بحال خود گذارند   مثال خواستیم که اسم محمّد را ترفع طبیعی کنیم چون میم محمّد آتشی بود
اورا بحال خود گذاشتیم و بواسطهٔ حاء محمّد زا را آورده ایم و میم ثانیرا این بحال خود
گذاشتیم و از برای دال جیم آورده ایم چنین شد م ز م ج موافق دایرهٔ محققان
این در شرف از بسط ترفع طبیعی محمّد حاصل شد والسّلام

کلام ظاهیشا بر سه وجه بود وجه اوّل ترکیب باب کبیر یا صغیر چنانچه نظایر باب کبیر را
مع اسواس صدور و مؤخر بروش تکسیر دوره هم بنویسند و باب صغیر را همچنین پس ملحق
سازند و زمام ساختن تکسیر کنند و زمام باب کبیر اینست ی ا ل ا ب ه ت و ث
ن ج م ح ل خ ك د ق ذ ف ر غ ز ع س ظ ش ط ص ض   و زمام باب صغیر
ابجد اینست   ت ا ش ب ر ج ق د ص ه ف و ع ز س ح ن ط م ی ل ك
و استخراج اسما و عمل بنوعی است که ذکر شد اینرا تاج میططرون الملك خوانند
وجه دوّیم ترکیب باب کبیر است با باب متصل و روش امتزاج همان نوعست که در
باب میططرون ذکر شد و زمام این باب اینست زمام باب کبیر اینست ی الا ب
ه ت و ث ن ج م ح ل خ ك د ق ذ ف ر غ ز ع س ظ ش ط ص ض   زمام

باب متصل اینست

۲۵۴

باب متصل اینست ی ب ه ت ن ث م ج ل ح ك خ ق س ف ش غ ص ع ض ظ ط
واستخراج این را کتاب مناجات خوانند وجه سیم ترکیب ۲۲ حرف باب صغیر
با ۲۲ حرف باب متصل کرده ۴۴ حرف باشد در ۱۰ سطور تکسیر وی زمام دهد
وزمام باب صغیر ت ا ش ب ر ج ق د ص ه ف و ع ز س ح ن ط م ی ل ك
زمام باب متصل ی ب ه ت ن ث م ج ل ح ك خ ق س ف ش غ ص ع ض ظ ط
این را لوح آدم خوانند و تکسیر و استخراج بوضع مسطور است کلام رشف چنان
بود که حرف باب متصل اول رقم شود بعده حرف باب صغیر ملحق کند و زمام این
باب نیز ۴۴ حرفست زمام باب متصل ی ب ه ت ن ث م ج ل ح ك خ ق
س ف ش غ ص ع ض ظ ط زمام باب صغیر ت ا ش ب ر ج ق د ص ه ف
و ع ز س ح ن ط م ی ل ك این را هر بزمیطرون الملك خوانند وچون
این عمل دیگر همه بابها کرده شود تا آخر باب متصل بکلام سیرت بازگردد تاج زهره
وسفر آصف ابن برخیا است کلام عشب برد و وجه بود وجه اول قسمی از باب صغیر
مستخرج وقسمی از حروف خارجه باب صغیر بیرون آورد چنانکه از ۱۰ باب تکسیر
وی از هر باب ۴ حرف خارجه بگیرند تا ۴۰ حرف شود و تکسیر وی بقاعده مذ
کور است واستخراج اسما چنانچه مسطور است این را هم تاج شیاق خوانند وجه
دویم از حروف داخل ابواب عشر ۴۰ حرف برداشته تکسیر کنند این را اسامی
بزدگرد ماه نوشته خوانند کلام غشب این نیز بر دو گونه گشت وضع اول
مستخرج از باب متصل اول حروف خارجه ابواب عشره وی واین تاج ماقهم بود که

۲۰۷

جفر ابتثی

وضع دوئم حروف داخل ابواب مذکوره این را اسامی بر دور آفتاب نوشته خوانند
و تکسیر و استخراج بیک وضع است کلام از دور از نظایر باب متصل و صغیر
خیز دا اما نظایر باب متصل را بنام میططرون عبد المعبود و عزرائیل الملک
خوانند

فصل ششم در جفر اخضر بدانکه این عمل برای متقیانست و جلب و طرد و تسخیر و غیره حصول
همه مدعیات عالم عادل عامل را میسر است و بر عشر اقسام منقسم است قسم اول
از حضرت امیر المؤمنین و امام جعفر صادق علیهم السلام که فرمود قدم اسم الطالب
و اخر اسم المطلوب و این دستوریست در همه قوانین جفر و این عمل از آن حضرت منقول است
که بسط کن اسم طالب را بمداخلات ستهٔ مذکور و بسط کن مطلوب را بطرز مسطور و خلاصه نموده
زمام ساخته تکسیر کن اگر عمل خیر بود و درجات باب فرد باشد درجهٔ اول را الحاق کن
تا فرد شود و استخراج اسماء الله بمخارج ستهٔ الهیه سوای که اسماء اعوان و ملائکه بمخارج
عشر استخراج کن و بعضی اسماء اعوان را از تکسیر اسماء ملائکه استخراج نموده اند بمخارج
مذکوره و اسماء قسم از صدور ابواب ترکیب کن و اسماء مستخرجهٔ اعوان و ملائکه را
بچهار حروف و اسماء الهیه بهفت حروف ترکیب کن و اسماء طاهرات را در زوجات زوج
ثانی و در مفردات فرد ثالث باعتبار مبدا ترکیب کن و چون در آخر باب اسمی واقع آید
که دو حرف یا کم یا زیاده بود تتمه انرا از سطر ماقبل بردار یا مابعد یا بهمان اکتفا کن
بحسب نسبت و اسم ساز و اگر در اول سطر بود از آخر سطر ماقبل بردار و بعضی در
مفرده سه در جد ترکیب کرده اند و سرعت اثر عمل را در محبت و فتوحات از وجه

شناسند و در عقود

جفر اخضر

شناسد کند ودیگر عقود وانفصال ازدرجات مفرده وترویج وافراد ازدرجات زمام معتبر است
وزمام وعقود وانفصال وبعض عکس کند تا مخرج باب بدین سند است مثلاً
ملك وفاطر را زمام عکس میکنیم بر نیت اتصال یا انفصال یا بغض یا زمام عکس هشت
حرف دیگر هشت سطر است اگر محبت خواهد ۸ دیگر ۸ واگر بعض خواهد درجهٔ آخر را
الحاق کند تا فرد شود ودر شکل ۲ دیگر
پر کند تا مؤثر آید پس ابوابی که مخرج است
مجی است حروف از ابقد را امکان ترکیب
باید کرد وازدایرهٔ محققان اعراب باید
کرد وچون حرف اول اسم را جزم باشد
جزم باید داد که الساکن اذا حرك حرك
بالکسر واگر دو حرف از یك جنس باشد ادغام

م	ل	ک	ف	ا	ط	م	ه
م	ه	ل	م	ک	ط	ف	ا
م	ا	ه	ف	ل	ط	م	ک
م	ک	ا	م	ه	ط	ف	ل
م	ل	ک	ف	ا	ط	م	ه
م	ه	ل	م	ک	ط	ف	ا
م	ا	ه	ف	ل	ط	م	ک
م	ک	ا	م	ه	ط	ف	ل

باید کرد ولفظ ایل دیگر آخر اسمای موکل باید آورد وعدد زمام را در مربعی ثبت
باید کرد ومستخرجات را بر حول وفق باید نوشت وعزیمت را بر کرد تکسیر رقم باید زد
چنانکه ذکر شود وقراءت بعد ابواب مکسره باید خواند وعزیمت کرد تکسیر بلسان عمل
مرتب سازد عربیاً کان او عجمیاً وباید که هر یك از اسماء اعوان موافق باشد
بر یکی از ملائکات اسم طالب واگر نباشد باسقاط وازدیاد نقط وحروف موافق سازد
وبخور مناسب عمل سوزد وعمل را بمیزان آب ویابسند درجات طبایع ختم باید کرد و
عزیمت اینست عزمت علیکم یا ملائکة رب العزة یا فلان آئیل واسامی ملائکم

تمام ذکر کند بحق خالق الخلق رب السموات والارضین واسم اعظم گوید ان تسلطوا
علی هذه الاعوان واسماء اعوان را تمام ذکر کند بعده بگوید وانتم یا اعوان الملک و
اسامی اعوان تکرار کند وقسم دهد اسلب واجذب اجلب قلب وروح وجمیع جوارح
فلان بن فلان بمحبة او غیره فلان بن فلان ان لم تجیبوا فسلط الله علیکم هذه
الملائکة واسماء ملائکه بحوف ندا تکرار کند من السماء یابید بهم شواظ من نار ونحاس
فلا تنتصران یضربون وجوهکم وادبارکم وان اجبتم فلبشرکم الله یوم الحساب
الا تخافوا ولا تحزنوا وابشروا بالجنة التی کنتم توعدون بارک الله فیکم وعلیکم
العجل ۳ الوحا ۳ الساعة ۳ والسلام

فصل هفتم ذکر جفر محمودیه این جفر از کشف فقیر است که در ذکر اربعین بصیقل مجاهده بلوح
سینه القا شده سؤال کردیم که نام این جفر چیست فرمود که جفر محمودیه فقیر باین عمل عامل
شد مجرب ترین مجربات یافت چون متوجه شوند معلوم خواهد شد واین جفر برشش قسم است
قسم اول بر دو طریق است طریقهٔ اول عدد اسم طالب نویسید وتحت عدد حروف ملفوظی
آن عدد رقم زنند مثلاً عدد طالب ۴۲ که چهل ودو اند وحروف ملفوظی او
با و میم است که عدد حروف ملفوظی او ۹۳ که نود وسه اند وحروف ملفوظی او جیم وصاد
وعدد آن ۱۴۸ که صد وچهل وهشت است جملهٔ اقسام سه قسم حروف وسه قسم عدد شدند
این شش را شش مداخل نامند بعده جمله حروف مکتوبی وملفوظی را خلاصه نموده یکسطر کند
همچنین اسم مطلوب را نیز بسط اعداد والفاظ نموده خلاصه یکسطر نماید بعده هر دو سطر را
امتزاج داده یکسطر کند بعده از آن سطر نیز خلاصه کشیده یکسطر کند وحروف سطر را

بقسمت طبایع

بقیمت طبایع مفصّل نویسد و حروف هر طبع را تکسیر کرده معرّب کند و پس پشت اسم
طالب و مطلوب امتزاج داده نویسد و آن شکل بعنصر ملحق نماید همچنین چهار شکل با یکی
کہ بطالع و ساعت موافق آرد و سطر خلاصه مسطوره را زمام کشیده بوقت موافق تکسیر کند
و کرد تکسیر عزیمت نویسد و عدد تکسیر بر پشت او و وفق بموافق کند و از عدد مذکور
٢٣١ چهار موکّل و چهار اعوان و چهار جنّ بر آرد بدین سند کہ اوّل از سطر مسطور
اسماء الهیّه کشد و از عدد خلاصه سطر عدد آییل کہ پنجاه و یك بود طرح نموده باقی را
حروف کثیر بقلیل ترکیب داده بآخر ایل آرد موکّل کرده و از عدد باقی ماند کہ غیر
اییل است عدد ۵۱ طرح نموده باقی را حرف بسته ایل ضم سازد موکّل دوئم شود
بدین قانون چهار ملائکه بر آرد و باقی عدد را چهار اعوان کند و بدین طریق از عدد باقی ماندہ
موکّلات مسطوره کہ غیر آییل است ۶۰ کہ عدد یون است طرح نموده حرف تقانون
از جهت بسته بآخر یون آرد اعوان کرده و از عدد باقی مانده اعوان دوئم کشد بدین
نحو چهار اعوان ترکیب کند باز عدد باقی مانده چهار اسماء جنّ استخراج نماید بدین
طریق کہ از عدد باقی مانده اعوان کہ بغیر یون بود عدد ۳۱۰ کہ عدد یوش است طرح
نماید و باقی را بسند ماضی حروف بسته بآخر یوش ملحق سازد اسم جنّ صورت بندد
بدین سند چهار جنّ شوند و قسم از حروف اوّل سطر یکسر بجلب تروبح و طرد تفریق
لفظ بسته معرّب سازد و بساعت موافق بطلوع و نزول ایام دیده تکسیر پیش خود نهاده
قراءت عزیمت بعد حروف اوّل سطر و مدّت ایام بسطور تکسیر بخواند و هر بار
بخور تازه کند و توهم مطلوب پیش دارد معمول بدست آید طریقهٔ دوئم

الست که از عدد هر دو اسم اسماء جن کشد و قسم بهر دو نام امتزاج داده معرب سازد و قسم
دهگی و از عدد بطن سیوم اسماء موکلات و قسم بقانون اجهت و چون از قراءت فارغ شود
روی یکسر سوی مطلوب کرده و بر و کوزهٔ اب پر کرده دارد و بمحافظتی که حروف

فلان آبیئل فلان آبیئل و نام ملائکه گوید علی هذه الاعوان فلان یون فلان یون و اسماء
اعوان گوید و الاعوان علی هذه الجان گوید و الجان علی هذا العبد فلان
بنت فلان حتی سلط و سخر علی عزمت علیکم یا ملائکة رب العزة یا فلان آبیئل
یا فلان آبیئل بحرف ندا تکرار کند بحق خالق الخلق رب السموات و الارضین و اسم
اعظم گوید ان تسلطوا علی هذه الاعوان فلان یون فلان یون و اسماء اعوان تکرار کند
و انتم یا اعوان الملك یا فلان یون و بحرف ندا تکرار کند بحق فلان قسم و سطر اول تکسیر
لفظ بسته گوید و اسرعوا الی هذا الجان فلان یوش و انتم یا جان الاعوان یا فلان یوش
بحرف ندا تکرار کند بحق فلان قسم سطر تکسیر لفظ بسته گوید اسلبوا و اجلبوا و اجذبوا
قلب و روح و جمیع جوارح فلان بنت فلان الی قلب و قالب و ارادت و اطاعت فلان
بن فلان ان لم تجیبوا تسلط الله علیکم هذا الاعوان و نام اعوان گوید و انتم یا اعوان
هذه الملائکة بغیر ندا گوید و انتم یا ملائکة رب العزة یا فلان ابیئل و بحرف ندا

تکرار کند و بحق

۲۶۵

تکرار کند و بحق خالق الخلق رب السموات والارضین واسم اعظم کوید سلطوا علی
الاعوان المذکورین والاعوان علی الجان والجان علی الفلان بن فلانه من السماء بایدیهم
شواظ من نار و نحاس فلا تنتصران یضربون وجوهکم وادبارکم وان اجبتم فبشرکم
الله یوم الحساب الا تخافوا ولا تحزنوا وابشروا بالجنة التی کنتم توعدون بارک الله
فیکم وعلیکم العجل ۳ الوحا ۳ الساعة ۳ بارک الله علیکم یا ارواح واما
قسم دویم انست که حروف اسم طالب ومادرش ومطلوب ومادرش را بسط ملفوظی نموده
وحروف اسمین را امتزاج داده اسماء الهی از ۹۹ نام موافق حروف یا اعداد اسماء قاصد و
مقصود برارد واز اعداد مع کوره عدد ایل ترك نموده و باقیرا ترکیب بسته اخراو ایل ار
همه کلی کشد واز عدد باقی مانده که بغیر ایئیل است عددیون طرح نموده و باقی را حروف بسته
اخرش یون ارد اعوان کردد واعوان قسم حروف اسمین ترکیب داده معرب سازد وموکل را
قسم اسماء الهیه دارد وعزیمت بندد بدین طریق یا فلان یا فلان اسماء الهیه نوشته
تسلط هذا هذا الملك فلان ائیل علی هذه الاعوان فلان یون وسلط الاعوان
فلان یون علی الفلان بن فلانه و نام مطلوب ومادرش کوید والفلان بن فلانه نام
مطلوب ومادرش سلط وسخر علی الفلان بن فلانه و نام طالب ومادرش کوید عزمت
علیکم یا ملك فلان ائیل واسم الهی کیرد بحق فلان واسماء الهی تکرار کند سلط علی
هذا الاعوان فلان یون وانت یا اعوان الملك فلان یون اقسم علیك بحق فلان قسم
دهد و نام طالب ومطلوب ومادرانشان ترکیب واعراب کرده قسم دهد اسلب و
اجذب اجلب قلب وروح وجمیع جوارح فلان بن فلانه الی قلب وروح وجمیع جوارح

هشتم سوم
بحبیب
۳۲۳

فلان بن فلانه ان لم تجب تسلط الله عليك هذا الملك فلان ابجل وانت یا ملک فلان
ابجل اسماء الهتیه کوید بغیرند سلط علی هذا الاعوان فلان یون فلان یون سلط علی الفلان
بن فلانه و الفلان بن فلانه سلط و سخر علی الفلان بن فلان من السماء باید یهم شواظ
مِن نارٍ وَنحاسٌ فَلا تَنتَصِرانِ یضربون وجوهکم وادبارکم وان اجبتم فبشرکم الله
یوم الحساب لا تخافوا ولا تحزنوا وابشروا بالجنة التی کنتم توعدون بارک الله فیکم
وعلیکم العجل ٣ الوحا ٣ الساعة ٣ بارک الله علیکم یا ارواح

نقش مذکور بدین صورت است

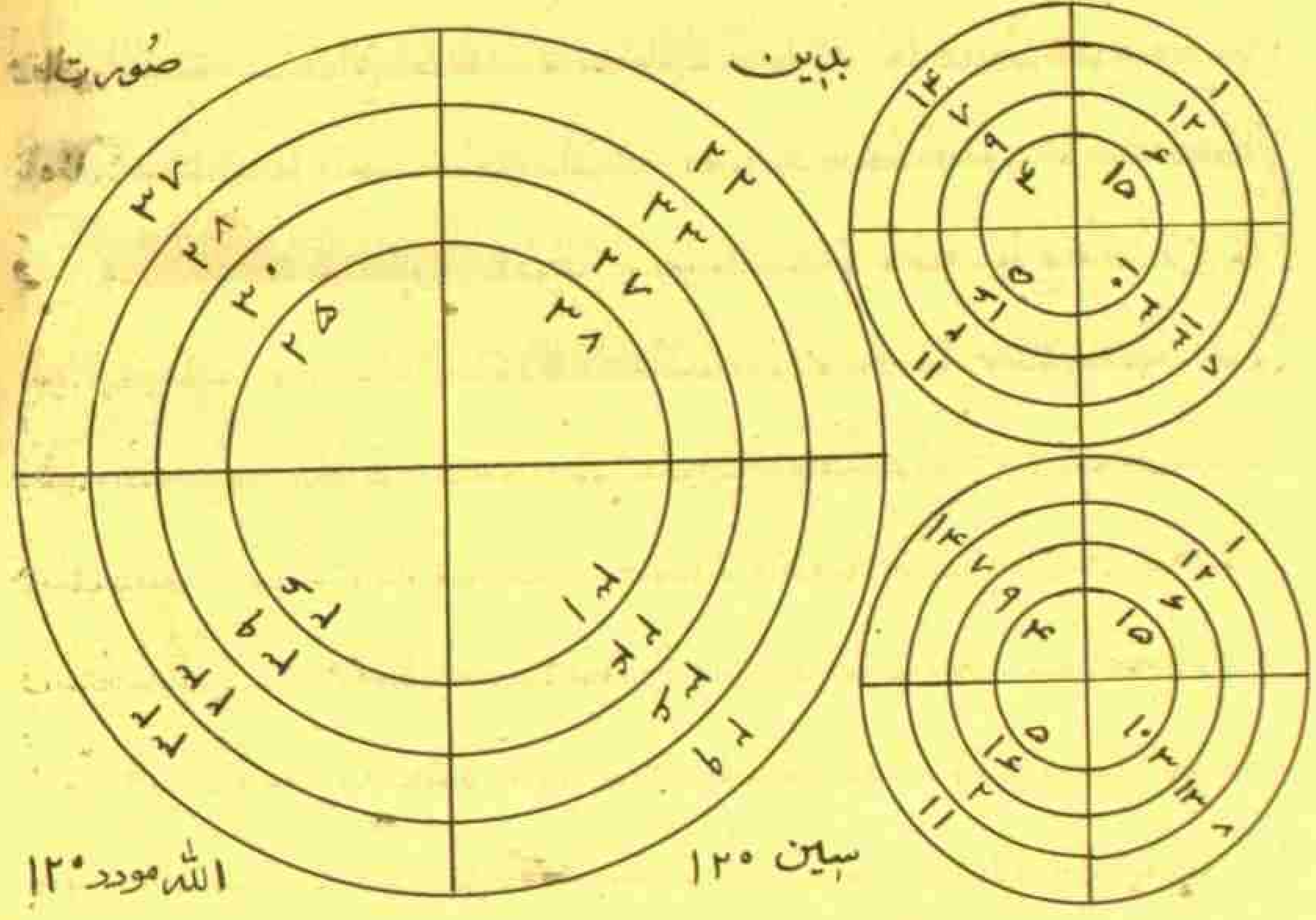
اسم مطلوب و مادر	اسم طالب و مادر	اسم اعوان	اسم ملک	اسم الله	اسم الله	اسم الله	اسم الله
اسم الله	اسم ملک	اسم الله	اسم اعوان	اسم الله	اسم طالب و مادر	اسم الله	اسم مطلوب و مادر
اسم الله	اسم اعوان	اسم طالب و مادر	اسم الله	اسم الله	اسم ملک	اسم مطلوب و مادر	اسم الله
اسم الله	اسم الله	اسم ملک	اسم طالب و مادر	اسم مطلوب و مادر	اسم اعوان	اسم الله	اسم الله
اسم مطلوب و مادر	اسم طالب و مادر	اسم اعوان	اسم ملک	اسم الله	اسم الله	اسم الله	اسم الله

فصل هشتم در

۲۶۲ تسخیر نفس خود

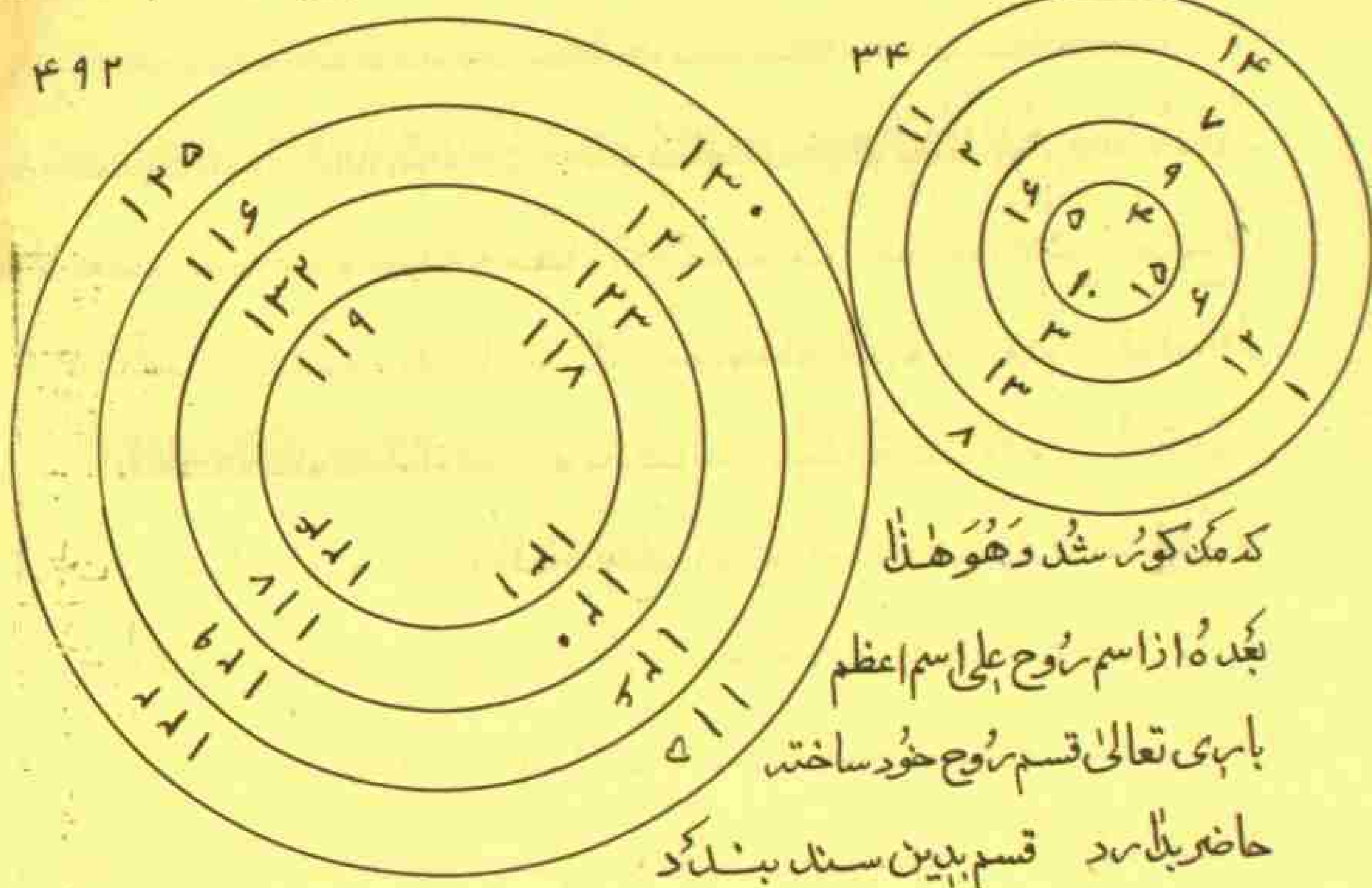
فصل هشتم در تسخیر نفس خود از قول علی صوفی حکیم رومی است و آن بر سه قسم است قسم اول
در تسخیر نفس خود چون سالك خواهد که نفس را مسخر سازد اول باید که اسم خود را تا بنه بطن تکسیر نموده
مرکز حرف را بیرون آورد که آن مرکز اسم نفس خود است بعد از آن مرکز اسم اعظم الهی برآرد
بعده اسم نفس خود را باسم اعظم قسم ساخته بدارد بعده لوح نفس را مرتب نموده حرز خود
سازد بدین مثال عدد ملفوظی اسم محمد میم حا میم دال عدده ۲۲۴ بطرح حرف
آخر دال که ل است باقی حروف ۱۹۴ حروف ملفوظی قاف صاد دال عدده ۳۱۱
بطرح حرف اول که ق است باقی ۲۱۱ حروف ملفوظی را یا الف عدده ۳۲۳ بطرح
حرف اول که ر باشد باقی ۱۲۳ حروف ملفوظی قاف کاف جیم عدده ۳۳۵ بطرح ۳۳۵
حرف اول که ق است باقی ۲۳۵ حروف ملفوظی را لام ها عدده ۲۷۸ بطرح حرف
اول که ر باشد باقی ۷۸ حروف ملفوظی عین حا عدده ۱۳۹ بطرح حرف اول
که ع است باقی ۶۹ حروف ملفوظی سین ظا عدده ۱۳۰ بطرح حرف اول که
س است باقی ۷۰ حروف ملفوظی عین عدده ۱۳۰ بطرح حرف اول که ع است
باقی ۶۰ حروف ملفوظی سین وچون اسم محمد را یا هر اسمی که باشد تا بنه بطن تکسیر
کنند چنانچه از اسم محمد مرکز او حرف سین بیرون آمد که ارباب دین واهل یقین او را
یس میخوانند اینست مرکز محمد بعد از آن از حرف مرکز اسم اعظم استخراج کنند
بدین نهج اللّهُ مُوَدِّدُ عدده ۱۲۰ که بعد ملفوظی سین ۱۲۰ برابر است بعد از آن
بر نفس قسم سازد بدین سند و کرد عزیمت تکسیر نویسد بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
اَللّٰهُمَّ اَسْاَلُكَ اَنْ تُسَخِّرَ لِیْ نَفْسِیْ مُوَدِّدُ بِحَقِّ سِیْنِ سَمِیْعِیَّتِكَ یَا سَامِعُ سَمِیْعًا مُطِیْعًا

بِحَقِّ یاسین اَجِبْ یارَبِّ هٰذا مُرادی یااَللهُ بِحَقِّ یٰسٓ وَالْقُرْاٰنِ الْحَکِیمِ بعدهُ ٢٦٣
اَزمرکز حرف ه ع س وازاسم اعظم نفس خودکه مودد است لوح نفس را ثبت
داده وقسم نفس را که دربرکرد لوح مرتب ساخته حرز خود سازد چنانچه نموده میشود
بَعدهُ صاحب دعوت دیگر اگر بعین قسم نفس خود را مداومت نماید هرگاه دل زده شود
بعده این اسماء عظام را باسم نفس خود بطریق سه رکنی مشغول شود بعده مسمّی را در
دل امام خود ساخته واسم نفس خود در پیش مسمّی بعجز تمام کن رانیده چنین بکوید اَجِبْ ٢٣٤
یارَبِّ سَخِّرْ لِی نَفْسِی یااَللهُ بعدهُ بفیض مسمّی نفس خود را مرکردد امانفس خود را بصو
رتهای عجیب غریب ببیند فامّا اکثر نفس خود را بد وطریق بنماید اگر صاحب دعوت بسیار



ذکر تسخیر ارواح بدانکه الله تعالی فرموده که وَیَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي ٢٢٧
وقال بعض الصوفیة الروح ما یحیی به المیّت وهم بدین معنی حضرت عیسی را روح الله
نامند که مجلّی اسم حی بود و قال علیه السّلام اوّل ما خلق الله نوری و اوّل ما خلق القلم
و اوّل ما خلق الله العقل مراد هر سه نور محمّد است صلّی الله علیه و آله وسلّم که او
ابو الارواحست وقوله ص ان للقرآن ظهراً وبطناً و لبطنه سبعة ابطن احد
بطنه هو التکسیر و تکسیر در لغت شکستن وجمع کردنست و ذات مقدّس الو
هیّت در کمال ظهور و نهایت خفاست پس اسماء عظام را بمناسبت ذات بصفت ظهور
و اخفا متّصف کرد اینده موجب حصول مراد است پس چون خواهد که روح خود را
مسخّر خود سازد اوّل اسم خود را با ثار و اثار حقایق حروف تا ۹ بطن تکسیر کند
بعده اعداد همه تکسیر حروف را جمع کند وحاضر بدارد بعده از مجموع اعداد تکسیر حروف
مع البیّنات بیرون آورده و اعداد را جمع ساخته اسم روح خود را استخراج کرده بعده

اذ اسم روح خود اسم اعظم استخراج کند و از اسم اعظم الٰهی لوح روح خود ساخته حرز خود سازد
بدین سند از اول حرف روح علی راءِ واو حاءِ عین لام یاءِ عددهٔ ۴۳۸
بعده اعداد حروف مع البیّنات این حاءِ لام تاءِ عدده ۴۸۳ عدد حروف
۹ جمع ۴۹۲ حروفه نصف و روح علی این تا نصب الرّوح بعده از ۴۹۲ از اسم
روح علی اسم اعظم استخراج کند این شد مقرب علیم جمع ۴۹۲ بعده از اسماءِ عظام ۲۲۸
(۳۴۲ ۱۵۰)
لوح روح را در سعود بروج خورشید مرتب ساخته حرز خود کند بدین صورت



که مکتوب شد و هو هذا
بعده از اسم روح علی اسم اعظم
باری تعالی قسم روح خود ساخته
حاضر بدارد قسم بدین سند بند کد

بِسمِ اللهِ الرَّحمٰنِ الرَّحیم اَللّٰهُمَّ سَخِّر لی رُوحی بِحَقِّ مُقَرَّب عَلیم اَجِب یا رَبّ
هٰذا مُرادی یا اَیُّهَا الرُّوح اطِعنی بِحَقِّ اَسماءِ اللهِ العِظامِ یا الله یا الله یا الله بَعدَه
صاحب دعوت ذکر اربعین بقسم روح مداومت نماید هرگاه که از اسم روح خود

دل زده شود بعده

۲۶۶

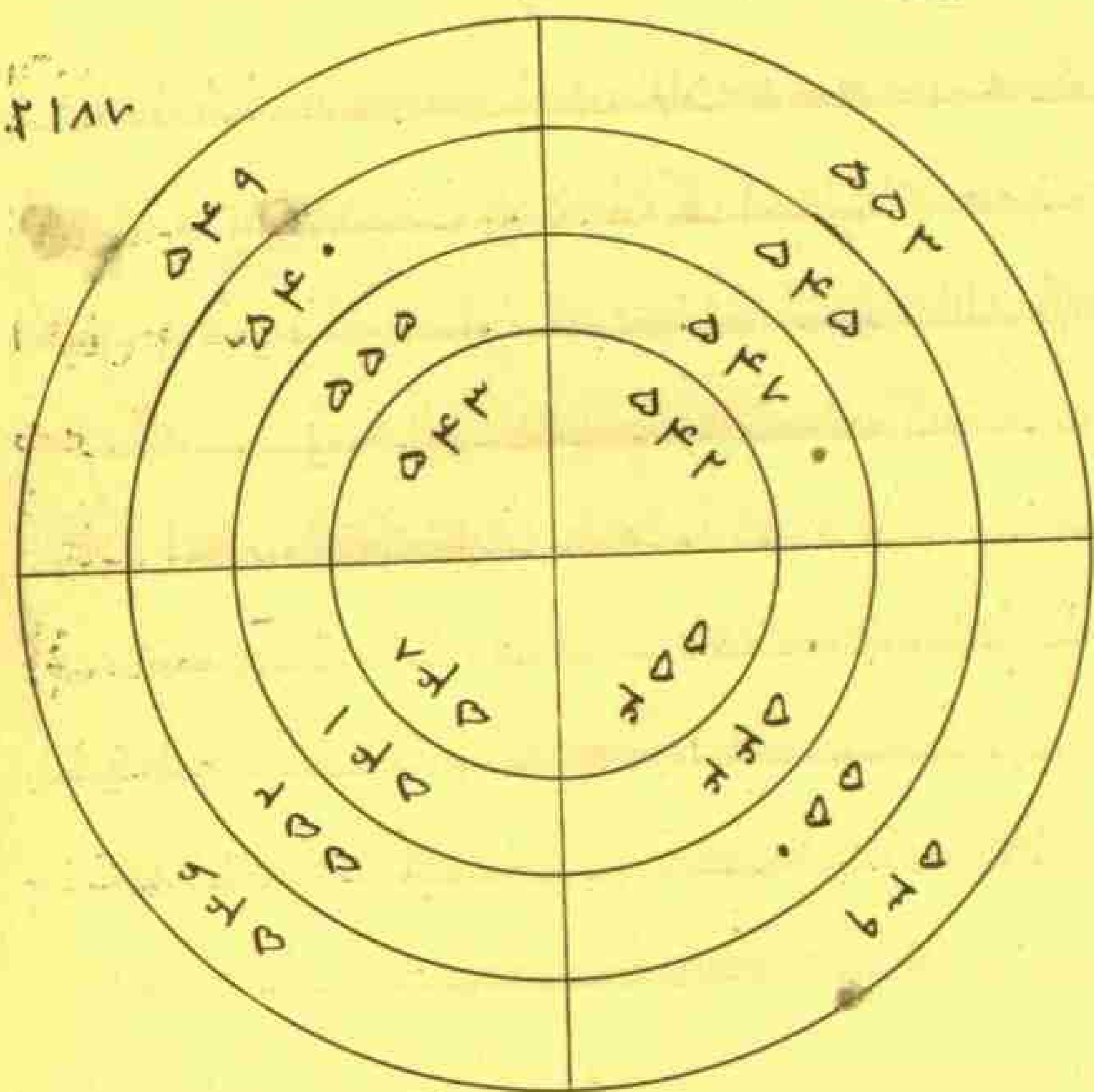
دل زده شود بعده اسم روح خود را با سماء عظام مستخرجه بطریق سه رکنی مشغول شود اما اسم روح را در دل زنگ بعده از دل بکذراند که یا جبرئیل احضر روحی تا که دل متأثر شده روح خود مسخر کردد و روح طایر و طی مکان دارد سالک را روی نماید

تسخیر

قسم سیوم در تسخیر جن اسم خود اگر خواهد که جن خود را مسخر سازد اول اسم خود را با سرار و آثار حقایق اعداد حروف تا بنه بطن

۲۳۹

ی	ل	ع	علی
۱۰	۳۰	۷۰	بطن اول
۲۰	۶۰	۱۴۰	بطن ثانی
۴۰	۱۲۰	۲۸۰	بطن ثالث
۸۰	۲۴۰	۵۶۰	بطن رابع
۱۶۰	۴۸۰	۱۱۲۰	بطن خامس
۳۲۰	۹۶۰	۲۲۴۰	بطن سادس
۶۴۰	۱۹۲۰	۴۴۸۰	بطن سابع
۱۲۸۰	۳۸۴۰	۸۹۶۰	بطن ثامن
۲۵۶۰	۷۶۸۰	۱۷۹۲۰	بطن تاسع
	۲۸۱۶۰		



بعده مفتاحهٔ لوح جن اسم عفریت واسم ملک واسم اعظم بدین طریق استخراج کند
مثلاً عدد مفتاحه لوح جن این ۵۳۹ بطرح کهیج که ۳۸ باشد باقی این ۵۰۱
حروفه این ثا اسم عفریت یا ثا کهیج بعده از اعداد مفتاحه لوح جن اسم ملک
استخراج کند بدین طریق عدد مفتاحه این ۵۳۹ بطرح ایل ۵۱ باقی این ۴۸۸
اسم ملک این یا ثا کهیج بعده از اعداد مفتاحه که اینست ۵۳۹ اسم اعظم استخراج کند
که این باشد رحیم الرحماء بعده اسم عفریت واسم ملک واسم اعظم همراه قسم
اسم جن خود سازد بدین سند بسم الله الرحمن الرحیم اللهم یا رب انت میسر
بدیع سخر لی جنی اجب یا من عنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو اجب
یا تحخایئل

یا تفحاییل هیج یا ثا کهیج سخرلی جنی بحق رحیم الرحماء اسرعوا سریعا یا ارواح الجن والجنیة العفریت بحق خاتم سلیمان ابن داود علی نبینا و علیهم السلام

العجل ۳ الوحا ۳ الساعة ۳ بعده صاحب عمل در دهان نبات مصری گرفته و بر توافق اعداد و مفتاح قسم مذکور را از دل خواناند و بخور کناند شاد و خندان خانۂ مفتاح را باتمام پر کرده بد مرفتح بد مد بعده از مفتاحهای باقی واز مقابلها و از مغلاقها و با مساحة لوح جن تمام اسماء را استخراج بکند چنانچه بالا نموده شد بعده لوح جن را در سعد سعود بر وجه خورشید مرتب ساخته حرز خود کند نتیجۂ تمام در یابد بعد از آن اسماء عظام

۲۳۱

اینجاست که در مملکتی دو قضیه واقع شود همان روز در مواضع بر او خبر رسد و این قول نیز در باب تسخیرات معروفست پس سالک اول از اینجهت جن خود را تسخیر میکند که جن موکلست بر خیر و شر عالم و رموز مکنونات و اسرار مخلوقات از بغضیات رتفرقات

وقطعیات ومغیبات وعداوت وعقد اللسان وعقد النوم واحضار مطلوب وسم
قاتل وقهر تیر وهلاکیه وغیران وحازم الا
خواب وهرچه مکروه ومبغو
ضست در یک طرفة العین
خیر میرساند وبخدمت
خود قایم میباشد
است والسلام

این نسخه که نوشته شد از این کتاب تا اینجا تمام نسخه
در بعضی جاها که سفید مانده است
اول پاره شده و پارچه کاغذش نبود
فقط کفاف جایش را گذاشتم
که از نسخه دیگری
تحریر شود

که جاهای باقی باشد انشاءالله تعالی بتاریخ
یکشنبه هفتم شهر ربیع الاول در
سنه ۱۳۰۸ تحریر شد
والسلام

۱۶۶			
سید ملفوظی	سین	یا	دال
بطن اول	۱۲۰	۱۱	۳۵
بطن ثانی	۲۴۰	۲۲	۷۰
بطن ثالث	۴۸۰	۴۴	۱۴۰
بطن رابع	۹۶۰	۸۸	۲۸۰
بطن خامس	۱۹۲۰	۱۷۶	۵۶۰
بطن سادس	۳۸۴۰	۳۵۲	۱۱۲۰
بطن سابع	۷۶۸۰	۷۰۴	۲۲۴۰
بطن ثامن	۱۵۳۶۰	۱۴۰۸	۴۴۸۰
بطن تاسع	۳۰۷۲۰	۲۸۱۶	۸۹۶۰
	۶۱۳۲۰	۵۶۲۱	۱۷۸۸۵
۸۴۸۲۶			

۷۴			
سید	س	ی	د
بطن اول	۶۰	۱۰	۴
بطن ثانی	۱۲۰	۲۰	۸
بطن ثالث	۲۴۰	۴۰	۱۶
بطن رابع	۴۸۰	۸۰	۳۲
بطن خامس	۹۶۰	۱۶۰	۶۴
بطن سادس	۱۹۲۰	۳۲۰	۱۲۸
بطن سابع	۳۸۴۰	۶۴۰	۲۵۶
بطن ثامن	۷۶۸۰	۱۲۸۰	۵۱۲
بطن تاسع	۱۵۳۶۰	۲۵۶۰	۱۰۲۴
	۳۰۶۶۰	۵۱۱۰	۲۰۴۴
۳۷۸۱۴			

۲۳۳

۱/۲/۴/۸

٢٥٦ × ٤ = ١٠٢٤
٢٥٦ × ٨ = ٢٠٤٨
٢٥٦ × ٤٠ = ١٠٢٤٠
٢٥٦ × ٤ = ١٠٢٤
٥١١ × ٤٠ = ٢٠٤٤٠
٥١١ × ٨ = ٤٠٨٨
٥١١ × ٤٠ = ٢٠٤٤٠
٥١١ × ٤ = ٢٠٤٤

٢٧٠

١، ٢، ٤، ٨، ١٦، ٣٢، ٦٤، ١٢٨، ٢٥٦ = ٥١١

٢٥٦ × ٦ = ١٥٣٦
٢٥٦ × ١٠ = ٢٥٦٠
٢٥٦ × ٤ = ١٠٢٤
٢٥٦ × ١٢٠ = ٥١٢ + ٢٥٦٠٠ = ٣٠٧٢٠
٢٥٦ × ١١ = ٢٥٦ + ٢٥٦٠ = ٢٨١٦
٢٥٦ × ٣٥ = ١٢٨٠ + ٧٦٨٠ = ٨٩٦٠
٥١١ × ٩٢ = ١٠٢٢ + ٤٥٩٩٠ = ٤٧٠١٢

٥١١ × ٧٤ = ٢٠٤٤ + ٣٥٧٧٠ = ٣٧٨١٤
٥١١ × ١٦٦ = ٣٠٦٦ + ٣٠٦٦٠ + ٥١١٠٠ = ٨٤٨٢٦

٢٥٦ × ٩٠ = ٢٣٠٤٠
٢٥٦ × ٩ = ٢٣٠٤
٢٥٦ × ٩٠ = ٢٣٠٤٠
٢٥٦ × ٣٥ = ١٢٨٠ + ٧٦٨٠ = ٨٩٦٠

٥١١ × ٦ = ٣٠٦٦
٥١١ × ١٠ = ٥١١٠
٥١١ × ٤ = ٢٠٤٤
٥١١ × ١٢٠ = ١٠٢٢٠ + ٥١١٠٠ = ٦١٣٢٠
٥١١ × ١١ = ٥١١ + ٥١١٠ = ٥٦٢١
٥١١ × ٣٥ = ٢٥٥٥ + ١٥٣٣٠ = ١٧٨٨٥

٥١١ × ٩٠ = ٤٥٩٩٠
٥١١ × ٩ = ٤٥٩٩
٥١١ × ٩٠ = ٤٥٩٩٠
٥١١ × ٣٥ = ٢٥٥٥ + ١٥٣٣٠ = ١٧٨٨٥
٥١١ × ٢٢٤ = ٢٠٤٤ + ١٠٢٢٠ + ١٠٢٢٠٠ = ١١٤٤٦٤

	٩٢				٢٢٤			
	م	ح	م	د	ميم	طا	ميم	دال
١	٤٠	٨	٤٠	٤	٩٠	٩	٩٠	٣٥
٢	٨٠	١٦	٨٠	٨	١٨٠	١٨	١٨٠	٧٠
٣	١٦٠	٣٢	١٦٠	١٦	٣٦٠	٣٦	٣٦٠	١٤٠
٤	٣٢٠	٦٤	٣٢٠	٣٢	٧٢٠	٧٢	٧٢٠	٢٨٠
٥	٦٤٠	١٢٨	٦٤٠	٦٤	١٤٤٠	١٤٤	١٤٤٠	٥٦٠
٦	١٢٨٠	٢٥٦	١٢٨٠	١٢٨	٢٨٨٠	٢٨٨	٢٨٨٠	١١٢٠
٧	٢٥٦٠	٥١٢	٢٥٦٠	٢٥٦	٥٧٦٠	٥٧٦	٥٧٦٠	٢٢٤٠
٨	٥١٢٠	١٠٢٤	٥١٢٠	٥١٢	١١٥٢٠	١١٥٢	١١٥٢٠	٤٤٨٠
٩	١٠٢٤٠	٢٠٤٨	١٠٢٤٠	١٠٢٤	٢٣٠٤٠	٢٣٠٤	٢٣٠٤٠	٨٩٦٠
جمع	٢٠٤٤٠	٤٠٨٨	٢٠٤٤٠	٢٠٤٤	٤٥٩٩٠	٤٥٩٩	٤٥٩٩٠	١٧٨٨٥
	٤٧٠١٢				١١٤٤٦٤			

٢٥٦ × ٧٠ = ١٧٩٢٠ ۔ ٢٥٦ × ٣٠ = ٧٦٨٠ ۔ ٢٥٦ × ١٠ = ٢٥٦٠ ۔ ٥١١ × ٧٠ = ٣٥٧٧٠ ۔ ٥١١ × ٣٠ = ١٥٣٣٠ ۔ ٥١١ × ١٠ = ٥١١٠

٥١١ × ١١٠ : ٥١١٠ + ٥١١ = ٥٦٢١٠

٢٥٦ × ١٣٠ : ٧٦٨٠ + ٢٥٦ = ٣٣٢٨٠ ۔ ٢٥٦ × ٧١ : ٢٥٦ + ١٧٩٢ = ١٨١٧٦ ۔ ٢٥٦ × ١١ : ٢٥٦ + ٢٥٦ = ٢٨١٦

٥١١ × ١٣٠ : ١٥٣٣٠ + ٥١١ = ٦٦٤٣٠ ۔ ٥١١ × ٧١ : ٥١١ + ٣٥٧٧ = ٣٦٢٨١ ۔ ٥١١ × ١١ : ٥١١ + ٥١١ = ٥٦٢١

٥١١ × ٢١٢ : ١٠٢٢ + ٥١١ + ١٠٢٢ = ١٠٨٣٣٢

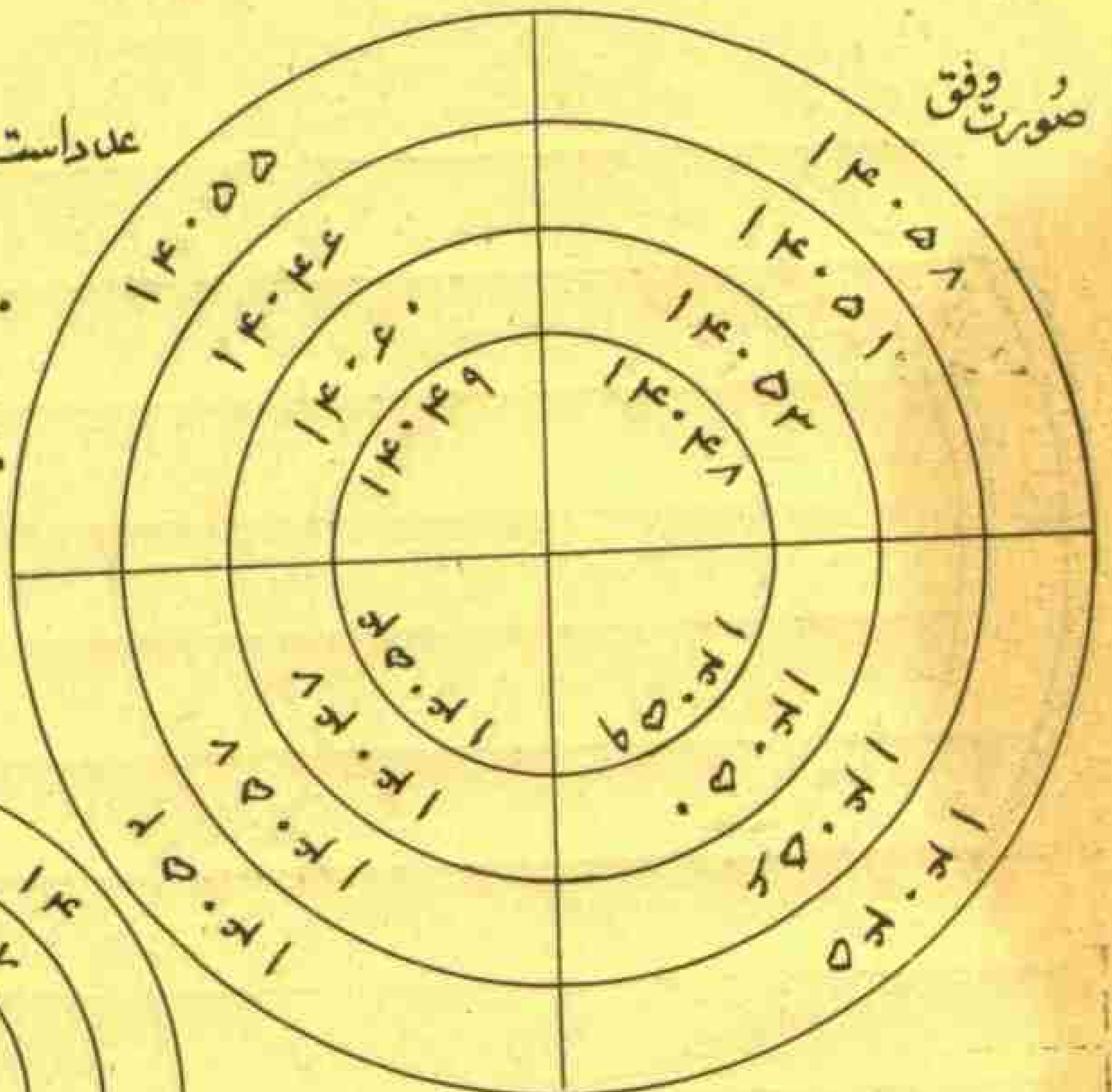
	١١٠		
	ع	ل	ى
١	٧٠	٣٠	١٠
٢	١٤٠	٦٠	٢٠
٣	٢٨٠	١٢٠	٤٠
٤	٥٦٠	٢٤٠	٨٠
٥	١١٢٠	٤٨٠	١٦٠
٦	٢٢٤٠	٩٦٠	٣٢٠
٧	٤٤٨٠	١٩٢٠	٦٤٠
٨	٨٩٦٠	٣٨٤٠	١٢٨٠
٩	١٧٩٢٠	٧٦٨٠	٢٥٦٠
	٣٥٧٧٠	١٥٣٣٠	٥١١٠
	٥٦٢١٠		

	٢١٢		
	عين	لام	يا
١	١٣٠	٧١	١١
٢	٢٦٠	١٤٢	٢٢
٣	٥٢٠	٢٨٤	٤٤
٤	١٠٤٠	٥٦٨	٨٨
٥	٢٠٨٠	١١٣٦	١٧٦
٦	٤١٦٠	٢٢٧٢	٣٥٢
٧	٨٣٢٠	٤٥٤٤	٧٠٤
٨	١٦٦٤٠	٩٠٨٨	١٤٠٨
٩	٣٣٢٨٠	١٨١٧٦	٢٨١٦
	٦٦٤٣٠	٣٦٢٨١	٥٦٢١
	١٠٨٣٣٢		

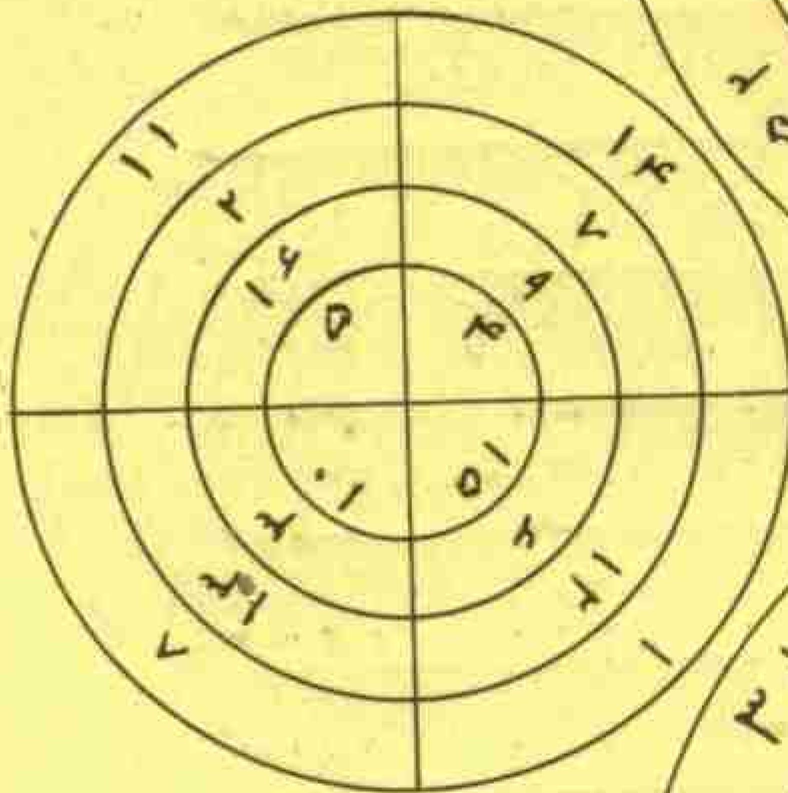
صورت وفق

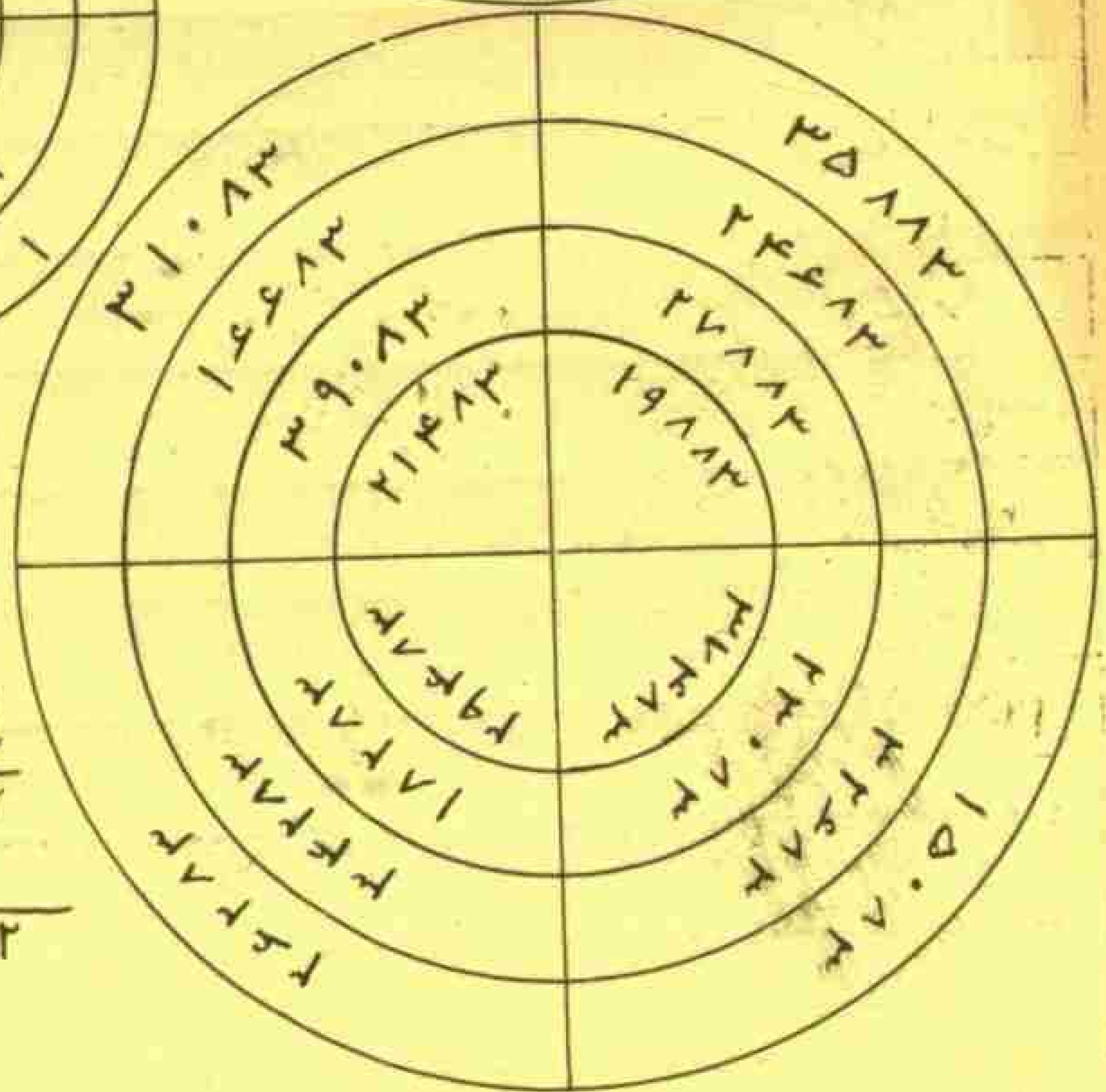
عدد است ۱۰ ۲ ۶ ۵ ۲۷۳

	۱	۱	۵	
۰	۱	۱		
	۱	۱	۵	
	۱	۱	۵	
۰	۱	۲	۶	۵



صورت رفتار است

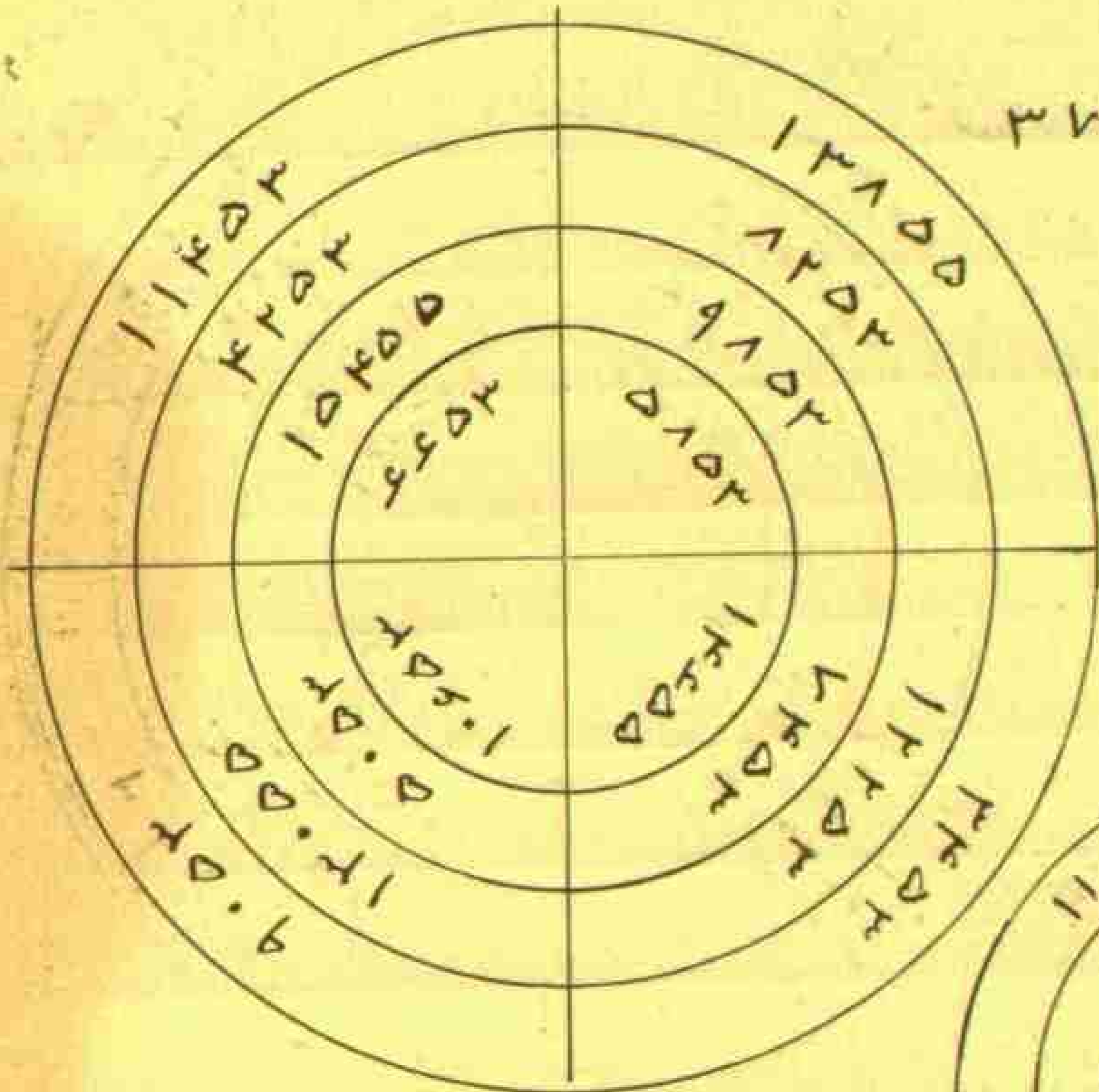




تمام عدد وفق است

۱۰۸۳۳۲

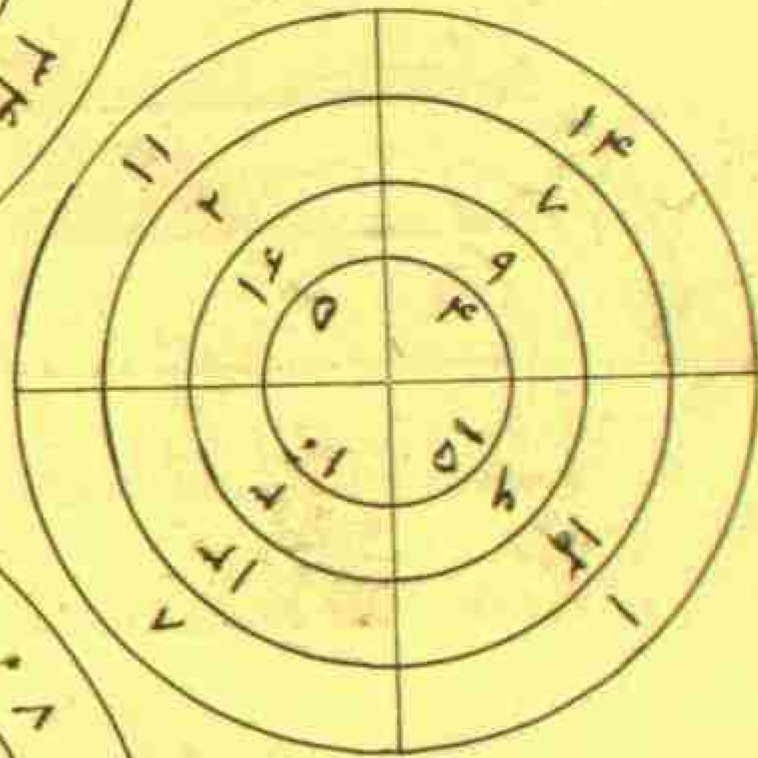
		۱	۱	۵	
		۲	۱	۲	
	۱	۰	۲	۲	
		۱	۱	۵	
		۲	۲	۰	۱
۱	۰	۸	۳	۳	۲

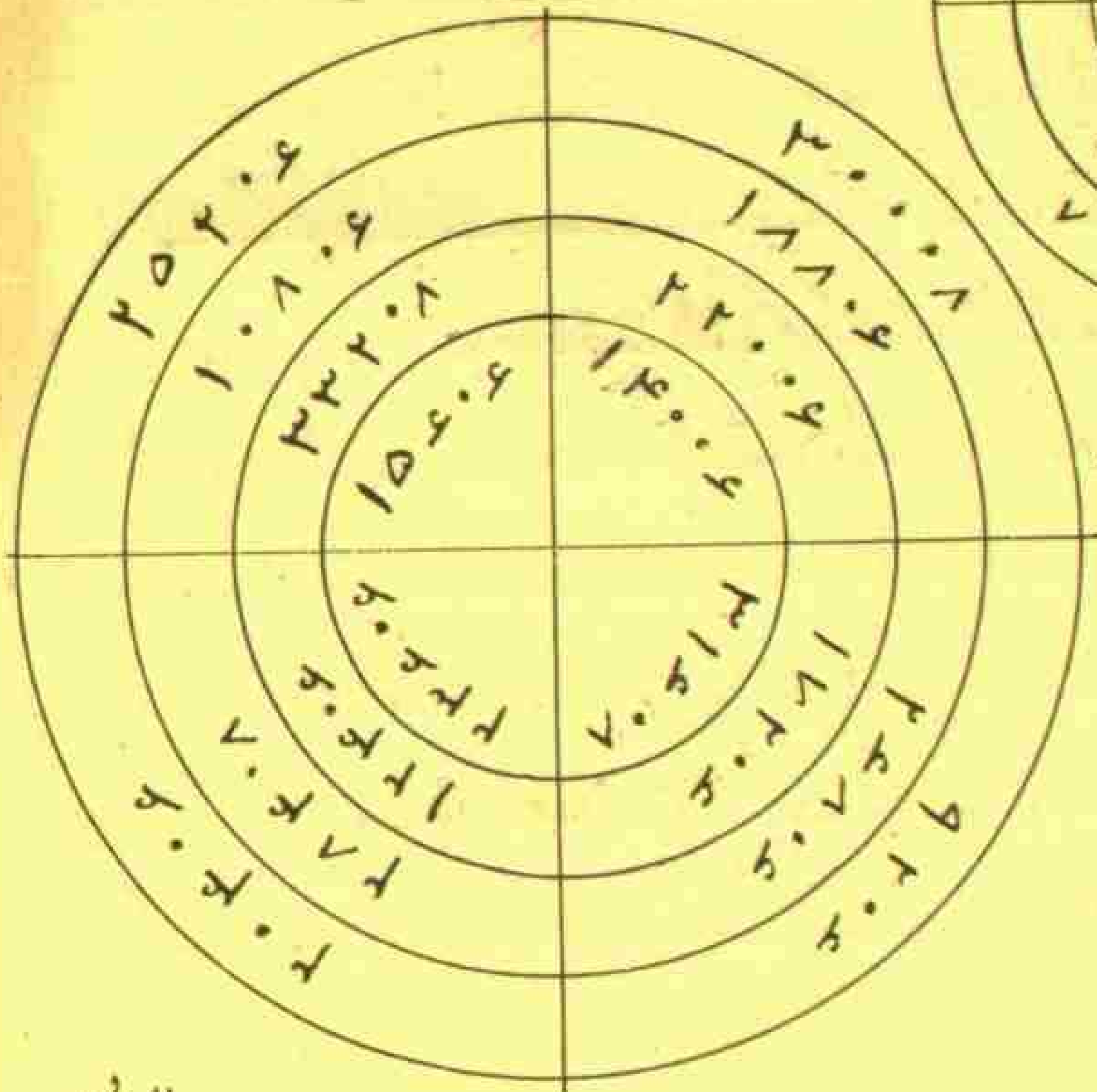


عددوفق ۳۷۸۱۴

۵۱۱
۷۴
۲۰۴۴
۳۵۷۷
۳۷۸۱۴

صُورت س قتاراست





عددوفق ۸۴۸۲۶

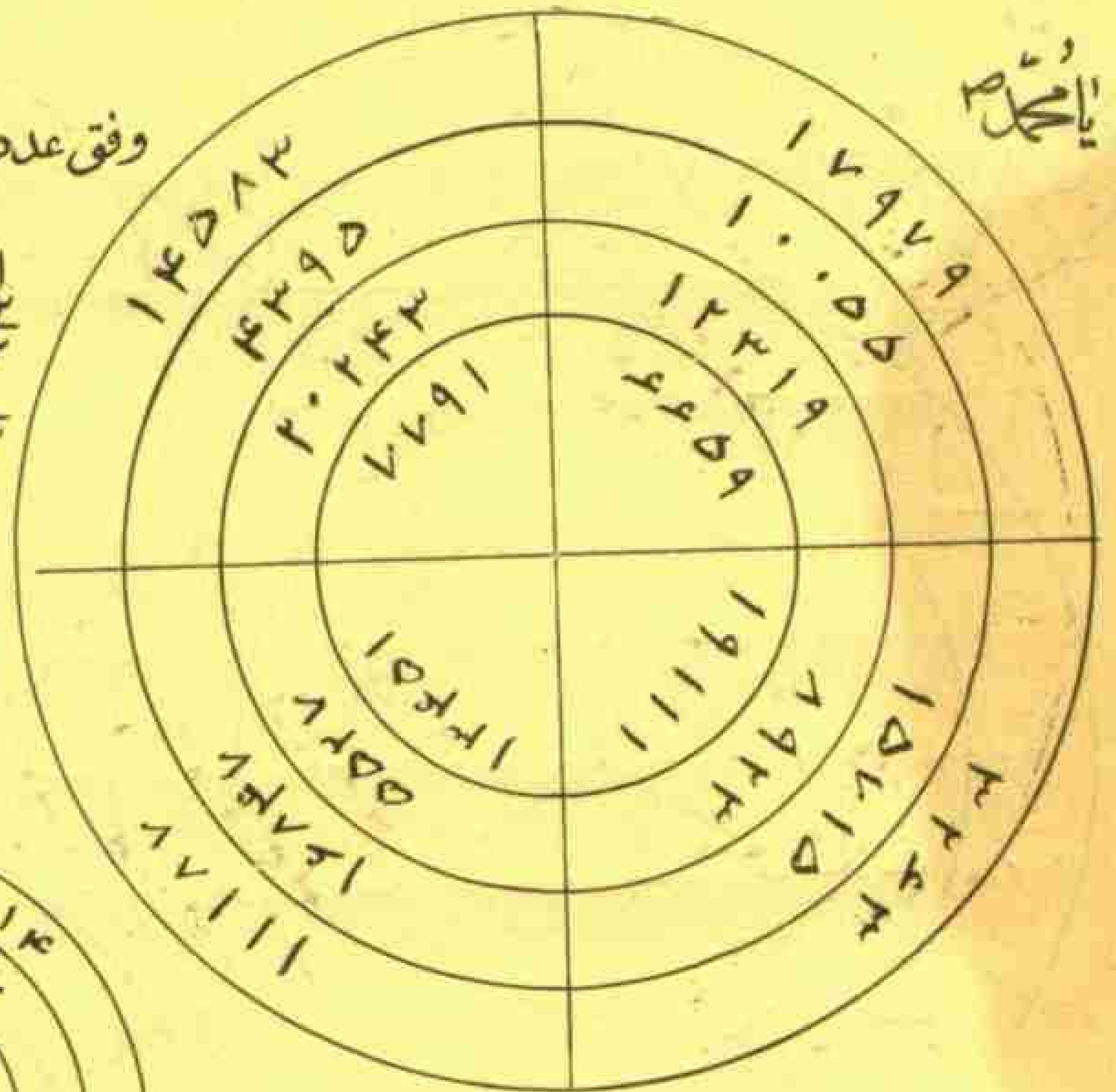
۵۱۱
۱۶۶
۳۰۶۶
۳۰۶۶
۵۱۱
۸۴۸۲۶

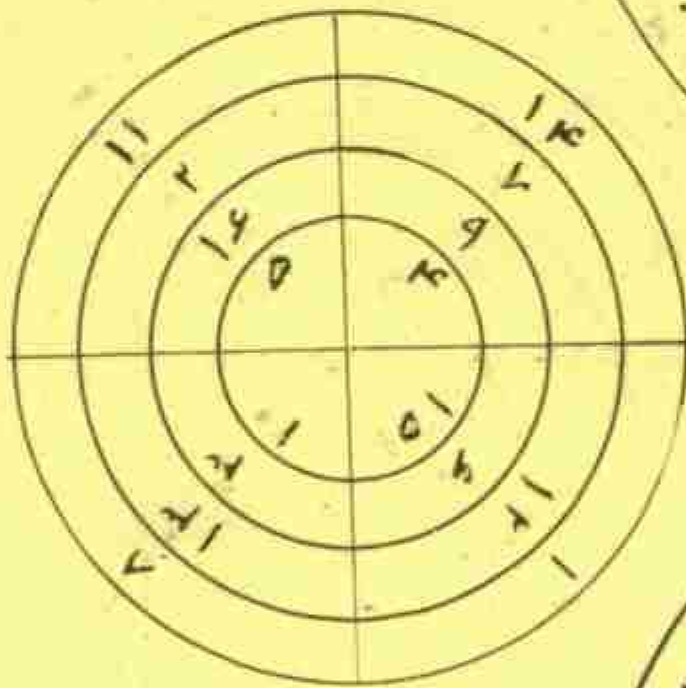
یا محمدؐ

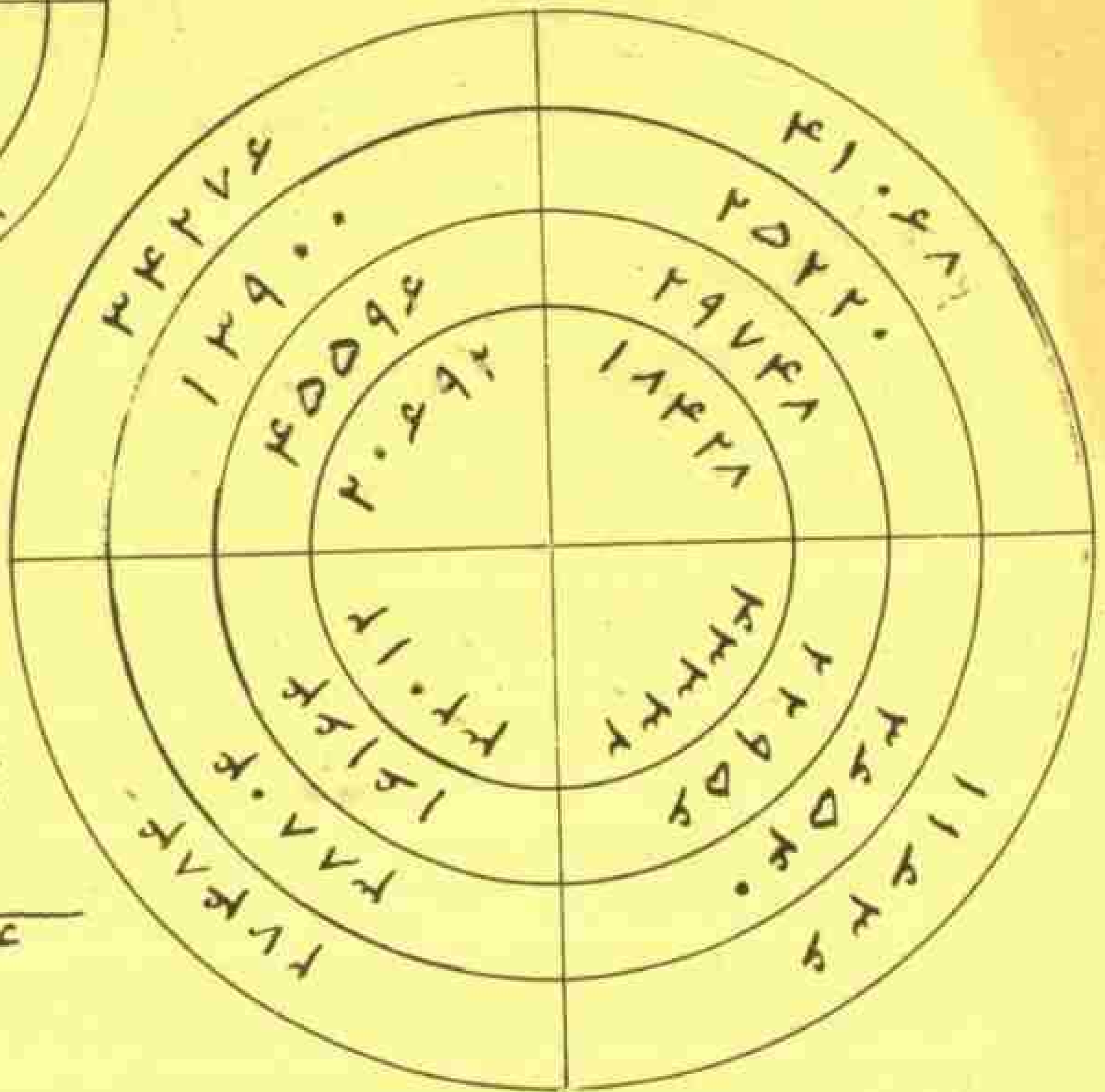
یا محمد

وفق عدد ۴۷۰۱۲

```
  ۵۱۱
   ۹۲
 ----
 ۱۰۲۲
۴۵۹۹
-----
۴۷۰۱۲
```



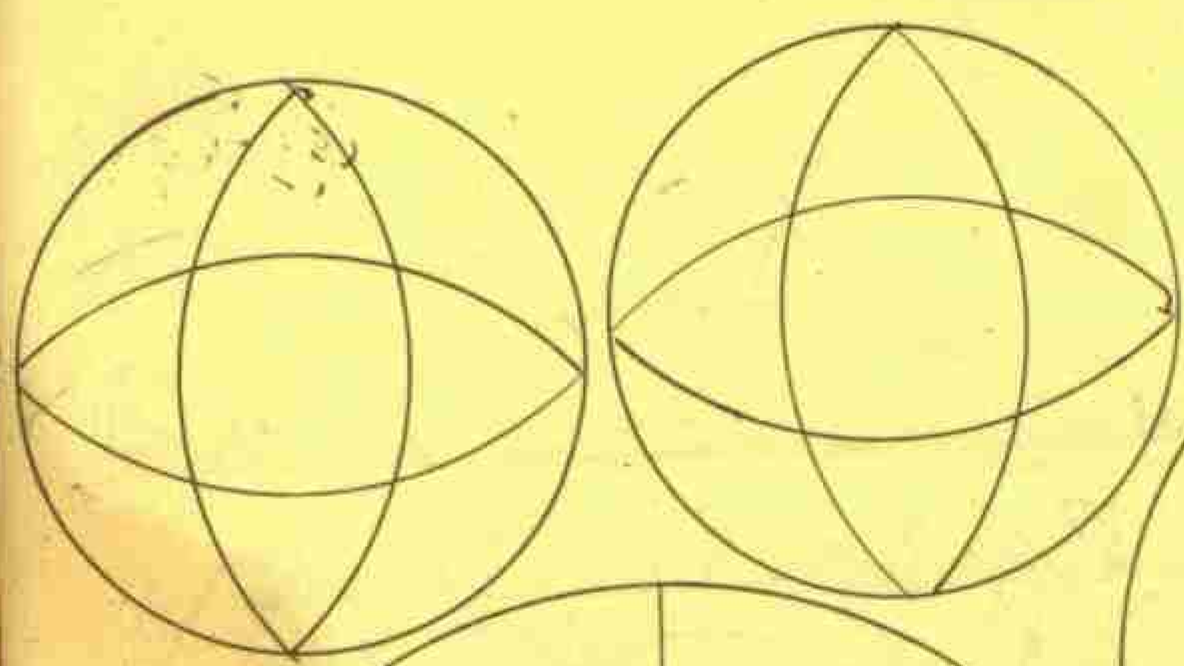


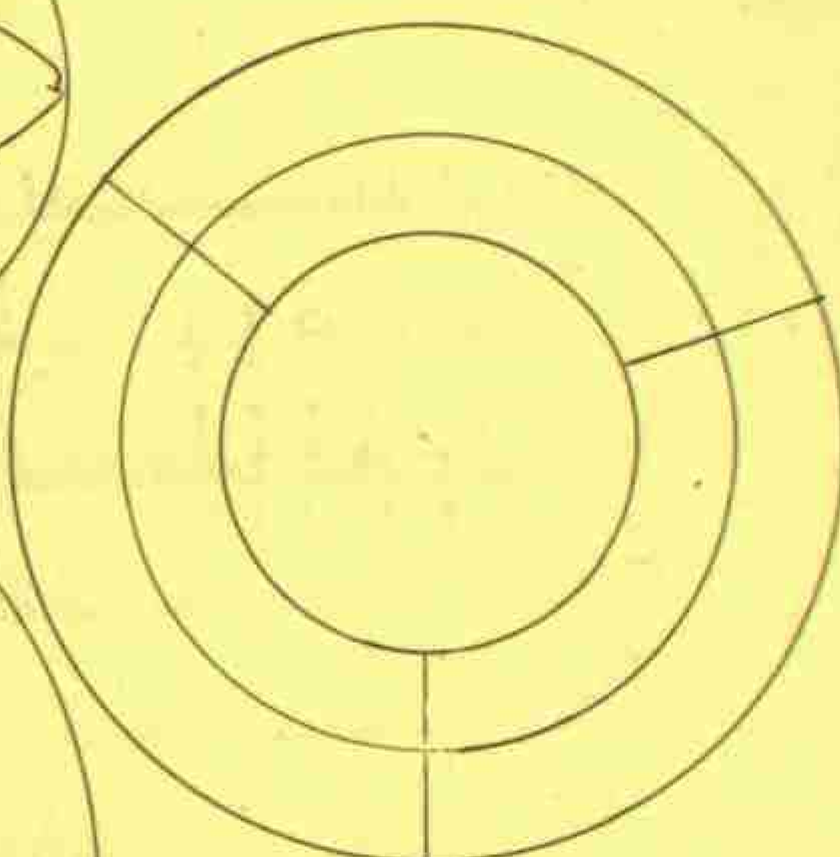


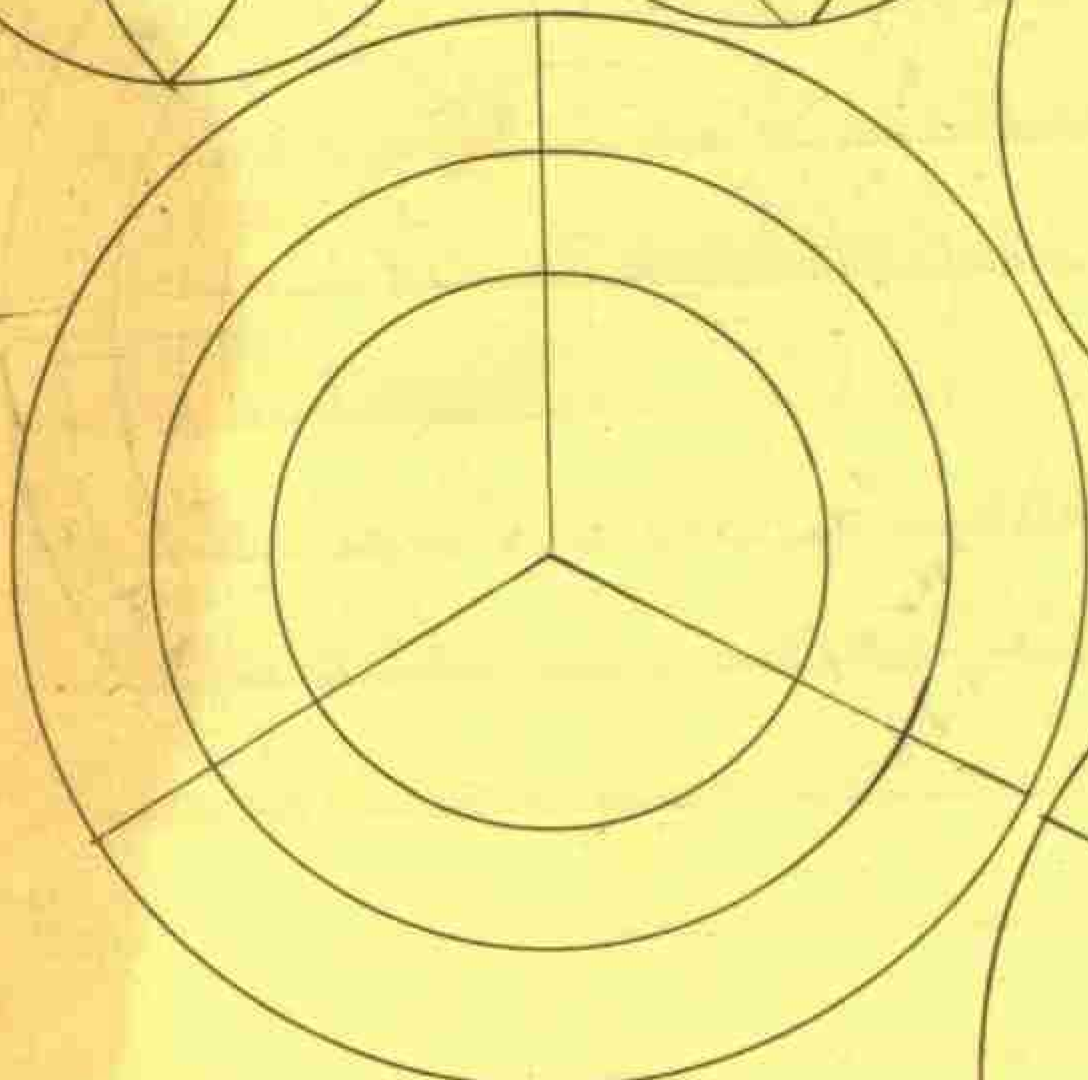
وفق عدد است

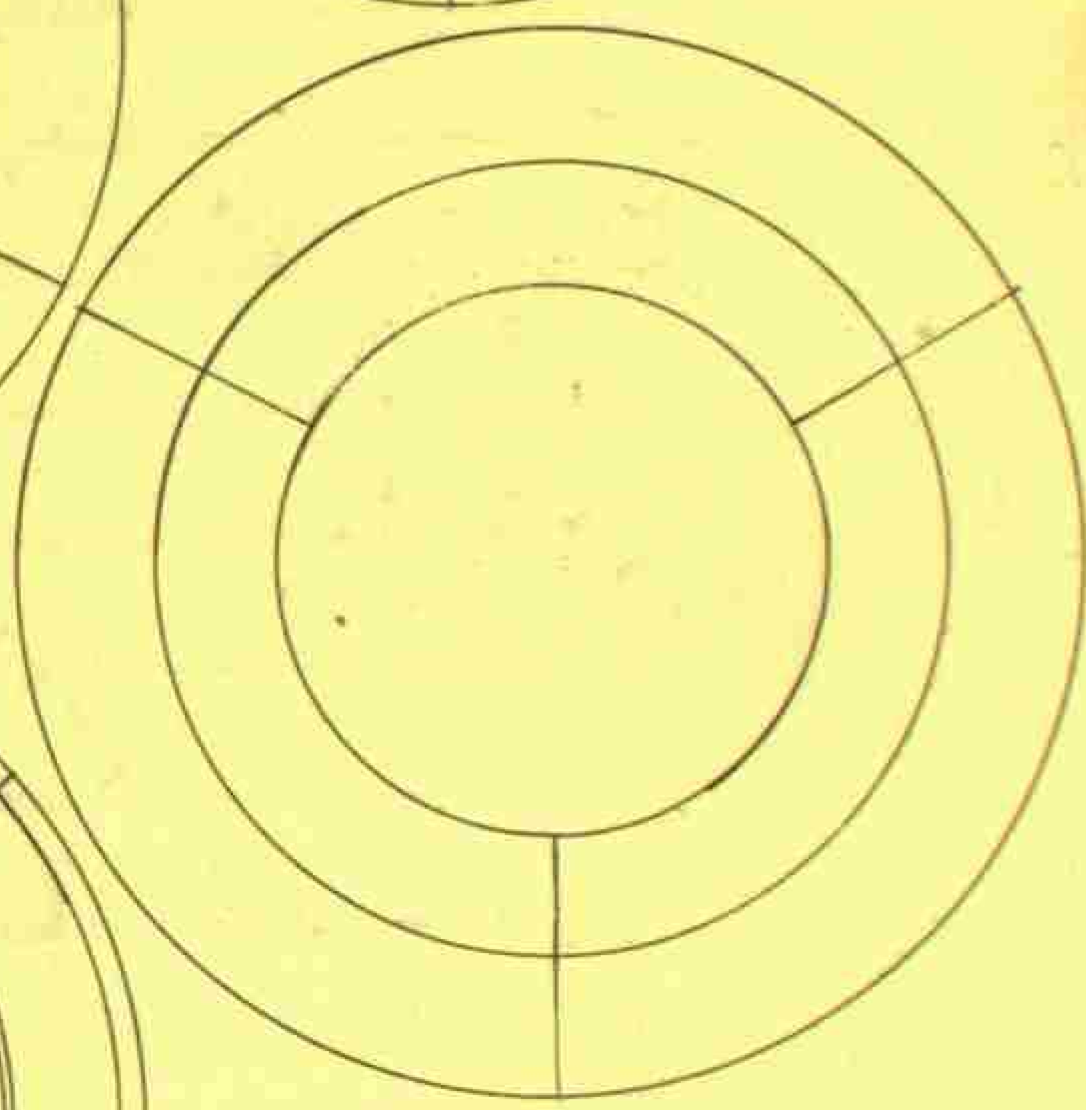
۱۱۴۴۶۴

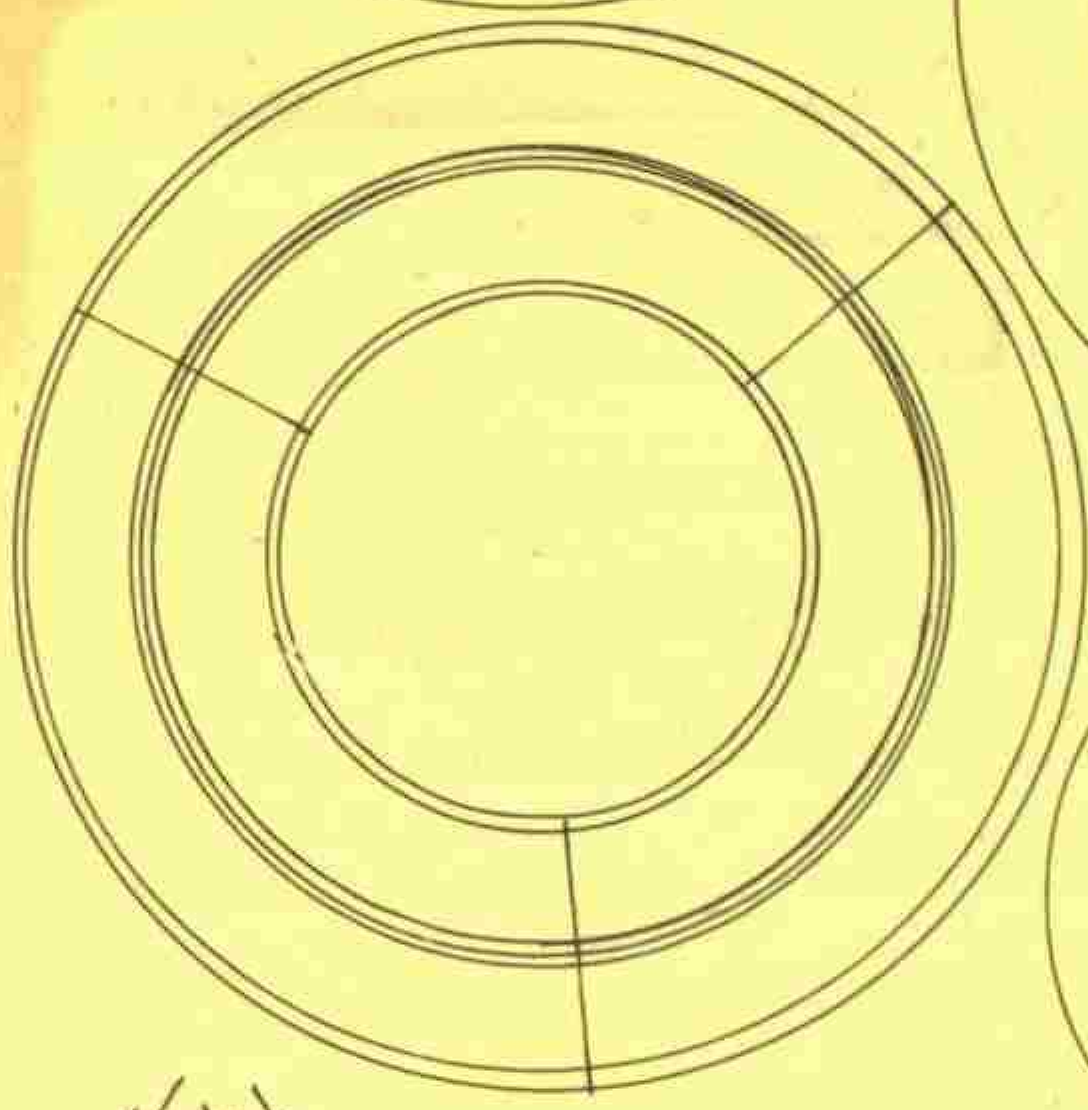
```
   ۵۱۱
   ۲۲۴
  ----
  ۲۰۴۴
 ۱۰۲۲
۱۰۲۲
------
۱۱۴۴۶۴
```

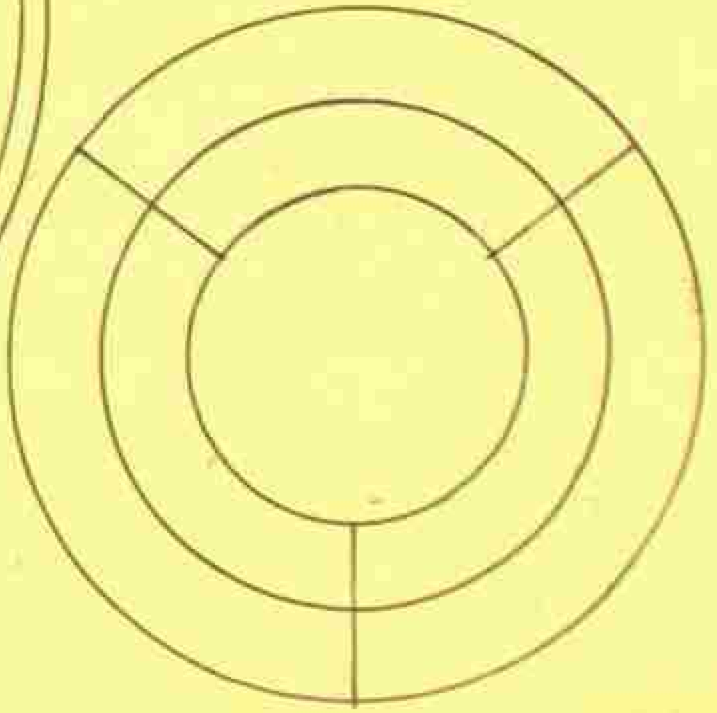








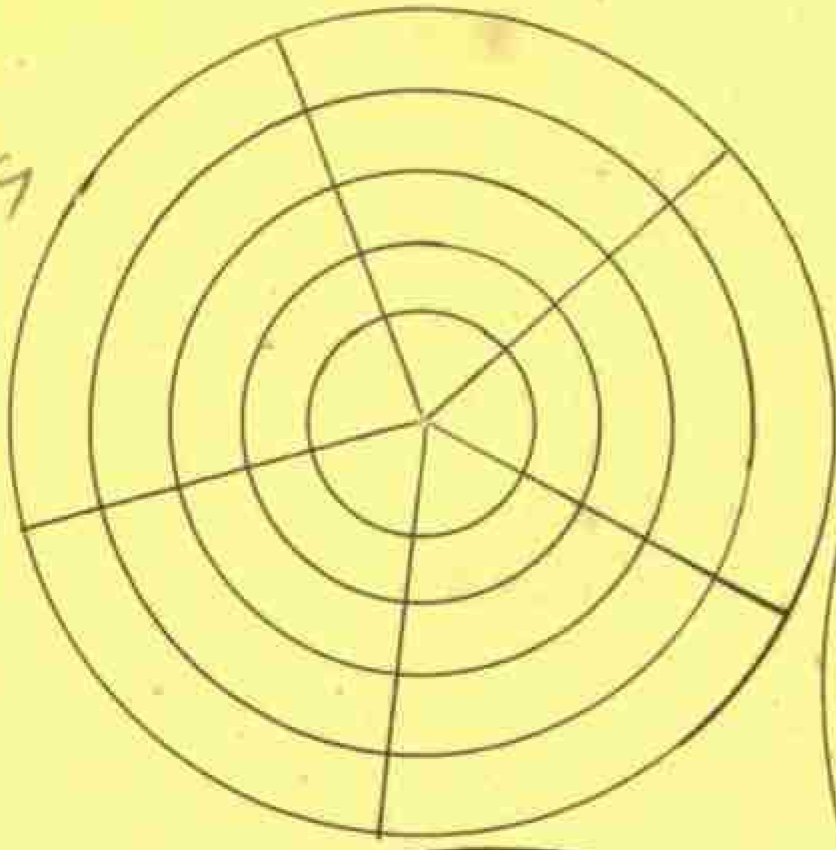


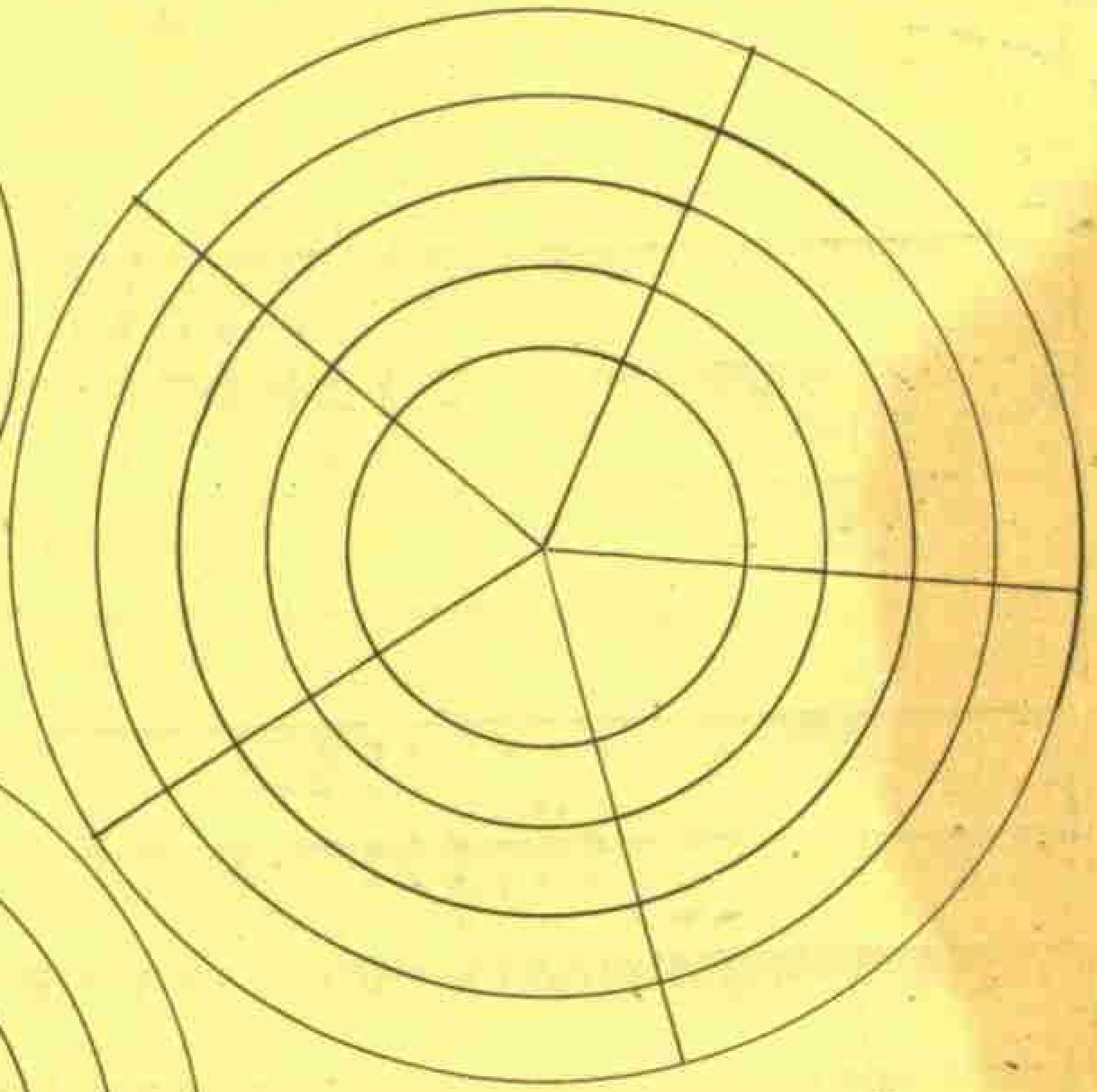


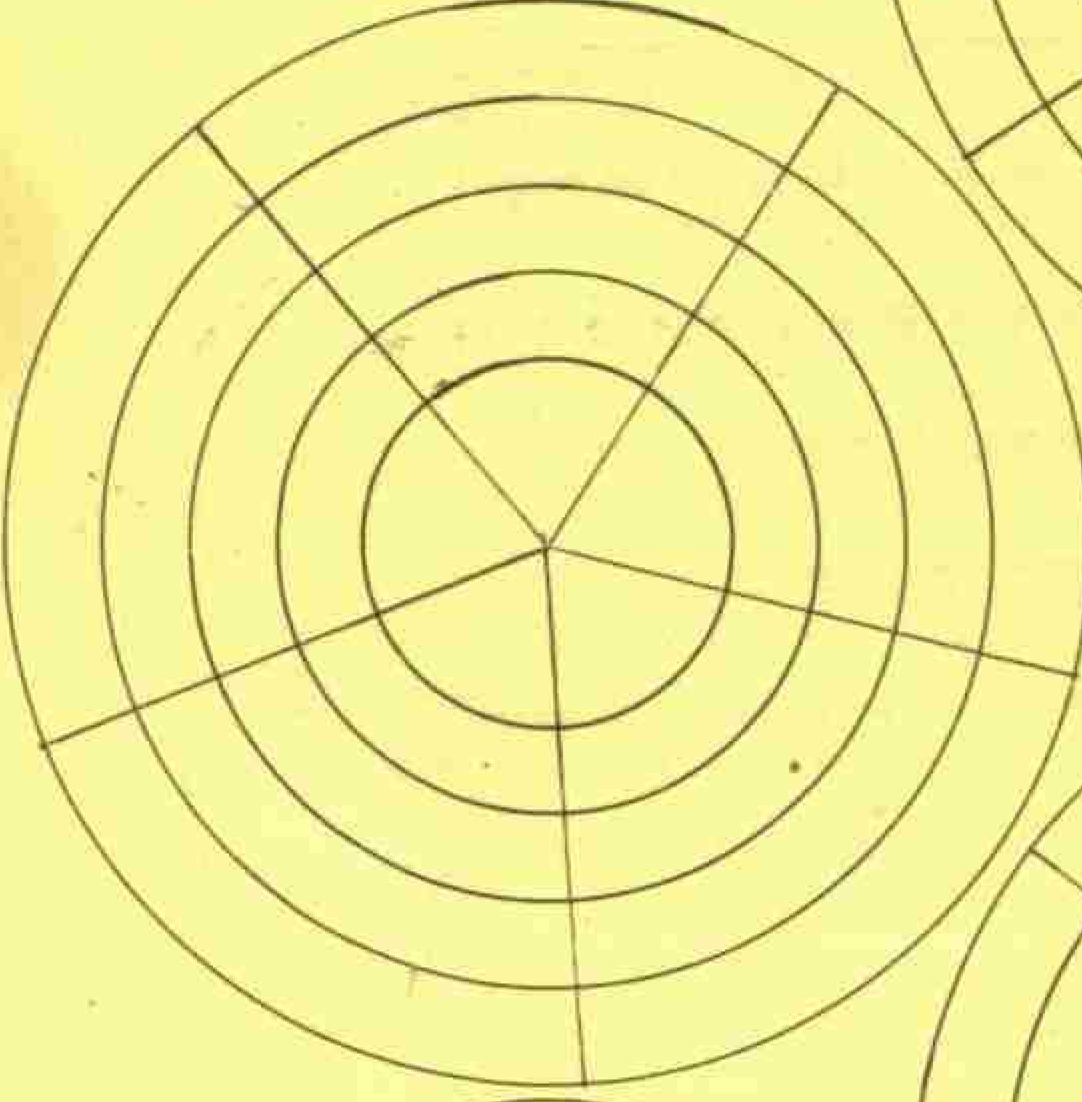
یا علی ادرکنی

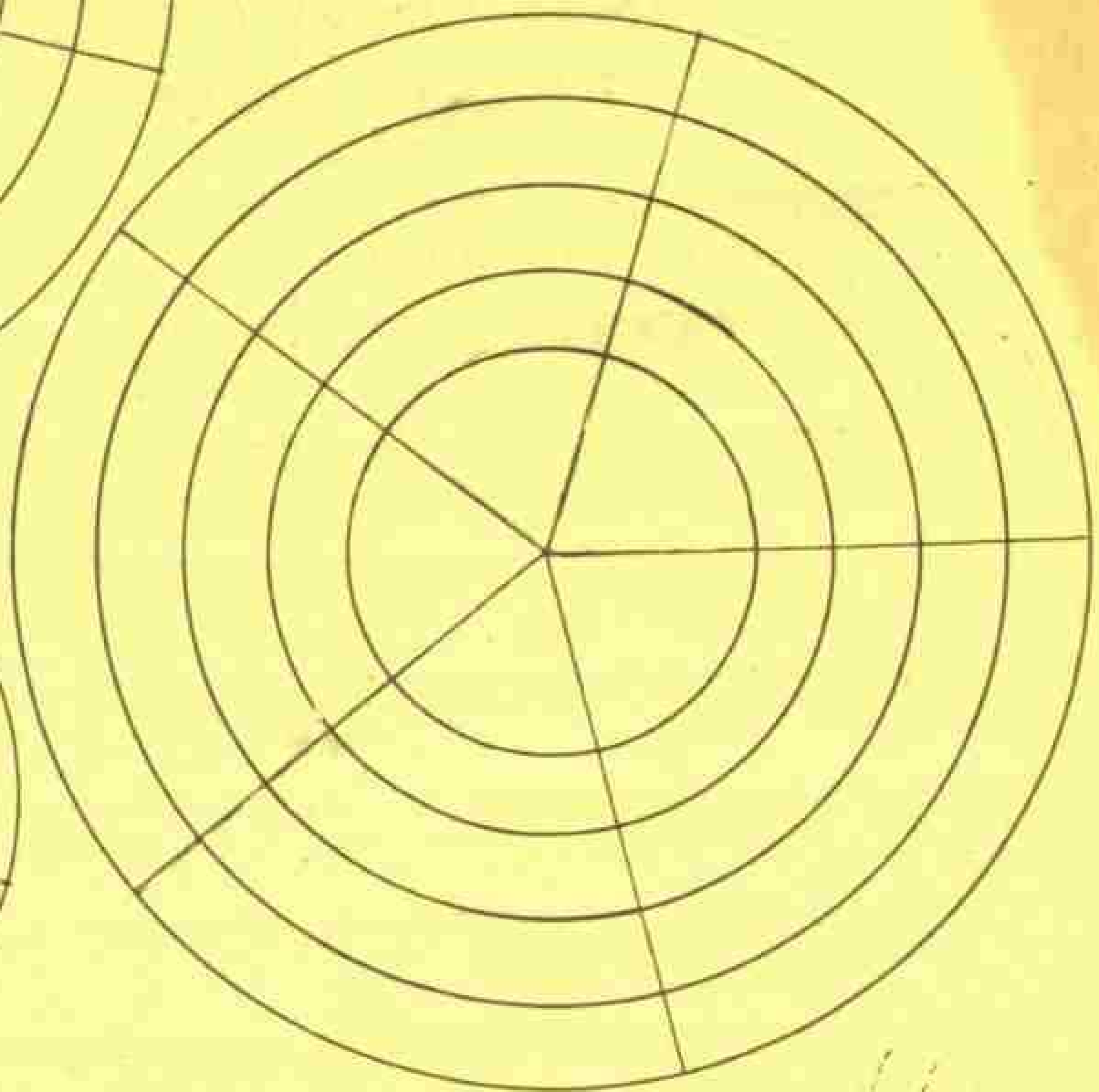
يا علي اذكرني

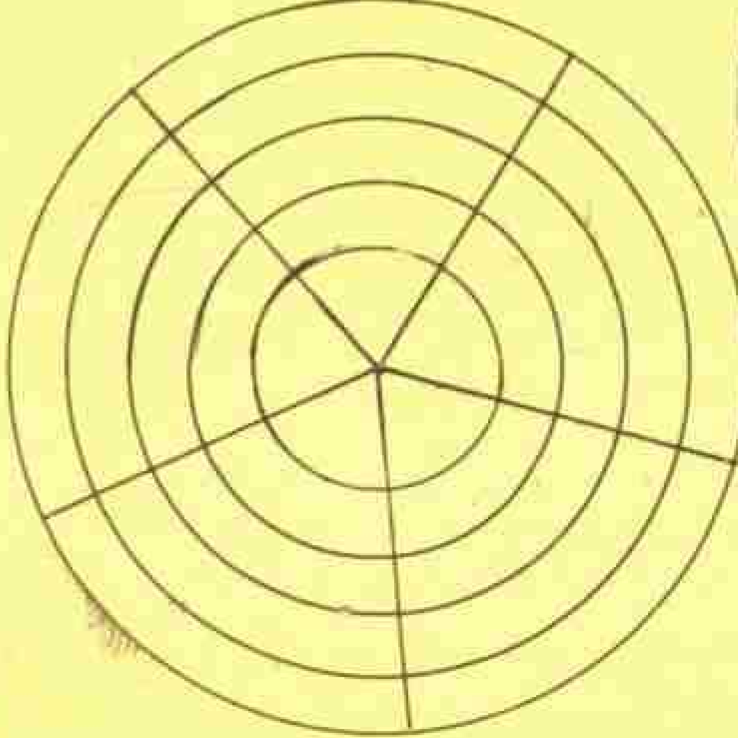
٢٧٦











١٠٤٨٥٧٦
١٠٢٤

٤١٩٤٣٠٤
٢٠٩٧١٥٢
١٠٤٨٥٧٦

١٠٧٣٧٤١٨٢٤

١٠٢٤
١٠٢٤

٤٠٩٦
٢٠٤٨
١٠٢٤

١٠٤٨٥٧٦

مرتبهٔ ١٠

١٠٤٨٥٧٦
١٠٢٣

٣١٤٥٧٢٨
٢٠٩٧١٥٢
١٠٤٨٥٧٦

١٠٧٢٦٩٣٢٤٨

١٠٢٤
١٠٢٣

٣٠٧٢
٢٠٤٨
١٠٢٤

١٠٤٧٥٥٢

مرتبهٔ ٢٠

مرتبهٔ ٣٠

١٠٧٣٧٤١٨٢٤
١٠٢٤

٤٢٩٤٩٦٧٢٩٦
٢١٤٧٤٨٣٦٤٨
١٠٧٣٧٤١٨٢٤

١٠٩٩٥١١٦٢٧٧٧٦

١٠٧٣٧٤١٨٢٤
١٠٢٣

٣٢٢١٢٢٥٤٧٢
٢١٤٧٤٨٣٦٤٨
١٠٧٣٧٤١٨٢٤

١٠٩٨٤٣٧٨٨٥٩٥٢

مرتبهٔ ٤٠

١٠٩٩٥١١٦٢٧٧٧٦
١٠٢٤

٤٣٩٨٠٤٦٥١١١٠٤
٢١٩٩٠٢٣٢٥٥٥٥٢
١٠٩٩٥١١٦٢٧٧٧٦

١١٢٥٨٩٩٩٠٦٨٤٢٦٢٤
٣١

١١٢٥٨٩٩٩٠٦٨٤٢٦٢٤
٣٣٧٧٦٩٩٧٢٠٥٢٧٨٧٢

٣٤٩٠٢٨٩٧١١٢١٢١٣٤٤

مرتبهٔ ٥٥

١٠٩٩٥١١٦٢٧٧٧٦
١٠٢٣

٣٢٩٨٥٣٤٨٨٣٣٢٨
٢١٩٩٠٢٣٢٥٥٥٥٢
١٠٩٩٥١١٦٢٧٧٧٦

١١٢٤٨٠٠٣٩٥٢١٤٨٤٨

مرتبهٔ ٥٠

١١٢٥٨٩٩٩٠٦٨٤٢٦٢٤
١٠٢٣

٣٣٧٧٦٩٩٧٢٠٥٢٧٨٧٢
٢٢٥١٧٩٩٨١٣٦٨٥٢٤٨
١١٢٥٨٩٩٩٠٦٨٤٢٦٢٤

١١٥١٧٩٥٦٠٤٧٠٠٠٠٤٣٥٢

مرتبهٔ ٦٠

١	١
٢	٢
٤	٣
٨	٤

٤٧٩

٤٦٣٠٣٢ ٤٠٠٠٥٩٦٤٨٠٠
٨٦٤ ٣٧٠٤٢٥٦
٢٩٦٣٤٠٤
٢٧٧٨١٩٢
٠١٨٥٢١٢٨
ن ١٨٥٢١٢٨

١١١١٢٧٦٨ ٤٠٠٠٥٩٦٤٨٠٠
٣٦ ٣٣٣٣٨٣٠٤
٠٦٦٦٧٦٦٠٨
٦٦٦٧٦٦٠٨
٠٠٠٠٠٠٠٠

ن ١١١١٢٧٦٨
٣٦
٦٦٦٧٦٦٠٨
٣٣٣٣٨٣٠٤
ن ٤٠٠٠٥٩٦٤٨

٤٦٣٠٣٢
٨٦٤٠٠
١٨٥٢١٢٨
٢٧٧٨١٩٢
٣٧٠٤٢٥٦
ن ٤٠٠٠٥٩٦٤٨

٦٦٦٧٦٦٠٨٠ ٤٠٠٠٥٩٦٤٨٠٠
٣٣٣٣٨٣٠٤
٠٦٦٦٧٦٦٠٨٠
٦٦٦٧٦٦٠٨٠
٠٠٠٠٠٠٠٠

٦٦٦٧٦٦٠٨٠
٥١
ن ٦٦٦٧٦٦٠٨
٣٣٣٣٨٣٠٤
ح ٤٠٠٠٥٩٦٤٨٠

٦٦٦٧٦٦٠٨٠ ٤٠٠٠٥٩٦٤٨٠٠
٦٠ ٠٠٠٠٠٠٠٠٠
٦٠
٤٠٠٠٥٩٦٤٨٠٠

٦٠
٦٦
٣٦
٢٤
١٤٤
٧٢٠
٨٦٤٠
١٣٠٨
٦٩١٢
٢٥٩٢
٨٦٤
١١٣٠١١٢٠٠
٣٥٤
٤٥٢٠٤٤٨
٥٦٥٠٥٦٠
٣٣٩٠٣٣٦
٤٠٠٠٥٩٦٤٨٠٠

٥٠ ٤٠٠٠٥٩٦٤٨٠٠
٨٠٠١١٩٢٩٦ ٤
٥ ٠٠٠
ن ٤٠٠٠٥٩٦٤٨٠

٥
٥٥٩
٥٤٤
٤٥
١
٤٨
٤٥
٣٤
ن ٠ ٢٣

٥٠٠٠٠٠ ٤٠٠٠٥٩٦٤٨٠٠
٨٠٠١١ ٤٤
٥٠٠٠٠٠ ٠٠٠
٤٠٠٠٥٥٠٠٠٠٠
٤٦٤٨٠٠
٤٠٠٠٥٩٦٤٨٠٠

٥
٥٥٩
٥٤٤٦٤٨٠٠

٢٤٠
١٤٤
٦٠
٨٦٤٠٠
٣٥٤
٣٤٥٦
٤٣٢٠
٢٥٩٢
٣٠٥٨٥٦٠
١٣٠٨
٢٤٤٦٨٤٨
٩١٧٥٦٨
٣٠٥٨٥٦
٤٠٠٠٥٩٦٤٨٠٠

۱۳۰۸
۶
۱۳۰۸
۷۸۴۸
۷۹۷۸۸
۲۲۳
۸۰۰۱۱ کرور

۲۲۳
۵۰۰۰۰۰
۱۱۱۵۰۰۰۰۰
یکصد و یازده هزار هزار و پانصد هزار عدد داست

کرور
۵۰۰۰۰۰
۶۱
۵
۳۰۵

۲۴
۶۰
۱۴۴
۶۰
۸۶۴۰۰
۳۵۴
۳۴۵۶
۴۳۲۰
۲۵۹۲
۳۰۵۸۵۶۰۰ قسمت بکرور
۳۰۵

۶۰
۸۶۴۰۰
۳۵۴
۱۴۴۰۰
۱۸
۱۰۸
۱۲۷۴۴۰۰
۲۴
۵۰۹۷۶
۲۵۴۸۸
۳۰۵۸۵۶۰۰
۱۳۰۸
۲۴۴۶۸۴۸
۹۱۷۵۶۸
۳۰۵۸۵۶
۴۰۰۰۵۹۶۴۸۰۰

۱۳۰۸
۸۵۶۰۰
۷۸۴۸
۶۵۴۰
۱۰۴۶۴
۱۱۱۹۶۴۸۰۰ قسمت بکرور
۱۱۱۵
۴۴۶۴۸۰۰

کرور
۵۰۰۰۰۰
۲۲۳

کرور
۲۲۰۱۱۲۷۶۸ ۵۰۰۰۰۰
۲۲ ۱۲۷۶۸ ۴۴۰

۵۰۰۰۰۰
۴۴۰
۲۲۰
۲۲۰۱۱۲۷۶۸

۲۲۰۱۱۲۷۶۸ ۵
۴۴۰۲۲۵۵۳
۲۲
۲۰
۱۲
۲۵
۶
۲۵
۱۸
۱۵
۳

۴۴۰۲۲۵۵۳
۵
۲۲۰۱۱۲۷۶۵

۴۴۰
۵۰۰۰۰۰
۲۲۰۰۰۰۰۰۰
۱۱۲۷۶۸
۲۲۰۱۱۲۷۶۸

۱۳۳۳۰۲۶۶۸۰ قسمتی

۱۳۰۸
۳۵۴
۵۲۳۲
۶۵۴۰
۳۹۲۴
۴۶۳۰۳۲
۲۴
۱۸۵۲۱۲۸
۹۲۶۰۶۴
۱۱۱۱۲۷۶۸
۶۰
۶۶۶۷۶۶۰۸۰
۶۰
۴۰۰۰۵۹۶۴۸۰۰
۶۰
۲۴۰۰۳۵۷۸۸۸۰۰۰

۲۲۲۱۷۱۱۱
۶۰
۱۳۳۳۰۲۶۶۶
۲
۱۳۳۳۰۲۶۶۸۰

۲۴۰۰۳۵۷۸۸۸۰۰۰
۱۳۰۸
۱۰۹۲۳
۱۰۴۶۴
۰۴۵۹۵
۳۹۲۴
۰۶۷۱
۶۵۴
۰۱۷۷۸
۱۳۰۸
۰۴۷۰۸
۳۹۲۴
۰۷۸۴۸
۷۸۴۸ ۰۰

۱۳۰۸
۱۸۳۵۱۳۶۰۰۰

۱۸۳۵۱۳۶۰۰۰
۱۳۰۸

٢٨٥

٢٤٠٠٣٥٧٨٨٨٠٠٠) ٣٥٤
٢١٢٤
٢٧٦٣
٢٤٧٨
٢٨٥٥
٢٨٣٢
٠٠٢٣٧٨
٢١٢٤
٢٥٤٨
٢٤٧٨
٠٠٧٠٨
٧٠٨ ...
٠٠٠

٦٧٨٠٦٧٢٠٠٠
٣٥٤
٢٧١٢٢٦٨٨
٣٣٩٠٣٣٦٠
٢٠٣٤٢٠١٦
٢٤٠٠٣٥٧٨٨٨٠٠٠

١٨٣٥١٣٦٠٠٠
١٣٠٨
١٤٦٨١٠٨٨
٥٥٠٥٤٠٨
١٨٣٥١٣٦
٢٤٠٠٣٥٧٨٨٨٠٠٠

٢٤٠٠٣٥٧٨٨٨٠٠٠) ٥٠٠٠٠
٢٤ ٣٥٥
٠٠ ٠٠٠
٢٨
٢٥
٣٨٨٠٠٠
٤٨٠٠٧١٥

٢٤٠٠٣٥٧٨٨٨٠٠٠) ٤٦٣٠٣٢
٢٣١٥١٦
٠٨٥١٩٧٨
٤٦٣٠٣٢
٣٨٨٩٤٦٨
٣٧٠٤٢٥٦
٠١٨٥٢١٢٨
١٨٥٢١٢٨ ...
٠٠٠٠٠٠٠

٥١٨٤٠٠٠
١٨٥٢١٢٨
٣٧٠٤٢٥٦
٤٦٣٠٣٢
٢٣١٥١٦٠
٢٤٠٠٣٥٧٨٨٨٠٠٠

٤٨٠٠٧١٥
٥٠٠٠٠
٢٤٠٠٣٥٧٥
٣٨٨٠٠٠
٢٤٠٠٣٥٧٨٨٨٠٠٠

٤٠٠٠٥٩٦٤٨٠٠
٦٠
٢٤٠٠٣٥٧٨٨٨٠٠٠

٢٤٠٠٣٥٧٨٨٨٠٠٠) ٢٤
٢٤ ٢٤
٠٠٠٠٠ ١١٧
٩٦
٠٢١٨
٢١٦
٠٠٢٨
٢٤
٠٤٨
٤٨ ...
٠٠

١٠٠٠١٤٩١٢٠٠٠
٢٤
٤٠٠٠٥٩٦٤٨
٢٠٠٠٢٩٨٢٤
٢٤٠٠٣٥٧٨٨٨٠٠٠

٦٦٦٧٦٦٠٨ (
٣٦٠٠٠

٢٤٠٠٣٥٧٨٨٨٠٠٠
٢٠٠٠٢٩٨٢٤
٠٤٠٠٠٥٩٦٤٨
٤٠٠٠٥٩٦٤٨ ...
٠٠٠٠٠٠٠٠٠

٢٤٠٠٣٥٧٨٨٨٠٠٠
٢٢٢٢٥٥٣٦
١٧٧٨٠٤٢٨
١١١١٢٧٦٨
٠٦٦٦٧٦٦٠٨
٦٦٦٧٦٦٠٨ ...
٠٠٠٠٠٠٠٠

١١١١٢٧٦٨
٢١٦٠٠٠

٦٦٦٧٦٦٠٨
٣٦٠٠٠
٤٠٠٠٥٩٦٤٨
٢٠٠٠٢٩٨٢٤
٢٤٠٠٣٥٧٨٨٨٠٠٠

١١١١٢٧٦٨
٢١٦٠٠٠
٦٦٦٧٦٦٠٨
١١١١٢٧٦٨
٢٢٢٢٥٥٣٦
٢٤٠٠٣٥٧٨٨٨٠٠٠

کتاب شرف العلوم

۴۸۶

باب اوّل ایضاً از اوایل کتاب شرف العلوم از قول محمود الحسینی البخاری القاری الشطاری
در مقسوم و آن بر پنج فصل ست فصل اوّل در خواص کواکب و قبایل ایشان
و اختلاف و موافقت و شرف و هبوط نیّرین و بحورات و معمولات و منسوبات
ایشان بدان ایدك الله بهذا الاعمال و آدابه کاین عمل و بناء او از دانیال
پیغمبر ع و بعضی بر انند که از حضرت ادریس ع پس هر دو پیغمبر انند هر که منکر
باشد کافر است بنص خبر و علم نجوم خاصه از حکمای یونانست خصوصاً اسکندر
ذوالقرنین که هر عملی که کردی بموافقت هفت کواکب کردی و پیغمبر ما صلعم
بعمل هفت روزه کردی که بهفت کواکب تعلق دارد و الله تعالی عالم شهادت را
بحکمت هفت کواکب ظاهر کرد اینکه آن هفت ایامست باشارهٔ خلق السموات
والارض فی ستة ایام و آن هفت ستاره بسبع صفات ذاتی نسبت دارند
و آن هفت کواکب زحل و مشتری و مریخ و شمس و زهره و عطارد
و قمر است و این هفت مذکور بهفت ایام بدین سند زحل بر شنبه
مشتری بر پنجشنبه مریخ بر سه شنبه شمس بر یکشنبه زهره بر جمعه
عطارد بر چهارشنبه قمر بر دوشنبه و این هریك بتمام روز موثر است
خصوصاً در اوّل ساعت موثر مطلق باشد و شب نیز انچنان بود بدین
سند جدول صفحهٔ مقابل معلوم کرده ساعات هر وقت معلوم کرده بدانکه
روز مقسوم بر دوازده ساعت هر ساعت بکوکبی مقسوم بود و شب نیز
بر دوازده کوکب مقسوم بود و در یکپاس سه کوکب اید شمار او از اوّل
ساعت کواکبست

ساعت کواکبست که مرقوم میشود بترتیب اول و دویم کوکب چنانچه درین بیت آمده
است نگاهدار تا بغلط نیفتد لمؤلفه زحل و مشتری و مریخ و شمس و زهره عطارد و قمرا

زحل بیع الملک	مشتری قرض خواستن	مریخ فصد و سواری	شمس فصد و حجامت	زهره حلی و حلل	عطارد اخبار کردن	قمر تحویل و سفر	بار کوکب مذکور
مشتری ابتداء کارها	مریخ غزا و حج	شمس ابتداء بنا بیت	زهره عیش کردن	عطارد ابتداء تعلیم	قمر دارو خوردن	زحل بنای عمارت	بار کوکب مذکور
مریخ ترتیب اسلحه	شمس طلب حاجت	زهره تزویج کردن	عطارد ادویه و آلات	قمر رسول فرستادن	زحل عمارت کردن	مشتری مکاتبت	بار کوکب مذکور
شمس رؤیت حکام	زهره ابتداء کارها	عطارد جدول کردن	قمر رسول فرستادن	زحل بنای عمارت	مشتری تجارت و سفر	مریخ صید و شکار	بار کوکب مذکور
زهره زن خواستن	عطارد سفر و تجارت	قمر ارسال رسل	زحل صحبت مشایخ	مشتری بنای مسجد	مریخ جدال و اسلحه	شمس رؤیت سلاطین	بار کوکب مذکور
عطارد ابتداء تعلیم	قمر بیع و شرا	زحل مکر و حیله	مشتری نقل و تحویل	مریخ فصد	شمس فصد	زهره مناکحت	بار کوکب مذکور
قمر رسول فرستادن	زحل دارو خوردن	مشتری طلب حقوق	مریخ حمام رفتن	شمس رؤیت ملوک	زهره زینت ساختن	عطارد تجارت کردن	بار کوکب مذکور
بار کوکب مذکور	بار کوکب مذکور	بار کوکب مذکور	بار کوکب مذکور	بار کوکب مذکور	بار کوکب مذکور	بار کوکب مذکور	بار کوکب مذکور

المثال روز پنجشنبه ۱ ساعت مشتری ۲ مریخ ۳ شمس یکپاس شد ۴ زهره
۵ عطارد ۶ قمر دو پاس شد ۷ زحل ۸ باز مشتری ۹ مریخ سه پاس شد ۱۰
شمس ۱۱ زهره ۱۲ عطارد چهار پاس شد و سیزدهم کوکب قمر است و آن

بشب جمعه اول ساعت باشد که سلطنت دارد و مؤثر مطلق بتمام شب بود بدین طریق
چهار پاس شب را در بیت مذکور از قمر بخوان بعد از دوازده ساعت سیزدهم
ساعت زهره که علی الصباح جمعه است بتمام یوم سلطنت دارد وقس علی هذا

چون وقت ایشان دریافتی رنگ ایشان دگر یاب زحل سیاه
مشتری زرد فام مریخ سرخ شمس زرد سرخ زهره سفید عطارد نیلوفری
قمر سبز اگر عمل کنی ازین جدول عامل باش بعروج رود عزیز و اول این جدول
دگران صفحه است

ایضا دگر اختیار است

روز شنبه خوش بود بهر شکار روز یکشنبه عمارت اشمار دگر دوشنبه نیک دان
عزم سفر وز سه شنبه دان حجامت را اثر چهار شنبه بهر دارو خوردنست پنج
شنبه روز حاجت بردنست روز جمعه خوش بود بهر نکاه خواجگی گفت است از خیر و صلاح
والسلام

۲۸۳

```
   ۱۰۲۴
   ۱۰۲۳
-------
   ۳۰۷۲
  ۲۰۴۸
 ۱۰۲۴
-------
۱۰۴۷۵۵۲
```

```
   ۱۰۴۷۵۵۲
      ۱۰۲۳
----------
   ۳۱۴۲۶۵۶
  ۲۰۹۵۱۰۴
 ۱۰۴۷۵۵۲
----------
۱۰۷۱۶۴۵۶۹۶
```

```
      ۱۰۷۱۶۴۵۶۹۶
            ۱۰۲۳
----------------
      ۳۲۱۴۹۳۷۰۸۸
     ۲۱۴۳۲۹۱۳۹۲
   ۱۰۷۱۶۴۵۶۹۶
----------------
   ۱۰۹۶۲۹۳۵۴۷۰۰۸
            ۱۰۲۳
----------------
   ۳۲۸۸۸۸۰۶۴۱۰۲۴
  ۲۱۹۲۵۸۷۰۹۴۰۱۶
۱۰۹۶۲۹۳۵۴۷۰۰۸
----------------
۱۱۲۱۵۰۸۲۹۸۵۸۹۱۸۴
```

```
                 ۱۰۲۳
              ۱۰۴۷۵۵۲
           ۱۰۷۲۶۹۳۲۴۸
        ۱۰۹۸۴۳۷۸۸۵۹۵۲
     ۱۱۲۴۸۰۰۳۹۵۲۱۴۸۴۸
   ۳۴۹۰۲۸۹۷۱۱۲۱۲۱۳۴۴
---------------------
   ۳۶۰۲۸۷۹۷۰۱۸۹۶۳۹۶۷
```

جمع مرتبهٔ پنجاه و پنج

```
                   ۱۰۲۳
                ۱۰۴۷۵۵۲
             ۱۰۷۲۶۹۳۲۴۸
          ۱۰۹۸۴۳۷۸۸۵۹۵۲
       ۱۱۲۴۸۰۰۳۹۵۲۱۴۸۴۸
    ۱۱۵۱۷۹۵۶۰۴۷۰۰۰۰۴۳۵۲
-----------------------
    ۱۱۵۲۹۲۱۵۰۴۶۰۶۸۴۶۹۷۵
```

جمع مرتبهٔ شصت

۱	۱
۲	۲
۳	۴
۴	۸
۵	۱۶
۶	۳۲
۷	۶۴
۸	۱۲۸
۹	۲۵۶
۱۰	۵۱۲
۱۱	۱۰۲۴
۱۲	۲۰۴۸
۱۳	۴۰۹۶
۱۴	۸۱۹۲
۱۵	۱۶۳۸۴
۱۶	۳۲۷۶۸
۱۷	۶۵۵۳۶
۱۸	۱۳۱۰۷۲
۱۹	۲۶۲۱۴۴
۲۰	۵۲۴۲۸۸
۲۱	۱۰۴۸۵۷۶
۲۲	۲۰۹۷۱۵۲
۲۳	۴۱۹۴۳۰۴
۲۴	۸۳۸۸۶۰۸
۲۵	۱۶۷۷۷۲۱۶
۲۶	۳۳۵۵۴۴۳۲
۲۷	۶۷۱۰۸۸۶۴
۲۸	۱۳۴۲۱۷۷۲۸
۲۹	۲۶۸۴۳۵۴۵۶
۳۰	۵۳۶۸۷۰۹۱۲
۳۱	۱۰۷۳۷۴۱۸۲۴
۳۲	۲۱۴۷۴۸۳۶۴۸
۳۳	۴۲۹۴۹۶۷۲۹۶
۳۴	۸۵۸۹۹۳۴۵۹۲
۳۵	۱۷۱۷۹۸۶۹۱۸۴
۳۶	۳۴۳۵۹۷۳۸۳۶۸
۳۷	۶۸۷۱۹۴۷۶۷۳۶
۳۸	۱۳۷۴۳۸۹۵۳۴۷۲
۳۹	۲۷۴۸۷۷۹۰۶۹۴۴
۴۰	۵۴۹۷۵۵۸۱۳۸۸۸
۴۱	۱۰۹۹۵۱۱۶۲۷۷۷۶
۴۲	۲۱۹۹۰۲۳۲۵۵۵۵۲
۴۳	۴۳۹۸۰۴۶۵۱۱۱۰۴
۴۴	۸۷۹۶۰۹۳۰۲۲۲۰۸
۴۵	۱۷۵۹۲۱۸۶۰۴۴۴۱۶
۴۶	۳۵۱۸۴۳۷۲۰۸۸۸۳۲
۴۷	۷۰۳۶۸۷۴۴۱۷۷۶۶۴
۴۸	۱۴۰۷۳۷۴۸۸۳۵۵۳۲۸
۴۹	۲۸۱۴۷۴۹۷۶۷۱۰۶۵۶
۵۰	۵۶۲۹۴۹۹۵۳۴۲۱۳۱۲
۵۱	۱۱۲۵۸۹۹۹۰۶۸۴۲۶۲۴
۵۲	۲۲۵۱۷۹۹۸۱۳۶۸۵۲۴۸
۵۳	۴۵۰۳۵۹۹۶۲۷۳۷۰۴۹۶
۵۴	۹۰۰۷۱۹۹۲۵۴۷۴۰۹۹۲
۵۵	۱۸۰۱۴۳۹۸۵۰۹۴۸۱۹۸۴

٢٨٤

١٣٠٨
٣٥٤
٥٢٣٢
٦٥٤
٣٩٢٤
٤٦٣٠٣٢
٢٤
١٨٥٢١٢٨
٩٢٦٠٦٤
١١١١٢٧٦٨
٦٠
٦٦٦٧٦٦٠٨٠
٦٠
٤٠٠٠٥٩٦٤٨٠٠

٢٤
٣٠
٧٢٠
٦
٤٣٢٠
٤١٧٦
٨٤٩٦
٦٠
٥٠٩٧٦٠
٦٠
٣٠٥٨٥٦٠٠
١٣٠٨
٢٤٤٦٨٤٨
٩١٧٥٦٨
٣٠٥٨٥٦
٤٠٠٠٥٩٦٤٨٠٠

٢٩
٢٤
١١٦
٥٨
٦٩٦
٦
٤١٧٦

٣٥٤
٢٤
١٤١٦
٧٠٨
٨٤٩٦

٢٤
٦٠
١٤٤
٦٠
٨٦٤٠٠

١٣٠٨
٨٦٤٠٠
٥٢٣٢
٧٨٤٨
١٠٤٦٤
١١٣٠١١٢٠٠

٤٠٠٠٥٩٦٤٨٠٠
٣٩٢٤
٠٠٧٦٥
٦٥٤
١١١٩٦
١٠٤٦٤
٠٠٧٣٢
٦٥٤
٠٧٨٤٨
٧٨٤٨
٠٠٠٠ ٠٠

١٣٠٨
٣٠٥٨٥٦
١٣٠٨
٢٤٤٦٨٤٨
٩١٧٥٦٨
٣٠٥٨٥٦
٤٠٠٠٥٩٦٤٨٠٠

چهارصد و شصت و سه هزار و سی و دو روز است بیست و دو کرور و صد و دوازده هزار و هفتصد و شصت و هشت ساعت است یکهزار و سیصد و سی و سه کرور دویست و شصت و شش هزار و هشتاد دقیقه است هشتاد هزار و یازده کرور و چهارصد و شصت چهار هزار و هشتصد ثانیه است

والسلام

٤٠٠٠٥٩٦٤٨٠٠
٣٠
١٣٣٣٥٣٢١٦
٣٠
٤٠٠٠٥٩٦٤٨٠٠ ن

٤٠٠٠٥٩٦٤٨٠٠
٣٥٤
٤٦٠
٣٥٤
١٠٦٥
١٠٦٢
٣٩٦
٣٥٤
٤٢٤
٣٥٤
٧٠٨
٧٠٨ ن
٠٠

٣٥٤
١١٣٠١١٢
٣٥٤
٤٥٢٠٤٤٨
٥٦٥٠٥٦٠
٣٣٩٠٣٣٦
٤٠٠٠٥٩٦٤٨ ن

٤٦٣٠٣٢
٨٦٤

الله	حیّ	قیّوم	علیم	قدیر	بصیر	سمیع	کریم	مجید	باسط	باعث	جواد	دایم	هادی
۶۶	۱۸	۱۵۶	۱۵۰	۳۱۴	۳۰۲	۱۸۰	۲۷۰	۲۵۴	۷۲	۵۷۳	۱۴	۵۵	۲۰
ودود	مالك	مبین	منعم	محمود	منیر	فتّاح	قریب	رحمن	رحیم	رزّاق	رشید	خالق	
۲۰	۹۱	۱۰۲	۲۰۰	۹۸	۳۰۰	۴۸۹	۳۱۲	۲۹۸	۲۵۸	۳۰۸	۵۱۴	۷۳۱	

فصل در دعوت حروف و کیفیت عمل بدانست بدانکه بباید دانست که اصل حروف در احدیت
چه بوده و در اعیان ثابته چه صورت داشت و در ملکوت چه شد و در ملك چه قرار
یافت بدانکه در احدیت شیون و در اعیان ثابته صورت اسماء الهی و در ملکوت
... و در ملك صورت حروف ۲۸ کانه که می بینی ۲۸ ملك اند
بعد ... سبحانه و تعالی حروف را بتمام اعضای آدم تقسیم نموده بحروف متشابهات
و مفردات بدین طریق راس الله است وحاجبین او ف و ق عینین او ع و غ
و وجه او ا ادنین او دذ وشفتین او فوق ت معکوس است وتحت او ب
... او ج وصدر او م وحروف متشابهات طلسم وقلب او ه و و که هوست
که مذهب اکثر اسم اعظم است وسره وی ن و وکتفین او س و ش وحروف متشا
بهات او و کهیعص وحم عسق است ومرفقین او ر و ز ویدین او د ی
وحروف متشابهات او طس ویس ووسط او ح و خ وحروف متشابهات او
الر الم ... ین یا هو است بحروف طسم وظهر او حروف متشابهات المص و
ظه وقضیب او ث سرنکون ورکبتین او ص و ض ورجلین او ط و ظ
پس هر حرفی را ازین حروف یك اسم اعظمست از اسماء الله که بدان حرف تعلق دارد
هر که بتسخیر آن اسم مشغول شود بعد از دعوت آن بمطلوبی که دار د حروف اسم او
با سر حروف اسم اعظم یکی باشد برسد وقواعد ش چنانست که اسم اعظم حروف
مثلا الله که حرف او الف است وعدد او ع ع است وترجمهٔ او خدای سزای
پرستش وموکل او اسرافیل وخادم او قید وش وبرج او حمل وکوکب زحل
نثره
ومنزل شرطین

ومنزل سرطین ونتایج حب وبغض
وبخورات او عود ولادن و
طبیعت وی حار جمله حروف
۲۸ کانه چنین است چنانچه در
این سه جدول طرور ق ثبت
شده است وعمل در آنوقت کند
که قمر در منزل حرف مقصود آید
وکوکب حرف

نثره | طرفه | قلب | شوله | مقدم | مؤخر | بطن الحوت
ا | ع | ه | ط | ح | ف | ش

سعد الاخبیه | اکلیل | زبانا | غفر | ذراع | هنعه | هقعه

سماک | عوا | ثریا | دبران | ذابح | بلع | سعد السعود

جمر | زغ | خته
ثور | سنبله | جدی
زهره | عطارد | زحل
ترابی

ایضا اسماء ملایکه وموکلات کواکب سبعه وطبایع اربعه در یابد

اسماء کواکب	اسماء موکلات	ناری	قلامیم	هوائی	قاقمیم	مائی	اماری	ترابی	بنیانا
زحل	ارقائیل	ا	اسرائیل	ق	عطرئیل	س	همرائیل	ج	کلکائیل
مشتری	بجزاد	غ	لومائیل	ی	سنکطائیل	ل	طاطائیل	م	دویائیل
مریخ	بهیبائیل	ه	دورائیل	ص	اهجمیائیل	ر	امواکیل	ز	صرفائیل
شمس	کلیمنا	ط	اسماعیل	غ	لوخائیل	ث	میکائیل	ب	جبرئیل
زهره	اسمون	ح	ته کائیل	ظ	نوزائیل	ن	حولائیل	خ	مکائیل
عطارد	اسکی	ف	سرحمائیل	ک	حروزائیل	و	افتمائیل	ت	عزرائیل
قمر	تعویل	ش	همرائیل	ط	عطکائیل	د	دردائیل	ذ	اهراطیل

موکلات بروج دوازده گونه بطریق اهل عرب

سراطیل	ثور	شهائیل	حوت	شهکیل	دلو	سراضیل	حمل	موکل	دوازده
محکمائیل	سنبله	صرصائیل	عقرب	قمقائیل	میزان	مزراکیل	اسد	موکل	[illegible]
عزرائیل	جدی	سرائیل	سرطان	سطائیل	جوزا	نعشائیل	قوس	موکل	[illegible]

تفصیل حروف جمل کبیر و کواکب و بروج و منازل و آثار و اسماء اعظم و عدد اسم و ترجمه اسم و موکلات
وجن و نتایج و بخورات در سر جدول نموده میشود جدول اول این است

جمل کبیر	ا	ب	ج	د	ه	و	ز	ح	ط	ی
اسم اعظم	الله	باقی	جامع	دیّان	هادی	ولی	زکی	حق	طاهر	یسین
عدد اسم	۶۶	۱۱۳	۱۱۴	۶۵	۲۰	۴۶	۳۷	۱۰۸	۲۱۵	۲۸۰
ترجمه	سزای پرستش	پاینده	جمع کننده	دوست دارنده	راه نماینده	صاحب	پاک کننده	ثابت	پاکیزه	اساز کننده
موکلات حروف	اسرافیل	جبرئیل	کلکائیل	دردائیل	دوریائیل	رفتمائیل	ترفائیل	تنکفیل	اسماعیل	سراکیطائیل
جن حروف	قیدیوش	زیدیوش	نویوش	لحیوش	پلیوش	یویوش	پلیوش	یحیوش	یدیوش	بدیوش
بروج حروف	حمل	جوزا	سرطان	ثور	حمل	جوزا	سرطان	جدی	اسد	میزان
کواکب حروف	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ
منازل حروف	شرطین	بطین	ثریا	دبران	هقعه	هنعه	ذراع	نثره	طرفه	جبهه
نتایج حروف	موالدة	عظمت	محبت	عداوت	سموم	محبت	مودّت	قطیعت	عقد الشهوت	فتح الرجال
بخورات حروف	عود	شکر سرخ	دارچینی	صندل سرخ	صندل سفید	کافور	عسل	مشک	شکر سرخ	گل سفید
طبایع حروف	بابس	رطب	یابس	بارد	حار	رطب	یابس	بارد	حار	رطب

جدول دوّیم

جمل کبیر	ک	ل	م	ن	س	ع	ف	ص	ق	ر
اسم اعظم	کافی	لطیف	ملک	نور	سمیع	علی	فتّاح	صمد	قادر	رب
عدد اسم	۱۱۱	۱۲۹	۹۰	۲۵۶	۱۸۰	۱۱۰	۴۸۹	۱۳۴	۳۰۵	۲۰۲
ترجمهٔ اسم	بسند کننده	کرم کننده	پادشاه	روشن کننده	شنواء	بزرگ	کشاینده	بی عیب	توانا	پرورنده
موکلات حروف	حروزائیل	طاطائیل	دویائیل	خولائیل	هرائیل	لویائیل	سرحمائیل	الجمائیل	عطرائیل	اهواکیل
جن حروف	قیدوش	عدیوش	صیجوش	قطیوش	دیوش	فلجیوش	فهیوش	صحیوش	فقدیوش	رهیوش
بروج حروف	عقرب	ثور	اسد	میزان	عقرب	سنبله	اسد	میزان	حوت	سنبله
کواکب حروف	شمس	زهره	عطارد	قمر	زحل	مشتری	مریخ	شمس	زهره	عطارد
منازل حروف	زبره	صرفه	عوا	سماک	غفر	زبانا	اکلیل	قلب	شوله	نعایم
نتایج حروف	عطف	زینت	محبت	عداوت	عقد شهوت	عقد بصیرت	قطیعت	الفت	عقد الرجال	مودّت
بخورات حروف	گل سرخ	پوست سیب	آبی	سنبل	خوش بوئی	فلفل	بخور	بسباسه	برنج	کلاب
طبایع حروف	یابس	بارد	حار	رطب	یابس	بارد	حار	رطب	یابس	بارد

جدول سیوم

٦

جدول سیوم

جمل کبیر	ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
اسم اعظم	شفیع	توّاب	ثابت	خالق	ذاکر	ضار	ظاهر	غفور
عدد اسم	۴۶۰	۴۰۹	۹۰۳	۷۳۱	۹۲۱	۱۰۰۱	۱۱۰۶	۱۲۸۶
ترجمهٔ اسم	شفاعت کنندهٔ	قبول کنندهٔ توبه	ثبوت کنندهٔ	آفریننده	یادکننده	زیان دهندهٔ	پیداکننده	آمرزگار
موکلات حروف	همرائیل	عزرائیل	میکائیل	هکائیل	اسرائیل	عطکائیل	لوزائیل	لوخائیل
جنّ حروف	شجیوش	تهیوش	ثهیوش	خهیوش	ذلدیوش	ضحیوش	ظهیوش	غضجیوش
بروج حروف	قوس	دلو	حوت	جدی	قوس	دلو	حوت	جدی
کواکب حروف	قمر	زحل	مشتری	مرّیخ	شمس	زهره	عطارد	قمر
منازل حروف	بلده	ذابح	بلع	سعد سعود	اخبیه	مقدّم	مؤخّر	رشا
نتایج حروف	عداوت	عقد النوم	قاتل السموم	عطف	سموم قاتل	عقد الرجال	عداوت	عدم بصر
بخورات حروف	عود	عنبر	عود	بنفشه	ریحان	گل زعفران	گل نسرین	قرنفل
طبایع حروف	حار	رطب	یابس	بارد	حار	رطب	یابس	بارد

وکوکب حرف در مقصد حرف باید که اوّلا تسخیر حروف بکند وبعد از آن بدعوتش در آید که گفته اند هر که تسخیر این حروف نکرده بدعوتش در آید عمل منقلب گردد ونتیجه معکوس دهد وچون این قواعد چنانچه باید وگفته شد وخواهد شد رعایت نماید فواید کلّی یابد وچون همه حروف ۲۸ کانند را مسخّر سازد با موکلات ملکی وجنّی بایدکه تا ۲۸ روز وشب بتسخیر مداومت نماید ودعوت کند ودر این مدّت الّا با یك خادم که تعهّد احوال او از اکل وشرب وغیره کند تکلّم ننماید ودر خانهٔ خالی پاکیزه ولباس پاکیزه بنشیند وبعده بعمل خواندن این عزیمت تسخیر حروف شروع نماید وهر روز ۲۱۴ مرتبه بخواند وروز آخر سه عدد افزوده بخواند هر بار که عزیمت بخواند تازه گردد تا باتمام رسیدن این مجموع حروف با ملك وجنّ والسّلام

۲۱۴
۲۸
۱۷۱۲
۴۲۸
۵۹۹۲
۳
۵۹۹۵

صاحب دعوت کردند و آن ملکی که موکل است بر اعمال علم جفر و نیرنجات و روحانیات و
زائچال غریبه و دعوتیه و فتحیه و آنچه از قبیل محبت و دعوت بدوح العجا جست مد دعای
جنی که موکل است بر اعمال علم جفر بفصیات و قطعیات و افعال عداوت و عقد اللسان
و عقد النوم و عقد الرجال و سموم قاتل و قاتل سموم و هلاکیه و از این باب آنچه صاحب دعوت
اراده داشته باشد بجا آورد بلا شبهه بحکم قادر مطلق و اگر کسی هر روز ورد خود سازد و بعد از نماز
صبح ۱۱۱ بار و بعد از نماز ظهر ۳۰ بار و بعد از نماز عصر ۳ بار با آداب مواظبت نماید ابواب
مقاصد بروی گشاده شود و اگر خواهد که عمل هر حرف از حروف مفرده بدست آرد یعنی اثر
هر عمل با موکل و جزوی بتسخیر خود در آورد از این حروف ۲۸ گانه هر یکرا که مطلب او است
نشان کند و از جدول معلوم کند چنانکه حروف را اعداد و ترجمه و اسم ملک و جن و بروج و کوکب
و منزل و نتیجه و طبیعت و بخور و اقلیم و جهت و غیر آن از منسوبات و حالات چه بعضی از کواکب
جنگ و بعضی افراد و بعضی ظلمانی و بعضی نورانی و بعضی سریعة البطون و بعضی بطیئة
البطون و بعضی غیر البطون از آنکه نتایج این علم بسیار است که در شرح نیاید و مقرر است
که بمواظبت این علم حروف بشرایط آن قادر تواند بود بر امور دینی و دنیائی و کشف قلوب و
صفای باطن و اطلاع بر مغیبات و مراتب کرامات و گشایش رزق و حصول علم و مال و کمالات
و تسخیر جن و انس و ملک و کواکب و در شب تار دیدن چنانکه بروز روشن و تعیین
موت و حیات و کیفیت مدت حیات هر کس همه اینها بسته بعلم حروف است و اگر کسی اثر
علم جفر و غیره خواهد باید که هر روز بدین عزیمت بمقدار امکان مشغولی نماید و باحتیاط
تمام بخواند و یک موکل حرفی با موکل سماعی ضم کرده مسطور شود تا از عزیمت اثر بیشتر یابد

انشاء الله

انشاء الله وعزیمت جمله حروف مع موکلات واجبه اینست بسم الله الرحمن الرحیم
اللهم انی اسالک بحق اسمائک الحسنی وصفاتک العلیا وبحق انبیائک المرسلین وملائکة
المقربین وبحق خصایص هذه الحروفات الطاهرات المبارکات وبیناتها وبرکاتها و
خاصیاتها واسرارها واثارها وتوابعها وبحق اسمائک الاعظم الذی اذا دعیت بحق
حق علیک ان لا تحرم سائله وبحق حبیبک وسائلک الذی وصل الی نهایة المراد ان
تسخر لی ارواح الملائکة والجن والانس وان تقضی حاجتی وتبلغنی مطلوبی برحمتک
یاهو یامن هو یالااله الاهو یامن یمحو الله مایشاء ویثبت وعنده ام الکتاب اقسم علیکم
یامعشر الروحانیین التابعین بهذه الاسماء والخدام بهذه الحروف هیشمهیال کشمیال هشنش شا
کبرش انت القوی الشدید هاهورش میخ هصیورش مکثوهیغ سیهلتش طلطعوج بعظمة
طلطوخ یانورشمسنا ضحمشط طمخلیا طخ فاطر السموات والارض کشفیال طلطمطا بکلکمو
تیا هلغ الیغ یاهلومهیاوته سغوص تدکدکت الجبال لعظمة اسمائه اهو بیهوه بحق هذه
القسم الذی طاعته علی کل روح وروحانی وجسمانی سخروالی خلایق الارض والسموات اسر
عوا وانفذوا واجلبوا تهیج خلوق الاول والاخر والظاهر والباطن بحق العهد الماخوذ علیکم
من الانقیاد فیما امرکم به بعزة العزیز اوفوا بعهد الله اذا عاهدتم فلا تنقضوا الایمان
بعد توکیدها وقد جعلتم الله علیکم کفیلا یاخدام هذه الاسماء من ربکم بحق الذی لیس
کمثله شیء وهو السمیع العلیم اللهم انی اسالک بحق اسمائک یاالله یاالله یاالله بحرمة
الالف الهیتک اقسم علیک یااسرافیل یااسرافیل یااسرافیل بحق الله العظیم ان تقضی
حاجتی وبحق سیدک قیدوش یاباقی بحرمة الباء بدایتک اسالک اقسم علیک

9

یا جبرئیل بحق باقی البقاء ان تقضی حاجتی بحق سیدك زیوش یا جامع بحرمة الجیم جلالك
اسالك اقسم علیك یا کلکائیل بحق جامع الجمع ان تقضی حاجتی وبحق سیدك نونوش
یا دیان بحرمة الدال دلیلك اسالك اقسم علیك یا دردائیل بحق دیان العباد ان تقضی
حاجتی وبحق سیدك بجیوش یا هادی بحرمة الهاء هدایتك اسالك اقسم علیك یا دورا
ئیل بحق هادی الخلایق ان تقضی حاجتی بحق سیدك بیوش یا ولی بحرمة الواو ولایتك
اسالك اقسم علیك یا رفتمائیل بحق ولی الولایة ان تقضی حاجتی بحق سیدك یویوش
یا زاکی بحرمة الزاء زاکیتك اسالك اقسم علیك یا شرفائیل بحق ازاکی الطاهر ان تقضی
حاجتی بحق سیدك ببیوش یا حق بحرمة الحاء حیوتك اسالك اقسم علیك یا تنکفیل
بحق حق الحقیقة ان تقضی حاجتی وبحق سیدك یحیوش یا طاهر بحرمة الطاء طهورك
اسالك اقسم علیك یا اسماعیل بحق طاهر الطاهرات ان تقضی حاجتی وبحق سیدك
یذیوش یا یسیر بحرمة الیاء یسرك اسالك اقسم علیك یا سراکیطائیل بحق یسیر
العسیر ان تقضی حاجتی وبحق سیدك یا یهیوش یا کافی بحرمة الکاف کفایتك
اسالك اقسم علیك یا حرزائیل بحق کافی الموسع ان تقضی حاجتی وبحق سیدك
قذیوش یا لطیف بحرمة اللام لطفك اسالك اقسم علیك یا لطاطائیل بحق
لطیف الالطف ان تقضی حاجتی وبحق سیدك عذیوش یا ملك بحرمة المیم ملکوتك
اسالك اقسم علیك یا رویائیل بحق ملك الممالك ان تقضی حاجتی بحق سیدك صجیوش
یا نور بحرمة النون نورانیتك اسالك اقسم علیك یا حولائیل بحق النور الانوار ان
تقضی حاجتی وبحق سیدك قطیوش یا سمیع بحرمة السین سمیعتك اسالك اقسم علیك

یا هولاکیل

يا همواكيل بحق سميع النداء ان تقضي حاجتي بحق سيدك فكجيوش يا علي بحرمة
العين علوك اسالك اقسم عليك يا رماهيئل بحق علي الاعلى ان تقضي حاجتي بحق سيدك
قبحيوش يا فتاح بحرمة الفاء فتحك اسالك اقسم عليك يا سرحمائيل بحق فتاح المفتاح
ان تقضي حاجتي بحق سيدك فهيوش يا صمد بحرمة الصاد صمديتك اسالك اقسم عليك
يا اهجمائيل بحق الصمد بلا شبه ان تقضي حاجتي بحق سيدك صحيوش يا قادر بحرمة
القاف قدرتك اسالك اقسم عليك يا عطرائيل بحق قادر القدير ان تقضي حاجتي بحق
سيدك فقديوش يا رب بحرمة الراء ربوبيتك اسالك اقسم عليك يا امواكيل بحق
رب الارباب ان تقضي حاجتي بحق سيدك رهيوش يا شفيع بحرمة الشين شفاعتك
اسالك اقسم عليك يا همرائيل بحق شفيع المشفع ان تقضي حاجتي بحق سيدك شيخيوش
يا تواب بحرمة التاء توبتك اسالك اقسم عليك يا عزرائيل بحق التواب التام ان
تقضي حاجتي بحق سيدك تهيوش يا ثابت بحرمة الثاء ثبوتك اسالك اقسم عليك
يا ميكائيل بحق ثابت الصفات الثبات ان تقضي حاجتي بحق سيدك ثهيوش يا خالق بحرمة
الخاء خلقك اسالك اقسم عليك يا مهكائيل بحق خالق الخلاق ان تقضي حاجتي بحق سيدك
خهيوش يا ذاكر بحرمة الذال ذكرك اسالك اقسم عليك بحق ذاكر الذكر ان تقضي
حاجتي بحق سيدك ذهيوش يا ضار بحرمة الضاد ضررك اسالك اقسم عليك
يا عطكائيل بحق الضار الضرر ان تقضي حاجتي بحق سيدك ضحيوش يا ظاهر بحرمة الظاء
ظهورك اسالك اقسم عليك يا لوزائيل بحق ظاهر المظاهر ان تقضي حاجتي بحق سيدك
ظهيوش يا غني بحرمة الغين غنائك اسالك اقسم عليك يا لوخائيل بحق غني المغني

ان تقضی حاجتی بحق سیدك غضجیوش ان تسخروا الی خلائق الارض والسموات وما فیهما وان تجمعوا بینی وبینهما واحضروا الکلهما انه من سلیمان وانه بسم الله الرحمن الرحیم الا تعلوا علی وأتونی مسلمین یا ارواح الطیبین الطاهرین المسخرین لهذه الحروف واسماء الحروف وهیجوا مظاهر الجن والانس وغیرهم وامروا الی مکانی وتعینونی وتنصرونی فی تحصیل مرادی وتوکلوا علی جلب جمیع المحبوب والمقصود والنفع والرزق والخیر والبرکة وادفعوا عنی جمیع المضار بحق هذه الاسماء المبارکة المقدسة وبحق الاسماء اوله واخره ال العجل العجل العجل الوحاء الوحاء الوحاء الساعة الساعة الساعة

بارك الله لنا ولکم انه رؤف رحیم والحمد لله رب العالمین

فایده واکر کسی همین عزیمت را با ترك حیوانی هر روز بعد از نماز صبح ۲۸ بار وبعد از نماز ظهر ۱۴ بار وبعد از نماز عصر ۷ بار وبعد از نماز مغرب ۴ بار وبعد از نماز عشا ۱ بار مداومت نماید متصرف کاینات کردد واکر نتواند بعد از نماز صبح ۱۲ بار وبعد از نماز عصر ۷ بار بخواند همان اثر دهد وایضا باید که این عزیمت را از نا اهلان پوشیده دارد واز معاملات ومکاشفات کسی را خبر دار نکند واکر کسی خواهد که از این ۲۸ حروف یك حرف را تسخیر کند باید که بدین طریق عزیمت بسته بخواند بسم الله الرحمن الرحیم یا الله بحرمة الف الهیتك اسالك بحق اسمائك وصفاتك ان تقضی حاجتی یا ایها الملك الموکل علی هذه الحرف الطاهر واغثنی وانصرنی علی حصول مرادی بحق لا اله الا هو اقسمت علیکم یا اسرافیل بحق اسم الله العظیم ان تقضی حاجتی بحق سیدك قیدیوش انما امره اذا اراد شیئا ان یقول له کن فیکون فسبحان الذی بیده ملکوت کل شیء والیه ترجعون بهر حرفی از محبت ومودت وبغض وعداوت وغیره که خواهد

وغیره که خواهد بدین طریق عزیمت بسته عامل کردد و قراءت عزیمت بعدد اسم مطلوب و
اسم اعظم بخواند و بخور مناسب بسوزد مطلوب بدست آید   واکر کسی بجهت جلب
قلوب و زیادتی محبّت بخواند باید که اوّل صورت مطلوب را بر کاغذ بنویسد و بر دیوار
سمت مشرق بچسباند بعده یك میخ نعل اسب با یك در میان الف زند و این عمل در آن
وقت کند که کوکب محبّت بود و در ساعة او و قمر در خانهٔ خود باشد تا مطلوب بحصول انجامد
واکر خواهد که دشمنی را نابینا سازد صورت او را بطریق مذکور بدیوار مسطور بکشد
و حرف میم نوشته صورت سرخ نکارد و بر چشم او میخ با یك زند و باید که کوکب طالع بود
و قمر در منزل خود بود و این عزیمت بر میخ بعدد مذکور بخواند و هر بار که میخواند بخور را تازه
کند چون با تمام رسد در آن لحظه میخ زند هم در آن وقت با یکی چشم او در آید   واکر خلاصی
او را خواهد میخ را از آنجا بکشد و صورت را از دیوار جدا کند او خلاص شود   واکر برنیّت
بغض و عداوت خواهد باید که صورت خصم را بدیوار شرقی چسباند و حرف اعضای مطلوب ایشان
بنویسد و کوکب حرف بجای خود در وقتی که قمر بجای خود یعنی منزل خود باشد یك میخ نعل اسب
با یك میان حرف زند و این عزیمت موافق عدد اسم خصم و اسم اعظم بخواند و هر بار بخور را تازه
کند بمطلوب برسد عزیمت اینست یَا مُفَرِّقُ فَرِّقْ بَیْنَ فلان بن فلان کَمَا فَرَّقْتَ بَیْنَ النَّارِ
وَالْخَشْبَةِ وَفَرَّقْتَ بَیْنَ النُّوْرِ وَالظُّلْمَةِ وَاجْعَلْ بَیْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا یَبْغِیَانِ   وکلیهٔ این
عمل آنست که حروف مقصود را بکیرد و عزیمت بسته بجای اقض حاجتی مقصود را بزبان
آورد و قراءت بعدد اسم مقصود و اسم اعظم کند و هر بار بخور تازه کند و چون با تمام رسد
عمل میخ بجا آورد در وقتی که طلوع کوکب حرف مذکور بود و قمر در منزل خود باشد

وایضاً از برای محبّت والفت ورضا عملی که از حضرت ادریس ع بارسطو واسکندر رسیده است
بکند وآن چنانست که اوّل حروف طالع طالب را از دایرهٔ حکما وطالع مطلوب نیز ازهمان دایره جدا
کانه بنویسد بعده هر دو حرف از نام طالب و مطلوب جدا کانه رقم زند چنانچه چهار سطر از اسمین
وطالعین باشد بعد از آن حروف طالع طالب را با حروف طالع مطلوب امتزاج دهد یکسطر کند
بعده حروف اسمین را امتزاج داده دوئم سطر کند بدین سند که نموده میشود اوّل حرف
اسم طالب دوئم حرف اسم طالع مطلوب تا با تمام رسد واز هر اسمیکه حروف کم شود باز حروف
از سر گیرد تا هر دو حرف برابر شود همچنین حروف طالعین را نیز وکم و بیش را برابر کرده امتزاج
دهد بعده حروف هر دو سطر را بطریق مذکور امتزاج داده یك سطر کند بعده جای
حروف سطر را اعراب از دایرهٔ حکما دهد بعده از جملهٔ حروف سطر اسماءِ الٰهی برارد وهمچنین
اسماءِ ملائکه برارد وقسم بدین سند بندد اَقْسَمْتُ عَلَيْكُمْ يَا فلان ايئل الْمَلَائِكَةُ الا
عْظَمْ بِحَقِّ فلان اسماءِ الله اَنْ تَمَوَّجُوا مَحَبَّةِ فلان بن فلان في قلب وفواد فلان بن
فلان كَمَا ذُوحِبَ حُرُوفِ اِسْمَهُ بِاِسْمِهُ فَاقْلِبُوا قَلْبَهُ وَفُوَادَهُ بِمَحَبَّتِهِ الْعَجَلْ ٣ الوحا ٣ الساعة
٣ بِحَقِّ فلان اسماءِ الله تعالى تكرار كند واين عمل بطالع وقت بايد كرد وبمداد مناسب
وبخور وهیزم مقید کند اگر عمل نورانی بود بر حریر سفید یك سطر مرکب کرده بعده حروف
سطر فتیله سازد و بر و بمشك و زعفران وگلاب بنویسد واگر نیرانی بود بگرباس سرخ یا جامه
که از مقبره باشد حروف جدا کانه ببر کر یا بشنگرف نوشته فتیله ساخته در چراغدان کذارد
وبعمل نورانی فتیله چهار تر پیچد وبعمل نیرانی فتیله راسر ترکند وروی چراغدان
بسوی خانهٔ مطلوب کند وبعمل نورانی چراغ مسین بود وروغن گاو باعسل آمیخته افروزد

وبعمل نیرانی

وبعمل نیرانی چراغ کهنه وروغن بزر تلخ بسوزد وسطر تکسیر مقلوب کند ودر عزیمت بجای
لفظ محبت عداوت کوید وقراءت بعد حروف سطر اول کند ودر عمل نورانی فتیله از جانب
راست در آتش کذارد ودر نیرانی بعکس وعزیمت بخواند بعده حروف مرکب اعراب داده
بخواند ودر اعراب هر جا که دو جزم بپهلوی هم افتد یکی را کسره کند وبخواند باید که وقت کوکب
نکه دارد عزیمت نیرانی بدین سند ببندد اَقسَمتُ عَلَیکُم یا فلان ایها المَلائِکةِ العِظامِ
بِحَقِّ فلان اسماءِ اللهِ تعالیٰ اَن تُفَرِّقُوا بین فلان بن فلان وبین فلان بن فلان وَجعلوا
عداوةَ فلان بن فلان فی قلبِ وَفُؤادِ فلان بن فلان کَما فَرَّقتَ حُروفَ اِسمهُ عَن اِسمهِ
فَاقلِبُوا قلبهُ وَفُؤادهُ بِعَداوتهُ العَجَل ۳ الوحا ۳ السّاعة ۳ بِحَقِّ فلان اسماءِ اللهِ تعالیٰ
وامتزاج دو نام طالع هر دو اسم بر عکس کند یعنی از آخر حروف اسم سطر بندد وبخور بسوزاند
بخور نیرانی بود وفتیله بعد حروف کند وهر روز یك فتیله بسوزد وابتداء از روز عداوت
کند وبعد از سوختن فتیله خاموش بنشیند تا فتیله تمام بسوزد وبروز دویم وقت مذکور عمل
فتیله بجا آورد وبعضی همچنان شده است که هنوز فتیلهٔ اول تمام نشده مقصود روی داده
است وبعضی را بدویم فتیله وبعضی بسیم الی نهایت فتیله بمقصود رسیده اند وبعضی
دو موکل از طالعین ودو موکل سر حرف اسمین کرفته سوکند اسماءِ الٰهی داده عامل میشوند
طریقهٔ دویم از عمل یونانیان چون خواهد که عمل محبت کند از اول حرف از نام طالب
ومطلوب وحرف اول از کوکب زهره یا مشتری که بمقصد محبت تعلق دارد بکیرد وباز دویم
حرف از هر یك تا تمام حروف اسمین وکوکب وچون حرف کوکب آخر شود باز از سر کیرد
واکر عمل بغض باشد از حروف کوکب زحل یا مریخ از دایرهٔ حکما بکیرد وجملهٔ حروف

هر سه نام بطریق مذکور بگیرد و حرفی که چهار باشد منصوب کند و یابس را مرفوع سازد
و تر را مجرور کند و بارد را مجزوم کند و اعراب از دایرهٔ مذکور دهد مع بخورات کوکب
مسطور در ساعت او و فتیله بعد حروف از کاغذ مسطور بمقام خلا بچراغ در روغن
معهود بکار برد و اگر کاغذ حریری نبود بکاغذ مُهره زده بمشک و زعفران و گلاب بنویسد
و قدری چاشنی شکر سرخ در آن فتیله کرده و فتیله را چهار ته بپیچد و بالای آن پنبهٔ نرم
پاک غلاف کرده روی فتیله بسوی خانهٔ مطلوب کرده بسوزد و فتیله را از جانب سر آتش دهد
و خود در برابر چراغ بنشیند و عزیمت بخواند بعد حروف و بعد از تمام عزیمت حروف سطر را
بخواند بعد حروف سطر و بعمل نورانی حروف ترکیب کرده بخواند و بعمل نیرانی حرف جدا
کانه بعدد مذکور بخواند و مطلوب را حاضر و آمده پیدا سازد و اگر در اول فتیله حاضر نشود بعدد
حروف فتیلهای ساخته بشب یا روز بوقت معیّن عمل کند بیشک مطلب حاصل شود و
عزیمت اینست اَقْسَمْتُ عَلَیْکُمْ یَا اَرْوَاحَ الْعُلْوِیَّةِ وَالسُّفْلِیَّةِ بِکُلِّ اِسْمٍ حَاصِلٍ مِنْ تَکْسِیرِ
هٰذِهِ الْحُرُوفِ مِنْ اَسْمَاءِ رَبِّنَا وَرَبِّکُمْ وَاِلٰهِنَا وَاِلٰهِکُمْ وَمِنْ اَسْمَاءِ رُؤَسَائِکُمْ مِنَ
الْمَلَائِکَةِ الْمُقَرَّبِینَ وَالْاَرْوَاحِ الْمُقَدَّسِینَ اَنْ تُعِینُونِی لِمَحَبَّتِهِ فلان بن فلان وَتُهَیِّجَهُ
اِلَیَّ اِلَیَّ اِلَیَّ طریقهٔ دیگر که بعضی علماء بدان عمل کرده اند چون خواهد که
در میان دو کس محبت و الفت پیدا آید حروف نام طالب را مقدّم بنویسد و حروف نام مطلوب را
مؤخّر و زمام کند و بعضی میان هر دو نام اسم و دود نوشته زمام کنند و ببینند که چند
سطر شد پس از آن سطور یک حرف اول و یک حرف آخر از تمام سطرها بگیرد و این عمل را صدر
مؤخّر گویند و این صدر و مؤخّر را یک سطر بنویسد بعده ترکیب دهد و اعراب از دایرهٔ
مذکوره سازد

مذکوره سازد بعده در ساعت زهره یا مشتری در روز یا در شب که آن کوکب در برج خود باشد
وقمر به تثلیث یا مقارنه یا تسدیس بود مشغول کردند و سطر مسطوره بر پارهٔ حریر زرد
یا سفید نویسد و بخور کوکب بسوزد وبدوئیم حرف نام طالب ومطلوب نوشته فتیله بوقت
مذکور بکار برد و روغن نور زرد ببندد مذکور است وعزیمت مذکور بعد حروف سطر
بخواند بعده سطر فتیله بعد دم مذکور بخواند گفته اند که هنوز فتیله تمام نسوخته باشد که مطلب
حاصل شود وبعضی سطور تمام تکسیر بیکسطر نوشته فتیله سازند ایضاً
حکمای یونان گویند که عدد اسم طالب وعدد اسم مادرش را نیز بحساب جمل شماره کنند و ۱۲ و
۱۲ طرح کند آنچه باقی ماند از برج اول بشمارد و بهر برجی که عدد تمام شود طالع او همان برج خواهد بود
وهمچنین اسم مطلوب ومادرش را عمل نماید وحروف بروج هر دو را بطریق ضابطهٔ اول
امتزاج دهد وحروف اسم طالب ومطلوب را نیز امتزاج دهد بعده حروف طالعین واسمین را
امتزاج بیک سطر کند وآن را اعراب از دایرهٔ مذکوره دهد وفتیلها را بعد حروف بطرز مذکور
رقم زند وبر آخر سطر خط کواکب کشد ودر پشت فتیله اسمین را بنویسد وبر هر فتیله کلمات
سطر بعد حروف سطر بخواند وبدمک وبطرز مذکور بسوزد وطریق کتابت وترکیب وغیره
در اعمال قبل ازاین مذکور شده بدان عمل نماید وخطوط کواکب بعد ازاین مسطور خواهد شد
ایضاً بعضی علماء وحکمای سلف بدین نهج عمل کرده اند که اسم طالب ومادرش را به
حساب جمل جمع کرده وطرح نموده برج بر آرد همچنین بطرح ۱۲ برج مطلوب کشد وطبیعت آن برج در
یابد که از کدام عنصر است وحروف هر دو عنصر را امتزاج داده وحروف اسمین را هم امتزاج
داده بعده بیک سطر حروف اسمین وعنصرین را امتزاج دهد وبکاغذ مهره زده حروف را

مرکب نوشته واعراب از دایرهٔ مزبوره دهد و فتیله در روغن وغیره بطرز مزبور ساخته وحروف را
خلاصه ساخته تکسیر نماید وبه پشت وفق مربع بکشد و بایدکه عمل بروز یکشنبه کند واین تکسیر را
اگر طالع مطلوب ناری بود عمل تکسیر و وفق نکند که عمل نار فتیله است واگر طالع مطلوب هوا
ئی باشد عمل تکسیر و وفق کند ودر باد بمحل خلا آویزد ویا ببازوی کبوتر بندد واگر طالع مطلوب
مائی باشد شسته ودر شیشه کند وبخوراند یا زیر آب روان دفن کند واگر ترابی بود دیگر
بازوی خود بندد ویا بالای آستانهٔ مطلوب پنهان سازد تا اثر بسرعت ظاهر شود وبعضی
گویند خلاصه وتکسیر و وفق نکند بلکه همان یکسطر را بنویسد ودر پشت او اسمین را بنویسد
وبکار برد ایضًا اسم طالب ومطلوب مع مادر شان بنویسد وحروف کوکب هر دو را
بنویسد وبطریق مذکور هر دو را امتزاج داده هر چهار را یك سطر کند وآن سطر را پیوسته نوشته
اعراب زند بعده چهار پارهٔ کاغذ اوّل خطوط کوکب مطلوب برنگ کوکب نویسد وبرگرد او
سطر معرّب نویسد وچهار صورت از موم بسازد وبخور کوکب بکار برد وبسینهٔ صورت
کاغذ سطر پیچیده وبموم اندود کند ویکی از آن چهار از بر آتش دفن کند ودوئیم را
بباد آویزد وسیوم را زیر آب دفن کند واگر آب جاری بود بهتر باشد وچهارم را
بخاك پنهان سازد وعزیمت آن کوکب که قبل ازاین مسطور است هفت بار بخواند وبخور
کند ودر عمل سرعت نماید چنانچه در ساعت او عمل تمام شود وبعضی گویند که عمل
در شرف قمر وساعت او کند وعزیمت قمر بخواند وعزیمت قمر اینست یَا مُنِيرَ الْعَالَمِ
مِنْكَ الْأَشْجَارُ نَامِيَةٌ لِثِمَارِهِ مَصْنُوعَةٌ أَنْتَ السَّعْدُ الْأَكْبَرُ وَالْكَوْكَبُ الْأَزْهَرُ مِنْكَ نُورُ الْأَرْضِ
وَضَوْءُ السَّمَاءِ مِنْكَ سَعَادَةُ الْمَسْعُودِينَ وَدَفْعُ الْبَلَاءِ وَتَحُلُّ وَمَا تَعْقِدُ النُّحُوسُ وَتَدْفَعُ الشَّرَّ

این نسخه را تا

این نسخه را تا همین جا نوشته بودند انستم که عزیمت تمام است یا آنکه باقی دارد باید ملاحظه شود والسلام

در معرفت سمت رجال الغیب در هر روز از روزهای ماه بدانکه ارباب مکاشفات واصحاب مغیبات چنان دانسته وتجربه کرده اند که الله تعالی عالم را مفوض کرده است بوجود ابدال واخیار واوتاد وقطب وغوث وعماد که ایشان را رجال الغیب گویند ودر عالم تا قیام قیامت متصرف اند وبجهت مصالح ونظام عالم در بحر وبر حاضر اند وطی ارض کنند بقدرت الله تعالی واطراف جهان را بقدوم خویش مشرف کرده اند وهر روز از روزهای ماه در جهتی از جهات باشند وبجمیع جهات نظر افکنند ومدد باهل عالم رسانند پس هر وقتی از اوقات که مهمی پیش آید از سفر یا جنگ یا اعمال باید که پشت بجانب ایشان کنند یا بچپ ویار است چنانکه کسی تکیه بر چیزی کند واز ایشان مدد طلبند وعزیمتی که بعد از این مذکور میشود بخوانند پس متوجه مطلب شوند که البته بر آن مطلب مظفر وفیروز گردند و طریق سیر ایشان در جهات هشت کانه بدین نوع است که نموده میشود ودر این پت مذکور میشود عدد هر حرف اشاره بهر روز است هر حرفی فقط بیک طرفی منسوب است دریابد ونگاه دارد دیگر آن روی صفحه است

در میان مشرق وجنوب باشند اطبو الد	در مشرق باشند دبالر الط	در میان شمال ومشرق باشند وکا ح
در جنوب باشند ح یح الو		در شمال باشند ع یح ل
در میان جنوب ومغرب باشند سـ نط الد	در مغرب باشند ی ند الد	در میان مغرب وشمال باشند ه ی کـ

اینست بیت کنجع ناشم کنجع لشم کنجع باشم کنجع اشم ها در مشرق پیل سوار و
ایسان طاوس سوار ودر شمال اسب سوار وبروایتی شیر سوار ودر نیرت سگ سوار
ودر جنوب اسب سوار ودر اکنی استر سوار وبروایتی گاو سوار باید که در وقتیکه متوجه
امری یا عملی شوند ایشان را روبروی خود نیاورند ایضاً اگر کسی هر روز این عزیمت
رجال الغیب را در حالتی که ایشان را پس پشت خود کرده باشد ۸ بار بخواند وبهر مهم ۲۸
بار مدد طلبد امداد ومعاونت از ایشان در یابد بدین سنگ روز شنبه وقت پیشین
روز یکشنبه در وقت صباح روز دوشنبه میان ظهر وعصر روز سه شنبه در وقت
چاشت روز چهارشنبه در وقت عصر روز پنجشنبه در وقت زوال روز جمعه
در وقت شام مقصود ومطلوب او بحصول انجامد باید که باوضو باشد ورو بسمت ایشان کرده
این عزیمت را بخواند بعد از آن پشت بطرف ایشان کند بطریقی که تکیه برجائی زنند و
بمطلوب متوجه شوند وعزیمت اینست بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ عَزَمْتُ عَلَيْكُمْ يَا رِجَالَ
اللّٰهِ عَاشِقٍ لِوَجْهِ اللّٰهِ رَغِبَ قُلُوبِكُمْ لَا فِي الدُّنْيَا وَلَا فِي الْعُقْبَى إِلَّا عَلَى اللّٰهِ وَاللّٰهُ
بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ أَنْتُمْ فِي الْمَشْرِقِ أَوْ فِي الْإِيسَانِ أَوْ فِي الشَّمَالِ أَوْ فِي الْبَائِبِ أَوْ فِي ا
لْمَغْرِبِ أَوْ فِي النَّيْرَتِ أَوْ فِي الْجَنُوبِ أَوْ فِي الْأَكْنِي يَا نُقَبَاءَ يَا نُجَبَاءَ يَا رُقَبَاءَ يَا أَخْيَارَ يَا أَبْدَالَ
يَا أَوْتَادُ يَا غَوْثُ يَا قُطْبُ يَا عِبَادَ اللّٰهِ رَحِمَكُمُ اللّٰهُ تَعَالَى أَغِيثُونِي بِغَوْثِكُمْ وَأَجِيبُونِي بِدَعْوَ
تِكُمْ وَانْظُرُونِي بِنَظْرَتِكُمْ وَافْتَحُونِي بِفَتْحِكُمْ وَامْدُدُونِي بِمَدَدِكُمْ وَانْصُرُونِي بِنُصْرَتِكُمْ
وَاعِينُونِي بِقُوَّتِكُمْ اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ يَا رِجَالَ الْغَيْبِ بعد از آن
۳۴ نوبت این اسم را بخواند يَا سَلَامُ تَسَلَّمْتَ بِالسَّلَامِ وَالسَّلَامُ فِي سَلَامٍ سَلَامُكَ يَا سَلَامُ

وبگوید دو دست

وبکف دو دست دمیده بتمام اندام فرود آورد ایضًا برای طلب مقصود نشت

بدان جانب کرده این تسبیحات را بطریقی که مذکور خواهد شد هر روز ۳۶۵ بار بخواند

واز تسبیح عروج ونزول وچهاردهم وبیست وهشتم ملاحظه آرد در اول تاریخ

یَا ظَاهِرُ اَظْهِرْنِی غِنَاءً اَوْ غَیْرِ ذٰلِكَ مَعَ ظُهُورِ هَلَالِكَ یَا ظَاهِرُ وروز دویم

تا بدر تمام بود این تسبیح را هر روز بخواند یَا مَزِیدُ زِدْنِی غِنَاءً اَوْ غَیْرِ ذٰلِكَ مَعَ

اِزْدِیَادِ هَلَالِكَ وَاَعْرِجْنِی غِنًا اَوْ غَیْرِ ذٰلِكَ مَعَ عُرُوجِ اَیَّامِكَ یَا مَزِیدُ وبروز

بدر بخواند یَا تَامُّ تَمِّمْنِی غِنَاءً اَوْ غَیْرِ ذٰلِكَ مَعَ اِتْمَامِ بَدْرِكَ یَا تَامُّ وبروز سلخ ماه

بخواند یا اخفاء قمر یَا مُمْحِقُ اَمْحِقْ عَنِّی فَقْرًا اَوْ غَیْرِ ذٰلِكَ برعکس مقصود مَعَ اِنْمِحَاقِ

بَدْرِكَ وَانْسَلِخْ عَنِّی فَقْرًا مَعَ اِنْسِلَاخِ اَیَّامِكَ یَا مُمْحِقُ ودر ایام خفاء یا دو روز یا سه

روز بخواند یَا خَفِیُّ اَخْفِنِی فَقْرًا اَوْ غَیْرِ ذٰلِكَ مَعَ خِفَاءِ قَمَرِ یَا خَفِیُّ وبروز هلال

یا غره ماه همان تسبیح اول را بخواند که انشاءالله در روز اول یا دویم یا سیوم مقصد

بحصول رسد واین فقیر بسیار تجربه کرده وبمطلب رسیده است ایضًا الکرکبی

سبی اسماء بسی روز ایام ماه هر روز یکیک اسم را ۸۰۰ بار بخواند البته بمراد دل برسد

واکر از برای مقصود معین آغاز کند کوکب مقصود را نظر کرده از اسماء آن کوکب شروع

کند وبعد از هر صد اسم مقصود شرا بر زبان آورد واکر تاخیر بیند باز آغاز کند که

انشاءالله تعالی تا دویم وسیوم زود مقصود سر انجام یابد واکر مداومت نماید در هر

کاری نصرت وفتح یابد بشرطی که بامداد رجال الغیب بخواند یا بعد الفجر یا بعد الظهر

یا بعد المغرب آغاز کند واکر ورد کند ۸۰ بار بخواند مؤثر آید واکر مله بر ۲۹ روز

افتد که اسم اخیر را پشت هلال بخواند و ۲۸ اسما بطالع هفت کوکب که قبل ازاین بحروف ابیات در
دایره محقق و مسطور شد و مرقوم میشود و داعی هفت کواکب را باید که هر روز مداومت نماید و تسخیر
هر کوکب که کنند اسماء آن کوکب بغرهٔ ماه بساعت آن کوکب آغاز نماید و بطریق ورد هر آن روز
که غره افتد اسماء آن روز را پیشوا سازد و دیگر آنرا تابع آورد عامل بجمیع صفات الهی موصوف
گردد و اگر ورد هر کوکب را هر روز بطالع آن کوکب بخور مناسب بکار برد زودتر مؤثر آید
و اگر بطرز دعوت مع شرایط و آداب دعوت و موکلات اسما هر چهار کونه بخواند سریع الاجابت
گردد و باید که حصار کواکب که بعد ازاین مذکور میشود نگه دارد خواه عمل جلالی باشد و خواه
جمالی و یا مشترک فایده از عمل معلوم خواهد شد و هر کوکبی بچهار اسم منسوبست و دو اسم
بوحدت و ذات اسماء زحل یعنی روز شنبه یا اِلهَ الالِهَةِ الرَّفیعَ جلالُهُ یا اِلهَ یا بارِئَ
النُّفوسِ بلا مِثالٍ خَلا مِنْ غیرِهِ یا بارِئ یا جامِعُ تجمَّعتَ بِالجمعِ والجمعُ فی جمعِ جمعِکَ
یا جامِعُ یا دایِمُ بلا فَناءٍ ولا زوالِ مُلکِهِ وبقائِهِ یا دایِمُ اسماء مشتری یعنی روز پنجشنبه
یا هادی تهدّیتَ بِالهِدایةِ والهِدایةُ فی هِدایةِ هِدایتِکَ یا هادی یا واحِدُ
الباقی اوّلَ کلِّ شیءٍ وآخِرَهُ یا واحِدُ یا زَیْنُ تزیّنتَ بِالزّینةِ والزّینةُ فی زینتِ
زینتِکَ یا زینُ یا حمیدَ الفعالِ ذا المَنِّ علی جمیعِ خلقِهِ بلطفِهِ یا حمیدُ اسماء مریخ
یعنی روز سه شنبه یا طالِعُ تطلّعتَ بِالطُّلوعِ والطُّلوعُ فی طُلوعِ طُلوعِکَ یا طالِعُ
یا یَسیرُ تیسّرتَ بِالیُسرِ والیُسرُ فی یُسرِ یُسرِکَ یا یسیرُ یا کبیرُ انتَ الله الّذی لا تهتدی
العُقولُ لِوصفِ عظمتِهِ یا کبیرُ یا لطیفُ تلطّفتَ بِاللُّطفِ واللُّطفُ فی لُطفِ
لُطفِکَ یا لطیفُ اسماء شمس یعنی روز یکشنبه یا مُبدِئَ البَرایا ومُعیدَها بعدَ فنائِها

بقدرته

بقدرته یا مبدئ یا نصیر تنصّرت بالنصرة والنصرة فی نصرة نصرتك
یا نصیر سبحانك لا اله الا انت یا رب كل شئ ووارثه ورازقه وراحمه
سبحانك یا علّام الغیوب فلا یفوته شئ من علمه ولا یئوده من حفظه یا علّام
اسماء زهره یعنی روز جمعه یا فتّاح تفتّحت بالفتح والفتح فی فتح فتحك یا فتّاح
یا صمد من غیر شبه ولا شئ كمثله یا صمد یا قدّوس الطاهر من كل سوء
فلا شئ یعازّه من جمیع خلقه بلطفه یا قدّوس یا رحیم كل صریخ ومكروب و
غیاثه ومعاذه یا رحیم اسماء عطارد یعنی روز چهارشنبه یا شاهد تشهّدت
بالشهود والشهود فی شهود شهودك یا شاهد یا تامّ فلا تصف الالسن كل
كنه جلاله وملكه وعزّه یا تامّ یا ثابت ثبوت ذات فی الصفات مع الاسماء والا
فعال یا ثابت یا خالق من فی السموات والارض وكلّ الیه معاده یا خالق اسماء قمر
یعنی روز دوشنبه یا ذاكر تذكّرت بالذكر والذكر فی ذكر ذكرك یا ذاكر یا ضیاء
الضمیر من كل معرفة یا ضیاء یا ظاهر تظهّرت بالظهور والظهور فی ظهور
ظهورك یا ظاهر یا غیاثی عند كل كربة ومجیبی عند كل دعوة و
معاذی عند كل شدّة ویا رجائی حین تنقطع حیلتی یا غیاثی اسم وحدت
یا واحد توحّدت بالوحدة والوحدة فی وحدة وحدتك یا واحد اسم
ذات یا الله المحمود فی كل فعاله والسلام

